صحیفه رضویه جامعه

الإمام علي بن موسى الرضا عليه السلام

تألیف

آیة الله سید محمدباقر موحد الأبطحي اصفهاني

ترجمة دکتر سید غلامرضا لاجوردی

صحیفه رضویه جامعه : ادعیه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : موحد ابطحی،سید محمدباقر، 1313 -1392

عنوان قراردادی : الصحیفه الرضویه الجامعه لادعیه الامام علی بن موسی الرضا (ع). فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : صحیفه رضویه جامعه: ادعیه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام/ تالیف سیدمحمدباقر موحدابطحی اصفهانی؛ ترجمه سیدعدنان لاجوردی؛ [برای] پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیرخانه دایمی جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام.

مشخصات نشر : مشهد: امید مهر، 1391.

مشخصات ظاهری : 264 ص.

شابک : 66000 ریال 978-600-1541-59-9 :

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : فارسی - عربی.

موضوع : علی بن موسی (ع)، امام هشتم، 153؟ - 203ق. -- کتاب های دعا، و غیره

موضوع : دعاها

شناسه افزوده : لاجوردی، سیدعدنان، 1343 -، مترجم

شناسه افزوده : پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

شناسه افزوده : جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام. دبیرخانه دائمی

رده بندی کنگره : BP267/م8ص3041 1391

رده بندی دیویی : 297/772

شماره کتابشناسی ملی : 2920473

ص: 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

ص: 7

ص: 8

پیام مقام معظم رهبری

بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت عالم ربانی مرحوم ایت الله آقای حاج سیدمحمدباقر موحد ابطحی اصفهانی رحمه الله علیه را به بازماندگان آن مرحوم و خاندان محترم ابطحی و به عموم ارادتمندان و مستفیدان از مقام علمی ایشان تسلیت عرض می کنم. این عالم بزرگوار، فقیهی جامع و متتبّع و متعبّد و از پرورش یافتگان مکتب علمی مرجع بزرگ شیعه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی اعلی الله مقامه ومنشأ آثار و برکات متعدد بودند فقدان ایشان موجب تأسّف آشنایان به مقامات علمی و معنوی آن بزرگوار است. از خداوند متعال علوّ درجات و حشر با اولیائش را برای آن مرحوم مسألت می نمایم.

سیّدعلی خامنه ای17بهمن1392

ص: 9

مقدمه ناشر

برگزاری جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام به صورت سالانه ازسوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در داخل و خارج از کشور به مناسبت میلاد با سعادت و سراسر نور عالم آل محمد صلی الله علیه و اله و سلم حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیه السلام و بزرگداشت حضرت شاهچراغ علیه السلام در دهه کرامت (از یکم تا یازدهم ذالقعده) از این جهت اهمیت مضاعف می یابد که همه ساله اندیشمندان، پژوهشگران، هنرمندان و در یک کلام پدیدآورندگان آثار فاخر رضوی با خلق آثار فاخر و ارزنده زمینه ی ترویج بیش از پیش فرهنگ، سیره و معارف رضوی را باهمکاری دستگاه ها و نهادهای عضو جشنواره و با حمایت اقشار مختلف مردم و با پشتیبانی دولت محترم و عنایت مجلس محترم شورای اسلامی، خصوصاً اعضاء محترم کمیسیون فرهنگی مجلس و بویژه رهنمودهای مراجع عظام و علمای اعلام در یک فضای معنوی فراهم می نمایند.

الف: برنامه های موضوعی

برنامه های موضوعی تعریف شده در جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام شامل آن دسته از برنامه هایی می شود که توسط استان ها، نهادها و سازمانهای عضو، به صورت انتشار فراخوان و دریافت آثار و انتخاب برگزیدگان پرداخته می شود ودر حال حاضر بخش های این جشنواره به موضوعات علمی، پژوهشی، فرهنگی، هنری، سینمایی، مطبوعاتی، دیجیتالی و کودک ونوجوان اختصاص دارد.

ب: امور بین الملل

برنامه های تعریف شده برای خارج از کشور در جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام با بهره گیری از ظرفیت علمی، فرهنگی اندیشمندان و دانشمندان جهان همچنین مشارکت ارادتمندان هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت در اقصی نقاط جهان با رویکرد علمی، پژوهشی، فرهنگی و هنری برگزار می گردد. این بخش با محوریت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، همکاری نهادهای فرهنگی مرتبط با خارج از کشور به ویژه مجمع جهانی اهل البیت علیه السلام جامعه المصطفی العالمیه می باشد.

ص: 10

ج: برنامه های عمومی

سازماندهی برنامه های عمومی جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام با ایجاد فرصت های معنوی دهه کرامت در سراسر کشور اعم از شهر وروستا در قالب جشن های مردمی با مشارکت اقشار مختلف و با پیش بینی 17 کارگروه از نهادها و تشکل های مردمی با نظارت شورای هماهنگی جشن های دهه کرامت و با محوریت ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد کشور و با همکاری 30 دستگاه فرهنگی و مرتبط کشور به عنوان مجری عهده دار این ساماندهی می باشند.

د: تکریم امامزادگان و بقاع متبرکه

بزرگداشت امامزادگان به عنوان قطب های فرهنگی جامعه یکی از محورهای اصلی برنامه های روز پنجم ذیقعده در تقویم فرهنگی کشور ودر دهه کرامت می باشد که همه ساله در تمامی استانها برنامه ریزی و به مورد اجرا گذاشته می شود ودر طی سال های اخیر این بزرگداشت در چارچوب همایش و کنگره در دستور کار سازمان اوقاف و امور خیریه کشور قرار گرفته است.

ح: بزرگداشت قدمگاه های حضرت امام رضا علیه السلام

بزرگداشت قدمگاه های مسیر هجرت حضرت امام رضا علیه السلام از شلمچه تا مرو از سوی تشکلهای مردمی با راه اندازی کاروان های نمادین و مراسم ویژه از جمله برنامه هایی می باشد که با حضور و مشارکت گسترده ی مردم در استان های مسیر هجرت و قدمگاه ها نهادینه شده است.

و: برنامه های ویژه

جاری و ساری نمودن یاد و نام امام رضا علیه السلام درطول سال با برگزاری مراسم به منظور بهره مندی از تعالیم وآموزه های رضوی با ایجاد فضای با نشاط معنوی در سطح جامعه از جمله برنامه های سالانه این جشنواره می باشد که در استمرار دهه کرامت در سطح استان های کشور توسط ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و دستگاههای عضو به مرحله اجرا گذاشته می شود.

ز: برگزیدگان

ص: 11

یکی از دستاوردهای مهم جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام شناسایی پدید آورندگان آثار فاخر فرهنگی و هنری در زمینه فرهنگ رضوی می باشد که در برنامه های مختلف و دراستانهای مختلف از سوی هیأت داوران هر یک از رشته های علمی، فرهنگی، هنری، سینمایی و مطبوعاتی، دیجیتالی و کودک و نوجوان آثار برگزیده منتخب شناسایی و نفرات اول تا سوم پدید آورنده هر یک از این آثار به عنوان برگزیده شناخته شده و طی مراسم اختتامیه برنامه موضوعی هر یک از استان ها و دستگاه ها مورد تقدیر قرار می گیرند.

ح: خادمان فرهنگ رضوی

یکی از برنامه های جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام شناسایی و معرفی خادمان فرهنگ رضوی می باشد که سالانه از سوی کمیته انتخاب خادمان فرهنگ رضوی جشنواره 16 چهره برجسته علمی، فرهنگی هنری در داخل و خارج از کشور که دارای خدمات برجسته ای در ساحت مقدس فرهنگ رضوی باشند انتخاب و با اهداء نشان جشنواره از آنان تجلیل می گردد.

ط: افتتاحیه و اختتامیه جشنواره بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا علیه السلام

جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام در دهه کرامت همزمان با میلاد حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در شهر مقدس قم افتتاح وپس از اجرا در 31 استان کشور و سطح وسیعی از نقاط جهان، اختتامیه آن در شب میلاد با سعادت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام با حضور مسئولان عالی رتبه، اقشار مختلف، برگزیدگان جشنواره اصحاب فرهنگ و هنر با تجلیل از خادمان فرهنگ رضوی در مشهد مقدس به کار خود پایان می دهد.

ی: انتشارات :

یکی ازبرنامه های مستمر بنیاد بین المللی امام رضا علیه اسلام انتشار محصولات پژوهشی جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام می باشد. کتاب حاضر منبع ارزشمندی برای تأمین نیاز پزوهشگران به شمار می رود که به سفارش این بنیاد توسط عالم برجسته، فقید سعید، مرحوم حضرت آیت اللّه موحد ابطحی اصفهانی تألیف و توسط مترجم توانا جناب اقای

عدنان لاجوردی ترجمه گردیده و با نظارت فاضل ارجمند حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب سید مصطفی میرلوحی و اهتمام جناب آقای دکترعلی سروری مجد به مرحله انتشار رسید.

بنیاد بین المللی فرهنگی و هنری امام رضا علی السلام

ص: 12

مقدمهٔ مترجم

سپاس بی کران و شکر فراوان خداوندی را سزاست که بر این بنده کمترین منت نهاد

وتوفیق انجام خدمتی بسیار ناچیز به آستان ملک پاسبان سلطان سریر ارتضا حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثنائ را عطا فرمود.خداوندی که گنج های رحمت خویش را بر بندگان ارزانی داشت و کلید آنها را به صورت دعا در اختیار آنان گذاشت.

و سلام و درود و رحمت خداوند بر محمد مصطفی و اهل بیت گرامیش باد که آنان را چراغی فروزان در شبستان تاریک عالم ناسوت و حلقه اتصال خلایق به عالم ملکوت ساخت، وجودات مبارکی که واسطه ی فیض الهی به بندگان و دساویز مستحکم مردمان برای رسیدن به قرب الهی و رهبران ایشان برای سیر در طریق کمال انسانی هستند. آنان که با بیان شیوا و رسایشان آئین سخن گفتن با خدا را به ما آموختند و شعله ی توحید و بندگی را در دل ها افروختند.

کتابی که پیش رو دارید مجموعه ای است از أدعیه ی زاکیه ی وجود مقدس هشتمین اخترتابناک آسمان ولایت و امامت حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء که به نام " صحیفه رضویه جامعه " به زیور طبع آراسته شده، و توفیق الهی نصیب این حقیر شده است تا ترجمه فارسی آن را به خوانندگان گرامی این أدعیه ارائه دهم. امید است که شیعیان و محبان اهل بیت علیه السلام از این گنج شایگان بهره مند شده و نکهت و شمیم این أدعیه روح عاشق آنان را به نسیم کلام روح پرور رضوی بنوازد.

درباره ترجمه حاضر لازم است نکاتی چند مورد توجه قرار گیرد:

1_ترجمه دقیق کلام اهل بیت علیه السلام که سخنشان پایین تر از کلام خالق و فوق کلام مخلوق است، اگر غیر ممکن نباشد قطعاً امری است بس دشوار و مترجم به هر درجه ای از درک و فهم کلام و قدرت بیان و قلم رسیده باشد باز نمی تواند دقایق کلام حضرات معصومین علیه السلام را به طور کامل به زبان دیگر برگرداند، به ویژه آن که این کلام در خطاب به خداوند و در مقام نیایش های عارفانه با ذات باری تعالی باشد:

گربریزی بحر را در کوزه ای *** چند گنجد قسمت یک روزه ای

ص: 13

بنابر این حقیر با تمام سعی و تلاشی که در ترجمه ی این أدعیه به کار بسته ام پیش از هر چیز به نقایص فراوان این ترجمه معترفم و از لطف و کرم ساحت مقدس رضوی عاجزانه می خواهم که این کار ناچیز را به دیده ی اغماض نگریسته و آن را از این بندۀ کمترین پذیرا باشند که ران ملخی است تقدیم به آستان سلیمان عشق و برگ سبزی است تحفه درویش.

2_متأسفانه در متن عربی اذکار و ادعیه ای که جهت ترجمه به حقیر ارائه شد اشتباهات نسبتاً زیادی در قواعد نحوی در اعراب گذاری برخی کلمات، عدم رعایت قواعد املاء عربی در نگارش برخی الفاظ و حتی اغلاط کمی در تشخیص خود واژگان از نسخۀ خطی وجود داشت که حتی الإمکان کوشیدم این اشتباهات برطرف شود. البته برخی از موارد اندک، به سبب اینکه مستلزم تغییر نسبتا زیادی در متن نسخه خطی بود و یا مورد موافقت مؤلف محترم قرار نگرفت، به همان شکل قبلی آمد و حقیر توضیحات خویش را در آن موارد در پاورقی آوردم. همچنین پاراگراف بندی متن أدعیه در مواردی دارای اشکال بود که به حمدالله اصلاح لازم صورت گرفت.

3_از آنجا که متأسفانه در ترجمۀ برخی از واژگان بعضاً دقت کمی صورت می گیرد و کم کم ترجمۀ غیر دقیق آن ها به زبان فارسی در متون مختلف به همان شکل غلط رواج پیدا می کند و یا برخی از معادل ها به تدریج در قلمرو ادبیات فارسی منسوخ شده و یا در اثر کثرت تکرار نمی کنند مفهوم دقیق کلمۀ عربی را آن چنان که باید منعکس سازند، در ترجمۀ حاضر کوشش شد که برا برخی از این واژگان در پاورقی توضیحات تکمیلی آورده شود تا خوانندگان فرهیخته این اثر به دقایق کلام حضرت توجه بیشتری پیدا کنند.

4_بی گمان کلمات حضرات معصومین علیه السلام به ویژه در مقام نیایش با ساحت مقدس پروردگار کلامی است برآمده از قرآن کریم و وحی الهی؛ چرا که خود قرآن ناطق و مجسمند و سراسر وجودشان با قرآن سرشته و بیان گهربارشان با کلام حق آمیخته است. در أدعیه رضوی نیز علاوه بر استشهاد فراوان حضرت به موارد به آیات قرآن کریم، بسیاری از سخنان حضرت یافت می شود که از قرآن اقتباس شده اند، که حقیر در حد توان وبضاعت مزجاه خویش کوشیده ام این اقتباسات را در پاورقی تذکر دهم.

در پایان برخود لازم می دانم ضمن سپاس مجدد از توفیقات حضرت حق، به مقتضای " من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق " نهایت تشکر و امتنان خویش را نسبت به تمام عزیزانی که در چاپ و نشر این مجموعه دعا و ترجمهٔ آن همت گماشته اند ابراز نمایم. توفیقات روز افزون این عزیزان را در راه گسترش معارف اهل بیت علیه السلام از درگاه ایزد منان خواستارم. همچنین از خوانندگان فرهیخته و ارجمند این اثر رجائ واثق دارم که هرگونه نقص، اشتباه و انتقاد نسبت به ان را به نشانی ناشر ارسال دارند تا انشاالله در چاپ های بعدی اصلاح شود.

و من اللّه توفیق و علیه التکلان

سیّد عدنان لاجوردی

5 شوال المکرم 1433 هجری قمری

برابر با 2 شهریور 1391 هجری شمسی

ص: 14

مقدمه ناظر ترجمه

و الحمد اللّه رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و لعنه اللّه علی اعدائهم اجمعین.

خدای متعال را شاکریم که در این سال های اخیر ، جشنواره بین المللی امام رضا علیه السلام و خدام ارجمند و مخلص ان را بیش از پیش به استفاده از معارف ناب رضوی رهنمون شد و علاوه بر فوائد علمی، تحقیقاتی و همایش های1 تخصصی به وسیله اساتید و محققان در این جریان حاصل شد؛ که به غنای این جشنواره ارزشمند افزود. برکاتی از مجموعه آثار محقق عالیقدر فقیه جامع حضرت آیۀ اللّه حاج سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی رحمه اللّه علیه به این جشنواره رسید که اشاره خیلی کوتاه به آن ضروری می نماید.

از تألیفات این عالم محقق «صحیفه رضویه جامعه» حاوی مجموعه ادعیه امام رضا علیه السلام بوده که در فرایند خدمات این جشنواره به زبان های فارسی، انگلیسی وارد و ترجمه ودر اختیار هزاران عاشق معارف رضوی قرار گرفت، و نیز مجموعه عظیم عوالم العلوم که تألیف علامه بحرانی از شاگردان ممتاز علامه مجلسی (رحمهما اللّه) است؛ به وسیله این عالم ربانی تحقیق ، احیائ و تکمیل شده است.

در این راستا خدمتگزاران این جشنواره معنوی با همت مترجم ارجمند جناب آقای دکتر عدنان لاجوردی، «صحیفه رضویه جامعه» را با ترجمه خوب و روان و چاپ پاکیزه به حضور ایرانیان و پارسی زبانان عاشق اهل البیت علیه السلام تقدیم کردند که در اینجا شایسته بود از همه آنها تشکر و قدردانی شود، نز جا دارد در این شب شهادت امام رووف حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام تقدیری کتوح حضرت آیۀ اللّه حاج سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی رحمه اللّه که با زحمات طولانی ده ها ساله شان در حوزه علمیه قم آثار بی نظیری را از اهل البیت علیه السلام تدوین و

1.از جمله همایش «صحیفه رضویه جامعه» که با حضور آن عالم ربانی در دانشگاه امام صادق عَلَیهِ السَّلام در سال 1391 و در محضر دوست دیرینشان فقیه مجاهد حضرت آیت اللّه مهدوی کنی رحمه اللّه برگزار شد.

یا احیا کردند که این نمونه « صحیفه رضویه جامعه» یکی از صدها خدمات این مرد الهی است. عاش سعیدا و مات سعیدا

و السلام علی عباداللّه الصالحین

سید مصطفی میرلوحی

ص: 16

ص: 17

«درود وصلوات خاص بر على بن موسى الرضا عَلَيهِ السَّلام »

الصَّلاهٌ عَلى عَلى بن موسَى الرّضا عَلَيهِ السَّلام

اللّهُمَّ صَلّ عَلى عَلِىَ بنِ موسَى الرضا اَلّذِي ارتَضَيتَهٌ،و رَضَّيتَ به مَن شِئتَ مِن خَلقِکَ، اللّهُمُ و کَما جَعَلتَهٌ حُجَّه عَلى خَلقِکَ، و قَائِمًا بِأمرِکَ، وَ ناصِراً لِدينِک وَ شاهِداً عَلى عِبادِکَ، وَ کَما نَصَحَ لَهُم فِى السِّرِّ وَ العَلانِيَه وَ دَعا اِلى سَبيلِکَ بِالحِکمَه وَ المَوعِظَه الحَسَنهِ فَصَلّ عَلَيهِ اَفضَلَ مَا صَلَّيتَ عَلى اَحَدٍ مِن اَولياِئکَ وَ خيَرَتِکَ مِن خَلقِک، اِنَّکَ جَوادٌ کَريم.

خداوندا بر علی بن موسی الرضا درود ورحمت فرست، آن کس که او را به رضا و خشنودی خود برگزیدی و به واسطه وجود مبارکش هر فردی از مخلوقاتت را که خواستی راضی گرداندی، خدایا همان گونه که او را حجتی بر آفریدگانت قرار دادی و اورا عهده دار انجام امر (ولایت) تو و یاور دینت و شاهد و گواهی بر بندگانت قرار دادی، و همان گونه که او در پنهان و آشکار برای بندگانت دلسوزی و خیرخواهی نمود و با حکمت و پند و اندرز نیکو (آنان را) به سوی راه تو خواند2، پس بر او درود و رحمت فرست با برترین و نیکوترین درود و رحمتی که بر فردی از اولیاء و برگزیدگان از خلقت فرستادی، به راستی که تو بخشنده و بزرگواری3.

1.واژه «الصلاه» در زبان عرب اسم مصدری برای فعل «صَلّی یُصَلّی» است و در لغت به معنای مطلق دعاست، اما در اصطلاح متون دینی گاهی به معنای نماز و گاهی به معنای درود و ثنای جمیل همراه با عطوفت و گرایش قلبی است، و در این حالت با حرف «علی» به کار می رود. این عطوفت و گرایش قلبی به حسب اینکه از جانب چه کسی باشد به گونه های مختلفی جلوه گر می شود، بدین ترتیب که اگر از جانب خداوند متعال باشد به صورت رحمت و اگر از جانب ملائکه باشد به شکل استغفار و اگر از جانب مردم باشد به معنای دعا (برای علو درجات) است. و چون در متن حاضر این صلوات از جانب خداست به معنای «درود و رحمت» ترجمه شد.

2.تعبیر «دَعا إلَی سَبیلِکَ بِالحِکمَهِ وَ المَوعِظَه الحَسَنهِ» در متن دعا اقتباسی است از آیه 125 سورهٔ نحل "ادْعُ إِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ....."

3.واژه«کریم» در اصل به معنای کسی است که تمام انواع خیر و شرف و فضائل و کمالات را در خود جمع نموده است، که در نتیجه اعمال و رفتار چنین شخصی نیز اعمال و رفتار های پسندیده و ستودنی است. متأسفانه در فارسی معادل دقیقی برای این واژه وجود ندارد و از باب ضرورت در این متن به «بزرگوار» ترجمه شده است.

((1))

أدعيته عَلَيهِ السَّلام فى تسبيح اللّه و تحميده، و الصلاه على النبّى و آله عَلَيهِم السَّلام

1_فى التسبيح للّه سبحانه

سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ، وَ أَتْقَنَ مَا خَلَقَ بِحِكْمَتِهِ، وَ وَضَعَ كُلَّ شَىْ ءٍ مِنْهُ مَوْضِعَهُ بِعِلْمِهِ، سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ خائِنَهَ الْأَعْيُنِ وَ ما تُخْفِى الصُّدُورُ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَىْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِير.

2_فى التسبيح لله جَلَّ جَلالُه فى اليوم العاشر، والحادى عشرمن الشهر

سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الظُّلْمَهِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْمِيَاهِ، سُبْحَانَ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْأَرَضِينَ

بخش اول: نیایش حضرت عَلَیهِ السَّلام در زمینه تسبیح خداوند جَلَّ جَلالُه و ستایش او و درود و صلوات بر پیامبر و خاندانش عَلَیهِم السَّلام

نیایش اول: نیایش آن حضرت عَلَیهِ السَّلام در باب تسبیح و تنزیه خداوند سبحان

پاک و منزه است (و از هرنقصی مبرّا می دانم)(1) آن که آفرینش را با قدرتش آفرید، و آن چه را که آفرید با حکمتش استوار و متقن ساخت و با علم و داناییش هر چیزی از آفرینش را در جایگاه خود نشاند. پاک و منزه است آن که خیانت چشمان را می شناسد و آن چه سینه ها پنهان می دارد را می داند.(2) چیزی همانند او نیست و او بسیار شنوا و بیناست. (3)

نیایش دوم: نیایش آن حضرت عَلَیهِ السَّلام درباره تسبیح خداوند جَلَّ جَلالُه در روز دهم و یازدهم هر ماه

پاک و منزه است آفریدگار نور و روشنی، پاک و منزه است آفریدگار ظلمت و تاریکی. از هر نقصی منزه است خالق آب ها، از هر نقصی منزه است خالق آسمان ها، از هر نقصی منزه است خالق زمین ها.

1- وازه سبحان علم جنس است برای مصدر تسبیحف و معمولا به صورت مفعول مطلقی به کار می رود که جانشین فعل مضارع یا امر است. به عنوان مثال در عبارت «سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ»، «سبحان» به معنای «اُسَبِّح» است و در آیه (فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِینَ تُمْسُونَ وَحِینَ تُصْبِحُونَ)، «سبحان» به معنای «سَبّیحوا» می باشد. در این جا به نظر می رسد این کلمه به معنای مضارع یعنی «تنزیه می کنم» و «مبرّا می دانم» است، اما از آنجا که بندهٔ واصل به مقام فنا در هنگام تسبیح خود را نمی بیند به جای گفتن کلمهٔ« اُسَبِّح» که تسبیح و تنزیه را با آن کلمه به خود نسبت دهد از کلمهٔ «سبحان» استفاده شده که تسبیح و تنزیه در آن به فاعل نسبت داده نمی شود و به همین جهت در فارسی نیز می توان ترکیب «سبحان اللّه» را به صورت «خداوند پاک و منزه است» ترجمه نمود، یا گاهی با توجه به اصل به صورت فعل مضارع یا امر معنا کرد.
2- عبارت یَعْلَمُ خَائِنَهَ الْأَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ آیه 19 سوره غافر است که بدون هیچ تغییری در متن دعا به کار رفته است.
3- عبارت لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ بدون تغییر از پایان آیه 11 سوره شوری اقتباس شده است.

سُبْحَانَ خَالِقِ الرِّيَاحِ وَ النَّبَاتِ، سُبْحَانَ خَالِقِ الْحَيَاهِ وَ الْمَوْتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الثَّرَى وَ الْفَلَوَاتِ، سُبْحَانَ اللّهِ وَ بِحَمْدِهِ.

3_ فى التسبيح والتحميد بروايته عليه السلام عن يوشع

فمن احبّ أن يكتال بالمكيال الأوفى وأن يؤدّى الحقوق الّتى أنعم اللّه بها عليه فليقل فى كلّ يوم:

سُبْحانَ اللّهِ كَما يَنْبَغى للّهِ، وَالْحَمْدُ للّهِ كَما يَنْبَغى للّهِ، وَلا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ كَما يَنْبَغى للّهِ [وَاللّهُ اَ كْبَرُ كَما يَنْبَغى للّهِ] وَلاحَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاَّ بِاللّهِ، وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ، النَّبِيِّ الْعَرَبِيِّ الْهاشِمِيِّ وَصَلَّى اللّهُ عَلى جَميعِ الْمُرْسَلينَ وَالنَّبِيّينَ حَتّى يَرْضَى اللّه.

4_فى التحميد للّه جَلَّ جَلالُه

بالإسناد عن الرضا، عن آبائه عن علىّ عَلَيهِم السَّلام، قال: كان رسول اللّه صلى الله عليه و آله إذا أتاه أمر يسرّه قال :

پاک و منزه است آفرینندهٔ بادها و گیاهان، پاک و منزه است آفریننده زندگی و مرگ، پاک و منزه است آفریننده زمین و صحراها و دشت ها. ساحت خداوند را (از هرگونه عیب و نقصی) مبرّا می دانم و به سپاس و ستایش او(مشغولم)

نیایش سوم: نیایش حضرت عَلَیهِ السَّلام یوشع در مورد تسبیح خداوند و حمد و ثنای او به روایت از حضرتش عَلَیهِ السَّلام

(از امام رضا عَلَیهِ السَّلام روایت شده که:) هر که دوست دارد با پیمانه کامل تر ثوابش داده شود و حقوق (چیزهایی) که خداوند به او انعام فرموده را به جا آورد باید هر روز (این ذکر را) بگوید:

خداوند متعال (ازهرگونه عیب و نقصی) پاک و منزه است چنان که برای او شایسته است، و سپاس و ستایش (1) برای خداوند است آن چنان که سزاواراوست، وهیچ معبودی جز خداوند نیست آن چنان که شایسته (مقام وحدانیت) اوست وخدابزرگتراست (از آنچه که به وصف درآید) چنان که او را می شاید، و هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر به (اراده و کمک) خداوند. و درود و رحمت خدا بر محمد صلی الله علیه و اله و سلم واهل بیتش عَلَیهِم السَّلام باد، پیامبرعربی هاشمی، و درود و رحمت خداوند بر تمام فرستادگان الهی و پیامبران تا آن جا که خداوند (از آن درود) خشنود شود.

نیایش چهارم: نیایش حضرت عَلَیهِ السَّلام دربارهٔ ستایش خداوند جل جلاله

با ذکر س__ند از امام رضا عَلَیهِ السَّلام از پدران بزرگوارش عَلَیهِم السَّلام از علی عَلَیهِ السَّلام روایت شده که فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم هر گاه برایشان امری پیش می آمد که ایشان را خوشحال می کرد می فرمودند:

1- واژه «حمد» در زبان عربی به معنای ثنای جمیل به قصد بزرگداش__ت و تعظیم اس__ت که به سبب احسان و نیکی ش__خص ممدوح یا صفات نیک اختیاری او صورت می گیرد، در حالی که مدح س__تایش ممدوح به خاطرصف__ات نی__ک اختیاری و غیر اختیاری را در بر می گیرد و ش__کر فقط در مقابل احس__ان و نیکی به کار می رود، ل__ذا کلمه «حمد» اخص از مدح و اعم از «ش__کر» اس__ت. در واقع س__تایش

ممدوح بر صف__ات نیک اختیاری وسپاس گزاری از او به سبب احسان و تفضلش را «حمد» می گویند. لذا در این جا به سپاس و ستایش ترجمه شد.

اَلْحَمْدُللّه الَّذى بِنِعْمَتِه تَتِمُّ الصّالِحاتِ

وإذا أتاه أمر يكرهه، قال: الْحَمْدُللّهِ عَلى كُلِّ حالٍ.

5_ فى المناجاه بحمد اللّه تعالى وشكره

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ، اَللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلى مَرَدِّ نَوازِلِ الْبَلاءِ، وَمُلِمّاتِ الضَّرّاءِ، وَکَشْفِ نَوائِبِ اللَّأْواءِ، وَتَوالى سُبُوغِ النَّعْماءِ، وَلَکَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلى هَنىءِ عَطائِکَ، وَمَحْمُودِ بَلائِکَ وَجَليلِ الائِکَ وَلَکَ الْحَمْدُ عَلى اِحْسانِکَ الْکَثيرِ، وَخَيْرِکَ الْعَزيزِ، وَتَکْليفِکَ الْيَسيرَ وَدَفْعِکَ الْعَسيرَ، وَلَکَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ عَلى تَثْميرِکَ قَليلَ الشُّکرِ وَاِعْطائِکَ وافِرَ الاْجْرِ، وَحَطِّکَ مُثْقِلَ الْوِزْرِ، وَقَبُولِکَ ضيقَ الْعُذْرِ وَوَضْعِکَ باهِظَ الاْصْرِ، وَتَسْهيلِکَ مَوْضِعَ الْوَعْرِ، وَمَنْعِکَ مَقْطَعَ الاْمْرِ

وَلَکَ الْحَمْدُ عَلَى الْبَلاءِ الْمَصْرُوفِ، وَوافِرِ الْمَعْرُوفِ، وَدَفْعِ الْمَخُوفِ، وَاِذْلالِ الْعَسُوفِ،

س__پاس و س__تایش برای خداوندی است که به واسطه نعمتش کارهای صالح و شایسته به انجام می رسد. و هرگاه امری پیش می آمد که ایشان از آن کراهت داشتند می فرمودند: سپاس و ستایش بر هر وضع و حالی مخصوص خداست.

نیایش پنجم: نیایش حضرت عَلَیهِ السَّلام در مناجات الهی با حمد و ثنای خداوند تعالی و سپاسگزاری از او

به نام خداوند بخش__اینده بسیار مهربان، خداوندا س__پاس و ستایش مخصوص توست به خاطر برگرداندن (وبرطرف کردن) بلاهای در حال نزول و خس__ارت ها و زیان های وارد شده، و برطرف ساختن مصائب و گرفتاری ها و پی در پی بودن گسترش نعمت ها، و سپاس و ستایش فقط برای توس__ت - ای پروردگار (و صاحب اختیار) من(1) – به سبب بخشش گوارایت و آزمایش نیکو و پسندیده ات و نعمت های با شکوه وعظیمت.

و س__پاس و ستایش فقط برای توس__ت به خاطر احسان زیادت، و خیر فراوانت، و اینکه (بندگان را) به کارآسان مکلف ساختی (2) وسختی را (از آنان) دور نمودی. و سپاس و ستایش مخصوص توس__ت _ ای پروردگار (و صاحب اختیار) من _ به س__بب این که شکرگزاری اندک را پر ثمر ساختی و اجر فراوان بخشیدی، و بار سنگین را (از دوش من) برداشتی، و (سختی و) تنگنای عذر و پوزشم را پذیرفتی و تعهد سنگین را (از من) برداشتی، وموقعیت دش__وار و ناهموار را (برایم) هموار س__اختی، و از گسس__تگی کارها و امور مانع شدی. و سپاس و ستایش تنها برای توست به خاطر بلای گردانده شده (و برطرف شده) و احسان و نیکی بس__یار، ودفع کردن (امور) ترس__ناک، و رام نمودن شتر (نفس یا طریق) چموش و

1- واژه «رب» در لغت عرب به معانی مختلفی همچون خالق و آفریننده، سید و سرور، صاحب و مالک، مصلح و تربیت کننده، سرپرست و قیم و مدبر امور کاربرد دارد، و به نظر می رسد که قدر جامع این معانی: سرپرست و صاحب اختیاری اس__ت که در جهت پروراندن و کمال بخش__یدن به شیء یا شخص مورد سرپرستی خویش و رفع نقایص آن می کوش__د، و از آن جا که غایت این سرپرس__تی در مورد انسان ها

عمدتاً به تربیت و پرورش آن ها برمی شود، لذا در ترجمه حاضر به «پروردگار و صاحب اختیار» ترجمه شد.
2- در عبارت «تَکلیفِکَ الیسِ__یرَ» و «دَفعِکَ العَسِ__یرَ»، «تَثمِیرِکَ قَلیلَ الشُکرِ» تا تعبیر «مَنعِکَ مَقطَعَ الاَمرِ» مصدر به فاعل اضافه شده و مفعول به را نصب داده است، ترجمه دقیق تحت اللفظی این تعابیر بدین گونه است: مکلف ساختنت آسان را، و دفع نمودنت سختی را، و ....، اما به جهت ثقل این عبارات در فارسی سعی شد این عبارات به صورت ترکیب «أن یفعل» که معادل مصدر است، ترجمه شود تا عبارات روان تر و مفهوم تر شود.

وَلَکَ الْحَمْدُ عَلی قِلَّهِ التَّکْلیفِ، وَکَثْرَهِ التَّخْفیفِ، وَتَقْویَهِ الضَّعیفِ، وَاِغاثَهِ اللَّهیفِ وَلَکَ الْحَمْدُ عَلی سَعَهِ اِمْهالِکَ، وَدَوامِ اِفْضالِکَ، وَصَرْفِ اِمْحالِکَ وَحَمیدِ فِعالِکَ، وَتَوالی نَوالِکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ عَلی تَأْخیرِ مُعاجَلَهِ الْعِقابِ، وَتَرْکِ مُغافَصَهِ الْعَذابِ، وَتَسْهیلِ طُرُقِ الْمَابِ، وَ اِنْزالِ غَیْثِ السَّحابِ، اِنَّکَ الْمَنّانُ الْوَهّابُ.

6_فی المناجاه بالحمدللّه جَلَّ جَلالُه وشکره حال السجده

لَکَ الْحَمْدُ اِنْ اَطَعْتُکَ، وَ لا حُجَّهَ لی اِنْ عَصَیْتُکَ، وَ لا صُنْعَ لی وَلا لِغَیْری فی اِحْسانِکَ، وَلا عُذْرَ لی اِنْ اَسَأْتُ

ما اَصابَنی مِنْ حَسَنَهٍ فَمِنْکَ، یا کَریمُ، اِغْفِرْ لِمَنْ فی مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها، مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ.

7_ فی المناجاه لطلب الفرج

اِلهی بَدَتْ قُدْرَتُکَ وَلَمْ تَبْدُ هَیْئَهٌ(1) لَکَ، فَجَهِلُوکَ، وَقَدَّرُوکَ

گمراه(1) و سپاس و ستایش فقط سزاوار توست به سب_ب کم بودن تکالیف و واجبات، و زیاد بودن تخفیف و سبکی (بر بندگان) و تقویت کردن ضعیف، و کمک کردن به محزون و دردمند.

و س_پاس و س_تایش تنها برای توست به خاطر گس_ترش و طولانی بودن مهلت دادنت، و استمرار تفضل و نعمت دادنت، و برطرف

کردن قحطی و بی برکتی، و اعمال س_تودنیت، و پی درپی بودن نعمت هایت. و س_پاس و س_تایش فقط برای توست به جهت عقب انداختن مجازات، و به یک باره عذاب نفرستادن و آسان نمودن راه های بازگشت، و فرو فرستادن باران ابرها، به یقین تو بسیار نعمت دهنده و بخشنده ای.

نیایش ششم: در مناجا ت حضرت عَلَیهِ السَّلام با خداوند از طریق ستایش خدا و سپاس گزاری از او در حال سجده

حمد و ستایش تنها برای توست اگر تو را اطاعت کنم، و هیچ حجت و دلیلی ندارم اگر تو را نافرمانی کنم، و در نیکی و احسانت هیچ کاری (و دخالتی) از طرف من یا غیرم انجام نشده است، و هیچ عذری ندارم اگر بدی کنم.

هر حسنه و خوبی که به من می رسد از توست،(2) ای کریم (و بزرگوار) بیامرز هر مرد و زن با ایمانی را که در نواحی مشرق و مغرب زمین است.

دعای هفتم: نیایش حضرت عَلَیهِ السَّلام در مناجات ایشان برای طلب گشایش

بار الها قدرتت آشکار شد ولی هیئت و صورتی مادی (3) از تو ظاهر نشد، لذا نسبت به تو به ره نادانی رفتند و تو را (با اوهام خویش) اندازه گرفتند، در حالیکه قدر و اندازه (بر حق

1- . در واژه «العَسُوفِ» در عبارت «اذلالِ العَسُوفِ» استعاره مصرّحه صورت گرفته است، بدین ترتیب که حضرت رضا عَلَیهِ السَّلام نفس انس__ان یا طریق و مس__یر حرکت او را به شتر چموشی که از مسیر اصلی منحرف می شود، و در عربی به آن عَسُ__وف می گویند، تش__بیه فرموده اند و سپس از باب استعاره، مشبه به را به صراحت به جای مشبه

به کار برده اند، و کلمه اذلال (به معنای رام نمودن) را به عنوان قرینه برای این استعاره استعمال کرده اند.
2- عبارت «ما اصاَبنی مِن حَسَنه فَمِنکَ»اشاره دارد به آیه ما أصاَبکَ مِنْ حَسَنَهٍ فمِنَ ا (سوره نساء، آیه 79)
3- در برخی نس__خ به جای کلمه «هَیئَه» واژه «واهِیه» به معنای «سس__ت» آمده است که در این صورت معنای عبارت چنین است: «ولی سستی و ضعفی از تو به ظهور نرسید».

وَالتَّقْديرُ عَلى غَيْرِ ما بِه شَبَّهُوکَ فَاَنَا بَرىءٌ - يا اِلهى - مِنَ الَّذينَ بِالتَّشْبيهِ طَلَبُوکَ، لَيْسَ کَمِثْلِکَ شَىْءٌ، وَلَنْ يُدْرِکُوکَ، ظاهِرُ ما بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِکَ دَلَّهُمْ عَلَيْکَ لَوْ عَرَفُوکَ، وَفى خَلْقِکَ يا اِلهى مَنْدُوحَةٌ اَنْ يَتَناوَلُوکَ،

بَلْ شَبَّهُوکَ بِخَلْقِکَ، فَمِنْ ثَمَّ لَمْ يَعْرِفُوکَ، وَاتَّخَذُوا بَعْضَ اياتِکَ رَبّا فَبِذلِکَ وَصَفُوکَ، فَتَعالَيْتَ يا اِلهى، وَتَقَدَّسْتَ عَمّا بِهِ الْمُشَبِّهُونَ نَعَتُوکَ، يا سامِعَ کُلِّ صَوْتٍ، وَيا سابِقَ کُلِّ فَوْتٍ، يا مُحْيِ الْعِظامِ وَهِيَ رَميمٌ، وَمُنْشِئَها بَعْدَ الْمَوْتِ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لى مِنْ کُلِّ هَمٍّ فَرَجا وَمَخْرَجا وَجَميعِ الْمُؤْمِنينَ، اِنَّکَ عَلى کُلِّ شَىْءٍ قَديرٌ.

8_ فى المناجاه بثناء اللّه مستشفعا بالنبىّ وآله لقبول الدعاء

اِلهى وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْکَ، و مَدَدْتُ يَدى اِلَيْکَ، مَعَ عِلْمى بِتَفْريطى فى عِبادَتِکَ، وَاِهْمالى لِکَثيرٍ مِنْ طاعَتِکَ،

و شایسته تو) برخلاف آن چیزی بود که تو را به آن تشبیه کردند.(1)

پس ای معبودم، من از کس_انی که با تشبیه در پی رسیدن به تو بودند بیزارم (و برائت می جویم). هیچ چیزی همانند تو نیس_ت و آنان هرگز تو را درک نخواهند کرد. نعمت های آشکارت در وجودشان آنان را به سوی تو راهنمایی می کرد اگر تو را می شناختند (یا در پی ش_ناختت بودند) و در آفرینش و خلقتت _ ای معبود من _ (به اندازه کافی) راه حل و وسیله (و حجت) وجود دارد برای این که به تو برسند. اما آنان تو را به آفریده ات(2) تشبیه کردند و به همین جهت تو را نشناختند، و برخی از نش_انه های ق_درت تو را به عنوان پ_روردگار خود برگزیدند و بدان ش_کل توصیفت نمودند. اما بار اله_ا تو برتر و والاتر و مقدس تر از آنی که تشبیه کنندگان تو را به آن توصیف نمودند.

ای ش_نوای هر صدایی و ای سبقت گیرنده بر هر زوال و ازدس_ت رفتنی، ای زنده کننده استخوان ها در حالی که پوسیده اند(3) و ایجادکننده آن ها پس از مرگ، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرس_ت و برای من و تمام مؤمنین از هرگونه همّ و غمّی گشایش و راه خروج (و برون رفتی) قرار ده، (که) بی گمان تو بر هر چیزی بسیار توانایی.(4)

دعای هشتم: در مناجات حضرت عَلَیهِ السَّلام با ثناگویی خداوند و طلب شفاعت از او به برکت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان گرامیش عَلَیهِم السَّلام برای استجابت دعا

خداوندا در پیشگاهت ایستاده ام و دستم را به سوی تو دراز کرده ام با اینکه می دانم در عبادت و پرستش تو کوتاهی نمودم و در بسیاری از موارد اطاعت تو سستی کردم.

1- عبارت «و قَّدرُوکَ وّ التقدِیرُ عَلی غَیرِ ما بهِ شَّبهُوک» اشاره دارد به آیه « وَ ما قدَرُوا ا حَ ّ ق قَدْرِه» (سوره انعام/ آیه 91)
2- واژه «خلق» در عبارت «بل شّ__بَّهُوکَ بِخَلقِکَ» مصدری اس__ت که به معنای اسم مفعول (یعنی خلق به معنای مخلوق) به کار رفته، و لذا در فارسی به «آفریده» ترجمه شده است.
3- عبارت «یا مُحیِی العِظامِ و هِیَ رَمِیمٌ و مُنشِ__ئها بعدَ الموتِ» اش__اره است به آیه ُ قالَ مَنْ یُحْیِ الْعِظامَ وَ هِیَ رَمِیمٌ قُلْ یُحْیِیهَا الَّ ذِی أنشَأَها أَوَّلَ مَّرَّهٍ وَ هُوَ بکُلِّ خَلْقِ عَلِیمٌ (سوره یس/ آیه 78و97)

4- عبارت «إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ» عبارتی قرآنی است که در پایان آیات فراوانی از قرآن کریم آمده است.

وَلَوْ اَنّی سَلَکْتُ سَبیلَ الْحَیاءِ لَخِفْتُ مِنْ مَقامِ الطَّلَبِ وَالدُّعاءِ، وَلکِنّی یا رَبِّ لَمّا سَمِعْتُکَ تُنادِی الْمُسْرِفینَ اِلی بابِکَ، وَتَعِدُهُمْ بِحُسْنِ اِقالَتِکَ وَثَوابِکَ، جِئْتُ مُمْتَثِلاً لِلنِّداءِ، وَلائِذا بِعَواطِفِ اَرْحَمِ الرُّحَماءِ، وَقَدْ تَوَجَّهْتُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ، الَّذی فَضَّلْتَهُ عَلی اَهْلِ الطَّاعَهِ، وَمَنَحْتَهُ بِالْاِجابَهِ وَالشَّفاعَهِ، وَبِوَصِیِّهِ الْمُخْتارِ، الْمُسَمّی عِنْدَکَ بِقَسیمِ الْجَنَّهِ وَالنّارِ، وَبِفاطِمَهَ سَیِّدَهِ النِّساءِ، وَ بِاَبْنائِهَا الْاَوْلِیاءِ الْاَوْصِیاءِ وَبِکُلِّ مَلَکٍ خاصَّهٍ یَتَوَجَّهُونَ بِهِمْ اِلَیْکَ، وَیَجْعَلُونَهُمُ الْوَسیلَهَ فِی الشَّفاعَهِ لَدَیْکَ، وَ هؤُلاءِ خاصَّتُکَ، فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَاٰمِنّی مِنْ اَخْطارٍ لِقائِکَ، وَاجْعَلْنی مِنْ خاصَّتِکَ وَاَحِبّائِکَ فَقَدْ قَدَّمْتُ اَمامَ مَسْاَلَتِکَ وَ نَجْواکَ ما یَکُونُ سَبَبا اِلی لِقائِکَ وَرُؤْیاکَ، وَاِنْ رَدَدْتَ مَعَ ذلِکَ سُؤالی، وَخابَتْ اِلَیْکَ امالی، فَمالِکٌ رَأی مِنْ مَمْلُوکِه ذُنُوبا فَطَرَدَهُ عَنْ بابِه، وَسَیِّدٌ رَأی مِنْ عَبْدِه

و به راس_تی اگر من راه شرم و حیا را می پیمودم قطعا از جایگاه و موقعیت درخواست و نیایش بیم (و شرم) داشتم.

اما ای پروردگار (و صاحب اختیار) من، هنگامی که صدایت را شنیدم که افراط کنندگان در گناه را به سوی درگاهت می خواندی و به نیکی عفو و مغفرت و ثوابت وعده می دادی(1)، برای امتثال امر و ندای تو و پناه بردن به عطوفت های مهربان ترین مهربانان (من هم) آمدم، در حالیکه به واس_طه (وجود نازنین) پیامبرت _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندان پاکش باد _ به سوی تو رو کرده ام، پیامبری که او را بر (تمام) اهل طاعت برتری دادی و استجابت دعا و مقام شفاعت را به وی بخشیدی(2) ، و نیز به واسطه وصیّ برگزیده پیامبرت عَلَیهِ السَّلام که نزد تو به قس_یم الجنّه و النّار (تقسیم کننده بهشت و جهنم) نامیده شده است، و به آبروی فاطمه علیهاالسّلام سرور زنان (دو عالم) و فرزندان پاکش عَلَیهِم السَّلام که اولیاء الهی و اوصیای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم هستند، و به آبروی هر فرشته مقرّب و خاصت که (خلایق) به وسیله آنان به سوی تو رو می کنند و آنان را وسیله برای شفاعت نزد تو قرار می دهند. (3)

و این_ان خاصّان درگاه توأن_د، پس بر آنان درود و رحمت فرس_ت و مرا از خطرهای ملاقات_ت (خطرهای مرگ) در امان بدار و از جمل_ه خاصّان درگاه و بندگان محبوبت بگردان. زیرا من در پیش_اپیش درخواس_تم از تو و مناجات با تو افرادی را که وسیله ملاقات با تو و دیدارت هستند آورده ام. ولی اگر با این وجود، درخواستم را رد کنی و امیدها و آرزوهایم نزد تو به یأس گرایند، (حق اعتراض ندارم) چرا که (در این صورت، حقیقت این است که) مالکی از مملوک خویش گناهانی را مشاهده کرده،

1- امام رضا عَلَیهِ السَّلام در این عبارات اشاره دارند به آیه ﴿قُلْ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ ا﴾ إِنَّ ا﴾ یَغْفِرُ ٌ الذنوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ ّ الرحِیمُ﴾ (سوره زمر/ آیه 53)
2- ظاهراً اشاره ای است به آیه ﴿وَ لسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّ کَ فتَرْضی ﴾ (سوره ضحی/ آیه 5)
3- به نظر حقیر عبارت: وَبکُلِّ مَلَکٍ ّ خاصهٍ یَتَوَجَّهُونَ بهِمْ الیْکَ، وَیَجْعَلُونهُمُ الْوَس__یلَهَ فِی ّ الش__فاعَهِ لدَیْکَ، به سبب عدم تطابق بین نعت و منعوت در«مَلِکٍ ّ خاصهٍ» و برخی اشکالات دیگر که در این جا مجال ذکر آن ها را

ندارم خالی از اش__کال نیست، و بعید نیست که اصل عبارت این گونه باش__د: وَلِکُلِّ مَلَکٍیّ خاصهٌ یَتَوَجَّهُونَ بِهِمْ الیْه، وَیَجْعَلُوَنهُمُ الْوَسیلَهَ فِیّ الشفاعَهِ لدَیْه، و ترجمه این چنین خواهد بود: و برای هر پادشاهی خاصان و افراد مقربی وجود دارند که (خلایق) به وسیله آنان به سوی او رو می کنند و آنان را وسیله برای شفاعت نزد او قرار می دهند. و اتفاقا این احتمال با عبارت بعدی (وَ هؤُلاءِیّ خاصتکَ) سازگارتر است.(مترجم)

عُيُوبا فَاَعْرَضَ عَنْ جَوابِه، يا شَقْوَتاهُ اِنْ ضاقَتْ عَنّی سَعَهُ رَحْمَتِکَ، اِنْ طَرَدْتَنی عَنْ بابِکَ عَلی بابِ مَنْ اَقِفُ بَعْدَ بابِکَ؟! وَاِنْ فَتَحْتَ لِدُعائی اَبْوابَ الْقَبُولِ، وَاَسْعَفْتَنی بِبُلُوغِ السُّؤالِ، فَمالِکٌ بَدَءَ بِالاِحسانِ، وَاَحَبَّ اِتْمامَهُ، وَمَوْلیً اَقالَ عَثْرَهَ عَبْدِه، وَرَحِمَ مَقامَهُ، وَهُناکَ لا اَدْری اَیَّ نِعَمِکَ اَشْکُرُ؟ اَحینَ تَطَوَّلْتَ عَلَیَّ بِالرِّضا، وَتَفَضَّلْتَ بِالْعَفْوِ عَمّا مَضی؟ اَمْ حینَ زِدْتَ عَلَی الْعَفْوِ وَالْغُفْرانِ بِاسْتیِنافِ الْکَرَمِ وَالاِحْسانِ؟

فَمَسْاَلَتی لَکَ یا رَبِّ فی هذَا الْمَقامِ الْمَوْصُوفِ، مَقامِ الْعَبْدِ الْبائِسِ الْمَلْهُوفِ، اَنْ تَغْفِرَ لی ما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبی، وَتَعْصِمَنی فیما بَقِیَ مِنْ عُمْری، وَاَنْ تَرْحَمَ والِدَیَّ الْغَریبَیْنِ فی بُطُونِ الْچَنادِلِ، الْبَعیدَیْنِ مِنَ الاَهْلِ وَالْمَنازِلِ، صِلْ وَحْدَتَهُما بِاَنْوارِ اِحْسانِکَ، وَاَنِسْ وَحْشَتَهُما بِاثارِ غُفْرانِکَ، وَجَدِّدْ لِمُحْسِنِهِما فی کُلِّ وَقْتٍ مَسَرَّهً وَنِعْمَهً، وَلِمُسیئِهِما مَغْفِرَهً وَرَحْمَهً، حَتّی یَاْمَنا بِعاطِفَتِکَ مِنْ اَخْطارِ الْقِیامَهِ، وَتُسْکِنَهُما بِرَحْمَتِکَ فی دارِ الْمُقامَهِ، وَعَرِّفْ بَیْنی وَبَیْنَهُما فی ذلِکَ النَّعیمِ الرّائِقِ حَتّی

و لذا او را از درگاه خویش رانده است، و سروری از بنده اش عیوبی را مشاهده نموده، پس از پاسخ دادن به او روی گردانده است. وای از بدبختی من چنان چه گستره رحمتت (مرا فرا نگیرد و) بر من تنگ آید.

(الهی) اگر مرا از درگاهت برانی بر درگاه چه کس_ی بایستم؟ و اگر درهای اجابتت را بر دعایم بگشایی و مرا با رسیدن به درخواست هایم کمک نمایی (شایستگی من نبوده، بلکه حقیقت این است که) مالک و صاحب اختیاری نیکی و احسان را (بر مملوکش) آغاز نموده و دوست دارد آن احسان را به کمال و تمامیت برساند، و مولایی لغزش بنده اش را بخشیده و بر جایگاهش رحم آورده است. و آن جاست که (دیگر) نمی دانم کدامین نعمتت را شکر کنم؟

آیا زمانی که خشنودیت را نصیبم فرمودی و نسبت به (اعمال) گذشته ام عفوت را (به من) تفضل کردی؟ یا هنگامی که علاوه بر عفو و مغفرتت، کرم و احسانت را دوباره از سر گرفتی؟

پس ای پروردگار (و صاحب اختیار) من، درخواستم از تو در این جایگاه توصیف شده _ جایگاه بنده تیره بخت محزون _ این است که گناهان گذشته ام را بیامرزی

و در باقی مانده عمر مرا (ازگناه) محفوظ داری، و به والدینم که در درون تخته سنگ های (قبر اسیر و) غریبند و از اهل و خانه ها دورند، رحم کنی. (خداوندا) تنهایی شان را با انوار احسان و نیکی ات پیوند ده، و دلتنگی ایشان را با آثار و برکات آمرزشت (برطرف و) به انس و الفت تبدیل کن. و برای نیکوکارشان خوش حالی و نعمت، و برای بدکارشان آمرزش و رحمت را در هر زمان و به صورت نو به نو نصیب فرما،

تا اینکه والدینم با عطوفت و مهربانیت از خطرهای قیامت ایمن شوند، و با رحمتت آن دو را در خانه اقامت ابدی ساکن گردانی. (خدایا) بین من و آنان در آن نعمتهای والای بهشتی آشنایی برقرار کن تا اینکه

تَشْمُلَ بِنا مَسَرَّةَ السّابِقِ وَاللاّحِقِ بِه، سَيِّدی وَاِنْ عَرَفْتَ مِنْ عَمَلی شَيْئا يَرْفَعُ مِنْ مَقامِهما، وَيزيدُ فی اِكْرامِهما، فَاجْعَلْهُ ما يُوجِبُهُ حَقَّهُما لَهُما، وَاَشْرِكْنی فِی الرَّحْمَهِ مَعَهُما، وَارْحَمْهُماَ كَما رَبَّيانی صَغيرا.

9_ فی الصلاه علی النبیّ وآله عَلَيهِم السَّلام

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاِلِه فِی الاْوَّلينَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاِلِه فِی الاْخِرينَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاِلِه فِی الْمَلاَءِ الاْعْلی، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاِلِه فِی النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ، اَللّهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدا صَلَّی اللّه ُ عَلَيْهِ وَاِلِهِ الْوَسيلَهَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضيلَهَ وَالدَّرَجَهَ الْكَبيرَهَ

اَللّهُمَّ اِنّی امَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّه ُ عَلَيْهِ وَاِلِه وَسَلَّمَ وَلَمْ اَرَهُ، فَلا تَحْرِمْنی يَوْمَ الْقِيامَهِ رُؤْيَتَهُ، وَارْزُقْنی صُحْبَتَهُ، وَتَوَفَّنی عَلی مِلَّتِه، وَاسْقِنی مِنْ حَوْضِه مَشْرَبا رَوِيّالا اَظْمَأُ بَعْدَهُ اَبَدا، اِنَّکَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَديرٌ

خوش حالی قبلی و بعدی از آن نعمت را شامل حال ما گردانی.

سرورم! اگر از عملم چیزی را سراغ داری که مقام و منزلت آن دو را بالا می برد و تکریم و بزرگداشت آنان را می افزاید، پس تا زمانی که حقش_ان بر گردنم ایجاب می کند آن عمل را برای آنان قرار بده، و مرا در رحمتت با آنان ش_ریک گردان، و آن دو را رحم کن همان گونه که در کودکی (با مهربانی و رحمت) مرا پرورش دادند.(1)

دعای نهم: درباره درود و صلوات بر پیامبر و خاندانش عَلَیهِم السَّلام

خداوندا بر محمد وآل او درود و رحمت فرست در زمره پیشینیان، و بر محمد و آل او درود ورحمت فرس_ت در زمره پس_ینیان، و بر محمد و آل او درود و رحمت فرست در ملأ أعلی (و حظی_ره قدس) و بر محم_د و آل او درود و رحمت فرست در زمره پیامبران و فرستادگان،

خداوندا به محمد _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد _ مقام قرب (و شفاعت) (2)و شرف (عظیم) و فضیلت (تمام) و درجه بزرگ (و والا) عطا فرما.

بارخدایا به راستی که من به (پیامبرت) محمد _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد _ ایمان آوردم در حالی که او را ندیدم. پس مرا از دیدارش در روز قیامت محروم نساز، و مصاحبت و همراهی با او را روزیم گردان، و مرا بر دین او بمیران، و از حوض (کوثر)ش بنوشان، نوشیدنی س_یراب کننده که بعد از آن هرگز تشنه نشوم، به راستی که تو بر هر کاری بسیار توانایی.

1- عبارت «ارحمهما کما رَبَّیانی صَغِیرا» بدون هیچ تغییری از پایان آیه 24 سوره اسراء گرفته شده است.
2- واژه «وس__یله» در زبان عربی به معنای چیزی اس__ت که با آن به چیز دیگری تقرب می جویند و در حقیقت هر شیء مایه تقرّبی را وسیله می نامند. به همین جهت منزلت و قرب و آبرو داشتن نزد یک مقام والا، درجه و جایگاه و عمل مقرّب را نیز وسیله می گویند. در متن حاضر به نظر می رسد کلمه «وسیله» به معنای ارج و قرب پیامبر اکرم صلی الله علیه

و آله و سلم نزد خدا باشد که در شفاعت نمودن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به بندگان به ظهور می رسد

اَللّهُمَّ کَما امَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَاِلِه، وَلَمْ اَرَهُ، فَعَرِّفْنی فِی الْجِنانِ وَجْهَهُ، اَللّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنّی تَحِیَّةً کَثیرَةً وَسَلاما.

10_ فی الصلاه علی النبیّ وآله عَلَیهِم السَّلام

بالإسناد عن الرضا عَلَیهِ السَّلام فی حدیث إلی أن قال : قیل یا رسول اللّه قد عرفنا التسلیم علیک فکیف الصلاه علیک؟ فقال: تقولون:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، کَما صَلَّیْتَ عَلی اِبراهیمَ وَالِ اِبْراهیمَ، اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.

11_ فی الصلاه علی النبیّ وآله عَلَیهِم السَّلام

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی اِبرهیمَ وَ الِ اِبراهیمَ، اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.

خداوندا همان گونه که من به محمد _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد _ ایمان آوردم در حالی که او را ندیده بودم پس در بهشت چهره مبارکش را به من بشناسان (و نشان بده)، خدایا از جانب من به روح (متعالی) محمد صلی الله علیه و آله و سلم تحیتی بسیار و سلامی (فراوان) برسان.

دعای دهم: درباره صلوات بر پیامبر و آل گرامیش عَلَیهِم السَّلام

با سند صحیح از امام رضا عَلَیهِ السَّلام در حدیثی روایت شده که فرمودند: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد: ما سلام کردن بر شما را بلدیم، چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمودند: می گویید: بارالها بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود و رحمت فرستادی، بی گمان تو ستوده و دارای مجد و شرافتی.

دعای یازدهم: درباره صلوات بر پیامبر و خاندانش عَلَیهِم السَّلام

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست برتر از آن درود و رحمتی که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی، به راستی که تو ستوده و باشکوه و عظمتی.

((2))

ادعیته علیه السلام فی جوامع المطالب وخصوصها

1.أدعیته علیه السلام لطلب الأمن والإیمان، والعافیه، والصبر

12_ لطلب الأمن والإیمان

بالإسناد عن یونس، قال: قلت للرضا علیه السلام : علّمنی دعاءً وأوجز، فقال: قل:

یا مَنْ دَلَّنی عَلی نَفْسِه، وَذَلَّلَ قَلْبی بِتَصْدیقِه، اَسْاَلُکَ الاَمْنَ وَالاْیمانَ فِی الدُّنْیا وَالاْخِرَهِ.

13_ لطلب الهدی والتثبیت علیه

اَللّهُمَّ اَعْطِنِی الْهُدی، وَثَبِّتْنی عَلَیْهِ امِنا، اَمْنَ مَنْ لا خَوْفَ عَلَیْهِ وَلا حُزْنَ وَلا جَزَعَ، اِنَّکَ اَهْلُ التَّقْوی وَاَهْلُ الْمَغْفِرَهِ.

14_ لطلب العافیه

یا اَللّهُ، یا وَلِیَّ الْعافِیَهِ، وَالْمَنّانُ بِالْعافِیَهِ، وَرازِقَ الْعافِیَهِ

بخش دوم: دعاهای حضرت علیه السلام درباره درخواست های عمومی و جامع و درخواست های خاص

1- دعاهای امام علیه السلام برای طلب امنیت و ایمان و عافیت و صبر

دعای دوازدهم: دعای آن حضرت علیه السلام برای درخواست امنیت و ایمان

با سند صحیح از یونس نقل شده که گفت: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: به من دعایی تعلیم فرمایید که مختصر باشد. فرمودند: بگو:

ای کسی که مرا به سوی خویش راهنمایی فرمود و دلم را با باور و تصدیق به وجودش رام نمود، امنیت و ایمان در دنیا و آخرت را از تو می طلبم.

دعای سیزدهم: دعای آن حضرت علیه السلام برای طلب هدایت و ثابت ماندن بر طریق آن

بارخدایا هدایت را به من عطا فرما، و مرا با آسودگی و امنیت بر راه هدایت ثابت قدم فرما، همانند امنیت کسی که هیچ خوف و اندوه و جزع و فزعی ندارد، بدون ش_ک تو اهل تقوی و پارسایی و اهل آمرزشی. (1)

دعای چهاردهم: دعای آن حضرت علیه السلام برای طلب عافیت

ای خدا، ای سرپرس_ت (و صاحب اختیار) عافیت، و ای کسی که عافیت را (به مردم) ارزانی می داری،

1- عب__ارت «إِنّ__کَ اهلُ ّ التقوَی و اهلُ المغفِرَه» با کمی تغییر از عبارت قرآنی ﴿هُ__وَ أَهْلُ ّ التقْوی وَ أَهْلُ الْمغْفِرَهِ﴾ از پایان آخرین آیه سوره مبارکه مدّثر برداشت شده است.

وَالْمُنْعِمُ بِالْعافِيَهِ، وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعافِيَهِ عَلَىَّ وَعَلى جَميعِ خَلْقِه(2) رَحْمنَ الدُّنْيا وَالاْخِرَهِ وَرَحيمَهُما، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ لَنا فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَارْزُقْنَا الْعافِيَهَ، وَدَوامَ الْعافِيَهِ، فِى الدُّنْيا وَالاْخِرَهِ، يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

15_لطلب العافيه والشكر على العافيه

بالإسناد عن الإمام الرضا عليه السلام أنّه قال: رأى عليّ بن الحسين عليهماالسلام رجلاً يطوف بالكعبه وهو يقول: اَللّهُمَّ اِنّى اَسْاَ لُکَ الصَبر، قال: فَضَرب عَلىّ بن الحسين عليهماالسلام على كتفه، ثمّ قال : سألت البلاء، قل :

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْاَلُکَ الْعافِيَهَ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعافِيَهِ...(3)

2.أدعيته عليه السلام للإستخاره والإستسقاء

16_فى الاستسقاء بعد الحمد والثناء للّه تعالى

اَللّهُمَّ يا رَبِّ اَنْتَ عَظَّمْتَ حَقَّنا اَهْلَ الْبَيْتِ، فَتَوَسَّلُوا بِنا كَما

و ای روزی دهنده عافیت، و ای کسی که نعمت عافیت را می بخشی، و ای کسی که عافیت را بر من و بر تمام آفریدگانش (1) تفضل میکند، (ای) رحمتگر و بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان دو عالم

بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرس_ت و به سرعت گشایشی و راه چاره ای برای ما قرار ده، و عافیت و دوام آن را در دنیا و آخرت روزی مان فرما، ای مهربان ترین مهربانان(و بخشنده ترین بخشندگان).

دعای پانزدهم: دعای آن حضرت عَلَیهِ السَّلام برای طلب عافیت و (توفیق) شکر نسبت به آن

با سند از امام رضا عَلَیهِ السَّلام روایت شده که فرمود: امام علی بن الحسین عَلَیهِماالسَّلام مردی را دید که دور کعبه طواف می کرد و می گفت: خداوندا از تو صبر می خواهم. علی بن الحسین عَلَیهِماالسَّلام بر دوش او زدند و فرمودند: (درحقیقت) تو (از خدا) بلا درخواست کردی، (به جای این دعا) بگو:

خداوندا همانا من از تو عافیت را می خواهم و (توفیق) سپاسگزاری بر عافیت را... (2)

2_ دعاهای امام عَلَیهِ السَّلام برای استخاره و طلب باران

دعای شانزدهم: دعای آن حضرت عَلَیهِ السَّلام در باره طلب باران پس از حمد و ثنای خداوند تعالی

خداوندا ای پروردگار من، تو حق ما اهل بیت را بزرگ داشتی، لذا (مردم) به ما متوسل شدند همان گونه که

1- در نس__خه ای دیگر به جای کلمه «خَلقِه» که به ضمیر غایب اضافه ش__ده، واژه «خَلقِک» آمده که به ضمیر مخاطب اضافه شده است.
2- این دعا قبلاً در صحیفه س__جّادیه، ص 125، دعای 62، به روایت از امام رضا عَلَیهِ السَّلام آمد؛ لطفاً به آنجا رجوع شود.

اَمَرْتَ، وَاَمَّلُوا فَضْلَکَ وَرَحْمَتَکَ، وَتَوَقَّعُوا اِحْسانَکَ وَنِعْمَتَکَ فَاسْقِهِمْ سَقْیا نافِعا عامّا غَیْرَ رائِثٍ(5) وَلا ضائِرٍ(6) وَلْیَکُنْ اِبْتِداءُ مَطَرِهِمْ بَعْدَ انْصِرافِهِمْ مِنْ مَشْهَدِهِمْ هذا اِلی مَنازِلِهِمْ وَمَقارِّهِمْ.(7)

17_لإستجلاب الغنی

عنه علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قال: قال النبیّ صلی الله علیه و آله من قال فی کلّ یوم مائه مرّه:

«لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ الْمَلِکُ الْحَقُّ الْمُبینَ» استجلب به الغنی و استدفع به الفقر...

18_ لطلب الرزق الحلال

بالإسناد عن أحمد بن محمّد بن أبی نصر، قال: قلت للرضا علیه السلام : جُعلت فداک ادعُ اللّه عزّوجّل أن یرزقنی الحلال ؟ إلی أن قال: قال علیه السلام : قل: [اَللّهُمَّ] اَسْاَلُکَ مِنْ رِزْقِکَ الْواسِعِ.

تو امر فرمودی، و به فضل و رحمتت امید بستند و احسان و نعمتت را انتظار کشیدند.

پس آنان را سیراب گردان، س_یراب کردنی سودمند و فراگیر و بدون درنگ و تأخیر و بی ضرر. (و از تو می خواهم که) شروع بارش بارانشان پس از برگشتن آنان از این مکان تجمعشان به خانه ها و اقامتگاه هایشان(1) باشد.

دعای هفدهم: دعای آن حضرت عَلَیهِ السَّلام برای جلب کردن غنا و بی نیازی به سوی خویش

از امام رضا عَلَیهِ السَّلام و ایشان از پدرانشان عَلَیهِم السَّلام نقل فرموده اند که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: هر که در هر روز صد بار بگوید:

لا إله إلا ا الملک الحق المبین (هیچ معبودی جز خداوند یگانه نیست که فرمانروای حق و ظاهر و روشنگر است)

به وسیله این ذکر، غنا و بی نیازی را (به س_وی خود) جلب کرده و فقر را به وسیله آن (از خود) دور می سازد.

دعای هجدهم: دعای آن حضرت علیه السلام برای طلب روزی حلال

با سند صحیح از احمد بن محمد بن أبی نصر روایت شده که به امام رضا علیه السلام عرض کردم: قربانت گ_ردم خدای عزوجلّ را بخوان که مال حلال روزیم فرماید... تا آنجا که راوی میگوید: حضرت علیه السلام فرمودند: بگو:

[خداوندا] از رزق و روزی گسترده ات طلب می کنم.

1- در نسخه ای دیگر به جای کلمه «مَقارَّهم»واژه «مُستَقَرّهم» آمده که از لحاظ معنایی تفاوت خاصی با آن ندارد.

3. أدعيته عليه السلام لطلب الفرج وكشف المهمّات ودفع الشّدائد

19_لطلب دفع الشدائد

بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

اَللّهُمَّ اِنَّ ذُنُوبى وَكَثْرَتَها قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهى عِنْدَکَ، وَحَجَبَتْنى عَنِ اسْتِئْهالِ رَحْمَتِکَ، وَباعَدَتْنى عَنِ اسْتيجابِ مَغْفِرَتِکَ، وَلَوْلا تَعَلُّقى بِالائِکَ وَتَمَسُّکى بِالدُّعاءِ وَماوَعَدْتَ اَمْثالَى مِنَ الْمُسْرِفينَ وَاَمْثالى مِنَ الْخاطِئينَ، وَ وَعَدْتَ الْقانِطينَ مِنْ رَحْمَتِکَ بِقَوْلِکَ:«يا عِبادِىَ الَّذينَ اَسْرَفُوا عَلى اَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطوُا مِنْ رَحْمَهِ اللّه ِ اِنَّ اللّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَميعا اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ»(8) وَحَدَّرْتَ الْقانِطينَ مِنْ رَحْمَتِکَ، فَقُلْتَ: «وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَهِ رَبِّه اِلاَّ الضّالُّونَ»(9) ثُمَّ نَدَبْتَنا بِرَأفَتِکَ اِلى دُعائِکَ، فَقُلْتَ: «اُدْعُونى اَسْتَجِبْ لَکُمْ اِنَّ الَّذينَ يَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتى سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرينَ»(10) اِلهى لَقَدْ کانَ الْاياسُ عَلَىَّ مُشْتَمِلاً، وَالْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِکَ عَلَىَّ مُلْتَحِفا،

دعای نوزدهم: دعای آن حضرت علیه السلام برای دفع گرفتاری ها

به نام خداوند بخشاینده بسیار مهربان

بارخدایا به یقین گناهانم و فزونی آنها آبرویم را نزد تو از بین برده، و مرا از شایستگی نسبت به (دریافت) رحمتت منع نموده، و از استحقاق آمرزشت دور ساخته است. و (هرآینه من نا امید میش_دم) اگر تعلق و وابس_تگی ام به نعمت هایت و چنگ زدنم به دعا و نیایش (با تو) و وعده ای که به مسرفین (و از حد گذرندگان) و خطاکارانی همانند من و نومیدان از درگاه رحمتت نمی بود که به آنان فرمودی: ﴿قُلْ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْ__رَفُوا عَلی أَنْفُس__هِمْ لا تَقْنَطُ__وا مِنْ رَحْمَ__هِ اللّ إِنّ اللّ یغْفِرُ الذنوبَ جَمِیعاً إِنّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرحِیمُ﴾(1) (ای بندگانم که (در گناه و خطا) بر علیه خودشان زیاده روی کردند، از رحمت خداوند مأیوس نشوید که مسلماً خداوند تمام گناهان را می آمرزد؛ چرا که به راس_تی او بسیار آمرزنده و مهربان است) و مأیوسان از رحمتت را هشدار داده و فرمودی: ﴿قالَ وَ مَنْ یَقْنطُ مِنْ رَحْمَهِ رَبِّهِ إِلّا الضالّونَ﴾(2) (و کیست که از رحمت پروردگارش مأیوس شود جز گمراهان) سپسِ با محِبت و رأفت خویش ما را به س_وی نیایش با خودت فرا خوانده و فرمودی: ﴿ادْعُونی أَسْتَجبْ لکُمْ إِنّ الَّذِینَ یَسْ__تکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَ__یَدْخُلُونَ جَهَّنمَ داخِرِینَ﴾ (3) (مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، قطعاً کسانی که نسبت به عبادتم تکبر می ورزند با خواری و سرافکندگی وارد جهنم خواهند شد)، معبود من (اگر این ها نمی بود) قطعاً یأس بر من چیره می شد و نومیدی از رحمتت مرا فرا می گرفت.

1- سوره زمر/ آیه 53
2- سوره حجر/ آیه 56
3- سوره غافر/ آیه 60

اِلهی لَقَدْ وَعَدْتَ الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ بِکَ ثَوابا، وَاَوْعَدْتَ الْمُسیءَ ظَنَّهُ بِکَ عِقابا، اَللّٰهُمَّ وَقَدْ اَمْسَکَ رَمَقی حُسْنُ الظَّنِّ بِکَ فی عِتْقِ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَتَغَمُّدِ زَلَّتی، وَ اِقالَهِ عَثْرَتی، اَللّٰهُمَّ قَوْلُکَ الْحَقُّ الَّذی لا خُلْفَ لَهُ وَلا تَبْدیلَ: یَوْمَ نَدْعُو کُلَّ اُناسٍ بِاِمامِهِمْ(11)وَذلِکَ یَوْمُ النُّشُورِ، اِذا نُفِخَ فِی الصُّورِ، وَبُعْثِرَ ما فِی الْقُبُورِ.

اَللّٰهُمَّ فَاِنّی اُوفی، وَاَشْهَدُ وَاُقِرُّ، وَلا اُنْکِرُ وَلا اَجْحَدُ، وَاُسِرُّ وَاُعْلِنُ وَاُظْهِرُ وَاُبْطِنُ، بِاَنَّکَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، وَاَنَّ مُحَمَّدا عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ.

وَاَنَّ عَلِیّا اَمیرَالْمُؤْمِنینَ سَیِّدَ الاَوْصِیاءِ، وَوارِثَ عِلْمِ الاَنْبِیاءِ، عَلَمَ الدّینِ، وَمُبیرَالْمُشْرِکینَ، وَمُمَیِّزَ الْمُنافِقینَ، وَمُجاهِدَ الْمارِقینَ اِمامی وَحُجَّتی، وَعُرْوَتی وَصِراطی، وَدَلیلی وَمَحَجَّتی، وَمَنْ لا اَثِقُ بِاَعْمالی وَلَوْ زَکَّتْ، وَلا اَراها مُنْجِیَهً لی وَلَوْ صَلُحَتْ اِلاّ بِوِلایَتِه وَالاَئْتِمامِ بِه وَالاَقْرارِ بِفَضائِلِه وَالْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِها، وَالتَّسْلیمِ لِرُواتِها، وَاُقِرُّ بِاَوْصِیائِه مِنْ اَبْنائِه، اَئِمَّهً وَحُجَجا، وَاَدِلَّهً وَسُرُجا

معبودا بدون شک تو به هر که نسبت به تو گمان نیکو دارد مژده پاداش دادی، و کسی را که نسبت به تو گمان بد دارد تهدید به مجازات نمودی. خداوندا مسلما رمق و جان ضعیفم را فقط خوش گمانی نسبت به (رحمت) تو در آزاد نمودن گردنم از آتش، و پوشاندن لغزش و بخشش خطایم حفظ نموده است.

خداوندا سخن حقت که هیچ خلاف و تبدیل و تغییری در آن راه ندارد این است که: ﴿یَوْمَ ندْعُوا کُلَّ أناسٍ بإمامِهِم﴾ (1) (روزی که هر گروهی از مردم را با پیشوایشان فرا می خوانیم) و آن (روز) روز زنده کردن مردگان است، هنگامی که در صور دمیده شود (2)و آن چه در درون قبرهاست زیر و رو شود(3).

خداوندا من حقیقتاً (به پیمانم) وفا می کنم و شهادت می دهم و اقرار می کنم و (هرگز) انکار و نفی نمی کنم و در پنهان و آش_کار و ظاهر و باطن می گویم (و معتقدم) به این که یقیناً تو خودت خداوندی که هیچ معبودی جز تو نیست، یگانه ای که هیچ شریکی برایت نیست و (شهادت می دهم به) این که مسلماً محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده توست،

و علی علیه السلام امیر مؤمنان، سرور اوصیاء و وارث علم انبیاء، پرچم (و نشانه برجسته) دین، و نابودکننده مشرکان، و جدا کننده منافقان، و جهاد کننده علیه خوارج و منحرفان، امام و پیشوا و حجت (الهی) بر من، و دستاویز (نجات) و راه (مستقیم) و راهنما و شاه راه روشن من است، و کسی که به اعمالم _ هرچند پاکیزه باشد _ تکیه نمی کنم (و به آن ها مطمئن نیس_تم) و آن ها را_ هرچند که صالح باشند _ نجات بخش خودم نمی بینم جز با ولایت او و اقتدا به وجود مبارکش، و اقرار و اعتراف نس_بت به فضایلش و پذیرفتن (این معارف) از حاملان آن ها، و تسلیم بودن در برابر راویان آن ها. و به اوصیاء و جانشینانش که از فرزندان اویند به عنوان امامان و حجت های (الهی) اقرار می کنم که راهبران و چراغ های تابان (هدایت)

1- سوره إسراء/ آیه 71
2- عبارت «إذا نفِخَ فی الصور» در متن عربی دعا، یک عبارت قرآنی است که در آیات 101 سوره مؤمنون و 13 س__وره حاقّه به کار رفته، و نیز

این عبارت بدون کلمه «إذا» در آیات 99 س__وره کهف، 51 سوره یس، 68 سوره زمر و 20 سوره ق وجود دارد.
3- عبارت «بعثَرَ ما فی القُبور» از آیه 9 سوره مبارکه عادیات اقتباس شده است.

وَاَعْلاما وَمَنارا وَسادَةً وَاَبْرارا، وَاُؤْمِنُ بِسِرِّهِمْ وَجَهْرِهِمْ، وَظاهِرِهِمْ وَباطِنِهِمْ، وَغائِبِهِمْ وَشاهِدِهِمْ، وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، لا شَکَّ فی ذلِکَ، وَلاَ ارْتِیابَ - عِنْدَ تَحَوُّلِکَ - وَلاَ اَنْقِلابَ.

اَللّهُمَّ فَادْعُنی یَوْمَ حَشْری وَنَشْری بِاِمامَتِهِمْ، وَاَنْقِذْنی بِهِمْ یا مَوْلایَ مِنْ حَرِّ النّیرانِ، وَ اِنْ لَمْ تَرْزُقْنی رَوْحَ الْجِنانِ، فَاِنَّکَ اِنْ اَعْتَقْتَنی مِنَ النّارِ کُنْتُ مِنَ الْفائِزینَ.

اَللّهُمَّ وَقَدْ اَصْبَحْتُ یَوْمی هذا لا ثِقَةَ لی، وَلا رَجاءَ وَلا لَجَاَ، وَلا مَفْزَعَ وَلا مَنْجا، غَیْرَ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَیْکَ، مُتَقَرِّبا اِلی رَسُولِکَ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ، وَالزَّهْراءِ سَیِّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ وَالْحَسَنِ، وَالْحُسَیْنِ، وَعَلِیٍّ، وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرٍ، وَمُوسی، وَعَلِیٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَعَلِیٍّ، وَالْحَسَنِ، وَمَنْ بَعْدَهُمْ، تُقیمُ الْمَحَجَّةَ اِلَی الْحُجَّهِ الْمَسْتُورَهِ مِنْ وُلْدِهِ الْمَرْجُوِّ لِلاُمَّهِ مِنْ بَعْدِه.

اَللّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فی هذَا الْیَوْمِ وَما بَعْدَهُ حِصْنی مِنَ الْمَکارِهِ وَمَعْقِلی مِنَ الْمَخاوِفِ، وَنَجِّنی بِهِمْ مِنْ کُلِّ عَدُوٍّ، وَطاغٍ وَباغٍ وَفاسِقٍ، وَمِنْ شَرِّ ما اَعْرِفُ وَما اُ نْکِرُ، وَمَا اسْتَتَرَ عَنّی وَما اُبْصِرُ وَمِنْ شَرِّ

و پرچمها و نشانه های برجسته دین و سروران و نیکانند و به پنهان و آشکارشان و ظاهر و باطنشان و غائب و حاضرشان و زنده و مرده شان ایمان دارم، (ایمانی که) هیچ شکی در آن نیست و هنگام انتقال دادنم توسط تو (به جهان آخرت) هیچ تردیدی در آن ایمان نیست و هیچ دگرگونی در آن راه ندارد.

بارالها پس مرا در روز زنده شدن و محشور شدنم با امامت آنان فرا بخوان و به برکت وجودشان _ ای سرور و مولای من _ مرا از حرارت آتش دوزخ نجات بده، هر چند که نعمت و رفاه بهشت را روزیم نگردانی، زیرا بدون شک (همین قدر که) مرا از آتش آزاد گردانی از پیروزمندان خواهم بود.

خداوندا امروز صبح کردم در حالی که هیچ مایه اطمینان و امید و پناه و پناه گاه و محل نجاتی ندارم جز آن کسانی که به واسطه (وجود مبارک) آنان به (درگاه) تو متوسل شدم، در حالی که به پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، سپس علی امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهراء علیهاالسلام سرور زنان جهانیان، و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسنعلیهم السلام و آن (وجود مبارک) که پس از آنان است تقرب می جویم، (که تو خود) شاه راه روشن هدایت را به سوی حجت غایب از نظر که از فرزندان او و مایه امید امت پس از اوست برپا می داری.

خدایا (وجود مبارک) آنان را امروز و روزهای بعد دژ و جان پناه من از ناگواری ها و پناهگاهم از ترس ها بگردان، و به برکت آنان مرا از هر دشمن و طغیانگر و ستمگر و فاسقی نجات بده.

و (همچنین به برکت وجودشان مرا) از شر هر چه می شناسم و هر چه نمی شناسم، و هر چه از دیدگانم پنهان است و هر آن چه می بینم، و از شر هر جنبنده ای که تو _ ای

كُلِّ دابَّهٍ، رَبِّ اَنْتَ اخِذٌ بِناصِيَتِها، اِنَّکَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ.

اَللّهُمَّ فَبِتَوَسُّلی بِهِمْ اِلَیْکَ، وَتَقَرُّبی بِمَحَبَّتِهِمْ، وَتَحَصُّنی بِاِمامَتِهِمْ، اِفْتَحْ عَلَیَّ فی هذَا الْیَوْمِ اَبْوابَ رِزْقِکَ، وَانْشُرْ عَلَیَّ رَحْمَتَکَ، وَ حَبِّبْنی اِلی خَلْقِکَ، وَجَنِّبْنی بُغْضَهُمْ وَعَداوَتَهُمْ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.

اَللّهُمَّ وَلِکُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوابٌ، وَلِکُلِّ ذی شَفاعَهٍ حَقٌّ، فَاَسْاَلُکَ بِمَنْ جَعَلْتُهُ اِلَیْکَ سَبَبی، وَقَدَّمْتُهُ اَمامَ طَلِبَتی، اَنْ تُعَرِّفَنی بَرَکَهَ یَوْمی هذا، وَشَهْری هذا، وَعامی هذا.

اَللّهُمَّ وَهُمْ مَفْزَعی، وَمَعُونَتی، فی شِدَّتی وَرَخائی، وَعافِیَتی وَبَلائی وَنَوْمی وَیَقْظَتی، وَظَعْنی وَ اِقامَتی، وَعُسْری وَیُسْری وَعَلانِیَتی وَسِرِّی، وَاِصْباحی وَ اِمْسائی، وَتَقَلُّبی وَمَثْواىَ، وَسِرّی وَجَهْری.

اَللّهُمَّ فَلا تُخَیِّبْنی بِهِمْ مِنْ نائِلِکَ، وَلا تَقْطَعْ رَجائی مِنْ رَحْمَتِکَ وَلا تُؤْیِسْنی مِنْ رَوْحِکَ، وَلا تَبْتَلِنی بِانْغِلاقِ اَبْوابِ الاْرْزاقِ وَانْسِدادِ مَسالِکِها، وَارْتِتاجِ مَذاهِبِها، وَافْتَحْ لی مِنْ لَدُنْکَ

پروردگار من _ صاحب اختیار اوئی (نجات بده)، به راستی که تو بر راه مستقیمی.(1) بارالها پس به برکت توسلم به تو به واسطه آنان، و تقرب جستنم به محبت شان و پناهندگی ام به امامت شان، درهای روزیت را امروز بر من باز کن، و رحمتت را بر من بگستران و مرا محبوب خلقت گردان، و از کینه و دشمنی شان مرا دور بدار که بی گمان تو بر هر چیزی بسیار توانایی.

خداوندا برای هر توسل کننده ای جزا و پاداشی است، و هر صاحب شفاعتی حقی دارد، پس به یمن وجود کسانی که آنان را سبب و واسطه خودم به سوی تو گرداندم و آنان را پیشاپیش درخواستم قرار دادم، از تو می خواهم که خیر و برکت این روز و این ماه و این سالَم را به من یاد دهی (و راه هایش را بشناسانی)

خدایا آنان هم در سختی و گرفتاری و هم در آسانی و آسایشم پناهگاه و کمک منند و نیز در عافیت و بلایم، و خواب و بیداری ام، و در کوچ و اقامتم، و سختی و آسانی ام، و آشکار و پنهانم، و صبحگاهان و شامگاهانم، و در انتقال و سکونم (و باقی ماندنم)، و پنهان و آشکارم.

خدایا پس به یمن وجود مبارکش_ان مرا از عطا و بخششت نا امید مگردان، و امیدم را از رحمتت قطع مفرما، و مرا از رحمتت مأیوس نکن، و با بسته شدن درهای رزق و روزی و مسدود شدن راه های کسب آن مرا آزمایش نکن، و از جانب خود فتح و گشایشی

1- متن عربی این عبارت با اندکی تغییر از آیه 56 سوره مبارکه هود اقتباس شده است.

فَتْحا يَسيرا، وَاجْعَلْ لى مِنْ كُلِّ ضَنْكٍ مَخْرَجا، وَإلى كُلِّ سَعَةٍ مَنْهَجا، اِنَّکَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ، وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ، امينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

20_لطلب الفرج ورفع الغمّ

بالإسناد عن الرضا عليه السلام قال: إ نّي اغتَمَمت فى بعض الاُمور فأتانى أبو جعفر عليه السلام فقال: يا بنىّ ادعُ اللّه، وأكثر من «يا رَؤُوفُ يا رَحيمُ»

21_لطلب الفرج متوسّلاً بأسماء اللّه تعالى

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَريکَ لَهُ، خالِقُ الْخَلْقِ، وَقاسِمُ الرِّزْقِ، وَفالِقُ الْاِصْباحِ، وَجاعِلُ اللَّيْلِ سَکَنا، وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْبانا ذلِکَ تَقْديرُ الْعَزيزِ الْعَليمِ، لا اِلهَ اِلاّ هُوَ الْعَزيزُ الْحَکيمُ

آس_ان نصیبم گردان و از هر مضیقه ای راه خروجی و به س_وی هر گشایش و وسعتی راه روشنی برایم قرار ده، به راستی که تو مهربان ترین مهربانانی، و درود و رحمت خداوند بر محمد و خاندان پاک و مطهرش، آمین (استجابت کن) ای پروردگار جهان ها و جهانیان(1)

دعای بیستم: دعای آن حضرت علیه السلام برای طلب گشایش و برطرف شدن غم و اندوه

با اسناد از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:

در کاری دغدغه و ناراحتی داشتم، پدر (بزرگوارم) أبوجعفر _ اِمام کاظم _ علیه السلام پیشم آمده و فرمودند: پس_ر عزیزم خدا را بخوان و ذکر «یا رؤوفُ یا رَحیمُ» (ای خدای با رأفت و ای بسیار مهربان) را زیاد بگو.

دعای بیست ویکم: دعای امام علیه السلام برای طلب گشایش با توسل به اسماء حسنای خداوند تعالی

به نام خداوند بخشنده بسیار مهربان

شهادت می دهم که هیچ معبودی جز خداوند نیست، که یکتاست و هیچ شریکی ندارد، آفریننده خلایق و تقس_یم کننده روزی، و ش_کافنده صبحگاه و کسی است که ش_ب را مایه آرامش و (گردش) خورش_ید و ماه را وس_یله محاسبه زمان قرار داده اس_ت و این پدیده، تقدیر و اندازه گیری خداوند قدرتمند بسیارداناست(2)، هیچ معبودی جز او نیست و شکست ناپذیر و

1- واژه «العالمین»جمع کلمه «عالم» و کلمه اخیر به معنای چیزی است که به وسیله آن علم به وجود چیزی حاصل می ش__ود و جهان خلقت را از آن جهت «عالم» می نامند که بر وجود خالق متعال دلالت می کند. جمع بستن این کلمه یا به جهت آن است که بر اصناف و انواع مختلف موجودات جهان هستی دلالت کند مانند عالم جمادات، عالم نباتات، عالم حیوانات و ...، یا برای اینکه عوالم مختلف وجود را در برگیرد مانند: عالم ناسوت، عالم ملکوت، عالم جبروت و ...، و یا بر دوره های مختلف زمانی جهان خلقت دلالت کند. برخی از علمای لغت نیز به جهت اینکه جمع مذکر سالم به موجودات عاقل اختصاص دارد «عالمین» را به معنای عالم انسان ها و

جهانیان در نظر می گیرند، چنان چه در برخی آیات قرآن نیز به همین معنی اس__تفاده ش__ده، مانند آیه إِنْ هُوَ إِلّا لا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ. به همین جهت در ترجمه حاضر کلمه «العالمین» به « جهانها و جهانیان»ترجمه شد.
2- عبارت «فالقُ الإصباحِ و ... ذلک تقديرُ العَزيزِ العليم» در متن عربی دعا، با یک تغییر جزئی از آیه 96 س__وره انعام اقتباس شده است

وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَوَلِيُّهُ وَنَبِيُّهُ وَخَليلُهُ وَصَفيُّهُ وَحَبيبُهُ، وَخالِصَتُهُ وَخاصَّتُهُ مِنْ خَلْقِه، وَاَمينُهُ عَلى وَحْيِه، اَرْسَلَهُ بِالْهُدى وَدينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلىَ الدّينِ كُلِّه وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، بَشيراوَنَذيرا وَداعِيا اِلَى اللّه ِ بِاِذْنِه وَسِراجا مُنيرا، صَلَّى اللّه ُ عَلَيْهِ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ الَّذينَ اَذْهَبَ اللّه ُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ، وَطَهَّرَهُمْ تَطْهيرا يا مُقَوِّىَ كُلِّ ذَليلٍ، وَمُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ، وَمُذِلَّ الْجَبّارينَ قَدْ وَحَقِّكَ بَلَغَ مِنِّى الْمَجْهُودُ، فَفَرِّجْ عَنّى يا اَرْحَمَ الرَّاحِمينَ، يا مُفَرِّجُ اَلْفَرَجَ(12) يا كَريمُ اَلْفَرَجَ، يا عَزيزُ اَلْفَرَجَ، يا جَبّارُ اَلْفَرَجَ، يا رَحْمنُ اَلْفَرَجَ، يا رَحيمُ اَلْفَرَجَ، يا جَليلُ اَلْفَرَجَ، يا جَميلُ اَلْفَرَجَ، يا كَفيلُ اَلْفَرَجَ، يا مُنيلُ اَلْفَرَجَ، يا مُقيلُ اَلْفَرَجَ، يا مُجيرُ اَلْفَرَجَ، يا خَبيرُ اَلْفَرَجَ، يا مُنيرُ اَلْفَرَجَ، يا مُبَلِّغُ اَلْفَرَجَ، يا مُديلُ اَلْفَرَجَ يا مُحيلُ اَلْفَرَجَ، يا كَبيرُ اَلْفَرَجَ، يا قَديرُ اَلْفَرَجَ، يا بَصيرُ اَلْفَرَجَ يا بَرُّ اَلْفَرَجَ، يا طُهْرُ اَلْفَرَجَ، يا طاهِرُ اَلْفَرَجَ،يا قاهِرُ اَلْفَرَجَ يا ظاهِرُ اَلْفَرَجَ،

باحکمت است(1). و شهادت می دهم که به راستی محمد صل الله علیه وآله وسلّم بنده و فرستاده اوست، او که ولیّ خداوند، و پیامبرش و دوست صمیمی و برگزیده اوست، و محبوبش و برگزیده مقربش و بنده مخصوصش از بین تمام خلقش، و امین او بر وحیش، که او را با هدایت و دین حق به سوی بشر فرستاد تا او را بر هر دینی پیروز گرداند، هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند(2)، و بشارت دهنده و بیم دهنده، و دعوت کننده به سوی خداوند به اجازه او، و چراغی تابنده است(3) که درود و رحمت خداوند بر او و اهل بیت گرامی اش باد، کسانی که خداوند پلیدی را از آنان دور کرده و آنان را به طور کامل (از هر نوع گناه و اشتباه) تطهیر نموده است.(4)

ای تقویت کننده هر شخص خوار و ذلیلی، و ای عزت بخش مؤمنان و خوار کننده ستمگران زورگو، قسم به حق خودت که حقیقتاً سختی و مشقتم به نهایت رسیده (کارد به استخوانم رسیده است) پس مشقت و سختی را از من برطرف نما (و در امورم گشایش بده) ای مهربان ترین مهربانان. ای گشایش دهنده، (از تو) گشایش را (می طلبم)(5)، ای بزرگوار گشایش (بده)؛ ای شکست ناپذیر گشایش (بده)؛ ای مسلط و قاهر (یا اصلاح کننده امور خلق) گشایش (بده) ای بخشاینده، گشایش (بده)؛ ای بسیار مهربان، گشایش (بده)؛ ای شکوهمند و عظیم، گشایش (بده)؛ ای زیبا و نیک کردار، گش_ایش (بده)؛ ای سرپرست و عهده دار امور خلق، گشایش؛ ای نائل کننده بندگان به نعماتت، گشایش؛ ای درگذرنده از لغزشها، گشایش؛ ای پناهدهنده، گشایش؛ ای خبردار و آگاه، گشایش؛ ای روشنگر و تابنده، گشایش؛ ای رساننده، گشایش؛ ای تغییر دهنده (یا یاری کننده و غلبه دهنده) گشایش؛ ای تبدیل کننده، گشایش؛ ای بزرگ، گشایش؛ ای بسیار توانا، گشایش؛ ای بسیار بینا، گشایش؛ ای نیکوکار، گشایش؛ ای پاکی و طهارت، گشایش؛ ای پاک و مطهر، گشایش؛ ای مسلط و چیره، گشایش؛ ای آشکار، گشایش؛

1- عبارت «لا إله إلّا هو العزیزُ الحَکیم» در متن عربی دعا در پایان آیات 6 و 18 از سوره آل عمران آمده است
2- عبارت «ارسَلَه بالهُدی ... و لو کَرِهَ المشرکون«»با تغییر مختصری از آیات 33 سوره توبه و آیه 9 سوره صف، و با تغییر بیشتری از آیه 28 سوره فتح اقتباس شدِه است.

3- عبارت «بشـــیراً و نذیراً و داعیاً إلی ا بإذنه وســـراجاً منیراً» با تغییر کلمه اول، از آیه 45 و 46 سوره احزاب گرفته شده است.
4- تعبیر «ّالذین أذهَبَ ا عنهم الرجسَ و طَهرهم تَطهیراً» اشاره دارد به آیه مبارکه تطهیر (آیه 33 سوره احزاب)
5- واژه «الفَرَج» به صورت منصوب در واقع مفعولبه برای فعلی محذوف اســـت، و تقدیر عبارت این اســـت که: «أســـألک الفرجَ» یا «أطلُبُ مِنکَ الفَرَجَ» یا «أعطِنِی الفرَجَ» لذا در ترجمه حاضر در چند عبارت اول به صورت «گشایش را می طلبم» یا «گشایش بده» ترجمه شد، و سپس به تبع متن عربی فقط کلمه «گشایش» در ترجمه آمده و از ذکر فعل خودداری شده است.

يا باطِنُ اَلْفَرَجَ، يا ساتِرُ اَلْفَرَجَ، يا مُحيطُ اَلْفَرَجَ يا مُقْتَدِرُ اَلْفَرَجَ يا حَفيظُ اَلْفَرَجَ يا مُتَجَبِّرُ اَلْفَرَجَ يا قَريبُ اَلْفَرَجَ، يا وَدُودُ اَلْفَرَجَ، يا حَميدُ اَلْفَرَجَ، يا مَجيدُ اَلْفَرَجَ يا مُبْدِئُ اَلْفَرَجَ يا مُعيدُ اَلْفَرَجَ، يا شَهيدُ اَلْفَرَجَ، يا مُحْسِنُ اَلْفَرَجَ يا مُجْمِلُ اَلْفَرَجَ، يا مُنْعِمُ اَلْفَرَجَ، يا مُفْضِلُ اَلْفَرَجَ، يا قابِضُ اَلْفَرَجَ يا باسِطُ اَلْفَرَجَ، يا هادِئُ اَلْفَرَجَ، يا مُرْسِلُ اَلْفَرَجَ، يا دافِعُ اَلْفَرَجَ، يا رافِعُ اَلْفَرَجَ، يا باقى اَلْفَرَجَ، يا واقى اَلْفَرَجَ، يا خَلاّقُ اَلْفَرَجَ، يا وَهّابُ اَلْفَرَجَ، يا تَوّابُ اَلْفَرَجَ، يا فَتّاحُ اَلْفَرَجَ، يا نَفَّاحُ اَلْفَرَجَ، يا مُرْتاحُ اَلْفَرَجَ، يا نَفّاعُ اَلْفَرَجَ، يا رَؤُوفُ اَلْفَرَجَ، يا عَطوفُ اَلْفَرَجَ، يا كافى اَلْفَرَجَ، يا شافى اَلْفَرَجَ، يا مُعافى اَلْفَرَجَ، يا مُكافى اَلْفَرَجَ، يا وَفِىُّ اَلْفَرَجَ،يا مُهَيْمِنُ اَلْفَرَجَ، يا سَلامُ اَلْفَرَجَ، يا مُتَكَبِّرُ اَلْفَرَجَ، يامُؤْمِنُ اَلْفَرَجَ، يا اَحَدُ اَلْفَرَجَ، يا صَمَدُ اَلْفَرَجَ، يا نُورُ اَلْفَرَجَ، يا مُدَبِّرُ اَلْفَرَجَ، يا فَرْدُ اَلْفَرَجَ، يا وَتْرُ اَلْفَرَجَ، يا ناصِرُ اَلْفَرَجَ، يا مُونِسُ اَلْفَرَجَ يا باعِثُ اَلْفَرَجَ، يا وارِثُ اَلْفَرَجَ، يا عالِمُ اَلْفَرَجَ، يا حاكِمُ اَلْفَرَجَ يا بارِئُ اَلْفَرَجَ، يا مُتَعالِى اَلْفَرَجَ، يا مُصَوِّرُ اَلْفَرَجَ، يا مُجيبُ اَلْفَرَجَ، يا قائِمُ اَلْفَرَجَ، يا دائِمُ اَلْفَرَجَ، يا عَلَيمُ اَلْفَرَجَ، يا حَكيمُ اَلْفَرَجَ يا جَوادُ اَلْفَرَجَ،

ای پنهان، گشایش؛ ای پوشاننده، گشایش؛ ای احاطه دارنده، گشایش؛ ای قدرتمند، گشایش؛ ای حفظ کننده و نگهدار، گشایش؛ ای صاحب جبروت و عظمت، گشایش؛ ای نزدیک، گشایش؛ ای دوست دارنده و محبوب، گشایش؛ ای ستوده، گشایش؛ ای دارای مجد و شکوه، گشایش؛ ای آغازگر، گشایش؛ ای بازگرداننده، گشایش؛ ای گواه و شاهد، گشایش؛ ای نیکی کننده، گشایش؛ ای انجام دهنده زیبایی ها، گشایش؛ ای نعمت بخش، گشایش؛ ای تفضل کننده، گشایش؛ ای گیرنده و محدود کننده، گشایش؛ ای گسترش دهنده، گشایش؛ ای هدایتگر، گشایش؛ ای فرستنده، گشایش؛ ای برطرف کننده، گشایش؛ ای بالا برنده، گشایش؛ ای پایدار، گشایش؛ ای حفاظت کننده، گشایش؛ ای بسیار آفریننده، گشایش؛ ای بسیار بخشنده، گشایش؛ ای بسیار توبه پذیر، گشایش؛ ای بسیار گشاینده، گشایش؛ ای بسیار رحمتگر و عطا کننده، گشایش؛ ای راحتی بخش، گشایش؛ ای بسیار سود رسان، گشایش؛ ای بارأفت، گشایش؛ ای باعطوفت، گشایش؛ ای کفایت کننده، گشایش؛ ای شفا بخش، گشایش؛ ای عافیت بخش، گشایش؛ ای جزا و پاداش دهنده، گشایش؛ ای وفادار (به عهد و پیمان) گشایش؛ ای مسلط و چیره، گشایش؛ ای مایه آرامش، گشایش؛ ای دارای کبریاء و عظمت، گشایش؛ ای ایمنی بخش، گشایش؛ ای یگانه، گشایش؛ ای بی نیازی (که همه به او نیازمندند) گشایش؛ ای نور، گشایش؛ ای تدبیر کننده، گشایش؛ ای تنها، گشایش؛ ای یکتا، گشایش؛ ای یاور، گشایش؛ ای مونس، گشایش؛ ای برانگیزاننده گشایش؛ ای وارث جهان و جهانیان، گشایش؛ ای دانا، گشایش؛ ای حاکم و داور، گشایش؛ ای پدیدآورنده مبتکر، گشایش؛ ای والا مرتبه، گش_ایش؛ ای صورت بخش، گشایش؛ ای اجابت کننده، گشایش؛ ای استوار و برپا، گشایش؛ ای پایدار و برجا، گشایش؛ ای بسیار دانا، گشایش؛ ای خردمند، گشایش؛ ای سخاوتمند، گشایش؛

يا بارُّ اَلْفَرَجَ، يا سَارُّ اَلْفَرَجَ، يا عَدْلُ اَلْفَرَجَ يا فاضِلُ اَلْفَرَجَ، يا دَيّانُ اَلْفَرَجَ، يا حَنّانُ اَلْفَرَجَ، يا مَنّانُ اَلْفَرَجَ ياسَميعُ اَلْفَرَجَ، يا خَفِيُّ اَلْفَرَجَ، يا مُعينُ اَلْفَرَجَ يا ناشِرُ اَلْفَرَجَ يا غافِرُ اَلْفَرَجَ، يا قَديمُ اَلْفَرَجَ، يا مُسَهِّلُ اَلْفَرَجَ، يا مُيَسِّرُ اَلْفَرَجَ يا مُميتُ اَلْفَرَجَ، يا مُحْيى اَلْفَرَجَ، يا نافِعُ اَلْفَرَجَ، يا رازِقُ اَلْفَرَجَ يا مُسَبِّبُ اَلْفَرَجَ، يا مُغيثُ اَلْفَرَجَ يا مُغْنى اَلْفَرَجَ يا مُقْنِى اَلْفَرَجَ يا خالِقُ اَلْفَرَجَ، يا راصِدُ اَلْفَرَجَ، يا حاضِرُ اَلْفَرَجَ يا جابِرُ اَلْفَرَجَ يا حافِظُ اَلْفَرَجَ، يا شَديدُ اَلْفَرَجَ، يا غِياثُ اَلْفَرَجَ، يا عائِذُ اَلْفَرَجَ يا اَللّٰهُ اَلْفَرَجَ، يا عَظيمُ اَلْفَرَجَ، يا حَيُّ اَلْفَرَجَ، يا قَيُّومُ اَلْفَرَجَ يا عالى اَلْفَرَجَ، يا رَبُّ اَلْفَرَجَ، يا اَعْظَمُ اَلْفَرَجَ، يا اَعَزُّ اَلْفَرَجَ يا اَجَلُّ اَلْفَرَجَ، يا غَنىُّ اَلْفَرَجَ، يا اَ كْبَرُ اَلْفَرَجَ، يا اَزَلِيُّ اَلْفَرَجَ يا اَوَّلُ اَلْفَرَجَ، يا اخِرُ اَلْفَرَجَ، يا حَقُّ اَلْفَرَجَ، يا مُبينُ اَلْفَرَجَ يا يَقينُ اَلْفَرَجَ، يا مالِكُ اَلْفَرَجَ يا قُدُّوسُ اَلْفَرَجَ يا مُتَقَدِّسُ اَلْفَرَجَ، يا واحِدُ اَلْفَرَجَ، يا اَحَدُ اَلْفَرَجَ، يا مُتَوَحِّدُ اَلْفَرَجَ، يا مُمِدُّ اَلْفَرَجَ يا قَهّارُ اَلْفَرَجَ، يا رَحيمُ اَلْفَرَجَ يا مُفَضِّلُ اَلْفَرَجَ يا مُتَرَحِّمُ اَلْفَرَجَ يا قاصِمُ اَلْفَرَجَ، يا مُكْرِمُ اَلْفَرَجَ يا مُعَلِّمُ اَلْفَرَجَ يا مُصْطَفى اَلْفَرَجَ يا مُزَكّى اَلْفَرَجَ يا وافى

ای احسان کننده، گشایش؛ ای شادی بخش، گشایش؛ ای تجسم عدل و داد، گشایش؛ ای با فضیلت، گشایش؛ ای جزا دهنده، گشایش؛ ای بسیار مهر ورزنده، گشایش؛ ای بسیار نعمت دهنده، گشایش؛ ای بسیار شنوا، گشایش؛ ای پنهان (از دیده ها) گشایش؛ ای کمک کار، گشایش؛ ای گسترنده، گشایش؛ ای آمرزنده گشایش؛ ای ازلی و بی آغاز، گشایش؛ ای آسان کننده، گشایش؛ ای هموار کننده، گشایش؛ ای میراننده، گشایش؛ ای زنده کننده، گشایش؛ ای سود بخش، گشایش؛ ای روزی رسان، گشایش؛ ای سبب ساز، گشایش؛ ای فریادرس، گشایش؛ ای بی نیاز کننده، گشایش؛ ای ثروت بخش، گشایش؛ ای آفریدگار، گشایش؛ ای ناظر و رصد کننده، گشایش؛ ای حاضر، گشایش؛ ای سامان بخش و اصلاح کننده، گشایش؛ ای نگاهبان، گشایش؛ ای قوی، گشایش؛ ای پناه و دادرس، گشایش؛ ای پناه دهنده، گشایش؛ ای خداوند، گشایش؛ ای بسیار بزرگ، گشایش؛ ای زنده، گشایش؛ ای قیم و مدبر امور خلایق، گشایش؛ ای بلند مرتبه، گشایش؛ ای پروردگار (و صاحب اختیار) گشایش؛ ای عظیم تر، گشایش؛ ای عزیزتر (و شکست ناپذیرتر) گشایش؛ ای بزرگوارتر، گشایش؛ ای بی نیاز، گشایش؛ ای بزرگتر (از آنچه به وصف درآید) گشایش؛ ای ازلی (و بی آغاز) گشایش؛ ای اول (و نخستین) گشایش؛ ای آخر (و آخرین) گشایش؛ ای وجود و کمال حق، گشایش؛ ای ظاهر و روشنگر، گشایش؛ ای وجود یقینی، گشایش؛ ای مالک (و دارنده) گشایش؛ ای بسیار پاک و مقدس، گشایش؛ ای منزه از هر عیب، گشایش؛ ای یکتا، گشایش؛ ای بی همتا، گشایش؛ ای فرد و یگانه، گشایش؛ ای امداد رسان، گشایش؛ ای بسیار قاهر و مسلط، گشایش؛ ای بسیار مهربان، گشایش؛ ای برتری دهنده، گشایش؛ ای ترحم کننده، گشایش؛ ای درهم شکننده (ستمگران) گشایش؛ ای گرامی دارنده، گشایش؛ ای آموزش دهنده، گشایش؛ ای اختیار کننده، گشایش؛ ای پاک کننده، گشایش؛ ای وفا کننده (و کامل کننده)

اَلْفَرَجَ یا کاشِفُ اَلْفَرَجَ یا مُصَرِّفُ اَلْفَرَجَ یا داعی اَلْفَرَجَ، یا مَرْجُوُّ اَلْفَرَجَ، یا مُتَجاوِزُ اَلْفَرَجَ یا فاتِحُ اَلْفَرَجَ یا مَلیکُ اَلْفَرَجَ، یا مُقَدِّرُ اَلْفَرَجَ، یا مُؤَلِّفُ اَلْفَرَجَ، یا مُمَهِّدُ اَلْفَرَجَ یا مُؤَیِّدُ اَلْفَرَجَ یا شاهِدُ اَلْفَرَجَ یا صادِقُ اَلْفَرَجَ یا مُصَدِّقُ اَلْفَرَجَ یا مُدْرِکُ اَلْفَرَجَ، یا سابِقُ اَلْفَرَجَ، یا عَوْنُ اَلْفَرَجَ یا لَطیفُ اَلْفَرَجَ یا رَقیبُ اَلْفَرَجَ، یا فاطِرُ اَلْفَرَجَ، یا مُفْنی اَلْفَرَجَ یا مُسَخِّرُ اَلْفَرَجَ یا مُمَجِّدُ اَلْفَرَجَ یا مَعبُودُ اَلْفَرَجَ یا مَدْعُوُّ اَلْفَرَجَ یا مَرْهُوبُ اَلْفَرَجَ یامُسْتَعانُ اَلْفَرَجَ یا مُلْتَجَأَ اَلْفَرَجَ، یا کَهْفُ اَلْفَرَجَ، یا عُدَّهُ اَلْفَرَجَ یا ذَا الْجَلالِ وَالاْکْرامِ

اَللّهُمَّ بِحَقِّ هذِهِ الاْسْماءِ الْحُسْنی، وَالْکَلِماتِ الْعُلْیا، وَبِحَقِّ «بِسْمِ اللّه ِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ * قُلْ هُوَ اللّه ُ اَحَدٌ * اللّه ُ الصَّمَدُ * لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ * وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوا اَحَدٌ»(1) اَهْلِکْ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ

اَللّهُمَّ اِنْ کانَ فُلانٌ عَدُوُّ اللّه وَعَدُوُّ رَسُولِ اللّه ِ صَلَّی اللّه ُ عَلَیْهِ

گشایش؛ ای برطرف کننده (غم و اندوه) گش_ایش؛ ای تغییر دهنده، گشایش؛ ای دعوت کننده، گش_ایش؛ ای مایه امید، گشایش؛ ای گذشت کننده، گشایش؛ ای گشاینده، گشایش؛ ای فرمانروای مقتدر، گشایش؛ ای تقدیر کننده (و اندازه گیرنده) گشایش؛ ای الفت بخش، گش_ایش؛ ای زمینه ساز، گشایش؛ ای تقویت کننده، گشایش؛ ای گواه، گشایش؛ ای راست گفتار و کردار، گشایش؛ ای تصدیق کننده، گشایش؛ ای دریابنده، گشایش؛ ای پیشی گیرنده، گشایش؛ای یاور، گشایش؛ ای لطف کننده، گشایش؛ ای ناظر و مراقب، گشایش؛ ای شکافنده (آسمان و زمین) گشایش؛ ای فنا کننده، گشایش؛ ای تسخیر کننده (و به خدمت گیرنده) گشایش؛ ای شکوه بخش، گشایش؛ ای ذات مورد پرستش، گشایش؛ ای فرا خوانده شده، گشایش؛ ای ذات پرهیبت، گشایش؛ ای مایه امید کمک جویان، گشایش؛ ای محل پناه، گشایش؛ ای پناهگاه، گشایش؛ ای ساز و برگ، گشایش؛ ای صاحب جلال و عظمت و ارجمندی.

بارالها به حق این بهترین نام ها و والاترین کلمات و بحق سوره اخلاص (به نام خداوند بخش_اینده بسیار مهربان، بگو موضوع این است که خداوند یکتاست، خداوند بی نیاز است (و همه به او نیازمندند)، هرگز نزاده و زاییده نشده است، و هیچ کس همتای او نیست)(1) دشمن محمد و آل محمد را نابود گردان،

خداون_دا اگر فلانی _ که دشمن خدا و رسول خدا (که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد)

1- سوره توحید/ آیه 1 تا 4

وَاِلِه، وَاَهْلِ بَيْتِه وَذُرِّيَّتِه وَشيعَتِه - جَحَدَ حَقّا وَادَّعى باطِلاً، فَاَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْبانا مِنَ السَّماءِ وَعَذاباعاجِلاً، امينَ، امينَ، امينَ رَبَّ الْعالَمينَ، وَاَمانَ الْخائِفينَ، اَدرِكْنا فى هذِهِ الْحاجَهِ، وَاَغِثْنا يا اِلهى بِحَقِّ مَلائِكَتِکَ الْمُقَرَّبينَ، وَاَنْبِيائِکَ الْمُرْسَلينَ الْمُطَهَّرينَ، وَبِشَفاعَهِ نَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَاِلِه.

اَللّهُمَّ اِنّى اَتَوَجَّهُ اِلَيْکَ بِنَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَاِلِه، يا اَبَا الْقاسِمِ يا رَسُولَ اللّه ِ، يا اِمامَ الرَّحْمَهِ، اِنَّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَى اللّه، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا، يا وَجيها عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه.ِ

يا اَبَا الْحَسَنِ يا عَلىَّ بْنَ اَبى طالِب، يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ يا حُجَّهَ اللّه ِ عَلى خَلْقِه، يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَى اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا يا وَجيها عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه.ِ

يا فاطِمَهَ الزَّهْراءِ، يا بِنْتَ رَسُولِ اللّه ِ، يا سَيِّدَتَنا وَمَوْلاتَنا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکِ اِلَى اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکِ اِلَى اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکِ اِلَى

و دشمن اهل بیت و ذریه و شیعیانش است _ حقی را انکار نمود و باطلی را ادعا کرد، بر او آتش و کیفری از آس_مان و عذابی شتابان (و فوری) نازل کن، آمین (اجابت ک_ن) آمین آمین، ای پروردگار جهان ها و جهانیان و مایه امنیت بیمناکان، ما را در این حاجت درياب، و ای معبود من به فریادمان برس، به حق فرشتگان مقرّب درگاهت و انبیای فرستاده شده و پاکت و به برکت شفاعت پیامبرت محمد (که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد).

خداوندا همانا من به واسطه پیامبرت محمد (که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد) به سوی تو رو می کنم،(1)

ای اباالقاسم ای فرستاده خدا، ای پیشوای رحمت، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جس_تیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباالحسن، ای علی بن ابی طالب، ای امیر مؤمنان، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای فاطمه زهرا، ای دختر رسول خدا، ای سرور و مولای ما به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم،

1- از این قس__مت تا پایان توس__ل به ذیل عنایت حضرت حجت علیه السلام، این متن در حقیقت همان دعای توسل معروف است.

اللّهِ وَقَدَّمْناکِ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهَةً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعی لَنا عِنْدَ اللّه.

یا اَبامُحَمَّدٍ، یا حَسَنَ بْنَ عَلیٍّ، یَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ، یا حُجَّةَ اللّهِ عَلی خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اللّه ِ،وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاًعِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ، یا اَبا عَبْدِ اللّه ِ، یا حُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ، یَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، یا حُجَّةَ اللّهِ عَلی خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ،

وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه

یا اَبَا الْحَسَنِ، یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ، یَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، یا حُجَّةَ اللّه ِ عَلی خَلْقِهِ، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ، یا اَبا جَعْفَرٍ، یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ، یَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، یا حُجَّةَ اللّه ِ عَلی

و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای ابامحمد، ای حسن بن علی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباعبدا، ای حسین بن علی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباالحسن، ای علی بن الحسین، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباجعفر، ای محمد بن علی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا

خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ یا اَبا عَبْدِ اللّه ِ، یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، یَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، یا حُجَّةَ اللّه ِ عَلی خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ، یا اَبا اِبْراهیمَ، یا مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ، یَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، یا حُجَّةَ اللّه ِ عَلی خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ

یا اَبَا الْحَسَنِ، یا عَلیَّ بْنَ مُوسی، یَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، یا حُجَّةَ اللّه ِ عَلی خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلاناإنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاًعِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ، یا اَبا جَعْفَرٍ، یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلیٍّ، یَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، یا حُجَّةَ اللّه ِ عَلی

بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباعبدا، ای جعفر بن محمد، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباابراهیم، ای موسی بن جعفر، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباالحسن، ای علی بن موسی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای اباجعفر، ای محمد بن علی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور

خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ. یا اَبَا الْحَسَنِ، یا عَلیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، یَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ یا حُجَّةَ اللّه ِ عَلی خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ، یا اَبا مُحَمَّدٍ، یا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ، یَابْنَ رَسُولِ اللّه ِ، یا حُجَّةَ اللّه ِ عَلی خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجیهاً عِنْدَ اللّه ِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ یا وَصِیَّ الْحَسَنِ وَالْخَلَفَ الصّالِحَ، یَا بْنَ رَسُولِ اللّه ِ، یا حُجَّةَ اللّه ِ عَلی خَلْقِه، یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَاسْتَشْفَعْنا بِکَ اِلَی اللّه ِ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللّه ِ، اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللّه ِ.

و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای ابا الحسن، ای علی بن محمد، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای ابا محمد، ای حسن بن علی، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند متوسل شده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

ای وصی حسن و جانشین شایسته، ای پسر رسول خدا، ای حجت خدا بر خلقش، ای سرور و مولای ما، به راستی ما به واسطه وجود مبارکت به خداوند روی آوردیم و به واسطه تو به درگاه خداوند توسل نموده و به درگاه خدا شفاعت جستیم، و تو را پیشاپیش حاجاتمان قرار دادیم، ای آبرومند درگاه خدا، نزد خدا برای ما شفاعت کن.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاکْشِفْ عَنّا کُلَّ هَمٍّ، وَفَرِّجْ عَنّا کُلَّ غَمٍّ، وَاقْضِ لَنا کُلَّ حاجَهٍ مِنْ حَوائِجِ الدُّنْیا وَالاْخِرَهِ

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاَعِذْنا مِنْ شَرِّ جَمیعِ ما خَلَقْتَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاَلْبِسْنا دِرْعَکَ الْحَصینَهَ، وَقِنا شَرَّ جَمیعِ خَلْقِکَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْ غُرْبَتَنا، وَاسْتُرْ عَوْرَتَنا، وَامِنْ رَوْعَتَنا، وَاکْفِنا مَنْ بَغی عَلَیْنا، وَانْصُرْنا عَلی مَنْ ظَلَمَنا وَاَعِذْنا مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ، وَمِنْ جَوْرِ السُّلْطانِ، وَمِنْ شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ، اَللّهُمَّ اجْعَلْنا فی سِتْرِکَ، وَفی حِفْظِکَ، وَفی کَنَفِکَ، وَفی حِرْزِکَ، وَفی عِیاذِکَ، وَفی عِزِّکَ، وَفی مَنْعِکَ، عَزَّ جارُکَ، وَجَلَّ ثَناؤُکَ، وَامْتَنَعَ عائِذُکَ، وَلا اِلهَ غَیْرُکَ، تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ، وَالْحَمْدُللّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدا، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبیرا، وَسُبْحانَ اللّهِ بُکْرَهً وَاَصیلاً، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاّ بِاللّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَاِلِه اَجْمَعینَ.

خداون_دا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرس_ت، و هر دغدغ_ه و اندوهی را از ما برط_رف فرما، و هر غمی را از ما دور گردان، و هر حاجتی از حاجت های دنیا و آخرت را برای ما برآورده ساز.

خدایا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و ما را از شر تمام آنچه آفریده ای پناه ده، بارالها بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و زره مستحکمت را بر ما بپوشان، و ما را از ش_ر تمام خلقت محافظت بفرما. خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و حرمت ما را در غربت پاس بدار، و نقص و عیبمان را بپوشان و ترسمان را ایمنی بخش، و امور ما را در برابر کسی که به ما ستم کرده کفایت کن، و ما را بر کسی که به ما ظلم نموده یاری فرما، و از شر شیطان رانده شده (از درگاهت) و جور و ستم سلطان و شر هر صاحب شری در امان بدار.

خداون_دا ما را در پوش_ش (آمرزش) و حفظ و حمایتت، و در امان و پناه و عزت (و شکست ناپذیری) و دفاع محکمت قرار ده، (زیرا) کسی که در جوار توست عزیز است، و مدح و ثنایت عظیم، و پناه برنده به تو (از شر دیگران) در امان است، و هیچ معبودی غیر از تو نیست.

بر (خدای) زنده ای که (هرگز) نمی میرد توکل کرده ام(1)، و س_پاس و س_تایش خداوندی را سزاست که هیچ فرزندی اختیار نکرده است، و هیچ شریکی در فرمانروایی برایش نیست، و ی_اوری از روی ذل_ت و ناتوانی ندارد، و او را قویاً بزرگ و گرامی بدار(2)، و خداوند را هر صبحگاه و ش_امگاه تسبیح گوی (و از هر نقص و عیبی منزه بدان) (3). و هیچ توان و قدرتی نیس_ت مگر به واسطه خداوند بلند مرتبه بزرگ. و درود و رحمت خدا بر محمد و تمام خاندان گرامیش باد.

1- عبارت «تَوَکَّلتُ علی الحیِّ الذی لا یموت»در متن دعا، از آیه 58 سوره مبارکه فرقان اقتباس شده است.
2- متن عربی عبارات اخیر از آیه پایانی سوره مبارکه إسراء گرفته شده است
3- عبارت «سُبحانَ ا بکرَةً و أصیلاً» در متن دعا، در حقیقت عمل کردن به دستوری است که در آیه 42 سوره مبارکه احزاب به مؤمنین داده شده است

اَللّهُمَّ كُفَّ عَنْ عَبْدِکَ الضَّعيفِ «فُلانِ بْنِ فُلانٍ» شَرَّ «فُلانِ بْنِ فُلانٍ» وَذُبَّ عَنْهُ كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَغائِلَتَهُ وَبَطْشَهُ وَحيلَتَهُ وَغَمْزَهُ، وَطُمَّهُ بِالْعَذابِ طَمّا، وَقُمَّهُ بِالْبَلاءِ قَمّا، وَاَبِحْ حَريمَهُ، وَارْمِه بِيَوْمٍ لا مَعادَ لَهُ وَبِساعَهٍ لا مَرَدَّ لَها، اِنَّکَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ قَديرٌ

اَللّهُمَّ بِحَقِّ الْاَئِمَّهِ الْمَعْصُومينَ، وَبِحَقِّ حُرْمَتِهِمْ لَدَيْکَ وَمَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَکَ، اَهْلِكْهُ هَلاكا عاجِلاً غَيْرَ اجِلٍ، وَخُذْهُ اَخْذَ عَزيزٍ مُقْتَدِرٍ بِرَحْمَتِکَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

اَللّهُمَّ بِحَقِّکَ الْعَظيمِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَبِحَقِّ اَنْبِيائِکَ وَرُسُلِکَ، وَبِحَقِّ هؤُلاءِ الْاَئِمَّهِ الْمَعْصُومينَ، وَبِحَقِّ عِبادِکَ الصّالِحينَ وَبِحَقِّ مَنْ ناداکَ، وَناجاکَ، وَدَعاکَ فِى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمِّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَتَفَضَّلْ عَلى فُقَراءِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالْغِنى وَالْبَرَكَهِ، وَعَلى مَرْضَى الْمُؤمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالشِّفاءِ وَالْعافِيَهِ، وَعَلى مَوْتَى الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالْمَغْفِرَهِ وَالرَّحْمَهِ، وَعلى غُرَباءِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالرَّدِّ اِلى اَوْطانِهِمْ سالِمينَ غانِمينَ، وَعَلى والِدَيْنا وَاَزْواجِنا وَذُرِّيّاتِنا وَاَهْلِ

خداوندا از بنده ضعیفت «فلانی فرزند فلانی» شر «فلانی فرزند فلانی» را باز دار، و مکر و نیرنگ و بدکاری و شدت عمل و حیله و اهانت و عیب جویی اش را از او دور بدار، و آن (شخص شرور) را به شدت در گرداب عذاب غرق کن، و با بلایا او را (از صحنه روزگار) جارو کن، و حریم خانه اش را (بر دیگران) مباح گردان، و به روز مصیبتی دچارش کن که هیچ بازگشتی ندارد، و به ساعت گرفتاری که هیچ برگشتی برایش نیست، به راستی که تو بر هرچیز بسیار توانایی.

خداوندا به حق پیشوایان معصوم و به پاس حرمتشان نزد خودت و منزلتشان در پیشگاهت او را به هلاکتی فوری و بدون تأخیر بینداز، و مؤاخذه و مجازاتش کن، مؤاخذه خدایی قاهر و قدرتمند(1)، به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

خداوندا به حق عظیمت، و به حق محمد و آل محمد و به حق پیامبران و فرستادگانت، و به حق این پیشوایان معصوم و به حق بندگان صالح و شایسته ات و به حق هرکه تو را صدا زد و (با تو) مناجات نمود و تو را در خشکی و دریا خواند،

بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و فرجشان را زود برسان، و تفضل کرده و بر فقرای مردان و زنان باایمان توانگری و برکت و بر بیماران از زنان و مردان مؤمن شفا و عافیت، و بر مردگان از مردان و زنان باایمان آمرزش و رحمت، و بر افراد غریب از مؤمنین و مؤمنات بازگرداندن به وطنشان با سلامتی و غنیمت (و دست پر)، و بر پدر و مادر و همسران و فرزندان و عائله

1- عبارت «و خُذهُ أخذَ عَزیزٍ مُقتَدِرٍ» در متن دعا، از آیه 42 سوره مبارکه قمر الهام گرفته است.

حُزانَتِنا بِالْعِتْقِ مِنَ النّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّهِ، وَاجْعَلْ لَنا مِنْ اَمْرِنا فَرَجا وَمَخْرَجا، وَارْزُقْنا رِزْقا حَلالاً طَيِّباً مِنْ حَيْثُ نَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا نَحْتَسِبُ، وَاخْتِمْ لَنا بِخَيْرٍ، وَاَصْلِحْ لَنا شَأنَنا، وَاَعِنّا لِديننِا وَدُنْيانا وَاقْضِ حَوائِجَنا كُلَّها مِنْ اُمُورِ الدُّنْيا وَالاْخِرَهِ مِمّا لَکَ فيهِ رِضىً وَلَنا فيهِ صَلاحٌ، وَارْزُقْنا حَجَّ بَيْتِکَ الْحَرامِ، وَزِيارَهَ النَّبىِّ وَالاْءئِمَّهِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ فى عامِنا هذا وَفى كُلِّ عامٍ، وَاجْعَلْنا فى طاعَتِکَ مُجِدِّينَ، وَفى خِدْمَتِکَ راغِبينَ، وَقِنا بِفَضْلِ رَحْمَتِکَ عَذابَ الْفَقْرِ وَالْقَبْرِ وَالنّارِ وَسَكَراتِ الْمَوْتِ، وَاَهْوالَ يَوْمِ الْقِيامَهِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ.

ثمّ يسْجد سَجده الشّكر، ويسأل حاجته، تقضى إ ن شاء اللّه تعالى.

22_لطلب تفريج الغمّ والهمّ

قال عليه السلام : يصلّى ركعتين يقرأ فى كلّ واحده منهما الحمد مرّه وإنّا أنزلناه ثلاث عشره مرّه، فإذا فرغ سجد وقال:

اَللّهُمَّ يا فارِجَ الْهَمِّ وَكاشِفَ الْغَمِّ(14) وَمُجيبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّينَ،

(و نان خورانم_ان) رهایی از آتش و کامیابی به بهش_ت را ارزانی دار، و گشایش و راه چاره ای (از مش_کلات) در کارمان قرار بده، و روزی ح_لال و پاکیزه ای به ما روزی کن از جایی که گمان می بریم و از جایی که گمان نمی بریم. (1) و عاقبت کارمان را ختم به خیر بفرما، و شؤون و کارهایمان را سر و سامان بده، و ما را در امور دین و دنیامان یاری کن، و تمام حاجاتمان در زمینه امور دین و آخرت را (البته) در آنچه خشنودی تو و صلاح ما در آن است برآورده کن، و به فریادمان برس و ما را دریاب.

و حج خانه با حرمتت و زیارت پیامبر و ائمه (که سلام تو بر آنان باد) را امسال و هر سال روزی (و نصیب) ما گردان، و ما را از عذاب فقر و قبر و آتش و سکرات مرگ و ترس و هراس های روز قیامت محافظت کن ای مهربانترین مهربانان.

سپس سجده ش_کر به جای آورد و حاجتش را بخواهد، که ان شاء ا تعالی برآورده می شود.

دعای بیست ودوم: دعای آن حضرت علیه السلام برای درخواست برطرف کردن غم و اندوه

امام رضا علیه السلام فرمودند: (هر که غم و اندوهی دارد) دو رکعت نماز به جا آورد، و در هر رکعت یک بار حمد و 13 بار سوره قدر بخواند، و هنگامی که از نماز فارغ شد به سجده رفته و بگوید:

خداون_دا ای گشاینده و زداین_ده (ابره_ای) حزن و اندوه(2) و (ای) برطرف کنن_ده غ_م و (ای) اجابت کنن_ده دعای انسان های مضطر و بیچ_اره

1- عبارات اخیر در متن دعا، از آیات 2 و 3 سوره مبارکه طلاق الهام گرفته است.
2- در کتاب "المس__تدرک" به جای واژه «الغَمَّ» در متن دعا، واژه «الضُرّ» آمده اس__ت که به معنای «خس__ارت و گرفتاری» می باشد.

وَ رَحْمانَ الدُّنْیا، وَرَحیمَ الْاٰخِرَهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنی رَحْمَهً تُطْفِئُ بِها عَنّی غَضَبَکَ وَسَخَطَکَ، وَتُغْنِیَنی بِها عَمَّنْ(15) سِواکَ.

ثُمَّ یَلصق خَدّهُ الاَیمنَ بِالاَرْض، ویقول: یا مُذِلَّ کُلِّ جَبّارٍ عَنیدٍ، وَیا مُعِزَّ کُلِّ ذَلیلٍ(16) قَدْ وَحَقِّکَ بَلَغَ الْمَجْهُودُ مِنّی فی اَمْرِ «کَذا»، فَفَرِّجْ عَنّی

ثمَّ یلصق خدّه الاَیسر بِالاَرْض ویقول: مثل ذلکَ، ثمّ یَعود اِلی سجوده [علی جبهته] وَیقول مِثل ذلکَ، فإنّ اللّه سُبْحانه یفرّج غمّه، ویقضی حاجته.

23_لطلب تفریج الغموم والهموم

اَللّهُمَّ اَنْتَ ثِقَتی فی کُلِّ کَرْبٍ، وَاَنْتَ رَجائی فی کُلِّ شِدَّهٍ، وَاَنْتَ لی فی کُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بی ثِقَهٌ وَعُدَّهٌ، کَمْ مِنْ کَرْبٍ یَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ وَتَقِلُّ فیهِ الْحیلَهُ، وَتَعْیی فیهِ الاُمُورُ، وَیَخْذُلُ فیهِ الْبَعیدُ وَالْقَریبُ وَالصَّدیقُ، وَیَشْمُتُ فیهِ الْعَدُوُّ، اَنْزَلْتُهُ بِکَ وَشَکَوْتُهُ اِلَیْکَ، راغِباًاِلَیْکَ فیهِ عَمَّنْ سِواکَ، فَفَرَّجْتَهُ وَکَشَفْتَهُ وَکَفَیْتَنیهِ، فَاَنْتَ وَلِیُّ کُلِّ نِعْمَهٍ وَصاحِبُ کُلِّ حاجَهٍ، وَمُنْتَهی کُلِّ رَغْبَهٍ،

و (ای) بخشاینده (در) دنیا، و بس_یار مهرب_ان (در) آخرت، ب_ر محمد و آل محم_د درود و رحمت فرس_ت، و بر م_ن رح_م ک_ن رحمت_ی ک_ه به وسیله آن خشم و نارضایت_ی ات نس_بت به من را خاموش سازی، و م_را از غیر خودت بی نیاز کنی. (1) سپس گونه راست خود را به زمین چسبانده و بگوید:

ای ذلیل کننده هر متکبر سرکشی، و ای عزیز کننده هر خوار و ذلیلی(2)، قسم به حق خودت که حقیقتاً در مورد کار فلان سختی و مش_قتم به نهایت ش_دت رسیده (کارد به استخوانم رسیده)، پس گشایشت را نصیبم فرما.

سپس گونه چپ خویش را به زمین چسبانده و مانند همان عبارت را بگوید، آن گاه به حالت سجده روی پیشانی برشده و مانند آن عبارت را بگوید، که در این صورت خداوند سبحان غم و اندوه او را بزداید و حاجتش را برآورد.

دعای بیست وسوم: دعای آن حضرت علیه السلام برای طلب گشایش در غم ها و اندوه ها

خداوندا تو (تکیه گاه و مایه) اطمینان من در هر گرفتاری هستی، و تو (مایه) امید من در هر سختی می باشی، و تو در هر موضوعی که برایم پیش می آید (مایه) اطمینان و پشتوانه منی، چه بسا گرفتاری که دل در آن سست و لرزان می شود، وراه چاره در آن کم می شود (و بسته می شود) و کارها در آن به درماندگی میرسد و (اش_خاص) دور و نزدیک و دوست، (انسان را) در آن تنها می گذارند، و دشمن در آن شماتت می کند، و آن گرفتاری را به درگاه تو آوردم و آن را به تو شکایت نمودم، در حالی که از دیگران روی گردانده و فقط به سوی تو توجه نمودم، و تو آن گرفتاری را گشایش داده و برطرف کرده و مرا در آن کفایت نمودی.

چرا که تو صاحب اختیار هر نعمت و همراه (خلایق) در هر حاجت، و سرمنزل هر نیایش و گرایشی.

1- در نسخه ای دیگر به جای «عَمَّن سِواک» عبارت «عَن رَحمَهِ مَن سِواک» آمده، به معنای «از رحمت و مهربانی فردی غیر خودت«
2- در نس__خه دیگ__ر پس از عبارت«و مُعِ_زّ کلِّ ذَلیل» عبارت «و مُذِلّ ل کلِّ عَزیز» نیز آمده اس__ت، به معنای: «و خوارکننده هر عزیزی»

فَلَکَ الْحَمْدُ کَثیرا، وَلَکَ الْمَنُّ فاضلاً، بِنِعْمَتِکَ تَتِمُّ الصّالِحاتُ، یا مَعْرُوفا بِالْمَعْرُوفِ مَعْرُوفٌ، وَیا مَنْ هُوَ بِالْمَعْرُوفِ مَوْصُوفٌ، اَنِلْنی مِنْ مَعْرُوفِکَ مَعْرُوفا تُغْنینی بِه عَنْ مَعْرُوفِ مَنْ سِواکَ، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

4.أدعیته علیه السلام لطلب قضاء الحوائج

24_لقضاء الحوائج متوسّلاً بالمصحف، وبمحمد وآله علیهم السلام

بالإسناد عن الرضا علیه السلام قال: إذا حزبک(17) امر شدید، فصلّ رکعتین تقرأ فی إحداهما: الفاتحه وآیه الکرسی، وفی الثانیه: الحمد و«اِنّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» ثمّ خذ المصحف وارفعه فوق رأسک، وقل:

اَللّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ اِلی خَلْقِکَ، وَبِحَقِّ کُلِّ ایَهٍ فیهِ، وَ بِحَقِّ کُلِّ مَنْ مَدَحْتَهُ فیهِ عَلَیْکَ، وَبِحَقِّکَ عَلَیْهِ، وَلا نَعْرِفُ اَحَدا اَعْرَفَ بِحَقِّکَ مِنْکَ. یا سَیِّدی یا اَللّهُ عشر مرّات، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عشراً، بِحَقِّ عَلِیٍّ عشرا، بِحَقِّ فاطِمَهَ عشرا. بحقّ إمام بعد کلّ إمام بعده.

پس سپاس و س_تایش بسیار فقط از آن تو، و نعمت بخش_ی فراوان شایسته توست. با نعمتت کارهای شایسته کامل می شود، ای (موجود) شناخته شده ای که با نیکی و احسان شناخته شده ای، و ای کسی که به نیکوکاری توصیف می شود، از احسانت عطا و بخششی نصیبم کن که به واس_طه آن از نیکی غیر تو بی نیازم س_ازی، ب_ه رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

4_ دعاهای آن حضرت علیه السلام برای درخواست برآورده شدن حاجات

دعای بیست و چهارم: دعای امام علیه السلام برای برآورده شدن حوائج با توسل جستن به قرآن کریم

و محمد و آل گرامی اش علیهم السلام

با ذکر سند از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند: اگر به مشکل سختی برخورد کردی(1)، دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول سوره حمد و آیه الکرسی و در رکعت دوم سوره حمد و قدر را بخوان، سپس مصحف شریف را بگیر و بالای سرت قرار داده و بگو:

خداوندا به حق کسی که به سوی آفریدگانت فرستادی، و به حق هر آیه ای که در آن (قرآن) است، به حقی که هر کس که در آن مدحش نمودی بر تو دارد، و به حق تو بر او، و ما هیچ کس را نمی شناسیم که به حق تو از خودت داناتر باشد، ای سرورم، ای ا (ده مرتبه) به حق محمد (ده مرتبه) به حق علی (ده مرتبه) به حق فاطمه (ده مرتبه) و همین گونه به حق هر امامی بعد از هر امامی

1- در نسخه ای دیگر به جای کلمه «حزَبکَ» واژه «حَزنکَ» آمده است به معنای: «تو را محزون کرد»

عشرا، حتّى تنتهى إلى إلإمام الحقّ الّذى هو إمام زمانک، فإنّک لا تقوم من مقامک حتّى يقضى اللّه حاجتک.

25_لقضاء الحوائج

يا صاحِبى فى شِدَّتى، وَيا وَلِيّى فى نِعْمَتى، وَيا اِلهى وَاِلهَ اِبْراهيمَ وَاِسْحاقَ وَيَعْقُوبَ، يا رَبَّ كهيعص وَيس وَالْقُرْانِ الْحَكيمِ.

اَسْاَلُکَ يا اَحْسَنَ مَنْ سُئِلَ، وَيا خَيْرَ مُرْتَجى، اَسْاَلُکَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ.

25_لقضاء الحوائج بعد الصيام والصلاه

رُوِىَ عن أبى الحسن الرضا عليه السلام أنّه قال: من كانت له حاجه قد ضاق بها ذرعا فلينزلها باللّه تعالى جلّ جلاله. إلى أن قال:

فليصم يوم الأربعاء والخميس والجمعه، ثمّ ليغسل رأسه بالخطمىّ يوم الجمعه و يلبس أنظف ثيابه و يتطيّب بأطيب طيبه، ثمّ يقدّم صدقه على امرئ مسلم بما تيسّر من ماله، ثمّ ليبرز إلى آفاق السماء، ولا يحتجب ويستقبل القبله ويصلّى ركعتين:

يقرأ فى الأُولى فاتحه الكتاب و «قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ» خمس عشره مرّه، ثمّ يركع فيقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ يرفع رأسه فيقرأها خمس

ده بار خدا را قس_م می دهی تا به امام حق که امام زمانت است برسی، اگر این عمل را انجام دهی از جایت برنخیزی مگر اینکه خداوند حاجتت را برآورده باشد.

دعای بیست و پنجم: دعای آن حضرت علیه السلام برای برآورده شدن حاجات

ای رفیق و همراه من در سختیم، و ای صاحب اختیار من در نعمتم، و ای معبود من و معبود ابراهیم و اسحاق و یعقوب(1) علیهم السلام، ای پروردگار کهیعص(2) و یس و قرآن حکیم (و استوار) (3) ، از تو درخواست می کنم ای بهترین کسی که مورد درخواست قرار گرفته و ای بهترین مایه امید، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد صل الله علیه و آله وسلم درود و رحمت فرستی.

دعای بیست و ششم : دعای امام علیه السلام برای برآورده شدن حوائج بعد از روزه و نماز

از امام ابی الحس_ن الرضا علیه السلام روایت ش_ده که فرمود: هرکه حاجتی دارد که طاقتش در آن طاق شده آن را به درگاه خدای تعالی که نامش پرعظمت باد بیاورد ... تا آنکه فرمود:

پس روزهای چهارشنبه و پنچشنبه و جمعه را روزه بگیرد، روز جمعه سر خود را با گل خطمی بشوید و تمیزترین لباسهایش را بپوش_د و با بهترین عطرش خود را خوش_بو نماید، س_پس به هر اندازه که برایش ممکن است از مالش به مردی مس_لمان صدقه دهد، سپس به زیر آسمان رود، و سرش را نپوشاند و به سوی قبله رو نموده و دو رکعت نماز گزارد: در رکعت اول فاتحه الکتاب و 15 بار «قل هو ا احد» را بخواند و سپس رکوع نموده و 15 بار آن را بخواند، سپس سر خویش را از رکوع بلند کرده

1- عبارت «و إلهَ إبراهیم و إسحاق و یعقوب» از آیه 133 بقره گرفته شده است.
2- ای__ن واژه یک__ی از حروف مقطعه قرآن کریم اس__ت که به عنوان آیه اول در س__وره مبارکه مریم به کار رفته است.
3- عبارت «یس و القُرآنِ الحَکیمِ» در متن دعا، از آغاز سوره مبارکه یس گرفته شده است.

عشره مرّه، ثمّ يسجد فيقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ يرفع رأسه فيقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ يسجد ثانيه فيقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ ينهض فيقول مثل ذلک فی الرکعه الثانیه،فإذا جلس للتشهّد قرأها خمس عشره مرّه ثمّ يتشهّد ويسلّم ويقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ يخرّ ساجدا ويقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ يضع خدّه الأيمن على الأرض فيقرأها خمس عشره مرّه، ثمّ يضع خدّه الأيسر على الأرض فيقول مثل ذلک، ثمّ يخرّ ساجدا فيقول وهو ساجد يبکی:

يا جَوادُ يا ماجِدُ، يا واحِدُ يا اَحَدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَکُنْ لَهُ کُفُوا اَحَدٌ، يا مَنْ هُوَ هکَذا وَ لا هکَذا غَيْرُهُ

اَشْهَدُ اَنَّ کُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِکَ اِلی قَرارِ اَرْضِکَ باطِلٌ اِلاّ وَجْهَکَ جَلَّ جَلالُکَ، يا مُعِزَّ کُلِّ ذَليلٍ، وَيا مُذِلَّ کُلِّ عَزيزٍ، تَعْلَمُ کُرْبَتی، فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاِلِه وَفَرِّجْ عَنّی.

ثمّ تقلب خدّک الأيمن وتقول ذلک ثلاثا، ثمّ تقلب خدّک الأيسر وتقول مثل ذلک.

27_لقضاء الحوائج بروايه اُخری تقول فی سجودک:

اَللّهُمَّ اِنَّ کُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِکَ اِلی قَرارِ اَرْضِکَ فَهُوَ باطِلٌ مُضْمَحِلٌّ سِواکَ، فَاِنَّکَ اَنْتَ اللّه ُ الْحَقُّ الْمُبينُ، اِقْضِ لی حاجَهَ کَذا وَکَذا السّاعَهَ السّاعَهَ، وتلحّ فيما أردت.

و 15 بار آن را بخواند، آنگاه به سجده رفته و 15 بار آن را بخواند، و سر از سجده برداشته و 15 بار بخواند، و در سجده دوم نیز 15 بار آن را بخواند، سپس برخیزد و رکعت دوم را مانند رکعت اول به جای آورد. و هنگامی که برای تشهد می نشیند قبل از تشهد 15 بار آن را بخواند، آن گاه تشهد را خوانده و سلام دهد و باز 15 بار آن را بخواند، سپس به سجده درافتد و 15 بار آن را بخواند، سپس گونه راستش را بر زمین نهاده و 15 بار آن را بخواند، آنگاه گونه چپش را به زمین نهاده و مانند آن را بگوید، سپس به سجده درافتد و در حال سجده و گریه بگوید:

ای س_خاوتمند، ای دارای مجد و عظمت، ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز(ی که همه به او نیازمندند)، ای کسی که نزاده و زاده نشده است و هیچ کس همتای او نیست،(1) ای کسی که او چنین است و هیچ کس غیر از او این چنین نیست.

شهادت می دهم که هر معبودی از ساحت عرشت گرفته تا قرارگاه زمینت، باطل و بی اساس است مگر وجه (و ذات) کریمت عظمت و شکوهت پرعظمت باد. ای عزیز کننده هر ذلیل و ای ذلیل کننده هر عزیزی، تو رنج و گرفتاریم را نیک می دانی، پس بر محمد و خاندانش درود و رحمت فرست و گشایش (مشکلم) را نصیبم فرما.

آن گاه گونه راستت را بر زمین گذاشته و سه بار این عبارت را می گویی، سپس گونه چپ خود را بر زمین نهاده و مانند آن را می گویی.

دعای بیست و هفتم: برای برآورده شدن حاجات (به روایتی دیگر)

(پس از اعمال) در سجده می گویی:

خداوندا مسلماً هر معبودی از ساحت عرشت تا قرارگاه زمینت باطل و بی اساس و فنا شدنی است غیر از ذات پاکت، چرا که تو خداوند حق و آشکار و روشنگری، فلان و فلان حاجت را برایم برآورده به خیر فرما، الآن الآن. و در خواسته ات اصرار و پافشاری می کنی.

1- چن__د جمل__ه آخر در متن دعا، در حقیقت آیات س__وره مبارکه توحید اس__ت که حضرت رضا علیه السلام در اینجا اقتباس فرموده اند.

28_لقضاء الحوائج متوسّلاًبثناء اللّه تعالى

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

اَللّهُمَّ جَديرٌ مَنْ اَمَرْتَهُ بِالدُّعاءِ اَنْ يَدْعُوکَ وَمَنْ وَعَدْتَهُ بِالْاجابَهِ اَنْ يَرْجُوکَ، وَلِیَ اللّهُمَّ حاجَهٌ قَدْ عَجَزَتْ عَنْها حيلَتی، وَکَلَّتْ فيها طاقَتی، وَضَعُفَتْ عَنْ مَرامِها قُدْرَتی، وَسَوَّلَتْ لی نَفْسِیَ الْاَمّارَهُ بِالسُّوءِ، وَعَدُوِّیَ الْغَرُورُ الَّذی اَنَا مِنْهُ مُبْتَلیً: اَنْ اَرْغَبَ فيها اِلی ضَعيفٍ مِثْلی، وَمَنْ هُوَ فِی النُّکُولِ شَکْلی، حَتّی تَدارَکَتْنی رَحْمَتُکَ، وَبادَرَتْنِی بِالتَّوْفيقِ رَأْفَتُکَ، وَرَدَدْتَ عَلَیَّ عَقْلی بِتَطَوُّلِکَ

وَاَلْهَمْتَنی رُشْدی بِتَفَضُّلِکَ، وَاَحْيَيْتَ بِالرَّجاءِ لَکَ قَلْبی، وَاَزَلْتَ خُدْعَهَ عَدُوّی عَنْ لُبّی، وَصَحَّحْتَ بِالتَّأميلِ فِکْری، وَشَرَحْتَ بِالرَّجاءِ لِاِسْعافِکَ صَدْری وَصَوَّرْتَ لِیَ الْفَوْزَ بِبُلُوغِ ما رَجَوْتُهُ، وَالْوُصُولِ اِلی ما اَمَّلْتُهُ، فَوَقَفْتُ اللّهُمَّ رَبِّ بَيْنَ يَدَيْکَ سائِلاًکَ، ضارِعا اِلَيْکَ، واثِقا بِکَ

دعای بیست وهشتم: دعای آن حضرت علیه السلام برای برآورده شدن حاجات با توسل به ثنا و ستایش خداوند تعالی

به نام خداوند بخشاینده بسیار مهربان،

بارالها آن کس که او را امر به دعا فرمودی سزاوار است که تو را بخواند و آن کس که وعده اجابت به او دادی سزاوار است که به تو امید داشته باشد. خداوندا مرا حاجتی است که فکرم از پیداکردن راه چاره آن عاجز مانده و توان و طاقتم در آن به خستگی دچار شده و قدرتم از جستجوی راه حلش ضعیف شده است، و نفس امّاره ام که بسیار به بدی امر می کند(1)، و دشمن فریبکارم (ابلیس) که به واسطه وجود او مورد آزمایش هستم این مطلب را برایم زیبا جلوه دادند که در این گرفتاری به فرد ضعیفی مانند خودم توجه و رجوع کنم، کسی که در ضعف نسبت به درمان آن همانند خودم است. تا این که رحمتت پی درپی مرا فرا گرفت، و رأفت و مهربانیت با نصیب کردن توفیق از (فکر و اندیشه) من پیش افتاد، و با بخشش و عطایت عقلم را به من بازگرداندی،

و با تفضل و احسانت راه هدایتم را به من الهام نمودی، و قلبم را با امید به خودت زنده کردی، و مکر و نیرنگ دشمنم (ابلیس) را از عقل و خردم زایل نمودی، و با امیدواری (به فضلت) فکرم را تصحیح کردی، و با امید نس_بت به مساعدتت سینه ام را گشاده گردانده و وسعت بخشیدی، و کامیابی را با رسیدن به آنچه امید داشتم و دست یابی به آن چه آرزو می کردم برایم ترسیم کردی، و در نتیجه (اکنون) من در پیشگاهت ایستاده ام درحالی که (نیازم) را از تو درخواست کرده و به سوی تو تضرع و ناله نموده و به (فضلت) اعتماد دارم،

1- متن عربی این عبارت به قسمتی از آیه 53 سوره مبارکه یوسف اشاره دارد.

مُتَوَكِّلاً عَلَيْکَ فی قَضاءِ حاجَتی، وَتَحْقیقِ اُمْنِیَتی، وَتَصْدیقِ رَغْبَتی قَاَنْجِحِ اللّهُمَّ حاجتی بِاَیْمَنِ نَجاحٍ، وَاهْدِها سَبیلَ الْفَلاحِ، وَاَعِذْنِی اللّهُمَّ بِکَرَمِکَ مِنَ الْخَیْبَهِ وَالْقُنُوطِ وَالاْناهِ وَالتَّثْبیطِ بِهَنیءِ اِجابَتِکَ وَسابِغِ مَوْهِبَتِکَ، اِنَّکَ مَلِیٌّ وَلِیٌّ، وَعَلی عِبادِکَ بِالْمَنائِحِ الْجَزیلَهِ وَفِیٌّ وَاَنْتَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ، وَبِکُلِّ شَیْءٍ مُحیطٌ، وَبِعِبادِکَ خَبیرٌ بَصیرٌ.

29_لقضاء الحوائج متوسّلاً بأسماء اللّه تعالی

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِالْعَیْنِ الَّتی لا تَنامُ، وَبِالْعِزِّ الَّذی لا یُرامُ وَبِالْمُلْکِ الَّذی لا یُضامُ، وَبِالنُّورِ الَّذی لا یُطْفی، وَبِالْوَجْهِ الَّذی لا یَبْلی، وَبِالْحَیاهِ الَّتی لا تَمُوتُ، وَبِالصَّمَدِیَّهِ الَّتی لا تُقْهَرُ، وَبِالدَّیْمُومَهِ الَّتی لا تَفْنی وَبِالاْسْمِ الَّذی لا یُرَدُّ، وَبِالرُّبُوبِیَّهِ الَّتی لا تُسْتَذَلُّ: اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَفْعَلَ بی «کَذا وَکَذا»

وتذکر حاجتک تُقضی إن شاء اللّه تعالی.

و در برآورده شدن حاجتم و انجام شدن خواسته و آرزویم و به حقیقت پیوستن میل و رغبتم بر تو توکل کرده ام.

پس خداوندا حاجتم را با مبارک ترین راه موفقیت (و برآورده شدن) برآورده ساز، و آن را به راه رستگاری (و دست یابی) هدایت فرما، و به خاطر کرم و بزرگواریت _ ای خدا_ با اجابت گوارایت و عطای فراگیرت مرا از یأس و نومیدی و تأخیر و سستی و تنبلی و ایستایی در امان بدار، (زیرا) به راستی تو بی نیاز (و مورد اطمینان) و صاحب اختیاری، و نس_بت به بندگانت با بخشش های فراوان وفاداری، و تو بر هر چیزی بسیار توانایی و بر هر چیزی احاطه داری،(1) و نسبت به بندگانت آگاه و بینایی. (2)

دعای بیست ونهم: دعای امام علیه السلام برای برآورده شدن حاجات با توسل به اسماء خداوند تعالی

خداوندا همانا از تو درخواست می کنم به (حق) چشمی که (هرگز) نمی خوابد، و به عزتی که (غلبه بر آن) اراده نمی شود (و رسیدن به آن به ذهن کسی خطور نمی کند) و به سلطنت و فرمانروایی که مورد قهر و زورگویی (و کم شدن) قرار نمی گیرد، و به نوری که (هرگز) خاموش نمی شود، و به آن وجه (ذات) کریمی که (هرگز) کهنه و مندرس نمی شود، و به حیاتی که (هرگز) نمی میرد، و به س_روری و سالاری ای که مقهور و مغلوب نمی شود، و به پایدار بودنی که (هرگز) فنا نمی شود، و به آن اس_می (و صفتی) که رد نمی شود، و به ربوبیّتی (و تدبیری) که خوار ش_مرده نمی شود، (به تمام این چیزهایی که گفته شد از تو درخواست می کنم) که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی و در مورد من فلان و فلان لطف را انجام دهی.

و به جای (فلان و فلان) حاجت خود را بیان می داری، و إن ش_اء ا تعالی برآورده خواهد شد.

1- عبارت « بکلّ شیءٍ مُحیط» درمتن دعا، از پایان آیۀ 54 سورۀ مبارکۀ فصلت اخذ شده است.
2- عبارت« و بعبادکَ خبیرٌبصیرٌ»با تغییر اندکی از آیات 27 سوره شوری، 31 فاطر،و 30 و 96 إسراء گرفته شده است.

30_لقضاء الدين متوسلاً بأسماء اللّه تعالى

بالإسناد عن أبى جعفر عليه السلام قال: جاء رجل إلى الرضا عليه السلام فقال: يابن رسول اللّه إنّى ذو عيال وعليَّ دين، وقد اشتدّت حالى، فعلّمنى دعاءً إذا دعوت اللّه عزّوجلّ به رزقنى اللّه، فقال: يا عبد اللّه، توضّأ واسبغ وضوءک، ثمّ صلّ ركعتين تتمّ الركوع والسجود فيهما، ثمّ قل:

يا ماجِدُ يا كَريمُ، يا واحِدُ يا كَريمُ، اَتَوَجَّهُ اِلَيْکَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّکَ نَبِيِّ الرَّحْمَهِ - يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللّه ِ، اِنّى اَتَوَجَّهُ بِکَ اِلَى اللّه ِ رَبِّکَ وَرَبِّ كُلِّ شَىْءٍ - اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِه، وَاَسْاَلُکَ نَفْحَةً مِنْ نَفَحاتِکَ، وَفَتْحا يَسيرا، وَرِزْقا واسِعا، اَلُمَّ بِه شَعْثى، وَاَقْضى بِه دَيْنى، وَاَسْتَعينُ بِه عَلى عِيالى.

ص: 88

دعای سی ام: دعای حضرت علیه السلام برای ادای دین با توسل به اسماء خداوند تعالی

با ذکر سند از ابوجعفر (امام جواد) علیه السلامروایت شده که فرمودند: مردی پیش امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا من عیال وارم و دین و قرضی بر گردن دارم و وضعیت معیشتم سخت شده است، پس دعایی به من تعلیم فرما که هنگامی که خداوند عزّوجلّ را با آن می خوانم خداوند مرا روزی دهد. حضرت فرمودند: ای بنده خدا، وضوی شادابی بگیر، سپس دو رکعت نماز گزار و رکوع و سجود آن را کامل و نیکو انجام بده، سپس بگو:

ای شکوهمند، ای بزرگوار و بخشنده، ای یگانه ای کریم و بزرگوار، به واسطه محمد پیامبرت که پیامبر رحمت است. ای محمد، ای فرستاده خدا، همانا من به واسطه وجود مبارک تو به سوی خداوند که پروردگارت و پروردگار هر چیزی است روی آورده ام، که تو (ای خدا) بر محمد و اهل بیت او درود و رحمت فرس_تی، و از تو نسیمی از نسیم های رحمتت را می خواهم و فتح و موفقیتی آس_ان و روزی گسترده ای از تو می خواهم که به وسیله آن پراکندگی ام را جمع کنم (و زندگی ام را سر و سامان دهم) و قرض خود را ادا نمایم و از آن روزی برای معیشت زن و فرزندم کمک بگیرم.

((3))

أدعيته عليه السلام فى الأوقات

1.أدعيته عليه السلام فى أيّام الشهر

31_فى كلّ يوم من شعبان

من قال فى كلّ يوم من شعبان سبعين مرّه: اَسْتَغْفِرُاللّهَ، وَاَسْاَلُهُ التَّوْبَهَ

كتب اللّه تعالى له براءه من النار وجوازا على الصراط وأحلّه دار القرار.

32_فى آخر شهر شعبان

عن عبدالسلام بن صالح الهروى أ نّه قال: دخلت على أبى الحسن علىّ بن موسى الرضا عليه السلام فى آخر جمعه من شهر شعبان، فقال لى: يا أبا الصلت إنّ شعبان قد مضى أكثره، وهذا آخر جمعه منه، فتدارک فيما بقى منه تقصيرک فيما مضى منه إلى أن قال: وأكثر من أن تقول فيما بقى من هذا الشهر:

اَللّهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ قَدْ غَفَرْتَ لَنا فيما مَضى مِنْ شَعْبانَ،فَاغْفِرْ لَنا فيمابَقِىَ مِنْهُ. فإنّ اللّه تبارک وتعالى يعتق فى هذا الشهر رقاباً من النار لحرمه شهر رمضان.

ص: 90

بخش سوم: دعاهای حضرت علیه السلام در اوقات و زمانها

1- دعاهای حضرت علیه السلام در روزهای ماه

دعای سی ویکم: دعای امام علیه السلام در هر روز از ماه شعبان المعظّم

(از امام رضا علیه السلام روایت شده که:) هرکه در هر روز از ماه شعبان هفتاد بار بگوید: استغفِرُ ا و اسأله التَّوبه (از خداوند آمرزش می خواهم و توبه را از او درخواست می کنم) خداوند برائت (دور شدن) از آتش و گذر کردن از صراط را برایش می نویسد (و مقرر می دارد) و او را در خانه اقامت ابدی (بهشت) ساکن می گرداند.

دعای سی ودوم: دعای آن حضرت علیه السلام در آخر ماه شعبان المعظّم

از عبدا بن صالح هروی (اباصلت) روایت شده که: در آخرین جمعه ماه شعبان بر امام ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام وارد شدم، حضرت به من فرمودند: ای اباصلت، بخش اکثر ماه شعبان سپری شده، و این آخرین جمعه آن است، پس در این مقداری که از آن باقی مانده کوتاهی ات را در آنچه از آن سپری شده جبران کن ... تا این که فرمودند: و در باقیمانده این ماه این عبارات را زیاد بگو: خداوندا اگر در آن مقدار از شعبان که سپری شده ما را نیامرزیده ای، پس در آنچه از آن باقی مانده ما را بیامرز. زیرا به راستی خداوند تبارک و تعالی به حرمت ماه مبارک رمضان در این ماه بندگان (زیادی) را از آتش دوزخ آزاد می سازد.

33_عند رؤیه هلال شهر رمضان

عنه علیه السلام فی حدیث قال: معاشر شیعتی إذا طلع هلال شهر رمضان فلا تشیروا إلیه بالاصابع، ولکن استقبلوا القبله، وارفعوا أیدیکم إلی السماء، وخاطبوا الهلال، وقولوا:(49)

«رَبُّنا وَرَبُّکَ اللّهُ رَبُّ الْعالَمینَ، اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلَیْنا هِلالاً مُبارَکا، وَوَفِّقْنا لِصِیامِ شَهْرِ رَمَضانَ، وَسَلِّمْنا فیهِ، وَتَسَلَّمْنا مِنْهُ فی یُسْرٍ وَعافِیَهٍ، وَاسْتَعْمِلْنا فیهِ بِطاعَتِکَ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.

34_عند الإفطار

عنه علیه السلام قال: من قال عند إفطاره:

«اَللّهُمَّ لَکَ صُمْنا بِتَوْفیقِکَ، وَعَلی رِزْقِکَ اَفْطَرْنا بِاَمْرِکَ، فَتَقَبَّلْهُ مِنّا وَاغْفِرْ لَنا، اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ» غفر اللّه ما دخل علی صومه من النقصان بذنوبه.

35_عند خروجه إلی صلاه العید

«اَللّهُ اَ کْبَرُ، اَللّهُ اَ کْبَرُ، اَللّهُ اَ کْبَرُ عَلی ما هَدانَا،

دعای سی وسوم: دعای امام علیه السلام هنگام دیدن هلال ماه رمضان

از امام رضا علیه السلام در روایتی آمده که فرمودند: ای جماعت شیعیانم، هرگاه هلال ماه رمضان طلوع کرد با انگشتان به سوی آن اشاره نکنید، بلکه به طرف قبله روکرده و دس_تانتان را به سوی آسمان بلند کرده و هلال را مورد خطاب قرار داده و بگویید:(1)

پروردگار (و صاحب اختیار) ما و تو پروردگار (و صاحب اختیار) جهانها و جهانیان اس_ت، خداوندا آن را هلال مبارکی بر ما بگردان، و ما را برای روزه ماه رمضان توفیق عنایت فرما، و ما را در آن س_لامتی بخش، و ما را در حالت آس_ایش و عافیت از آن تحویل بگیر، و ما را در این ماه به اطاعت خودت بگمار، به یقین تو بر هر چیزی بسیار توانایی.

دعای سی وچهارم: دعای حضرت علیه السلام هنگام افطار

از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند: هر کس هنگام افطارش بگوید:

خداوندا با توفیق تو برایت روزه گرفتیم و با دستور تو با رزقت افطار کردیم، پس آن را از ما بپذیر و ما را بیامرز، به راستی که تو خودت بسیار آمرزنده و بسیار مهربانی

خداوند هر نقص و عیبی که به خاطر گناهانش بر روزه او وارد شده را می آمرزد.

دعای سی وپنجم: نیایش امام علیه السلام هنگام بیرون رفتن برای نماز عید

خدا بزرگتر است (از این که به وصف درآید)،

1- از امام رضا علیه السلام و ایش__ان از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت فرموده اند که: رس__ول خدا صل الله علیه و آل وسلم هرگاه هلال ماه را می دیدند می فرمودند: أیُّها الخَلقُ المطیعُ الدّاِئِبُ السّریعُ، المُتَصَرِّفُ فی مَلَکوتِ الجَبَروتِ بالتَقدِیر(ای آفریده فرمان بردار حرکت کننده شتابان که در ملکوت عالم جبروت با تقدیر و اندازه گیری تصرف می نمایی).

اَللّهُ اَ کْبَرُ عَلی ما رَزَقَنا مِنْ بَهیمَهِ الاْنْعامِ، وَالْحَمْدُللّهِ عَلی ما اَبْلانا، فقالها ثلاث مرّات.

36_فی یوم عرفه

اَللّهُمَّ کَما سَتَرْتَ عَلَیَّ ما لَمْ اَعْلَمْ، فَاغْفِرْ لی ما تَعْلَمُ، وَکَما وَسِعَنی عِلْمُکَ، فَلْیَسَعْنی عَفْوُکَ، وَکَما بَدَأْتَنی بِالاْحْسانِ، فَاَتِمَّ نِعْمَتَکَ بِالْغُفْرانِ، وَکَما اَکْرَمْتَنی بِمَعْرِفَتِکَ فَاشْفَعْها بِمَغْفِرَتِکَ، وَکَما عَرَّفْتَنی وَحْدانِیَّتَکَ فَاَکْرِمْنی بِطاعَتِکَ، وَکَما عَصَمْتَنی ما لَمْ اَ کنْ اَعْتَصِمُ مِنْهُ اِلاّ بِعِصْمَتِکَ، فَاغْفِرْ لی ما لَوْ شِئْتَ عَصَمْتَنی مِنْهُ، یا جَوادُ یا کَریمُ، یا ذَا الْجَلالِ وَ الاْکْرامِ

خدا بزرگ تر است، خدا بزرگ تر است (و او را سپاس) به خاطر اینکه ما را هدایت کرد(1)، خدا بزرگتر اس_ت (و او را س_پاس) بر آن چه از چهارپایان به ما روزی نموده است(2)، و سپاس و ستایش مخصوص خداوند است به خاطر آنکه ما را آزمود.

حضرت علیه السلام این ذکر را سه مرتبه تکرار فرمودند.

دعای سی وششم: دعای امام علیه السلام در روز عرفه

خداوندا همان گونه که آن چ_ه (از گناهان) را که نمی دانم بر من پوشاندی، آن چه (از گناهان) را که می دانم (نیز) برایم بیامرز، و همان گونه که علم و دانایی ات مرا (و احوالم را) در برگرفته است(شایس_ته است که) عفو و بخششت مرا فرا گیرد، و همچنان که احسان و نیکی کردن نسبت به من را آغاز نمودی نعمتت را با آمرزش (گناهانم بر من) تمام کن، و همان گونه که با معرفت و شناختت مرا گرامی داشتی آن معرفت را با مغفرت و آمرزشت قرین گردان، و همچنان که یگانگی ات را به من شناساندی مرا با (توفیق) طاعتت گرامی بدار، و همان گونه مرا حفظ کردی از آن چه خود توانایی حفظ خودم را از آن نداش_تم مگر به واس_طه حفظ و نگهداریت، پس برایم بیامرز آن گناهی را که اگر اراده می کردی مرا از آن حفظ می نمودی، ای بخش_نده ای بزرگوار، ای صاحب جلال و عظمت و ارجمندی.

1- عبارت «اللّه أکبَرُ علی ما هَدانا»در متن دعا، برای عمل به خواسته ای است که در آیات 185 سوره بقره و آیه 37 سوره حج آمده است، که آیه اول درباره روزه و عید فطر، و آیه دوم درباره حج و عید قربان است.
2- عبارت«اللّه أکبرُ علی ما رَزَقنا من بَهیمَهِ الأنعام»اشاره دارد به آیات 28 و43 سوره مبارکه حج.

((4))

أدعيته عليه السلام عند مواقيت الاُمور

37_فى قنوت الوتر

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اهْدِنا فيمَنْ هَدَيْتَ وَعافِنا فيمَنْ عافَيْتَ، وَتَوَلَّنا فيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبارِكْ لَنا فيما اَعْطَيْتَ وَقِنا شَرَّ ما قَضَيْتَ، فَاِنَّكَ تَقْضى وَلا يُقْضى عَلَيْكَ، اِنَّهُ لا يُذَلُّ مَنْ والَيْتَ، وَلا يُعَزُّ مَنْ عادَيْتَ، تَبارَكْتَ رَبَّنا وَتَعالَيْتَ

ثمّ يقول: اَسْتَغْفِرُ اللّهَ وَاَسْاَلُهُ التَّوْبَهَ سبعين مرّه.

38_قبل إستفتاح الصلوه

اَللّهُمَّ رَبَّ هذِهِ الدَّعْوَهِ التّامَّهِ، وَالصَّلاهِ الْقائِمَهِ، بَلِّغْ مُحَمَّدا - صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَاِله - الدَّرَجَهَ وَالْوَسيلَهَ، وَالْفَضْلَ وَالْفَضيلَهَ، وَباللّهِ اَسْتَفْتِحُ وَباللّهِ اَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّهِ وَالِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَتَوَجَّهُ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ

دعای سی وهفتم: دعای حضرت علیه السلام در قنوت وتر

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، خداوندا ما را در زمره کسانی که هدایت کردی هدایت فرما و در زمره کسانی که عافیت بخش_یدی عافیت ده، و ما را در زمره کسانی که سرپرستی نمودی سرپرستی فرما، و در آن چه بخشیدی به ما برکت ده، و ما را از شر قضا و قدرت محفوظ بدار، زیرا بی گمان تو حکم و قضا می کنی و کسی را یارای حکم و قضا بر تو نیست، مسلماً کسی را که تو سرپرستی و یاری کنی خوار و ذلیل نمی شود، و کسی را که تو دشمن داری عزیز نمی شود. ای پروردگار (و صاحب اختیار) ما وجودت مبارک و پربرکت است و بلند مرتبه و والایی.

سپس هفتاد بار می گوید: استغفرُ ا و أسأله التَّوبه (از خدا آمرزش می خواهم و از او درخواست توبه دارم)

دعای سی وهشتم: دعای امام علیه السلام قبل از آغاز نماز

خداوندا ای پروردگار (و صاحب اختیار) این دعوت کامل، و نماز برپا داشته شده، محمد را _ که درود و رحمت خداوند ب_ر او و خاندانش باد _ به درجه و منزلت والا و مقام شفاعت و برتری و فضیلت برسان.

و به یاری خدا آغاز می کنم و به یاری خدا موفقیت را خواهانم، و به واسطه محمد رسول خدا و خاندان پاکش _ که درود و رحمت خداوند بر او و آنان باد_ (به خداوند) روی می آورم (و توسل می جویم). بارالها بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست

فَاجْعَلْنی بِهِمْ عِنْدَکَ وَجیها فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَهِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ.

أدعیته علیه السلام فی تعقیب الفرائض

عقیب الفرائض بعد التسلیم علی رسول اللّه صلی الله علیه و آله

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللّهِ وَرَحْمَهُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ.... إلی أن قال:

فَجَزاکَ اللّهُ یا رَسُولَ اللّهِ اَفْضَلَ ما جَزی نَبِیّا عَنْ اُمَّتِه

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی اِبْراهیمَ وَالِ اِبْراهیمَ، اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.

فی عقیب بعد الفرائض لطلب الرزق

یا مَنْ یَمْلِکُ حَوائِجَ السّائِلینَ،

وَیَعْلَمُ ضَمیرَ الصّامِتینَ، لِکُلِّ مَسْاَلَهٍ مِنْکَ سَمْعٌ حاضِرٌ وَجَوابٌ عَتیدٌ، وَ لِکُلِّ صامِتٍ مِنْکَ عِلْمٌ باطِنٌ مُحیطٌ. اَسْاَ لُکَ بِمَواعیدِکَ الصّادِقَهِ، وَاَیادیکَ الْفاضِلَهِ، وَرَحْمَتِکَ الْواسِعَهِ وَسُلْطانِکَ الْقاهِرِ، وَمُلْکِکَ الدّائِمِ، وَکَلِماتِکَ التّامّاتِ

و به واسطه (وج_ود مبارک) آنان مرا در دنیا و آخرت نزد خودت آبرومند و از مقربان درگاهت بگردان (1)

3- دعاهای حضرت علیه السلام در تعقیب نمازهای واجب

دعای سی ونهم: دعای حضرت علیه السلام پس از نمازهای واجب و پس از سلام بر رسول خدا صل الله علیه وآله وسلم

سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت خداوند و برکاتش بر تو باد ... تا اینکه فرمود:

پس ای رس_ول خدا، خداوند تو را پاداش دهد بهترین پاداشی را که به پیامبری به نیابت از امتش (و به جهت زحماتی که برایشان کشیده) داد.

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست به بهترین وجهی که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود و رحمت فرستادی به راستی که تو ستوده و شکوهمندی. (2)

دعای چهلم: دعای امام علیه السلام بعد از نمازهای واجب برای طلب روزی

ای کس_ی که مالک (و اختیاردار) حاجات درخواس_ت کنندگان است، و باطن و درون خاموش ان را می داند (و از حاجاتشان با خبر است)، برای هر طلب و درخواستی از سوی تو گوشی حاضر (و شنوا) و جوابی آماده و مهیا وجود دارد. و برای هر فرد ساکتی از سوی تو علمی درونی و فراگیر است.

به حق وعده های راس_ت و صادقانه ات، و نعمت های فراوان و رحمت گسترده ات، و قدرت مسلط و چیره و فرمانروایی پایدارت، و آیات و نشانه های کاملت

1- عبارت «فَاجعَلنِی بهِم وَجیهاً فیّ الدنیا و الآخره و مَنَ المقَرّبین» در متن دعا، از آیه 45 سوره مبارکه آل عمران الهام گرفته است.
2- عبارت «إنک حَمیدٌ مَجید» با کمی تغییر از پایان آیه 73 سوره مبارکه هود اقتباس شده است.

یامَنْ لا تَنْفَعُهُ طاعَهُ الْمُطیعینَ، وَلا تَضُرُّهُ مَعْصِیَهُ الْعاصینَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنی، وَاَعْطِنی فیما تَرْزُقُنِی الْعافِیَهَ مِنْ فَضْلِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

41_فی عقیب صلاه الفجر

عنه علیه السلام قال: من قال بعد صلاه الفجر:

«بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاّ بِاللّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ»

کان أقرب إلی اسم اللّه الأعظم من سواد العین إلی بیاضها، وأنّه دخل فیها اسم اللّه الأعظم.

42_الدعاء بعد صلاه النبیّ صلی الله علیه و آله وسلم

قال علیه السلام : تصلّی رکعتین تقرأ فی کلّ رکعه فاتحه الکتاب و «اِنّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَهِ الْقَدْرِ» خمس عشره مرّه، ثمّ ترکع فتقرأها خمس عشره مرّه، وخمس عشره مرّه إذا استویت قائماً، وخمس عشره مرّه إذا سجدت، وخمس عشره مرّه إذا رفعت رأسک من السجود، وخمس عشره مرّه فی السجده الثانیه وخمس عشره مرّه قبل أن تنهض إلی الرکعه الاُخری، ثمّ تقوم إلی الثانیه فتفعل کما فعلت فی الرکعه الاُولی، ثمّ تنصرف ولیس بینک وبین اللّه تعالی ذنب إلاّ وقد غفر لک، وتُعطی جمیع ما سألت، والدعاء بعدها :

لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ رَبُّنا وَرَبُّ ابائِنَا الاْوَّلینَ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ اِلها واحِدا

از تو درخواست می کنم، ای کسی که اطاعت فرمان برداران به او سودی نمی رساند، و نافرمانی سرکشان (و گناه کاران) به او ضرری نمی زند، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و از فضل و رحمتت به من روزی عطا فرما، و در آن چه روزی ام می کنی به من عافیت بده، به حق رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

دعای چهل ویکم: دعای حضرت علیه السلام در تعقیب نماز صبح

از حضرت علیه السلام روایت شده که فرمود: هرکه بعد از نماز صبح بگوید: «به نام خداوند بخشاینده بسیار مهربان، هیچ نیرو و توان و قدرتی نیست مگر به کمک و یاری خداوند بلند مرتبه بسیار بزرگ»

به اسم اعظم خداوند از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک تر خواهد بود، و به یقین در این ذکر، اسم اعظم خداوند وارد شده است.

دعای چهل ودوم: دعای امام علیه السلام بعد از نماز پیامبر اکرم صل الله علیه و آل وسلم

حضرت علیه السلام در توضیح این نماز فرمودند: دو رکعت نماز می گزاری، در هر رکعت در حال قیام یک بار فاتحه الکتاب و 15 بار سوره قدر می خوانی سپس رکوع نموده و در حال رکوع 15 بار سوره قدر را می خوانی، و پس از سر برداشتن از رکوع نیز 15 بار آن را می خوانی، سپس به سجده رفته و 15 بار همین سوره را در سجده می خوانی، و 15 بار نیز پس از سر برداشتن از سجده اول، و در سجده دوم نیز 15 بار، و 15 بار پس از سر برداشتن از آن و قبل از برخاستن برای رکعت دوم سوره قدر را می خوانی، رکعت دوم را نیز به همان کیفیت رکعت اول به جا می آوری، پس از نماز و (خواندن این دعا) از نماز و دعا فارغ می گردی در حالی که بین تو و خداوند تعالی هیچ گناهی باقی نمانده باشد مگر این که خداوند آن را آمرزیده باشد، و تمام آنچه درخواست کرده ای به تو داده خواهد شد، و دعای بعد از نماز بدین قرار است:

هیچ معبودی جز خداوند نیست که پروردگار ما و پروردگار پدران و اجداد و پیشینیان ماست، هیچ معبودی جز خداوند نیست (که) معبودی یگانه است

وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ لا نَعْبُدُ اِلاّ اِيّاهُ مُخْلِصينَ لَهُ الدّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَاَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الاَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ قَديرٌ، اَللّهُمَّ اَنْتَ نُورُ السَّماواتِ وَالاَرْضِ وَمَنْ فيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ قَيّامُ(54) السَّماواتِ وَالاَرْضِ وَمَنْ فيهِنَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَاَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَقَوْلُكَ حَقٌّ، وَاِنْجازُكَ حَقٌّ، وَالْجَنَّهُ حَقٌّ، وَالنّارُ حَقٌّ اَللّهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ، وَبِكَ امَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ خاصَمْتُ وَاِلَيْكَ حاكَمْتُ، يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اغْفِرْ لى ما قَدَّمْتُ وَما اَخَّرْتُ وَما اَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ، اَنْتَ اِلهى لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لى، وَارْحَمْنى، وَتُبْ عَلَىَّ، اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.

43_عقيب كلّ ركعتين من يوم الجمعه الثمانيه عشر

عنه عليه السلام قال : وينبغى ان تدعو بين كلّ ركعتين بالدعاء المروىّ عن علىّ بن الحسين أنّه كان يدعو بين الركعات:

و ما برایش (و در برابرش) تس_لیم هستیم(1)، هیچ معبودی جز خداوند نیست (و) جز او را نمی پرس_تیم در حالی که دین را برای او خالص گردانده ایم، هر چند که مشرکان کراهت داشته باشند(2)، هیچ معبودی جز خداوند نیست یکتای یکتا، (که) وعده اش را تحقق بخشید، و بنده ش را یاری نمود (و پیروز کرد)، و سپاهش را عزت بخشید، و به تنهایی همه احزاب و گروه های (کفار و مش_رکین) را شکست داد (و فراری ساخت)، پس فرمانروایی (جهان هستی) فقط در اختیار اوست و ستایش و سپاس مخصوص اوست، و او بر هر چیزی بسیار تواناس_ت(3). خداوندا تو نور آسمان ها و زمین و هر که (و هر چه) در آن هاست می باشی(4)، پس سپاس و ستایش برای توست، و تو برپا کننده و نگهدارنده آسمان ها و زمین و هر که (و هر چه) در آن هاست می باشی، پس سپاس و ستایش سزاوار توست، و تو حقی، و وعده ات حق، و س_خنت حق و انجام دادن و تحقق بخش_یدنت حق اس_ت، و بهش_ت حق و آتش (دوزخ) حق است. بارالها خودم را تسلیم تو کردم، و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل نمودم، و به واسطه تو (با دیگران) مجادله کردم و داوری (در موارد مختلف) را به پیشگاه تو آوردم، ای پروردگارم، ای صاحب اختیارم، ای پروردگارم، آن چه (از گناه) را که قبلاً یا بعداً انجام دادم و آن چه پنهان کرده یا آشکار نمودم را برایم بیامرز، تو معبود منی (و) هیچ معبودی جز تو نیست، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و مرا بیامرز و به من رحم کن و بر من توبه کن (و توبه ام را بپذیر)، (زیرا) به یقین تو خودت بسیار توبه پذیر و بسیار مهربانی(5).

دعای چهل وسوم: دعای حضرت علیه السلام پس از هر رکعت از رکعات هجده گانه روز جمعه

از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند: در بامداد (روز جمعه) شش رکعت نماز می خوانی، وشش رکعت (با فاصله ای) پس از آن که مجموع 12 رکعت می شود و پس از مدتی شش رکعت دیگر و مجموعا 18 رکعت، و دو رکعت دیگر نیز هنگام ظهر (می خوانی)، و شایسته است که بین هر دو رکعت، دعای منقول از امام علی بن الحسین علیهماالسلام را بخوانی که ایشان این دعا را بین رکعت های نماز می خواندند:

أ. پس از دو رکعت اوّل از شش رکعت نخست (می خوانی):

1- عبارت «الهاَ واحِداً و نَحنُ له مُسلِمون» در متن دعا، از پایان آیه 133 سوره بقره گرفته شده است، البته عبارت «نحن له مسلمون» نیز در پایان برخی آیات قرآن به چشم می خورد، یعنی آیات 136 بقره، 84 آل عمران و 46 عنکبوت.
2- عبارت عربی اخیر در متن اصلی دعا، یادآور آیه 14 س__وره مبارکه غافر اس__ت با این تفاوت که در آن جا این عبارت با کلمه «الکافرون» ختم می شود.
3- عبارت «له الملکُ وله الحَمدُ و هُوَ علیِّ کل شَیءٍ قدیر»عبارتی است قرآنی که در پایان آیه اول سوره تغابن به کار رفته است.
4- عبارت «أنتَ نورُّ السماواتِ و الاَرضِ» در متن اصلی، اشاره دارد به آیه 35 سوره مبارکه نور.
5- عبارت «و تُب عَلَیَّ إنَّکَ أنتَّ التوابُّ الرحیمُ» با تغییر مختصری از آیه 128 سوره بقره اقتباس شده است.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحُرْمَهِ مَنْ عَاذَ بِکَ(55) وَ لَجَأَ إِلَی عِزِّکَ وَ اعْتَصَمَ بِحَبْلِکَ وَ لَمْ یَثِقْ إِلَّا بِکَ یَا وَهَّابَ الْعَطَایَا یَا مَنْ سَمَّی نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ الْوَهَّابَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْمَرْضِیِّینَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ السَّلَامُ عَلَیهِ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ ارْزُقْنِی حَلَالًا طَیِّباً مِمَّا شِئْتَ وأَنَّی شِئْتَ وَ کَیْفَ شِئْتَ وَ فَإِنَّهُ لَا یَکُونُ إِلَّا مَا شِئْتَ حَیْثُ شِئْتَ کَمَا شِئتَ

زِیَادَهٌ فِی اَلدُّعَاءِ مِنْ رِوَایَهٍ أُخْرَی

اَللَّهُمَّ إِنَّ قَلْبِی یَرْجُوکَ لِسَعَهِ رَحْمَتِکَ وَ نَفْسِی تَخَافُکَ لِشِدَّهِ عِقَابِکَ فَأَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

وَ أَنْ تُؤْمِنَنِی مَکْرَکَ وَ تُعَافِیَنِی مِنْ سَخَطِکَ وَ تَجْعَلَنِی مِنْ أَوْلِیَاءِ طَاعَتِکَ وَ تَفَضَّلَ عَلَیَّ بِرَحْمَتِکَ

وَ مَغْفِرَتِکَ وَ تُشَرِّفَنِی بِسَعَهِ فَضْلِکَ عَنِ اَلتَّذَلُّلِ لِعِبَادِکَ وَ تَرْحَمَنِی مِنْ خَیْبَهِ اَلرَّدِّ وَ سَفْعِ نَارِ اَلْحِرْمَانِ

ثُمَّ تَقُومُ فَتُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ وَ تَقُولُ

بار الها به حق و حرمت آن کس که (از تو) به خودت پناه برده، و به عزّتت پناهنده شده، و به ریسمانت چنگ زده، و جز تو به موجود دیگری تکیه و اعتماد نکرده است، از تو درخواست می کنم، ای بخشنده بخشش ها، ای آن که به سبب جود و کرم گسترده اش خود را وهّاب (بسیار بخشنده) نامیده، بر محمّد و آل محمّد - که پسندیدگان و مورد رضایت توأند - با برترین درودها (و رحمت هایت) درود و رحمت فرست، وبا برترین برکاتت به آنان برکت ده، و سلام بر او و بر آنان و بر ارواح (پاک) و بدن های (مطهّر)شان باد و رحمت خداوند و برکت هایش (بر آنان سرازیر باد).

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، و برایم نسبت به کارها (و گرفتاری هایم) گشایش و راه برون رفتی قرار ده، و رزق و روزی حلال و پاکی به من روزی فرما، از آن چه که اراده کرده ای، و از هر کجا و به هر کیفیت که خواسته ای، چرا که بی گمان چیزی تحقّق نمی یابد مگر آن چه تو اراده فرموده ای و هر جا (و هر زمان) و به هر کیفیت که تو بخواهی.

و در روایتی دیگر این عبارات اضافه شده است: بار الها دلم به سبب وسعت رحمتت به تو امید دارد، و نفسم به خاطر شدّت کیفرت از تو می ترسد، لذا از تو می خواهم که بر محمّد وآل محمّد درود و رحمت فرستی، و مرا از مکر و مجازاتت ایمن سازی، و از خشم و غضبت به سلامت داری، و از اولیا و اصحاب طاعتت گردانی، و با رحمت و مغفرت و بخشایشت بر من تفضّل کنی، و با گستردگی فضل و انعامت مرا شرافت بخشیده و از اظهار خواری در برابر بندگانت (مصون داری)، و بر من رحم آورده و از نومیدی به سبب ردّ خواسته ام و سوزش (و خواری) آتش محرومیت (از لطفت) نجات بخشی.

ب. و پس از دو رکعت سوّم و چهارم از شش رکعت نخست (می خوانی):

اَللَّهُمَّ كَمَا عَصَيْتُکَ وَ اِجْتَرَأْتُ عَلَيْکَ فَإِنِّی أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا تُبْتُ إِلَيْکَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ

وَ أَسْتَغْفِرُکَ لِمَا وَأَيْتُ لَکَ بِهِ عَلَی نَفْسِی وَ لَمْ أَفِ بِهِ وَ أَسْتَغْفِرُکَ لِلْمَعَاصِی اَلَّتِی قَوِيتُ عَلَيْهَا

بِنِعْمَتِکَ وَ أَسْتَغْفِرُکَ لِکُلِّ مَا خَالَطَنِی مِنْ کُلِّ خَيْرٍأَرَدْتَ بِهِ وَجْهَکَ فَإِنَّکَ أَنْتَ أَنْتَ وَ أَنَا أَنَا

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَظِّمِ اَلنُّورَ فِی قَلْبِی وَ صَغِّرِ اَلدُّنْيَا فِی عَيْنِی وَ اِحْبِسْ لِسَانِی بِذِکْرِکَ عَنِ اَلنُّطْقِ

بِمَا لاَ يُرْضِيکَ وَ اُحْرُسْ نَفْسِی مِنَ اَلشَّهَوَاتِ وَ اِکْفِنِی طَلَبَ مَا قَدَّرْتَ لِی عِنْدَکَ حَتَّی أَسْتَغْنِیَ بِهِ عَمَّا فِی أَيْدِی عِبَادِکَ

ثُمَّ تَقُومُ فَتُصَلِّی رَکْعَتَيْنِ اَلثَّالِثَةَ وَ تَقُولُ

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَدْعُوکَ وَ أَسْأَلُکَ بِمَا دَعَاکَ بِهِ ذُو اَلنُّونُ - إِذْ ذَهَبَ مُغٰاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنٰادیٰ

فِی اَلظُّلُمٰاتِ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ سُبْحٰانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ اَلظّٰالِمِينَ فَإِنَّهُ دَعَاکَ وَ هُوَ عَبْدُکَ وَ أَنَا أَدْعُوکَ

وَ أَنَا عَبْدُکَ وَ سَأَلَکَ وَ أَنَا أَسْأَلُکَ فَفَرِّجْ عَنِّی کَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ أَدْعُوکَ اَللَّهُمَّ بِمَا دَعَاکَ بِهِ أَيُّوبُ

إِذْ مَسَّهُ اَلضُّرُّ فَنَادَی أَنِّی

بار الها همان گونه که تو را نافرمانی نمودم و بر تو گستاخی کردم، پس (به همان شکل هم) واقعاً نسبت به آن گناهی که از آن به سویت توبه نمودم (ولی) سپس به آن گناه بازگشتم از تو آمرزش می طلبم، و نسبت به آن چه بر ضد نفسم وعده دادم و سپس بدان وعده وفا نکردم از تو آمرزش می خواهم. و نسبت به معصیت ها و نافرمانی هایی که به واسطه نعمت خودت بر انجام آن ها توانایی پیدا کردم از تو آمرزش می طلبم. و نسبت به هر نیت ناخالصی که در هر کار خیری که به قصد کسب رضایت تو انجام دادم به ذهنم خطور کرد (و با نیت الهیم آمیخته شد) از تو آمرزش می خواهم، زیرا مسلماً تو تویی و من منم.

و در روایتی دیگر این قسمت اضافه شده: خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، و نور و روشنی را در دلم زیاد فرما، و دنیا را در چش_مم کوچک و خوار گردان، و زبانم را با (مشغول ساختن به) ذکر و یاد خودت از تکلّم به آن چه تو را خشنود نمی سازد بازدار، و نفسم را از (پرداختن به) شهوت ها محافظت فرما، و مرا نسبت به طلب آن رزقی که پیش خودت برایم مقدّر کردی تا به وسیله آن از آن چه در دستان بندگان توست بی نیاز گردم کفایت فرما.

ج- و بعد از دو رکعت پنجم و ششم از شش رکعت نخست (می گویی):

خدایا هر آینه تو را می خوانم و از تو درخواست می کنم با همان چیزی که حضرت یونس (ذو النون) علیه السلام تو را بدان خواند. «آن هنگام که با خشم و غضب (از پیش قومش) رفت، پس گمان کرد که ما بر او قدرت و تسلّط نخواهیم داشت پس در آن تاریکی ها (شکم ماهی) ندا کرد که (پروردگارا) هیچ معبودی جز تو نیست، تو را از هر عیب و نقصی مبرّا میدانم، (و) هر آینه من از ستم کاران (وگنه کاران) بوده ام»1 و در نتیجه خواسته اش را اجابت فرمودی، پس بی گمان او تو را فرا خواند در حالی که بنده تو بود، و من (نیز) تو را می خوانم در حالی که بنده توأم. و از تو درخواست کرد و من (نیز) از تو درخواست می کنم، لذا نسبت به گرفتاری هایم گشایشی نصیبم فرما همان گونه که نسبت به او (یونس پیامبر) گشایش دادی.

مَسَّنِیَ اَلضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ اَلرّاحِمِینَ فَفَرَّجْتَ عَنْهُ فَإِنَّهُ دَعَاکَ وَ هُوَ عَبْدُکَ وَ أَنَا أَدْعُوکَ وَ أَنَا عَبْدُکَ وَ سَأَلَکَ وَ أَنَا أَسْأَلُکَ فَفَرِّجْ عَنِّی کَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ أَدْعُوکَ بِمَا دَعَاکَ بِهِ یُوسُفُ إِذْ فَرَّقْتَ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ أَهْلِهِ إِذْ هُوَ فِی اَلسِّجْنِ فَفَرَّجْتَ عَنْهُ فَإِنَّهُ دَعَاکَ وَ هُوَ عَبْدُکَ وَ أَنَا أَدْعُوکَ وَ أَنَا عَبْدُکَ وَ سَأَلَکَ وَ أَنَا أَسْأَلُکَ فَاسْتَجِبْ لِی کَمَا اِسْتَجَبْتَ لَهُ وَ فَرِّجْ عَنِّی کَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ أَدْعُوکَ اَللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُکَ بِمَا دَعَاکَ بِهِ اَلنَّبِیُّونَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُمْ فَإِنَّهُمْ دَعَوْکَ وَ هُمْ عَبِیدُکَ وَ سَأَلُوکَ وَ أَنَا أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ أَنْ تُبَارِکَ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّی کَمَا فَرَّجْتَ عَنْ أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ عِبَادِکَ اَلصَّالِحِینَ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَغْنِنِی بِالْیَقِینِ وَ أَعِنِّی بِالتَّوَکُّلِ وَ اِکْفِنِی رَوْعَاتِ اَلْقُنُوطِ وَ اِفْسَحْ لِی فِی اِنْتِظَارِ جَمِیلِ اَلصُّنْعِ وَ اِفْتَحْ لِی بَابَ اَلرَّحْمَهِ إِلَیْکَ وَ اَلْخَشْیَهَ مِنْکَ وَ اَلْوَجَلَ مِنَ اَلذُّنُوبِ وَ حَبِّبْ إِلَیَّ اَلدُّعَاءَ وَ صِلْهُ مِنْکَ بِالْإِجَابَهِ

که: «هر آینه گرفتاری و زیان و سختی به من رسیده است در حالی که تو مهربان ترین مهربانانی«(1)پس (در کار وگرفتاری) او گشایش ایجاد کردی، پس همانا او تو را خواند در حالی که بنده تو بود، و من (هم) تو را می خوانم در حال_ی که بنده توأم، و از تو درخواست نمود و من (نیز) از تو درخواست می کنم، بنابراین در کارم گشایش قرارده همان گونه که در کار او گشایش ایجاد فرمودی. و تو را فرا می خوانم با آن چیزی که یوسف به وسیله آن تو را فرا خواند آن هنگام که بین او و خانواده اش جدایی افکندی، و آن هنگام که در زندان بود پس نسبت به امر او گشایش دادی، پس هر آینه او تو را خواند در حالی که بنده ات بود، و من (نیز) تو را می خوانم درحالی که بنده توأم، و از تو درخواست کرد و من (هم) از تو درخواست می کنم، بنابراین خواسته ام را اجابت فرما همان گونه که خواسته او را اجابت فرمودی، و نسبت به من (وکارهایم) گشایشی نصیب فرما همان گونه که در کار او گشایش ایجاد کردی.

و ت_و را - ای خدای من- فرا می خوانم و به حقّ آن چه پیامبران با آن تو را خواندند و اجابتشان فرمودی درخواست می کنم، زیرا هر آینه آنان تو را خواندند در حالی که بندگان تو بودند و از تو درخواست نمودند، و من (هم) از ت_و می خواهم که با برترین و بهترین صلوات و رحمتت بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرستی، و با بهترین و برترین برکاتت بر آنان برکت ارزانی داری، و در امورم گشایش قرار دهی همان گونه که برای پیامبران و فرستادگان و بندگان صالحت گشایش دادی.

و در روایتی دیگر این قسمت نیز اضافه شده:

بار الها بر محمّد وآل محمّد درود و رحمت فرست، و با یقین بی نیازم کن، و با توکّل و تکیه بر خودت مرا یاری ده، و مرا نسبت به هراس و اضطراب نومیدی کفایت فرما، و برایم فراخی و گشایشی در انتظار کشیدن الطاف زیبایت قرارده، و درِ رحمت به سوی خودت و خشیت از تو و ترس از گناهان را به رویم باز کن، و دعا و نیایش (به بارگاهت) را پیش من محبوب گردان، و آن دعا را با اجابت از سوی خودت همراه کن.

1- آیه 83 از سوره مبارکه أنبیاء

ثُمَّ تَخِرُّ سَاجِداً وَ تَقُولُ فِی سُجُودِکَ

سَجَدَ وَجْهِیَ اَلْبَالِی اَلْفَانِی لِوَجْهِکَ اَلدَّائِمِ اَلْبَاقِی سَجَدَ وَجْهِی مُتَعَفِّراً فِی اَلتُّرَابِ لِخَالِقِهِ وَ حَقٌّ لَهُ أَنْ یَسْجُدَ سَجَدَ وَجْهِی لِمَنْ خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ تَبَارَکَ اَللَّهُ أَحْسَنُ اَلْخٰالِقِینَ سَجَدَ وَجْهِیَ اَلذَّلِیلُ اَلْحَقِیرُ لِوَجْهِکَ اَلْعَزِیزِ اَلْکَرِیمِ سَجَدَ وَجْهِیَ اَللَّئِیمُ اَلذَّلِیلُ لِوَجْهِکَ اَلْکَرِیمِ اَلْجَلِیلِ ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَکَ وَ تَدْعُو بِهَذَا اَلدُّعَاءِ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِجْعَلِ اَلنُّورَ فِی بَصَرِی وَ اَلْیَقِینَ فِی قَلْبِی وَ اَلنَّصِیحَةَ فِی صَدْرِی وَ ذِکْرَکَ بِاللَّیْلِ وَ اَلنَّهَارِ عَلَی لِسَانِی وَ مِنْ طِیبِ رِزْقِکَ یَا رَبِّ غَیْرَ مَمْنُونٍ وَ لاَ مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِی وَ مِنْ ثِیَابِ اَلْجَنَّةِ فَاکْسُنِی وَ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اَللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فَاسْقِنِی وَ مِنْ مَضَلاَّتِ اَلْفِتَنِ فَأَجِرْنِی وَ لَکَ یَا رَبِّ فِی نَفْسِی فَذَلِّلْنِی وَ فِی أَعْیُنِ اَلنَّاسِ فَعَظِّمْنِی وَ إِلَیْکَ یَا رَبِّ فَحَبِّبْنِی وَ بِذُنُوبِی فَلاَ تَفْضَحْنِی وَ بِسَرِیرَتِی فَلاَ تُخْزِنِی وَ بِعَمَلِی فَلاَ تُبْسِلْنِی

آن گاه به سجده رفته و در همان حال می گویی: چهره پژمرده شونده و ازبین رفتنی من در برابر ذات (و چهره) پایدار و جاویدانت سجده کرده است. چهره خاک آلوده ام برای آفریدگارش سجده کرده است، و (حقّ) و سزاوار برای او (همین) است که سجده نماید.

چهره ام در برابر کسی به (خاک) سجده افتاده که او را آفریده و صورت بخشیده، و گوش و چشمش را باز فرموده است، مبارک باد (ذات پاک) خداوند که نیکوترین آفرینندگان است.

چهره حقیر و خوار من در برابر چهره (وذات) توان مند و بزرگوار و کریمت به سجده افتاده است. چهره فرومایه و خوارم در برابر چهره (وذات) بزرگوار و صاحب شوکت و جلالتت سجده نموده است. سپس سر از سجده بر می داری و می خوانی: خدایا بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و نور را در چشمم، و یقین را در دلم، و خیرخواهی را در سینه ام، و یاد خودت در شب و روز را بر زبانم جای ده، و از رزق و روزی پاک و غیر منقطع و مداوم و بی مانعت - ای پروردگار و صاحب اختیارم- مرا روزی ده، و از لباس های بهشتی بر من بپوشان، و از حوض (پیامبر بزرگوارت) محمّد - که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد - مرا آبیاری کن، و از فتنه های گمراه کننده مرا پناه ده، و فقط در برابر خودت - ای پروردگار و صاحب اختیارم- مرا در درونم خوار و ذلیل گردان، و در چشمان مردم مرا بزرگ بدار، و پیش خودت پروردگارا محبوبم گردان، و به سبب گناهانم مرا مفتضح نکن، و با باطن بد و پنهانم رسوایم مساز، و به خاطر کردارم مرا به هلاکت میفکن (و از رحمتت نومید مساز)

وَ غَضَبَکَ فَلاَ تُنْزِلْ بِی أَشْکُو إِلَیْکَ غُرْبَتِی وَ بُعْدَ دَارِی وَ طُولَ أَمَلِی وَ اِقْتِرَابَ أَجَلِی وَ قِلَّةَ مَعْرِفَتِی فَنِعْمَ اَلْمُشْتَکَی إِلَیْهِ أَنْتَ یَا رَبِّ وَ مِنْ شَرِّ اَلْجِنِّ وَ اَلْإِنْسِ فَسَلِّمْنِی إِلَی مَنْ تَکِلُنِی یَا رَبَّ اَلْمُسْتَضْعَفِینَ إِلَی عَدُوٍّ مَلَّکْتَهُ أَمْرِی أَوْ إِلَی بَعِیدٍ فَیَتَجَهَّمَنِی اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ خَیْرَ اَلْمَعِیشَهِ مَعِیشَةً أَقْوَی بِهَا عَلَی جَمِیعِ حَاجَاتِی وَ أَتَوَسَّلُ بِهَا إِلَیْکَ فِی حَیَاهِ اَلدُّنْیَا وَ فِی آخِرَتِی مِنْ غَیْرِ أَنْ تُتْرِفَنِی فِیهَا فَأَطْغَی أَوْ تُقَتِّرَهَا عَلَیَّ فَأَشْقَی وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ حَلاَلِ رِزْقِکَ وَ أَفِضْ عَلَیَّ مِنْ حَیْثُ شِئْتَ مِنْ فَضْلِکَ وَ اُنْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ أَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَکَاتِکَ نِعْمَةً

مِنْکَ سَابِغَةً وَ عَطَاءً غَیْرَ مَمْنُونٍ وَ لاَ تَشْغَلْنِی عَنْ شُکْرِ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ بِإِکْثَارِ مِنْهَا تُلْهِینِی عَجَائِبَ بَهْجَتِهِ وَ فُتِنَنِی زَهَرَاتُ نَضْرَتِهِ وَ لاَ بِإِقْلاَلٍ عَلَیَّ مِنْهَا فَیَقْصُرَ بِعَمَلِی کَدُّهُ وَ یَمْلَأَ صَدْرِی هَمُّهُ أَعْطِنِی مِنْ ذَلِکَ یَا إِلَهِی غِنًی عَنْ شِرَارِ خَلْقِکَ وَ بَلاَغاً أَنَالُ بِهِ رِضْوَانَکَ وَ أَعُوذُ بِکَ یَا إِلَهِی مِنْ شَرِّ اَلدُّنْیَا وَ شَرِّ أَهْلِهَا وَ شَرِّ مَا فِیهَا وَ لاَ تَجْعَلِ اَلدُّنْیَا لِی سِجْناً وَ لاَ فِرَاقَهَا عَلَیَّ حُزْناً أَجِرْنِی مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِیّاً عَنِّی

و غضبت را بر من نازل نکن، غربت و تنهاییم، و دوری خانه (حقیقی) و درازی آرزویم، و نزدیک بودن اجل و کمی شناخت و معرفتم را به تو شکایت می برم، و تو - ای پروردگار و صاحب اختیارم- چه نیکو خدایی هستی که شکایت به سویت برده شود، و از شرّ جن وانس مرا به سلامت دار، به چه کسی مرا وا می گذاری ای پروردگار و صاحب اختیار مستضعفین و ناتوانان؟ به (شیطان) دشمنی که بر من مسلّط نموده ای یا به بیگانه ای که با من بداخلاقی و ترشرویی کند؟

بار الها هر آینه من از تو بهترین روزی و معیشت را می طلبم، (روزی و) معیشتی که به وسیله آن بر (رفع) همه نیازهایم توانا باشم، و به واسطه آن در زندگی دنیا و آخرتم خود را به تو برسانم بدون این که مرا در آن به اتراف و رفاه زدگی دچار سازی که در نتیجه (در برابرت) سرکشی کنم، یا (به گونه ای) آن را بر من تنگ گیری که به بدبختی دچار شوم، و رزق حلالت را بر من توسعه بخش، و از فضل خودت از هر جا که خواهی بر من فرو بار، و (سایه) رحمتت را بر من بگستران، و از برکاتت نعمتی فراگیر و فراوان از جانب خودت و بخششی پی در پی و مستمرّ بر من نازل فرما، و مرا با زیاد نمودن نعمتت از شکر آن مشغول و غافل نساز، (به گونه ای که) شگفتی های رونق و نیکویی آن نعمت مرا به خود مشغول سازد، و شکوفایی و درخشش طراوتش مرا شیفته سازد، و با کم کردن نعمتت بر من (نیز) مرا از شکر آن غافل نکن به گونه ای که کارم و فعالیتم در طلب آن کم باشد، و دغدغه آن سینه ام را پر کند، بلکه - ای معبود مهربانم - از آن به اندازه ای (نصیبم ساز) که از خلق شرور و بدکارت بی نیاز باشم، و به اندازه کفافی که به وسیله آن به خشنودیت دست یابم.

و به تو - ای معبودم - ازشرّ دنیا و شرّ اهلش و شرّ هر آن چه در آن است پناه می برم، و دنیا را برایم زندان، و جدایی از آن را مایه حزن و اندوهم مگردان، و از فتنه آن مرا پناه ده، (و) در حالی که از من خشنودی،

مَقْبُولاً فِيهَا عَمَلِی إِلَی دَارِ اَلْحَيَوَانِ وَ مَسَاكِنِ اَلْأَبْرَارِ اَلْأَخْيَارِ وَ أَبْدِلْنِی بِالدُّنْيَا اَلْفَانِيَهِ نَعِيمَ اَلدَّارِ اَلْبَاقِيَهِ

اَللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ أَزْلِهَا وَ زِلْزَالِهَا وَ سَطَوَاتِ سُلْطَانِهَا وَ مِنْ شَرِّ شَيَاطِينِهَا وَ بَغْيِ مَنْ بَغَی عَلَیَّ فِيهَا

اَللَّهُمَّ مَنْ كَادَنِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ كِدْهُ وَ مَنْ أَرَادَنِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَرِدْهُ وَ فُلَّ عَنِّی حَدَّ مَنْ نَصَبَ لِی حَدَّهُ وَ أَطْفِئْ عَنِّی نَارَ مَنْ شَبَّ لِی وَقُودَهُ وَ اِكْفِنِی هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَیَّ هَمَّهُ وَ اِدْفَعْ عَنِّی شَرَّ اَلْحَسَدَهِ وَ اِعْصِمْنِی مِنْ ذَلِکَ بِالسَّكِينَهِ وَ أَلْبِسْنِی دِرْعَکَ اَلْحَصِينَهَ وَ أَحْيِنِی فِی سِتْرِکَ اَلْوَاقِی وَ أَصْلِحْ لِی حَالِی لِمِّ عِيَالِی وَ صِدْقِ مَقَالِی بِفَعَالِی وَ بَارِکْ لِی فِی أَهْلِی وَ مَالِی اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ اَلْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِکَ وَ اَلسَّلاَمُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اَللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ اُرْزُقْنِی حَلاَلاً طَيِّباً

وَاسِعاً مِمَّا شِئْتَ وَ أَنَّی شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لاَ يَكُونُ إِلاَّ مَا شِئْتَ حَيْثُ شِئْتَ كَمَا شِئْتَ

و عملم در آن پذیرفته شده، به سوی سرای زندگی حقیقی و جایگاه سکونت نیکان (ببر)، و به جای دنیای فانی و در حال گذار نعمت های سرای باقی و پایدار را نصیبم فرما، خداوندا هر آینه از تنگی و سختی دنیا و یورش های نفوذ و سلطه اش، و از شرّ شیاطینش، و ستم هر آن که در آن بر من ستم نموده به تو پناه می برم.

خدایا ه_ر که به من مکر و نیرنگ زده را پس بر محمّد و خاندان پاکش درود و رحمت فرست و مکرت را به او وارد ساز، و هر که نسبت به من قصد (سوئی) دارد پس بر محمّد و آل پاکش درود و رحمت فرست و قصد او کن(1)، و تیزی شمشیر هر که تیزی شمشیرش را علیه من به کار بسته را نسبت به من کُند فرما، و آتش هر که هیزمش را علیه من افروخته نسبت به من خاموش کن، و مرا نسبت به اندوه و نگرانی آن کس که نگرانی و اندوهش را بر من وارد ساخته کفایت فرما، و شرّ حسودان را از من بران، و مرا با آرامش از آن حفظ فرما، و زره مستحکمت را بر من بپوشان، و در پوشش نگه دارنده ات پنهانم ساز، و حال و وضعم را برای جمع و جور کردن نان خورهایم سر و سامان بده، و گفتارم را با کردارم تصدیق کن، و در خانواده و فرزندان و مالم به من برکت عنایت فرما. بار الها بر محمّد و بر اهل بیت پس ندیده اش با بهترین صلوات و رحمتت درود و رحمت فرست، و با برترین برکت هایت بر آنان برکت بخش، و سلام و درود بر او و آنان و بر ارواح مقدّس و بدن های مطهرشان، و رحمت و برکات خداوند (بر آنان باد).

خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود و رحمت فرست، و در (کارها و) امورم برایم گشایشی و راه برون رفتی قرار ده، و رزقی حلال و پاکیزه و فراوان نصیبم گردان، از هر آن چه اراده فرموده ای و از هر کجا و با هر کیفیتی که می خواهی، چرا که بی گمان چیزی تحقّق نمی یابد مگر آن چه تو اراده کنی و در هر جا و به همان گونه که تو بخواهی.

1- عباراتی شبیه به این عبارات متن دعا در انتهای دعای کمیل نیز آمده است.

فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ اَلسِّتَّ اَلرَّكَعَاتِ اَلثَّانِيَةَ فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ يَقُولُ بَعْدَهُمَا أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اَللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اَلدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَ اَلْإِسْلاَمَ كَمَا وَصَفَ وَ اَلْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ ذَكَرَ اَللَّهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ بِخَيْرٍ وَ حَيَّاهُمْ بِالسَّلاَمِ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ اَللَّهُمَّ أُرْدُدْ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِکَ مَظَالِمَهُمُ اَلَّتِي قِبَلِي صَغِيرَهَا وَ كَبِيرَهَا فِي يُسْرٍ مِنْکَ وَ عَافِيَةٍ وَ مَا لَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَسَعْهُ ذَاتُ يَدِيوَ لَمْ يَقْوَ عَلَيْهِ بَدَنِي فَأَدِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ مَا عِنْدَکَ مِنْ فَضْلِکَ حَتَّى لاَ تُخَلِّفَ عَلَيَّ شَيْئاً مِنْهُ تَنْقُصُهُ مِنْ حَسَنَاتِي يَا أَرْحَمَ اَلرَّاحِمِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَلْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِکَ وَ اَلسَّلاَمُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اَللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

د. و پس از دو رکعت اوّل از شش رکعت دوّم (رکعات هفتم و هشتم) می گویی:

(از روی باور قلبی) گواهی می دهم که هیچ معبودی جز خداوند نیست که یگانه است و هیچ شریکی ندارد، و شهادت می دهم که بی گمان محمّد بنده و فرستاده اوست - که درود و رحمت خداوند بر او و خاندان پاکش باد، و شهادت می دهم که یقیناً دین (حق) همان گونه است که او تشریع نموده، و اسلام همان گونه است که او توصیف کرده، و سخن همان است که او فرموده است، خداوند (متعال) محمّد و آل محمّد را به خیر یاد کند، و با سلام وتحیت آنان را درود فرستد. خدایا بر محمّد و آل محمّد با بهترین صلوات و رحمتت درود و رحمت فرست. بار الها تمام حقوق و مظالم کوچک و بزرگی که به گردن من است را با آسانی از جانب خودت و با عافیت و سلامتی به تمام خلقت (که صاحبان حقند) برگردان، و آن چه را توانم بدان نمی رسد، و در حیطه قدرتم و در دسترسم نیست، و بدنم بر (انجام) آن قدرت ندارد، از طرف من و از فضل فراوان و کثیری که نزد توست ادا فرما، تا آن جا که چیزی از آن را باقی نگذاری که به خاطرش از حسناتم بکاهی، ای مهربان ترین مهربانان، و بر محمّد و آل محمّد که مورد رضایت توأند با برترین صلوات و رحمتت درود و رحمت فرست، و با بهترین برکاتت بر آنان برکت ارزانی دار، و سلام بر او و بر آنان و بر ارواح پاک و بدن های مبارکشان باد، و رحمت خدا و برکاتش (بر آنان سرشار باد).

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ اُرْزُقْنِی حَلاَلاً طَیِّباً وَاسِعاً مِمَّا شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ وَ كَیْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لاَ یَكُونُ إِلاَّ مَا شِئْتَ حَیْثُ شِئْتَ كَمَا شِئْتَ

-زِیَادَهٌ

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِكَ وَ قَنِّعْنِی بِمَا رَزَقْتَنِی وَ بَارِكْ لِی فِیمَا أَعْطَیْتَنِی

وَ أَسْبِغْ نِعْمَتَكَ عَلَیَّ وَ هَبْ لِی شُكْراً تَرْضَى بِهِ عَنِّی وَ حَمْداً عَلَى مَا أَلْهَمْتَنِی وَ أَقْبِلْ بِقَلْبِی إِلَى مَا یُقَرِّبُنِی إِلَیْكَ وَ اِشْغَلْنِی عَمَّا یُبَاعِدُنِی عَنْكَ وَ أَلْهِمْنِی خَوْفَ عِقَابِكَ وَ اُرْجُرْنِی عَنِ اَلْمُنَى لِمَنَازِلَ اَلْمُتَّقِینَ بِمَا یُسْخِطُكَ مِنَ اَلْعَمَلِ وَ هَبْ لِیَ اَلْجِدَّ فِی طَاعَتِكَ

ثُمَّ تَقُومُ فَتُصَلِّی اَلرَّكْعَتَیْنِ اَلْخَامِسَهَ وَ تَقُولُ بَعْدَهُمَا یَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَیْرٍ وَ یَا مَنْ اَمِنُ عُقُوبَتَهُ عِنْدَ كُلِّ عَثْرَهٍ وَ یَا مَنْ یُعْطِی اَلْكَثِیرَ بِالْقَلِیلِ وَ یَا مَنْ أَعْطَى اَلْكَثِیرَ بِالْقَلِیلِ وَ یَا مَنْ أَعْطَى مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَهً وَ یَا مَنْ أَعْطَى مَنْ لَمْ یَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ وَ مَنْ لَمْ یُؤْمِنْ بِهِ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَ كَرَماً

خداوندا بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، و نسبت به (کارها و) امورم گشایش و راه برون رفتی برایم قرارده، و روزی حلال و پاکیزه و فراوانی از هر آن چه خواهی و از هر کجا و به هر کیفیتی که اراده فرموده ای نصیبم فرما، زیرا بدون شک چیزی تحقّق نمی یابد جز آن چه تو بخواهی و در هر جا (و هر زمان) و به هر گونه که اراده فرمایی.

و در روایتی دیگر این جملات اضافه شده است: خدایا بر محمّد و خاندان پاکش درود و رحمت فرست و مرا در راه طاعتت به کار گیر، و به آن چه روزیم فرموده ای قانع ساز، و در آن چه به من بخشیده ای برکت ده، و نعمت هایت را بر من فراوان و فراگیر نما، و شکر و سپاسی را نصیبم فرما که به واسطه آن از من خشنود گردی، و حمد و ستایشی به همان شیوه که به من الهام فرمودی، و دلم را به آنچه مرا به تو نزدیک می سازد متوجّه ساز، و از آن چه مرا از تو دور می سازد مشغول بدار (و منع کن)، و ترس از کیفرت را به من الهام فرما، و مرا از آرزوهای (بی مایه ام) برای (به دست آوردن) جایگاه تقواپیشگان با عمل و کرداری که تو را به خشم می آورد بازدار، و تلاش و کوشش در راه طاعت و فرمانبرداریت را نصیبم فرما.

ه_ . بعد از دو رکعت سوّم و چهارم از شش رکعت دوّم (رکعات نهم و دهم):

ای خدایی که برای هر خیر و برکتی به او امید دارم، و ای آن که هنگام هر لغزشی از (تعجیل در) عقوبتش خود را در امان می یابم، و ای آن که به سبب (عمل) اندک فراوان می بخشد، و ای آن که (همواره پاداش) فراوان در برابر (عمل) اندک بخشیده است، و ای آن که به کسی که از او درخواست کرده از روی لطف و مرحمتش عطا کرده است، و ای آن که (حتی) به کسی که از او درخواست کرده از روی لطف و مرحمتش عطا کرده است، و ای آن که (حتی) به کسی که از او طلب ننموده و (اصلاً) او را نمی شناسد و به او ایمان ندارد از روی تفضّل و احسان و کرمش عطا فرموده است،

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی بِمَسْأَلَتِی إِيَّاکَ مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ اَلدُّنْيَا وَ اَلْآخِرَهِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَيْتَ وَ زِدْنِی مِنْ فَضْلِکَ إِنِّی إِلَيْکَ رَاغِبٌ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ اَلْأَوْصِيَاءِ اَلْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ اَلسَّلاَمُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَهُ اَللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ اُرْزُقْنِی حَلاَلاً طَيِّباً وَاسِعاً مِمَّا شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ وَ کَيْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لاَ يَکُونُ إِلاَّ مَا شِئْتَ حَيْثُ شِئْتَ کَمَا شِئْتَ

زِيَادَهٌ

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِجْعَلْ لِی قَلْباً طَاهِراً وَ لِسَاناً صَادِقاً وَ نَفْساً سَامِيَهً إِلَى نَعِيمِ اَلْجَنَّهِ وَ اِجْعَلْنِی بِالتَّوَکُّلِ عَلَيْکَ عَزِيزاً وَ بِمَا أَتَوَقَّعُهُ مِنْکَ غَنِيّاً وَ بِمَا رَزَقْتَنِی قَانِعاً رَاضِياً وَ عَلَى رَجَائِکَ مُعْتَمِداً وَ إِلَيْکَ فِی حَوَائِجِی قَاصِداً حَتَّى لاَ أَعْتَمِدَ إِلاَّ عَلَيْکَ وَ لاَ أَثِقَ إِلاَّ بِکَ

ثُمَّ تَقُومُ فَتُصَلِّی اَلرَّکْعَتَيْنِ اَلسَّادِسَهَ وَ تَقُولُ بَعْدَهُمَا اَللَّهُمَّ إِنَّکَ تَعْلَمُ سَرِيرَتِی فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِقْبَلْ

بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و به جهت درخواستم از تو از تمام خیر دنیا و آخرت به من ببخش، چرا که به یقین آن چه بخشیده ای اندک و کاهش یابنده نیست، و از فضلت به من فزونی بخش(1)، که به یقین من به سوی تو روی نیاز آورده ام، و بر محمّد و اهل بیتش که اوصیای مورد رضای توأند با برترین صلوات و رحمتت درود و رحمت فرست، و با بهترین برکاتت به ایشان برکت بده، و سلام بر او و بر آنان و بر ارواح (پاک) و اجسام (مطهر)شان باد، و رحمت خدا و برکاتش (بر آنان سرازیر باد).

خداوندا بر محمّد و خاندان پاکش درود و رحمت فرست، و نسبت به (کارها و) امورم برایم گشایش و راه برون رفتی قرارده، و مرا رزقی حلال و پاک و فراوان ده، از هر چه خواه_ی و هر جا (و هر زمان) و به هر کیفیت ک_ه اراده فرمایی، زیرا در حقیقت چیزی تحقّق نمی یابد جز آن چه که تو خواسته ای و هر جا (و هر زمان) و به همان گونه که اراده فرموده ای.

و در روایتی دیگر این زیادت ذکر شده: بار خدایا بر محمّد و آل او درود و رحمت فرست، و دلی پاک و طاهر، و زبانی راست گو و صادق، و جان و نفسی اوج گیرنده به سوی نعمت های بهشت به من عطا کن، و با توکّل و اعتماد بر تو مرا عزیز بدار، و با آن چه از تو انتظار دارم بی نیاز فرما، و به آن چه روزیم ساخته ای قانع و خشنود نما، و بر امید به درگاهت متکی گردان، و در حاجت ها و نیازهایم مرا فقط به سوی خودت متوجّه ساز، تا بر لطف کسی جز تو اعتماد نورزم، و به کسی جز تو تکیه نکنم.

و. پس از دو رکعت پنجم وششم از شش رکعت دوّم (رکعات یازدهم و دوازدهم):

بار الها قطعاً تو باطنم را (به خوبی) آگاهی، بنابر این بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، و عذرم را بپذیر

1- این عبارت در متن دعا به اندازه زیادی شبیه به دعایی است که در تعقیبات نماز های یومیه ماه رجب خوانده می شود.

سَيِّدِی وَ مَوْلاَیَ مَعْذِرَتِی وَ تَعْلَمُ حَاجَتِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعْطِنِی مَسْأَلَتِی وَ تَعْلَمُ مَا فِی نَفْسِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِغْفِرْ لِی ذُنُوبِی اَللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِی بِسُوءٍ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اِصْرِفْهُ عَنِّی وَ اِکْفِنِی کَیْدَ عَدُوِّی فَإِنَّ عَدُوِّی عَدُوُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَدُوُّ آلِ مُحَمَّدٍ عَدُوٌّ مُحَمَّدٍ وَ عَدُوُّ مُحَمَّدٍ عَدُوُّکَ فَأَعْطِنِی سُؤْلِی

یَا مَوْلاَیَ فِی عَدُوِّی عَاجِلاً غَیْرَ آجِلٍ یَا مُعْطِیَ اَلرَّغَائِبِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی رَغْبَتِی فِیمَا سَأَلْتُکَ فِی عَدُوِّکَ یَا ذَا اَلْجَلاَلِ وَ اَلْإِکْرَامِ یَا إِلَهِی إِلَهاً وَاحِداً لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَلطَّیِّبِینَ اَلطَّاهِرِینَ وَ أَرِنِی اَلرَّخَاءَ وَ اَلسُّرُورَ عَاجِلاً غَیْرَ آجِلٍ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ اَلْمَرْضِیِّینَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِکَ وَ بَارِکْ عَلَیْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَکَاتِکَ وَ اَلسَّلاَمُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ وَ عَلَی أَرْوَاحِهِمْ وَ أَجْسَادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اَللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ فَرَجاً وَ

- ای سرور و مولای من، و (از سوی دیگر) نیازم را (به خوبی) می دانی، بنابر این بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، و خواسته ام را به من عطا فرما، و (هم چنین) آن چه در نفسم می گذرد را خبر داری، پس بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و گناهانم را بیامرز.

خداوندا هر که نسبت به من قصد سوئی دارد پس بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و (شرّ) او را از من بازدار، و مرا از کید و نیرنگ دشمنم کفایت فرما، که بدون شک دشمن من دشمن آل محمّد است، و دشمن آل محمّد دشمن محمّد است، و دشمن محمّد دشمن توست، پس ای مولای من درخواستم درباره دشمنم را به زودی و بدون تأخیر اجابت فرما.

ای عطا کننده خواسته ها و آرزوها، بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و خواسته ام درباره دشمنت را به من عطا فرما.

ای صاحب جلالت (و ارجمندی) و کرامت (و بنده نوازی) ای معبود من، معبود یگانه ای که هیچ معبودی جز تو نیست، بر محمّد و آل محمّد - که پاکان و پاکیزگانند- درود و رحمت فرست، و آسایش و شادی را به زودی و بدون تأخیر به من بنمایان، و بر محمّد و اهل بیت پس ندیده اش با برترین صلوات و رحمتت درود و رحمت فرست، و با بهترین برکاتت بر آنان برکت ده، و سلام بر او و برایشان و بر ارواح (مقدّس) و اجسام (مطهّر)شان باد، و رحمت و برکت خداوند بر آنان سرشار باد.

بار الها بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و از پیش خودت برایم گشایش و

مَخْرَجاً وَ اُرْزُقْنِی حَلاَلاً طَیِّباً وَاسِعاً مِمَّا شِئْتَ وَ أَنَّی شِئْتَ وَ کَیْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لاَ یَکُونُ إِلاَّ مَا شِئْتَ حَیْثُ شِئْتَ کَمَا شِئْتَ

زِیَادَهٌ

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَهِی ظَلَمْتُ نَفْسِی وَ عَظُمَ عَلَیْهَا إِسْرَافِی وَ طَالَ فِی مَعَاصِیکَ اِنْهِمَاکِی

وَ تَکَاثَفَتْ ذُنُوبِی وَ تَظَاهَرَتْ عُیُوبِی وَ طَالَ بِکَ اِغْتِرَارِی وَ دَامَ لِلشَّهَوَاتِ اِتِّبَاعِی فَأَنَا اَلْخَائِبُ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِی وَ أَنَا اَلْهَالِکُ إِنْ لَمْ تَعِفَّ عَنِّی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِغْفِرْ لِی وَ تَجَاوَزْ عَنْ سَیِّئَاتِی وَ أَعْطِنِی سُؤْلِی وَ اِکْفِنِی مَا أَهَمَّنِی وَ لاَ تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی فَتَعْجِزَ عَنِّی وَ أَنْقِذْنِی بِرَحْمَتِکَ مِنْ خَطَایَایَ وَ أَسْعِدْنِی بِسَعَهِ رَحْمَتِکَ سَیِّدِی

فَإِذَا أَرَادَ أَنْ یُصَلِّیَ اَلسِّتَّ اَلرَّکَعَاتِ اَلْبَاقِیَهَ فَلْیَقُمْ وَ لْیُصَلِّ رَکْعَتَیْنِ فَإِذَا سَلَّمَ بَعْدَهُمَا قَالَ : اَللَّهُمَّ أَنْتَ آنَسُ اَلْآنِسِینَ لِأَوِدَّائِکَ وَ أَحْضَرُهُمْ لِکِفَایَهِ اَلْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیْکَ تُشَاهِدُهُمْ فِی ضَمَائِرِهِمْ وَ تَطَّلِعُ عَلَی سَرَائِرِهِمْ وَ تُحِیطُ بِمَبَالِغِ بَصَائِرِهِمْ وَ سِرِّی اَللَّهُمَّ مَکْشُوفٌ وَ أَنَا إِلَیْکَ مَلْهُوفٌ إِذَا أَوْحَشَتْنِی اَلْغُرْبَهُ آنَسَنِی ذِکْرُکَ وَ إِذَا کَثُرَتْ عَلَیَّ

راه برون رفتی قرار ده، و رزقی حلال و پاکیزه و گسترده به من عطا فرما، از هر آن چه که خواسته ای و هر جا (و هر زمان) و به هر کیفیتی که اراده فرموده ای، زیرا که به راستی چیزی تحقّق نمی یابد جز آن چه تو اراده فرمایی و هرجا (و هر زمان) و به همان گونه که تو بخواهی.

و در روایتی دیگر این قسمت اضافه شده است:

خدایا بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست، معبودا به خویشتن خویش ستم کردم و زیاده رویم بر آن بسیار زیاد شده، و غرق شدنم در معصیت هایت طولانی گشته، و گناهانم متراکم شده است، و عیب هایم پشت به پشت هم داده اند، و مغرور شدنم نسبت به تو طولانی شده، و پیرویم از شهوت ها دوام و استمرار یافته است، و در نتیجه اگر تو بر من رحم نیاوری (از رستگاری) نومید و محرومم، و اگر تو مرا عفو نکنی هلاک شده ام، پس بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و مرا بیامرز و از بدی ها و گناهانم درگذر، و خواسته ام را به من عطا فرما، و نسبت به آن چه دغدغه من است مرا کفایت فرما، و (هرگز) به اندازه چشم برهم زدنی مرا به خویشتن خویش وا مگذار، زیرا که از کنترل من عاجز است، و با رحمتت مرا از لغزش ها و خطاهایم نجات بخش، و با رحمت گسترده ات - ای سرور و سالارم - مرا خوش بخت گردان.

ز. بعد از دو رکعت اوّل از شش رکعت آخر (رکعات سیزدهم و چهاردهم):

بار الها تو مأنوس ترین انس گیرندگان برای دوست دارانت هستی، و آماده ترین آنان برای کفایت امور توکّل کنندگان بر تویی، آنان را در پنهان ها و درونشان مشاهده می فرمایی، و بر باطن هایشان (کاملاً) اطلاع و اشراف داری، و به حد نهایی بصیرت و بینش آنان احاطه داری، و راز (و باطن) من - ای خداوند - بر تو (کاملاً) آشکار است، و من فقط به درگاه تو نالان و سوخته دلم، به گونه ای که هر گاه غربت مرا به احساس تنهایی می کشاند یاد تو مونسم می شود، و هرگاه دغدغه ها و اندوه هایم افزون گردد

اَلْهُمُومُ لَجَأْتُ إِلَی اَلاِسْتِجَارَهِ بِکَ عِلْماً بِأَنَّ أَزِمَّهَ اَلْأُمُورِ بِیَدِکَ وَ مَصْدَرَهَا عَنْ قَضَائِکَ خَاضِعاً لِحُکْمِکَ اَللَّهُمَّ إِنْ عَمِیتُ عَنْ مَسْأَلَتِکَ أَوْ فَهِمْتُ عَنْهَا فَدُلَّنِی عَلَی مَصَالِحِی وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَرَاشِدِی فَلَسْتُ بِبِدْعٍ مِنْ وَلاَیَتِکَ وَ لاَ بِوَتْرٍ مِنْ أَنَاتِکَ اَللَّهُمَّ إِنَّکَ أَمَرْتَ بِدُعَائِکَ وَ ضَمِنْتَ اَلْإِجَابَهَ لِعِبَادِکَ وَ لَنْ یَخِیبَ مَنْ فَزِعَ إِلَیْکَ بِرَغْبَهٍ وَ قَصَدَ إِلَیْکَ بِحَاجَهٍ وَ لَمْ تَرْجِعْ یَدٌ طَالِبَهٌ صِفْراً مِنْ عَطَائِکَ وَ لاَ خَالِیَهً مِنْ نِحَلِ هِبَاتِکَ وَ أَیُّ رَاحِلٍ أَمَّکَ فَلَمْ یَجِدْکَ أَوْ أَیُّ وَافِدٍ وَفَدَ إِلَیْکَ فَاقْتَطَعَتْهُ عَوَائِقُ اَلرَّدِّ دُونَکَ بَلْ أَیُّ مُسْتَجِیرٍ بِفَضْلِکَ لَمْ یَنَلْ مِنْ فَیْضِ جُودِکَ وَ أَیُّ مُسْتَنْبِطٍ لِمَزِیدِکَ أَکْدَی دُونَ اِسْتِمَاحَهِ عَطِیَّتِکَ اَللَّهُمَّ وَ قَدْ قَصَدْتُ إِلَیْکَ بِحَاجَتِی وَ قَرَعْتُ بَابَ فَضْلِکَ یَدُ مَسْأَلَتِی

وَ نَاجَاکَ بِخُشُوعِ اَلاِسْتِکَانَهِ قَلْبِی وَ عَلِمْتَ مَا یَحْدُثُ مِنْ طَلِبَتِی قَبْلَ أَنْ یَخْطُرَ بِبَالِی أَوْ یَقَعَ فِی صَدْرِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَلِّ اَللَّهُمَّ دُعَائِی بِإِجَابَتِکَ وَ اِشْفَعْ مَسْأَلَتِی إِیَّاکَ

به پناه جستن از درگاهت پناه می برم، زیرا می دانم که یقیناً زمام تمام امور به دست توست، و منشأ و خاستگاه آن ها از قضا و قدر توست و در برابر حکم و فرمانت خاضع و تسلیم است.

خداوندا اگر نسبت به درخواست از درگاهت کور شده ام یا زبانم از گفتن آن عاجز و درمانده شده، تو خود مرا به مصلحت هایم راهنمایی کن، و دلم را به سوی جایگاه های رشد و کمالم رهبری کن، زیرا من سوژه و موضوع جدیدی در قلمرو ولایت تو، و فردی منحصر به فرد نسبت به (استفاده از) صبر و بزرگواریت نیستم.

بار الها هر آینه تو مرا به دعا و نیایش (به درگاهت) فرمان دادی، و اجابت (خواسته) بندگانت را تضمین فرمودی(1)، و هر که با تمام وجود و اشتیاقش به درگاه تو پناهنده شود و با نیازش به سوی تو روی آورد هرگز ناامید نمی گردد، و (هرگز) هیچ دست خواهنده ای خالی از عطایت و تهی از بخشش های رضایت مندانه ات برنگشته، و کدامین مسافر آهنگ سفر به سوی تو را کرد و تو را نزدیک نیافت؟ یا کدام وارد شونده (به آستانت) که پیش تو آمد و موانع ردّ (و عدم استجابت) او را از (رسیدن به) تو بازداشت (و راه را بر او بست)؟ (یا) بلکه کدامین پناه جوینده به فضل و رحمتت که از فیض جود و سخاوتت بهره مند نشد؟ و کدام جوینده افزایش آب نعمتت که از بخشش دلوهای لبریز عطاهایت کم بهره شد.

خدایا با نیاز و حاجتم حقیقتاً به سوی تو آمده ام، و دست گدایی و درخواستم در فضل و رحمت تو را کوبیده است، و دلم با خشوع درماندگی با تو به مناجات برخاسته، و تو قبل از این که خواسته ام به فکرم خطور کند یا در سینه ام راه یابد آن را می دانی، پس بر محمّد و آل پاکش درود و رحمت فرس_ت، و دعایم به درگاهت را با اجابتت قرین گردان - ای خدای مهربانم - و درخواستم از تو را با روا شدن حاجت هایم همراه کن

1- متن عربی این عبارت اشاره دارد به آیه: «و قالَ ربُّکم ادعُونی أستَجِب لکم» (سوره مبارکه غافر- آیه 60)

بِنُجْحِ حَوَائِجِی یَا أَرْحَمَ اَلرَّاحِمِینَ وَ صَلَّی اَللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

ثُمَّ تُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ وَ تَقُولُ بَعْدَهُمَا

یَا مَنْ أَرْجُوهُ لِکُلِّ خَیْرٍ وَ آمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ کُلِّ عَثْرَهٍ یَا مَنْ یُعْطِی اَلْکَثِیرِ بِالْقَلِیلِ یَا مَنْ أَعْطَی مَنْ سَأَلَهُ

تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَهً یَا مَنْ أَعْطَی مَنْ لَمْ یَسْأَلْهُ وَ لَمْ یَعْرِفْهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی بِمَسْأَلَتِی إِیَّاکَ جَمِیعَ سُؤْلِی مِنْ جَمِیعِ خَیْرِ اَلدُّنْیَا وَ اَلْآخِرَهِ فَإِنَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ مَا أَعْطَیْتَ وَ اِصْرِفْ عَنِّی شَرَّ اَلدُّنْیَا وَ اَلْآخِرَهِ یَا ذَا اَلْمَنِّ وَ لاَ یُمَنُّ عَلَیْهِ یَا ذَا اَلْجُودِ وَ اَلْمَنِّ وَ اَلطَّوْلِ وَ اَلنِّعَمِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی سُؤْلِی وَ اِکْفِنِی جَمِیعَ اَلْمُهِمِّ مِنْ أَمْرِ اَلدُّنْیَا وَ اَلْآخِرَهِ

ثُمَّ تُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ وَ تَقُولُ بَعْدَهُمَا

یَا ذَا اَلْمَنِّ لاَ مَنَّ عَلَیْکَ یَا ذَا اَلطَّوْلِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ یَا أَمَانَ اَلْخَائِفِینَ وَ ظَهْرَ اَللاَّجِئِینَ وَ جَارَ اَلْمُسْتَجِیرِینَ إِنْ کَانَ فِی أُمِّ اَلْکِتَابِ عِنْدَکَ أَنِّی شَقِیٌّ مَحْرُومٌ أَوْ مُقْتَرٌ عَلَیَّ فِی رِزْقِی فَامْحُ مِنْ أُمِّ اَلْکِتَابِ شَقَائِی وَ حِرْمَانِی وَ إِقْتَارَ رِزْقِی وَ اُکْتُبْنِی عِنْدَکَ سَعِیداً مُوَفَّقاً لِلْخَیْرِ مُوَسَّعاً فِی رِزْقِی إِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ اَلْمُنْزَلِ عَلَی نَبِیِّکَ

ای مهربان ترین مهربانان، و بر محمّد و آل پاکش درود و رحمت فرست.

ح.و پس از دو رکعت سوّم و چهارم از شش رکعت آخر (رکعات پانزدهم و شانزدهم):

ای آنکه برای هر خیر و برکتی به او امید دارم، و در هنگام هر لغزشی از خشم و غضبش امان می طلبم، ای آن که به خاطر (اعمال) اندک (پاداش) فراوان عطا می کند، ای آن که به آن کس که از او درخواست کند از روی مهربانی و رحمتش می بخشد، ای آن که به کسی که از او درخواستی ندارد و (حتی) او را نمی شناسد از روی تفضّل و کرمش عطا می فرماید، بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرست و به س_بب درخواستم از درگاهت تمام خواسته هایم نسبت به همه خیر دنیا و آخرت را به من عطا فرما، که به راستی آن چه تو عطا فرموده ای نقصان نمی یابد، و شرّ دنیا و آخرت را از من برطرف کن، ای صاحب نعمت (ومنتی) که هیچ کس بر تو منّتی ندارد(1)، ای صاحب منت و جود و بخشش و نعمت ها بر محمّد و آل محمّد درود و رحمت فرس_ت، و درخواست هایم را به من عطا کن، و مرا نسبت به تمام آن چه که از امور دنیا و آخرت برایم مهم است (و دغدغه اش را دارم) کفایت فرما.

ط.بعد از دو رکعت پنجم و ششم از شش رکعت سوّم (رکعات هفدهم و هجدهم):

ای صاحب نعمت (ومنت که) هیچ منتی بر او نیست، ای صاحب لطف و بخشش (که) هیچ معبودی جز تو نیست، ای مایه امنیت بیم ناکان، و پشت و پناه پناهندگان، و پناه دهنده پناه جویان، اگر در اصل کتاب (لوح محفوظ) نزد تو من بدبخت یا محروم (از رستگاری و لطفت) یا تنگ روزی ثبت شده ام، پس از لوح محفوظ بدبختی و محرومیت و تنگی روزیم را پاک کن، و مرا نزد خودت خوشبخت و موفق در راه خیر و گشاده روزی (مقدّر و) ثبت کن، زیرا هر آینه تو در کتاب نازل شده ات بر پیامبر

1- عبارات متن دعا تا اندازه زیادی شبیه به دعایی است که در تعقیبات نمازهای یومیه ماه رجب خوانده می شود.

اَلْمُرْسَلِ صَلَّى اَللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَمْحُوا اَللّٰهُ مٰا يَشٰاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ اَلْكِتٰابِ وَ قُلْتَ رَحْمَتِی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ

وَ أَنَا شَیْءٌ فَلْتَسَعْنِی رَحْمَتُکَ يَا أَرْحَمَ اَلرَّاحِمِينَ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ مُنَّ عَلَیَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْکَ

وَ اَلتَّسْلِيمِ لِأَمْرِکَ وَ اَلرِّضَا بِقَدَرِکَ حَتَّى لاَ أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لاَ تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ يَا رَبَّ اَلْعَالَمِينَ .

4.أدعيته عليه السلام فی سجده الشكر

44_فی سجده الشكر بعد الفريضه

سأل سعد بن سعد الرضا عليه السلام عن سجده الشكر فقال:

أرى أصحابنا يسجدون بعد الفريضه سجده واحده ويقولون هی سجده الشكر

فقال عليه السلام : إنّما الشكر إذا أنعم اللّه تعالى على عبده [النعمه] أن يقول:

«سُبْحانَ الَّذی سَخَّرَ لَنا هذا وَما كُنّا لَهُ مُقْرِنينَ * وَاِنّا اِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ»(56) وَالْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

مرسلت - که درود و رحمت خداوند بر او و خاندان پاکش باد - فرموده ای: «خداوند هر آن چه را اراده کند پاک و (یا) ثبت می کند و اصل کتاب (لوح محفوظ) نزد اوست»(1). و (نیز) فرموده ای: «و رحمت من هر چیزی را فرا گرفته است»(2). و من (نیز) شیئی (از اشیاء) هستم، لذا رحمتت باید مرا نیز فرا گیرد ای مهربان ترین مهربانان، خداوندا بر محمّد و آل پاکش درود و رحمت فرست، و با (دادن روحیه) توکّل بر تو، و تس_لیم در برابر فرمانت و راض_ی بودن به (قضا و) قدرت بر من (تفضّل کن و) منت بگ_ذار، تا جایی که (هرگز) زود آمدن آن چه به تأخیر انداخته ای، و (یا) به تأخیر افتادن آن چه که جلو انداخته ای را دوست نداشته باشم، ای پروردگار و صاحب اختیار جهان ها و جهانیان.

4- دعاهای حضرت علیه السلام در سجده شکر

دعای چهل وچهارم: دعای امام علیه السلام در سجده شکر بعد از نماز واجب

سعد بن سعد از امام رضا علیه السلام درباره سجده شکر سؤال کرد و گفت: من می بینم که یاران ما بعد از نماز واجب یک سجده به جا می آورند و می گویند: این سجده شکر است، حضرت علیه السلام فرمود: جز این نیست که شکر واقعی در حقیقت این است که هرگاه خداوند تعالی نعمت و احسان به بنده اش نصیب فرماید آن بنده بگوید:

«پاک و منزه است آن خدایی که این (نعمت) را در اختیار ما قرار داد (و مسخر ما گردانید) و (گرنه) م_ا بر این کار قادر نبودیم، و قطعاً ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم»(3) و سپاس و ستایش برای خداوند است (که) پروردگار جهان ها و جهانیان (است)4.

1- سوره مبارکه رعد - آیه 39
2- متن عربی این عبارت در حقیقت آیات 13 و 14 سورۀ مبارکۀ زخرف است.
3- سوره حمد، آیه 2.

45_دعاء آخر:

أدنى ما يجزى فيها من القول أن يُقال: شُكْراللّهِ، شُكْرا للّهِ، ثلاث مرّات.

46_دعاء آخر:

قل فى سجده الشكر مائه مرّه: شُكْرا شُكْرا، وإن شئت: عَفْوا عَفْوا.

47_دعاء آخر:

فى خبر رجاء بن أبى الضحّاک: إنّ الرضا علیه السلام کان یسجد بعد الفراغ من تعقیب الظهر، یقول فیها مائه مرّه: شُکْرا للّهِ وبعد الفراغ من تعقیب العصر سجده یقول فیها مائه مرّه: حَمْدا للّهِ.

5.أدعیته علیه السلام فى السفر والحجّ

48_عند الخروج من المنزل

عن الرضا علیه السلام : قال: کان أبى علیه السلام إذا خرج من منزله قال: بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللّهِ وَقُوَّته، لا بِحَوْلٍ مِنّى وَلا قُوَّتى(57)، بَلِ بِحَولِکَ وَ قُوَّتِکَ یارَبِّ مُتَعَرِّضاً لِرِزقِکَ فَاتِنِى بِهِ فِى عافِیَةٍ.

دعای چهل وپنجم: دعای دیگر در همین زمینه: (امام رضا علیه السلام فرمودند:) کمترین چیزی که در گفتار برای شکرگزاری کفایت می کند این است که سه بار گفته شود: شُکرًا لِلّٰهِ شُکرًا لِلّٰهِ (شکر و سپاس برای خداوند می گزارم، خداوند را شکر و سپاس می گویم)

دعای چهل وششم: دعای دیگر در همین مورد: (امام رضا علیه السلام فرمودند:) در سجده شکر صد مرتبه بگو: شُکرًا شُکرًا (شکر و سپاس می گزارم) و اگر خواستی (اضافه کن): عفوًا عفوًا (مرا ببخش، ببخش)

دعای چهل وهفتم: دعای دیگر در همین زمینه: رجاء بن أبی ضحاک روایت کرده است که: امام رضا علیه السلام پس از فِراغت از تعقیبات نماز ظهر سجده کرده و در حال سجده صد مرتبه می فرمودند: شُکراً لِلّٰهِ(خداوند را شکر و سپاس می گزارم) و بعد از فراغ_ت از تعقیبات نماز عصر صد مرتبه در حال سجده می فرمودند: حمداً لِلّٰهِ (ستایش و سپاسم مخصوص خداوند است)

5- دعاهای حضرت علیه السلام در سفر و حج

دعای چهل وهشتم: دعای امام علیه السلام هنگام خروج از منزل

از امام رضا علیه السلام روایت شده کِه فِرمودند: پدِر بزرگوارم علیه السلام هرگاه که از منزل خارج می شدند می فرمودند: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

با استعانت از توان و قدرت الهی از منزل خارج ش_دم، نه با توان قدرتی از خودم، بلکه با نیرو وتوان و قدرت تو ای پروردگار و صاحب اختیارم؛ به قصد به دست آوردن رزق و روزی تو (بیرون آمدم) پس آن (رزق و روزی) را به همراه عافیت و سلامتی به من عطا فرما.

49_دعاء آخر: بِسْمِ اللّهِ، امَنْتُ بِاللّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّهِ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّه.

50_دعاء آخر: قال محمّد بن سنان: وكان الرضا عليه السلام يقول إذا خرج من منزله: بِسْمِ اللّهِ خَرَجْتُ، وَبِسْمِ اللّهِ وَلِجْتُ، وَ عَلَى اللّهِ تَوَكَّلْتُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.

51_عند ركوب الدابّه

قال عليه السلام : من قال إذا ركب الدابّه: بِسْمِ اللّهِ، وَلا قُوَّةَ اِلاّ بِاللّهِ، اَلْحَمْدُللّهِ الَّذى سَخَّرَ لَنا هذا وَما كُنّا لَهُ مُقْرِنينَ.

حفظت له نفسه ودابّته حتّى ينزل.

52_عند الركوب فى البرّ والبحر

فإن ركبت الظهر فقل: «اَلْحَمْدُ للّه الَّذى سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنّا لَهُ مُقْرِنينَ * وَاِنّا اِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ»(58)

دعای چهل ونهم: دعای دیگر در همین زمینه

به نام خدا، به خداوند ایمان آوردم، (و) بر خداوند ت_وکل کردم (که) هیچ نیرو و توان و قدرتی جز به واسطه خداوند (متعال) وجود ندارد.

دعای پنجاهم: دعای دیگر در همین مورد

محمد بن سنان گوید: امام رضا علیه السلام هرگاه از منزلشان خارج می شدند می فرمودند:

به نام خدا (از منزل) خارج شدم، و به نام خدا داخل (در آن) می گردم، و فقط بر خداوند توکل نمودم، و هیچ توان و قدرتی جز به واسطه خداوند بلند مرتبه بسیار بزرگ وجود ندارد.

دعای پنجاه ویکم: دعای حضرت علیه السلام هنگام سوار شدن بر مَرکب

امام رضا علیه السلام فرمودند: هرکه هنگام سوار شدن بر چهارپایان بگوید:

«به نام خدا، و هیچ قدرتی جز به واسطه خداوند وجود ندارد، ستایش و س_پاس برای خداوندی اس_ت که این (مرکب) را رام و مس_خر ما ساخت (در اختیار ما قرار داد) در حالی که خود بر این کار توانا نبودیم»(1) (در این صورت) خود و چهارپایش از گزند محفوظ می ماند تا این که از آن پایین بیاید.

دعای پنجاه ودوم: دعای امام علیه السلام هنگام سوار شدن در خشکی و دریا

(از امام رضا علیه السلام نقل ش_ده که فرمودند:) اگر (در خشکی) بر پشت حیوانی سوار شدی بگو: سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که این (مرکب) را رام و مسخر ما ساخت (و در اختیار ما قرار داد) در حالی که ما نسبت به این کار توانا نبودیم و به راستی که ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم(2).

1- عبارت «الحمدُ ﷲ الَّذِی سَخَّرَ لنا هذا و ما کُنّا له مُقرِنین» با تغییر آغاز آن، در واقع آیه 13 سوره زخرف است.

2- متن عربی این عبارت با تغییر کلمه ای در آغاز آن، از آیات 13 و 14 سوره زخرف گرفته شده است.

وإن ركبت البحر، فإذا صرت فى السفينه فقل:

«بِسْمِ اللّه ِ مَجْريها وَمُرْسيها اِنَّ رَبّى لَغَفُورٌ رَحيمٌ»(59)

53_عند الركوب برّا وبحرا

عن علىّ بن أسباط قال: قلت لأبى الحسن الرضا عليه السلام : جُعلت فداک ما ترى آخذ؟ برّا أو بحرا؟ (إلى أن قال): اخرج برّاً، ولا عليک أن تأتى مسجد رسول اللّه، وتصلّى ركعتين فى غير وقت فريضه، ثمّ لتستخير اللّه مائه مرّه ومرّه ثمّ تنظر، فإن عزم اللّه لک على البحر فقل الّذى قال اللّه عزّوجلّ:

«وَقالَ ارْكَبُوا فيها بِسْمِ اللّه ِ مَجْريها وَمُرْسيها اِنَّ رَبّى لَغَفُورٌ رَحيمٌ»

54_عند هيجان الأمواج

فإذا هاجت عليک الأمواج فاتَّكِ على يسارک وأوم إلى الموجه بيمينک وقل: قَرِّى بِقَرارِ اللّه ِ، وَاسْكُنى بِسَكينَهِ اللّه ِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاّ بِاللّه ِ الْعَلِىِّ الْعَظيمِ.

55_دعاء آخر:

فإن اضطرب بک البحر(60) فاتَّكِ على جانبک الأيمن وقل:

و اگر در دریا سوار شدی، هنگامی که در کشتی قرار گرفتی بگو:

سیر و حرکت این کشتی و توقف و پهلوگرفتنش به نام خدا (و اراده او) است، به راستی که پروردگار (و صاحب اختیار) من قطعاً بسیار آمرزنده (و) بسیار مهربان است(1).

دعای پنجاه و سوم: دعای حضرت علیه السلام هنگام سوار شدن در خشکی و دریا

از علی بن اس_باط نقل ش_ده که: به امام ابی الحسن الرضا علیه السلام عرض کردم: قربانت گردم نظرتان (در مورد سفرم) چیست؟ آیا از راه خشکی بروم یا دریا؟ (حضرت مطالبی گفتند تا این که فرمودند): از راه خشکی برو، (و اگر می خواهی) اشکالی ندارد که به مسجد رسول خدا صل الله علیه و آل وسلم رفته و در زمانی غیر از وقت نماز واجب دو رکعت نماز بگزاری، سپس صد و یک بار از خداوند بخواهی که راه خیر را به تو نشان دهد، سپس ببینی (و توجه کنی) که اگر خداوند عزم حرکت در دریا را به دلت انداخت (و از راه دریا رفتی) پس همان را بگو که خداوند عزّ و جلّ (در داستان حضرت نوح علیه السلام و از زبان او) فرمود که:

و گفت س_وار بر آن (کش_تی) شوید (که) سیر و حرکت و توقف و پهلو گرفتنش به نام خدا (و به اراده او) است. براستی که پروردگار (و صاحب اختیار) من قطعاً بسیار آمرزنده (و) بسیار مهربان است(2)

دعای پنجاه و چهارم: دعای امام علیه السلام هنگام تلاطم امواج

(از امام رضا علیه السلام روایت ش_ده که فرمودند:) هرگاه (دریا متلاطم شد) و امواج آن بالا آمد برطرف چپت تکیه کن و با دست راستت به موج اشاره کرده و بگو: آرامشی از سوی خداوند آرام بگیر، و با تسکینی از جانب او فروکش کن، و هیچ توان و قدرتی جز به واسطه خداوند بلند مرتبه بسیار بزرگ وجود ندارد.

دعای پنجاه وپنجم: دعای دیگر در همین زمینه

(از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:) اگر دریا مضطرب و آشفته شد(3) بر طرف راستت تکیه کرده و بگو:

1- عبارت «بِسمِ اللّه مَجرَیها و مُرسَیهاّ إن رَّ بی لغَفُورٌ رَحِیم« بخشی از آیه 41 سوره مبارکه هود است
2- عبارت عربی اخیر در متن اصلی، در حقیقت آیه 41 سوره مبارکه هود است.
3- از امام رضا علیه السلام روایت ش__ده که فرمودند: و هنگامی که نوح علیه السلام بر س__فینه س__وار ش__د، خداوند عزّ و جلّ به ایش__ان وحی فرمود که: ای نوح، اگر از غرق ش__دن ترس__یدی هزار بار کلمه تهلیل (لا إله الا الله) را بر زبان جاری کن... ولی نوح نتوانست هزار بار این تهلیل را بگوید. لذا با زبان سریانی گفت: هیلولیاً الفًا یا ماریا، یا ماریا ایقن(هیلولیا هزار بار، ای ماریا، ای ماریا آرام گیر)

بِسْمِ اللّه ِ، اسْكُنْ بِسَكينَهِ اللّه ِ، وَقَرِّ بِوَقارِ اللّه ِ، وَاهْدَءْ بِاِذْنِ اللّه ِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاّ بِاللّه.

56_عند وداع بيت اللّه الحرام

عن إبراهيم بن أبى محمود قال: رأيت الرضا عليه السلام ودّع البيت، فلمّا أراد أن يخرج من باب المسجد خرّ ساجدا، ثمّ قام فاستقبل القبله (61) وقال:

اَللّهُمَّ اِنّى اَنْقَلِبُ عَلى اَنْ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ.

57_دعاء آخر:

عن موسى بن سلام قال: اعتمر أبو الحسن الرضا عليه السلام فلمّا ودّع البيت وصار إلى باب الحنّاطين . إلى أن قال: فلمّا صار عند الباب قال:

اَللّهُمَّ اِنّى خَرَجْتُ عَلى اَنْ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ.

6.أدعيته عليه السلام فيما يتعلّق بالزواج

58_عند الزواج فى الخطبه

اَلْحَمْدُللّه ِ الَّذى حَمِدَ فِى الْكِتابِ نَفْسَهُ، وَافْتَتَحَ بِالْحَمْدِ كِتابَهُ

به نام خدا، با آرامش_ی از جانب خداوند آرام ش_و، و به واس_طه وقار و آرامش خداوند فروکش کن، و به اذن و فرمان خدا آرام بگیر (و ساکت شو)، و هیچ توان و قدرتی جز به واسطه خداوند وجود ندارد.

دعای پنجاه وششم: دعای حضرت علیه السلام هنگام وداع با خانه خدا

از ابراهیم بن ابی محمود روایت شده که: امام رضا علیه السلام را دیدم که خانه خدا را وداع فرمودند، و هنگامی که خواستند از در مس_جد خارج شوند به سجده درافتادند، سپس برخاستند و رو به سوی قبله نموده(1) فرمودند: خداوندا همانا من باز می گردم بر (اساس) این (عقیده) که هیچ معبودی به جز تو وجود ندارد.

دعای پنجاه وهفتم: دعای دیگر در همین زمینه

از موسی بن سلام روایت شده که: امام ابوالحسن الرضا علیه السلام عمره به جا آوردند، و هنگامی که با خانه خدا وداع فرموده، به طرف باب الحناطین (یکی از درهای مسجدالحرام) حرکت کردند ... _ تا این که گفت: هنگامی که حضرت به در رسیدند فرمودند:

خداوندا همانا من (از این جا) خارج شدم بر اس_اس این (عقیده) که هیچ معبودی به جز تو وجود ندارد.

6- دعاهای حضرت علیه السلام در اموری که به ازدواج مربوط است

دعای پنجاه وهشتم: دعای امام علیه السلام هنگام خواندن خطبه عقد

ستایش و سپاس مخصوص خداوندی است که خودش را در کتاب آسمانی (قرآن) ستوده است و کتاب خویش را با حمد و ثنا آغاز کرده

1- در نسخه ای دیگر آمده است: «فاستقبل الکعبه» به معنای: «رو به سوی کعبه نمود»

وَجَعَلَهُ اَوَّلَ مَحَلِّ نِعْمَتِه، وَاخِرَ جَزاءِ اَهْلِ طاعَتِه، وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ خَيْرِ بَرِيَّتِه، وَعَلى اِله اَئِمَّهِ الرَّحْمَهِ وَمَعادِنِ الْحِكْمَهِ.

وَالْحَمْدُللّهِ الَّذى كانَ فِى نَبَأِهِ الصّادِقِ، وَكِتابِهِ النّاطِقِ اِنَّ مِنْ اَحَقِّ الْاَسْبابِ بِالصِّلَهِ وَاَوْلَى الْاُمُورِ بِالتَّقْدِمَهِ، سَبَبا اَوْجَبَ نَسَبا وَاَمْرا اَعْقَبَ حَسَبا، فَقالَ جَلَّ ثَناؤُهُ: «وَهُوَ الَّذى خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَرا فَجَعَلَهُ نَسَبا وَصِهْرا وَكانَ رَبُّکَ قَديرا»(62) وَقالَ جَلَّ ثَناؤُهُ: «وَاَنْكِحُوا الْاَيامى مِنْكُمْ وَالصّالِحينَ مِنْ عِبادِكُمْ وَاِمائِكُمْ اِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِه وَاللّهُ واسِعٌ عَليمٌ»)63)

وَلَوْ لَمْ تَكُنْ فِى الْمُناكَحَهِ وَالْمُصاهَرَهِ اِلّا مُحْكَمَهً مُنَزَّلَهً، وَلا سُنَّهً مُتَّبَعَهً،لَكانَ ما جَعَلَ اللّهُ فيها مِنْ بِرِّ الْقَريبِ، وَتَاَلُّفِ الْبَعيدِ ما رَغَبَ فيهِ الْعاقِلُ اللَّبيبُ، وَسارَعَ اِلَيْهِ الْمُوَفَّقُ الْمُصيبُ، فَاَوْلَى النّاسِ بِاللّه ِ مَن اتَّبَعَ اَمْرَهُ وَاَنْفَذَ حُكْمَهُ، وَاَمْضى قَضاءَهُ، وَرَجا جَزاءَهُ وَنَحْنُ نَسْاَلُ اللّهَ تَعالى اَنْ يَعْزِمَ لَنا وَلَكُمْ عَلى اَوْفَقِ الْاُمُورِ.

ثُمَّ اِنَّ «فُلانَ بْنَ فُلانٍ» مَنْ قَدْ عَرَفْتُمْ مُرُوءَتَهُ وَعَقْلَهُ وَصَلاحَهُ

و آن (حمد و ثنا) را اولین جایگاه نعمتش و آخرین پاداش اهل طاعتش گرداند، و درود و رحمت خداوند بر محمد بهترین مخلوقاتش و بر خاندان او باد که پیشوایان رحمت و معادن (و سرچشمه های) حکمت خدایند. و س_تایش و سپاس برای خداوند است که در خبر صادق و کتاب ناطقش آمد که به یقین یکی از س_زاوارترین ارتباطات و پیوندهایی که باید حرمتش پاس داشته شود، و از شایسته ترین کارهایی که باید جلو انداخته ش_ود، ارتباط و پیوندی اس_ت که باعث خویش_اوندی است، و کاری که جاه و منزلتی در پی می آورد، و (در این زمینه) خداوند _ که مدح و ستایشش عظیم باد_ فرموده است: ﴿وَ هُوَ الَّذِی خَلَقَ مِنَ الْماءِ بشَرًا فجَعَلَهُ نسَباً وَ صِهراً وَ کانَ رَبُّکَ قَدیراً﴾(1)، (و او کسی است که از آب (نطفه) بشری را آفرید پس او را دارای رابطه نسبی و سببی گرداند و همواره پروردگار تو (بر هر چیز) بسیار تواناست) و آن ذاتی که مدح و ستایشش عظیم باد فرمود: ﴿وَ أَنْکِحُوا الأَیامَی مِنْکُمْ وَ الصالِحِینَ مِنْ عِبادِکُمْ وَ إمائِکُمْ إنْ یَکُونوا فُقَراءَ یُغْنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضلِهِ وَ اللهُ واسِعٌ عَلیمٌ﴾ (2) (و مردان و زنان بی همسرتان و نیز شایستگان و درستکاران از بین غلامان و کنیزانتان را همسر دهید، اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز می سازد، و خداوند وسعت بخش (و نعمت گستر و) بسیار داناست)و (حتی) اگر درباره ازدواج و ارتباط سببی آیه محکم و نازل شده ای (از سوی خداوند) و یا سنت پیروی شده ای (از پیامبر اکرمصل الله علیه و آل وسلم) وجود نمی داشت (باز هم) قطعاً آن برکتی که خداوند در آن (ازدواج) قرار داده، از قبیل: احس_ان و نیکی به خویشاوندان و آشنایی و الفت با غریبه ها، نتیجه ارزشمندی بود که انسان عاقل و خردمند را به آن کار (ازدواج) متمایل می س_اخت، و شخص دارای توفیق و درستکار به سوی آن شتاب می کرد، چرا که نزدیک ترین فرد به خداوند کسی است که امر او را پیروی کرده و حکمش را اجرا نماید، و قضا و قدر خدا را تحقق بخش_د، و جزا و پاداش او را امید داش_ته باشد. و ما از خداوند تعالی می خواهیم که عزم و قصد ما و ش_ما را بر بهترین کارها استوار گرداند.

سپس (بدانید که) فلانی پسر فلانی کسی است که مردانگی و عقل و شایستگی

1- سوره فرقان/ آیه 54

2- سوره نور/ آیه 32

وَبِيَّتَهُ وَفَضْلَهُ، وَقَدْ اَحَبَّ شِرْكَتَكُمْ، وَخَطَبَ كَريمَتَكُمْ فُلانَهَ، وَبَذَلَ لَها مِنَ الصِّداقِ كَذا، فَشَفِّعُوا شافِعَكُمْ وَاَنْكِحُوا خاطِبَكُمْ، فى يُسْرٍ غَيْرَ عُسْرٍ، اَقُولُ قَوْلى هذا، وَاَسْتَغْفِرُ اللّهَ لى وَلَكُمْ.

59_دعاء آخر:

اَلْحَمْدُللّه ِ اِجْلالاً لِقُدْرَتِه، وَلا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ خُضُوعا لِعِزَّتِه، وَصَلَّى اللّه ُ عَلى مُحَمَّدٍ وَاِلِه عِنْدَ ذِكْره، اِنَّ اللَّهَ «خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَرا فَجَعَلَهُ نَسَبا وَصِهْرا وَكانَ رَبُّکَ قَديرا.»(64)

60_دعاء آخر:

اَلْحَمْدُللّه ِ مُتَمِّمِ النِّعَمِ بِرَحْمَتِه، وَالْهادى اِلى شُكْرِه بِمَنِّه، وَصَلَّى اللّه ُ عَلى مُحَمَّدٍ خَيْرِ خَلْقِهِ، الَّذى جَمَعَ فيهِ مِنَ الْفَضْلِ ما فَرَّقَهُ فِى الرُّسُلِ قَبْلَهُ، وَجَعَلَ تُراتَهُ اِلى مَنْ خَصَّهُ بِخِلافَتِه وَسَلَّمَ تَسْليما.

و نیت و فضیلتش را دانس ته اید (و ش_ناخت قبلی از او دارید) و او ش_ریک ش_دن (خویشاوندی) با خانواده ش_ما را دوست داش_ته، و دختر با کرامت شما فلان خانم را خواستگاری نموده و فلان مقدار را به عنوان مهریه به او بذل نموده (تعیین کرده) اس_ت. پس وساطت و میانجی گری واسطه خود را بپذیرید و دخترتان را با آسانی و بدون سختی به عقد خواستگارتان درآورید. این سخنم را می گویم (و در اینجا به پایان می رسانم) و برای خودم و شما از خداوند آمرزش می خواهم.

دعای پنجاه ونهم: دعای دیگر در همین زمینه

ستایش و سپاس مخصوص خداوند اس_ت به جهت بزرگداشت توان و قدرتش، و هیچ معبودی جز خداوند نیست به جهت خاضع شدن در برابر عزت و شکست ناپذیریش، و درود و رحمت خداوند بر محمد و خاندان پاکش باد هنگامی که یادش به میان می آید، به راستی که خداوند از آب (نطفه) بشری آفرید و او را دارای رابطه نسبی و سببی گرداند و همواره پروردگارت (بر همه چیز) بسیار تواناست(1).

دعای شصتم: دعای دیگر در همین زمینه

سپاس و ستایش مخصوص خداوند اس_ت، خداوندی که با رحمتش نعمت ها را کامل می کند و (انسان را) با فضل و احسانش به سپاس و شکرگزاری هدایت می فرماید، و درود و رحمت خداوند بر محمد باد که بهترین مخلوق اوست، (و) کسی که از فضایل و کمالات هر آن چه که در بین پیامبران پیش از او پراکنده ساخته بود را یکجا در وجود مبارکش جمع نمود، و میراث (فضل و کمال) او را به آن کس که به خلافتش اختصاص داد منتقل کرد، و سلام و درود خدا بر او باد.

1- عبارت «خَلَقَ مِنَ الْماءِ بشَـــراً فَجَعَلَهُ نسَـــباً وَ صِهْراً وَ کانَ رَبُّکَ قدِیراً» قس__متی از آیه 54 سوره مبارکه فرقان است.

«5»

أدعيته عليه السلام لنفسه، و للآخرين أو عليهم

أدعيته عليه السلام فيمن دعا لهم

61_لإخوته

اَللّهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنّی اُحِبُّ صَلاحَهُمْ، وَاَنّی بارٌّ بِهِمْ، واصِلٌ لَهُمْ، رَفیقٌ عَلَیْهِمْ، اَعِنّی(65) بِاُمُورِهِمْ لَیْلاً وَنَهارا، فَاَجْزِنی بِه خَیْرا، وَاِنْ کُنْتُ عَلی غَیْرِ ذلِکَ . فَاَنْتَ عَلاّمُ الْغُیُوبِ. فَاَجْزِنی بِه ما اَنَا اَهْلُهُ، اِنْ کانَ شَرّا فَشَرّا، وَاِنْ کانَ خَیْرا فَخَیْرا.

اَللّهُمَّ اَصْلِحْهُمْ، وَاَصْلِحْ لَهُمْ، وَاَحْسِئ عَنّا وَعَنْهُمْ شَرَّ الشَّیْطانِ وَاَعِنْهُمْ عَلی طاعَتِکَ، وَ وَفِّقْهُمْ لِرُشْدِکَ.

62_لولده المهدی علیه السلام

اَللّهُمَّ (صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَ)ادْفَعْ عَنْ وَلِیِّکَ وَخَلیفَتِکَ وَحُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ، وَلِسانِکَ الْمُعَبِّرِ عَنْکَ بِاِذْنِکَ،

بخش پنجم: دعاهای حضرت علیه السلام برای خودش و برای دیگران

اشاره

دعاهای حضرت علیه السلام در مورد کسانی که برایشان دعا فرموده است

دعای شصت ویکم: دعای حضرت علیه السلام برای برادرانش

خداوندا اگر می دانی که به راستی من صلاح و مصلحت آنان را دوست دارم (و می خواهم) و من نسبت به آنان نیکوکار و احسان کننده ام، (و) بر آنان مهربان هستم مرا نسبت به (انجام و مساعدت در) کارهای آنان یاری فرما(1)، و به واسطه آن (خدمت) به من پاداش خیر بده. و اگر (نسبت به آنان) در حالت و وضعیتی غیر آن هستم _ که تو نسبت به امور پنهان بسیار دانایی(2) _ پس جزای مرا آن چنان که شایسته آنم بده، (یعنی) اگر کارم شر و بد بود جزای شر، و اگر خیر و نیک بود جزای خیرعنایت کن.

بارخدایا آنان را اصلاح فرموده و کارشان را سر و سامان بده، و شر و بدی شیطان را از آنان دور کن، و آنان را بر طاعتت یاری فرما، و در راه هدایتت موفق بدار.

دعای شصت ودوم: دعای حضرت علیه السلام برای فرزندش حضرت مهدی علیه السلام

بارخدای_ا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست و از ولی و خلیفه ات و حجت بر بندگانت و زبان گویایت که به فرمان و اجازه ات از س_وی تو حقای_ق را بیان می کند،

1- در متن عربی دعا واژه «أعِّنی» آمده اس__ت، اما به نظر می رس__د وجود فاء جزاء قبل از آن ضروری است، زیرا این فعل انش__ائی در جواب ش__رط واقع شده است. امّا احتمال قوی تر آناست که این کلمه «اعتَنی» باشد، و در این صورت عبارت «فَاجْزِنی» جواب ش__رط و ترجمه به این ش__کل خواهد بود:«... و نسبت به کارهایشان اهتمام می ورزم و در این صورت ...» (مترجم)
2- عبارت «أنت علّام الغیوب» در متن دعا قسمتی از آیات 109 سوره مبارکه مائده است.

النّاطِقِ بِحِكْمَتِکَ وَعَيْنِکَ النّاظِرَهِ فی بَرِيَّتِکَ، وَالشّاهِدِ(66) عَلی عِبادِکَ، الْجَحْجاحِ الْمُجاهِدِ (الْمُجْتَهِدِ، عَبْدِکَ الْعائِذِ بِکَ)(67) (اَللّهُمَّ) وَاَعِذْهُ مِنْ شَرِّ (جَميعِ) ما خَلَقْتَ (وَذَرَأْتَ) وَبَرَأْتَ، وَاَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ.

وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِه، وَعَنْ يَمينِه وَعَنْ شمالِه، وَمِنْ فَوْقِه وَمِنْ تَحْتِه، بِحِفْظِکَ اَلَّذی لا يَضيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِه، وَاحْفَظْ فيهِ رَسُولَکَ (وَوَصِیَّ رَسُولِکَ) وَاباءَهُ، اَئِمَّتَکَ وَدَعائِمَ دينِکَ (صَلَواتُکَ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ) وَاجْعَلْهُ فی وَديعَتِکَ الَّتی لا تَضيعُ وَفی جِوارِکَ الَّذی لا يُخْفَرُ، وَفی مَنْعِکَ وَعِزِّکَ الَّذی لا يُقْهَرُ.

(اَللّهُمَّ) وَامِنْهُ بِاَمانِکَ الْوَثيقِ الَّذی لايُخْذَلُ مَنْ امَنْتَهُ بِه، وَاجْعَلْهُ فی کَنَفِکَ الَّذی لا يُضامُ(68) مَنْ کانَ فيهِ، وَانْصُرْهُ بِنَصْرِکَ الْعَزيزِ وَاَيِّدْهُ بِجُنْدِکَ الْغالِبِ، وَقَوِّه بِقُوَّتِکَ، وَاَرْدِفْهُ بِمَلائِکَتِکَ.

(اَللّهُمَّ) والِ مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَاَلْبِسْهُ دِرْعَکَ

(و) به حکمت تو سخن می راند و چشم بینایت در میان خلایقت، و شاهد و گواه(1)

بر بندگانت، سرور بزرگوار و مجاهد (و کوشا، و بنده پناه آورنده به تو)(2)

هر گونه بلا و گزندی را دفع فرما.

(خداون_دا) و او را از ش_ر (تمام) آن چه آفریدی (و خلق کردی) و پدید آوردی و ایجاد کردی و صورت بخشیدی در امان بدار،

و او را از پیش رو و از پشت سرش و از طرف راست و چپش و از بالای سر و پایین محافظت فرما، با حفاظتت که هر که را با آن حفظ نمودی ضایع و تباه نمی شود، و در وجود مبارک او (با حفاظت کردن از وجود مبارکش) پیامبرت (و وصی پیامبرت) و پدرانش را که پیشوایان تو و ستون های دین تو هستند _ درود و رحمت تو بر همه آنان باد_ حفظ بفرما، و او را در امان و زنهار خویش که ضایع و تباه نگردد قرار بده و در پناه خودت که (هرگز) نمی شکند (بگیر)

و در (س_ایه) حمایت و دفاعت و (پناه) عزت (و شکس_ت ناپذیری_ت) که (هرگز) مقهور نمی شود (و شکست نمی خورد) قرار بده.

(خداوندا) او را با امان و نگاهبانی مس_تحکمت که هرکه را به وس_یله آن در امان داشتی تنها نمانده (و مغلوب نمی شود) امنیت ببخش، و او را در کنف حمایت خود که هرکه در آن است (هرگز) مورد ستم واقع نشود(3) قرار بده،

و با یاری قدرتمند و مستحکمت یاری فرما، و با سپاه پیروزمندت تأیید و تقویت کن و با قدرتت او را نیرومند ساز، و فرشتگانت را پی درپی در رکاب او و همراهش گردان.

(بارخدایا) هرکه او را دوست می دارد دوست بدار و هرکه او را دشمن می دارد دشمن بدار، و زره مستحکم (و نفوذ ناپذیرت) را

1- در نس__خه ای دیگر به جای کلمه «الش__اهد» در متن دعا، کلمه «ش__اهدُکَ» آمده است که در این صورت به معنای «شاهد و گواه تو» خواهد بود.
2- در نس__خه ای دیگر متن عربی به این صورت آمده: «العائذ بکَ عندَک» که به معنای «پناه آوردنده به تو نزد خودت» می باشد.
3- درنسخه ای دیگر به جای کلمه «لایُضام» در متن دعا، واژه «لا یُرام» آمده است، به معنای «اراده نمی شود».

الْحَصينَهَ وَحُفَّهُ بِمَلائِكَتِکَ(69) حَفّا، اَللّهُمَّ وَبَلِّغْهُ اَفْضَلَ ما بَلَّغْتَ الْقائِمينَ بِقِسْطِکَ مِنْ اَتْباعِ النَّبِيّينَ.

اَللّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَاَمِتْ بِهِ الْجَورَ، وَاَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقائِهِ الاَرْضَ،

وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْهُ بِالرُّعْبِ (وَافْتَحْ لَهُ فَتْحا يَسيرا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْکَ عَلى عَدُوِّکَ وَعَدُوِّه سُلْطانا نَصيرا).

اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ الْقائِمَ الْمُنْتَظَرَ، وَالاْمامَ الَّذى بِهِ تَنْتَصِرُ، وَاَيِّدْهُ بِنَصْرٍ عَزيزٍ، وَفَتْحٍ قَريبٍ، وَوَرِّثْهُ مَشارِقَ الاْرْضِ وَمَغارِبَهَا اللاّتى بارَکْتَ فيها، وَاَحْيِ بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّکَ صَلَواتُکَ عَلَيْهِ وَاَلِه، حَتّى لا يَسْتَخْفِىَ بِشَىْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخافَةَ اَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَقَوِّ ناصِرَهُ(70)وَاخْذُلْ خاذِلَهُ(71) وَدَمْدِمْ عَلى مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمِّرْ عَلى مَنْ غَشَّهُ.

(اَللّهُمَّ) وَاقْتُلْ بِه جَبابِرَهَ الْكُفْرِ، وَعُمَدَهُ وَدَعائِمَهُ (وَالْقُوّامَ بِه) وَاقْصِمْ بِه رُؤُوسَ الضَّلالَهِ، وَشارِعَهَ الْبِدْعَهِ، وَمُميتَهَ السُّنَّهِ، وَمُقَوِّيَهَ الْباطِلِ، وَاَذْلِلْ بِهِ الْجَبّارِينَ، وَاَبِرْ بِهِ الْكافِرينَ (وَالْمُنافِقينَ) وَجَميعَ الْمُلْحِدينَ (حَيْثُ كانُوا وَاَيْنَ كانُوا) مِنْ مَشارِقِ

بر پیکرش بپوشان و وجود مبارکش را با فرشتگانت کاملا احاطه بفرما(1). خداوندا او را به برترین درجه و مرتبه ای که برپا کنندگان قسط و عدل از پیروان پیامبران را به آن رساندی برسان.

بارالها شکاف و تفرقه را به واسطه وجود مبارکش(برطرف ساخته و) به وحدت و جماعت تبدیل کن، و پراکندگی وجدایی را به واس_طه او پیوند بده، و ستم را به وسیله او بمیران (و نابود کن)، و عدل و داد را به وس_یله او آش_کار گردان، و با طولانی بودن بقای وجود مبارکش زمین را زینت بخش، و او را با یاری خود تأیید فرما، و با هراس انداختن (در دل دشمنانش) یاری کن (و فتحی آسان برایش مقدر فرما، و از پیشگاه خودت غلبه و قدرتی پیروزمندانه و یاری کننده بر دشمنانت و دشمنانش نصیبش گردان) (2) بارخدای_ا او را هم_ان برپا کنن_ده عدلی که جهانیان انتظار وجود مبارکش را می کش_ند بگردان، و آن امامی که به واسطه او برای برپایی دینت یاری می جویی (و غلبه می کنی)، و او را با نصرتی پیروزمندانه و فتح و گشایشی سریع و فوری تأیید و تقویت فرما، و او را وارث سرزمین های مشرق و مغرب زمین که به آن ها برکت دادی بگردان(3)، و آیین و سنت پیامبرت _ که درود و رحمت تو بر او و خاندان پاکش باد _ را به وسیله او احیا کن تا آنجا که به خاطر ترس از هیچ یک از آفریدگانت چیزی از حق را مخفی نسازد، و یاورش را تقویت فرموده، و تنها گذارنده و خوار کننده او را تنها و بی یاور بگذار(4)، و خشم و عذابت را بر کسی که با او به دشمنی برخیزد فرو بار، و هر کس را که قصد فریب او دارد هلاک کن.

(خداوندا) به واس_طه او زورگویان (جهان) کفر و ارکان و س_تون های آن (و کسانی را که باعث برپایی کفرند) را نابود فرما، و س_ران ضلالت و گمراهی و بدعت گذاران (در دین) و از بین برندگان آیین و س_نت (پیامبر و اهل بیتش (صلوات ا علیهم اجمعین) و تقویت کنندگان باطل را به وسیله او درهم شکن، و جباران و زورگویان را خوار و ذلیل گردان، و به واسطه او کافران (و منافقان) و همه ملحدان را نابود فرما (به هر کیفیت و در هر کجا که

1- در نسخه دیگر در متن اصلی به جای «بملاِئِکَتک» واژه «بالملائکَه» آمده است به معنای «با فرشتگان»

2- عبارت «واجعل له من لدُنک علی عَدُوّک و عَدُوِّه س__لطاناً نصیراً» در متن اصلی دعا، یادآور عبارت قرآنی﴿وَ اجْعَلْ لِی مِنْ لدُنکَ سُلْطاناً نصِیراً﴾ (آیه 80 سوره اسراء) است.
3- عبارت «و وَرَّثه مَشارِقَ الاَرضِ و مَغاربها اللّاتی بارکتَ فیها» اشاره دارد به آیه 137 سوره مبارکه أعراف: ﴿وَ أَوْرَثْنَا القَوْمَ الَّ ذِینَ کانُوا یسْتضْعَفُونَ مَشارِقَ الأَرْضِ وَ مَغارِبهَا الَّتِی بارَکْنا فیها﴾
4- در نسخه دیگری به جای واژهه ای «ناصِرَه» و «خاذِله» کلمات«ناصِرِیه» و «خاذِلیه»آمده است که فقط به لحاظ جمع بودن با کلمات قبلی متفاوتند.

الاْرْضِ وَمَغارِبِها وَبَرِّها وَبَحْرِها وَسَهْلِها وَجَبَلِها، حَتّى لاتَدَعَ مِنْهُمْ دَيّارا وَلا تُبْقِيَ لَهُمْ اثارا، اَللّهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَکَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبادَکَ وَاَعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنينَ، وَاَحْيِ بِه سُنَنَ الْمُرْسَلينَ، وَدارِسَ حِکَمِ النَّبِيّينَ، وَجَدِّدْ بِه ما مُحِيَ(72) مِنْ دينِکَ، وَبُدِّلَ مِنْ حُکْمِکَ، حَتّى تُعيدَ دينَکَ بِه وَعَلى يَدَيْهِ غَضّا جَديدا صَحيحا مَحْضا، لا عِوَجَ فيهِ، وَلا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتّى تُنيرَ بِعَدْلِه ظُلَمَ الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِه نيرانَ الْکُفْرِ وَتُظْهِرَ(73) بِه مَعاقِدَ الْحَقِّ، وَمَجْهُولَ الْعَدْلِ (وَتُوضِحَ بِه مُشْکِلاتِ الْحُکَمِ)

(اَللّهُمَّ) فَاِنَّهُ عَبْدُکَ الَّذِى اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِکَ، وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِکَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلى عِبادِکَ، وَائْتَمَنْتَهُ عَلى غَيْبِکَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ (وَصَرَّفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ) وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ(74).

اَللّهُمَّ فَاِنّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيامَهِ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطّامَّهِ، اَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبا وَلَمْ يَاْتِ(75) حَوْبا، وَلَمْ يَرْتَکِبْ (لَکَ) مَعْصِيَةً، وَلَمْ

باشند) چه در سرزمین های مشرق زمین و چه در سرزمین های مغرب آن و چه در دریا و چه در خشکی و چه در دشت ها و یا کوه هایش باشند، تا این که هیچ یک از آنان را زنده، و هیچ آثاری از آنان به جا نگذاری.

خداون_دا و (همچنین) س_رزمین های خود را از (لوث) وجودش_ان پاک ک_ن، و (قلب) بندگانت را نسبت به آنان (با نابودی آنان) شفا بده (و مرهم بنه)، و به واس_طه وجود مبارک حضرتش مؤمنان را عزت بخش، و آیین ها و س_نت های پیامبران و حکمت های رو به زوال آنان را زنده گردان، و آنچه از دینت محو و زایل ش_ده(1)

و آنچه از احکامت دگرگون شده را به وسیله حضرتش تجدید حیات و تازه کن، تا این که به یمن وجودش و با دستان مبارکش دینت را به شکلی شاداب و نو و درست (و کامل) و خالص بازگردانی، به گونه ای که هیچ کجی و ناراستی در آن، و یا بدعتی همراه آن نباشد، تا این که با عدلش تاریکی های جور و ستم را روشن نموده (و برطرف س_ازی) و آتش (فتنه)های کفر را به وسیله او خاموش نمایی، و پیچیدگی ها و گره های حق و عدل پنهان که ناشناس مانده را به یمن وجودش ظاهر س_ازی(2) (و سختی ها و مشکلات حکومت و فرمانروایی را به وسیله اش واضح گردانی).

(بارخدایا) به راستی که او بنده (حقیقی) توست که او را به طور خالص به خودت مختص گردان_دی، و او را از بین آفریدگانت برگزیدی، و بر بندگانت (برتری دادی و) برگزیدی، واو را بر (خزانه) غیبت امین گرداندی (و دانستی)، و از گناهان مصون و محفوظ داشتی، و او را از نقایص و عیوب مبرّا نمودی، و از آلودگی و پلیدی پاک کردی (و از ناپاکی و نجاست دور داشتی) و از شک و تردید سالم گرداندی(3)

بارخدایا قطعا ما در روز قیامت و روز واقع شدن حادثه بزرگ و فراگیر به نفع او شهادت خواهیم داد که او هیچ گناهی نکرد و هیچ جرمی از او سر نزد(4)، و هیچ معصیت و مخالفتی (نسبت به اوامر و نواهی تو) مرتکب نشد،

1- در نسخه ای دیگر به جای «ما مُحِیَ» عبارت «ما امتَحَی» آمده که تفاوت چندانی از لحاظ معنی ندارد.
2- درنسخه ای دیگر به جای فعل «تُظهِرُ» فعل «تُوضِحُ» آمده است به معنای «واضح گردانی»
3- در نسخه ای دیگر به جای کلمه « الرَّیب» در متن اصلی دعا از واژه « الدَّنَس» استفاده شده، به معنای «پلیدی».
4- در متن عربی دعا در نس__خه ای دیگر به جای «ولَم یَأتِ» از «و لا أتَی» اس__تفاده ش__ده که تفاوتی با معنای عبارت قبلی ندارد.

يُضَيِّعْ لَکَ طاعَةً وَلَمْ يَهْتِکْ لَکَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَکَ فَريضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَکَ شَريعَةً وَاَنَّهُ الاْمامُ الْهادِى الْمَهْدِىُّ(76) الطّاهِرُ الْوَفِىُّ(77) الرَّضِىُّ الزَّکِىُّ.

اَللّهُمَّ (فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلى ابائِه، وَ)اَعْطِه فى نَفْسِه، وَوَلَدِه وَاَهْلِه وَذُرِّيَّتِه وَاُمَّتِه وَجَميعِ رَعِيَّتِه، ما تُفِرُّ بِه عَيْنَهُ، وَتَسُرُّ بِه نَفْسَهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْکَ الْمُمْلَکاتِ کُلِّها، قَريبِها وَبَعيدِها، وَعَزيزِها، وَذَليلِها حَتّى تُجْرِىَ حُکْمَهُ عَلى کُلِّ حُکْمٍ، وَتَغْلِبَ بِحَقِّه (عَلى) کُلِّ باطِلٍ.

اَللّهُمَّ (وَ) اسْلُکْ بِنا عَلى يَدَيْهِ مِنْهاجَ الْهُدى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمى وَالطَّريقَةَ الْوُسْطى، الَّتى يَرْجِعُ اِلَيْهَا الْغالى، وَيَلْحَقُ بِهَا التّالى. اَللّهُمَّ وَقَوِّنا عَلى طاعَتِه، وَثَبِّتْنا عَلى مُشايَعَتِه، وَامْنُنْ عَلَيْنا بِمُتابَعَتِه وَاجْعَلْنا فى حِزْبِهِ، الْقَوّامِينَ بِاَمْرِهِ، الصّابِرينَ مَعَهُ، الطّالِبينَ رِضاکَ بِمُناصَحَتِه، حَتّى تَحْشُرَنا يَوْمَ الْقِيامَهِ فى اَنْصارِه وَاَعْوانِه وَمُقَوِّيَهِ سُلْطانِه.

اَللّهُمَّ (صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ) وَاجْعَلْ ذلِکَ (کُلَّهُ لَنا مِنّا لَکَ)(78) خالِصا مِنْ کُلِّ شَکٍّ وَشُبْهَهٍ وَرِياءٍ وَسُمْعَهٍ، حَتّى لا نَعْتَمِدَ بِه غَيْرَکَ،

و هیچ مورد طاعت و فرمان برداری نسبت به ذات مقدست را ضایع نکرده و تباه نساخت، و هیچ حریمی را نس_بت تو هتک نکرده و بی توجهی ننموده و هیچ واجبی (از واجباتت) را دگرگون نکرد.و هیچ موردی از شریعت و احکام تو را تغییر نداد. و (شهادت می دهیم) که به راستی او امام و رهبر هدایت گر، هدایت شده(1)، پاک، وفا کننده (به عهد)(2) پسندیده و پاک سرشت است.

خداون_دا (پ_س بر او و بر پدران بزرگوارش درود و رحمت فرس_ت، و) در باره خودش، وفرزندانش، و خانواده اش، و نسلش، و امت و تمام رعیتش چیزی (و خیر و برکتی) عطا فرما که به وسیله آن چشمش را روش_ن نمایی و جان (و باطن شریفش) او را به آن شاد و مس_رور س_ازی، و فرمانروایی تمام ممالک، چه نزدیک وچه دور، و چه عزیز و قوی و چه ضعیف و ذلیل را تحت سیطره او گرد آوری، تا اینکه حکم و دستورش را بر هر حکم دستوری غالب و نافذ گردانی، و به واسطه سخن (و برهان) حقش (بر) هر باطلی غلبه کنی.(3)خداوندا (و) با دستان مبارکش ما را در راه روش_ن هدایت و شاهراه بزرگتر سعادت و راه روشن معتدل تر حرکت بده، راه و روشی که هر انسان غلوکننده و افراطی (در نهایت) به سوی آن باز می شود، و هر فرد عقب مانده (و کوتاهی کننده) ای (نهایتاً) به آن می پیوندد.

بارخدای_ا و (همچنین) ما را بر اطاع_ت و فرمانبرداری او نیرومند گردان، و بر پیروی او ثاب_ت قدم و اس_توار فرما، و تبعیت از حضرتش را به ما تفضل کن، و ما را در حزب و جماعت یاران او که دستور او را به اجرا گذاشته و به همراه حضرتش استقامت ورزیده و با خیرخواهی (و یاری) نس_بت به او (و حکومتش) خش_نودی تو را می طلبند قرار بده، ت_ا اینکه در روز قیامت ما را در زمره یاران و مددکنندگان و تقویت کنندگان سلطه و حکومتش محشور گردانی.

بارخدایا (بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست) و تمام (این موارد (و کارها) را به نفع ما و از جانب ما و فقط برای تو(4)) قرار بده به گونه ای که از هر ش_ک و ش_بهه و ریا و سمعه ای به دور باشد، تا اینکه به واسطه این کار بر غیر تو تکیه و اعتماد نکنیم

1- در نسخه دیگر به جای «المهدِیّ» از واژه «المهتدِی» استفاده شده که به همان معناست.
2- در نس__خه ای دیگ__ر به جای واژه «ال__وفِیّ» در متن اصلی، از دو واژه «التقِیّ النقِیّ» اس__تفاده ش__ده به معنای «تقواپیشه و پاکیزه»
3- در مت__ن عرب__ی این عبارت آوردن «علی» به فصاحت کلام لطمه می زند، زی__را فعل «تغلب» در زبان عربی متعدی بنفسه است و نیازی به «علی» ندارد.(مترجم)
4- در روایت دوم در متن اصلی دعا به جای عبارت «منّا لک» عبارت «منّا لنا» آمده اس__ت، به معنای «از جانب ما برای ما».

وَلا نَطْلُبَ بِه اِلاّ وَجْهَکَ، وَحَتّی تُحِلَّنا مَحِلَّهُ، وَتَجْعَلَنا فِی الْجَنَّهِ مَعَهُ (وَلا تَبْتَلِنا فی اَمْرِه بِالسَّأمَهِ)(79) وَالْکَسَلِ وَالْفَتْرَهِ (وَالْفَشَلِ)، وَاجْعَلْنا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِه لِدینِکَ، وَتُعِزُّ بِه نَصْرَ وَلِیِّکَ، وَلا تَسْتَبْدِلْ بِنا غَیْرَنا، فَاِنَّ اسْتِبْدالَکَ بِنا غَیْرَنا عَلَیْکَ یَسیرٌ، وَهُوَ عَلَیْنا عَسیرٌ(80) (اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ).

اَللّهُمَّ (وَ) صَلِّ عَلی وُلاهِ عَهْدِه(81) وَبَلِّغْهُمْ امالَهُمْ، وَزِدْ فی اجالِهِمْ، وَانْصُرْهُمْ(82) وَتَمِّمْ لَهُمْ ما اَسْنَدْتَ اِلَیْهِمْ مِنْ (اَمْرِ دینِکَ)(83) وَاجْعَلْنا لَهُمْ اَعْواناً وَعَلی دینِکَ اَنْصاراً (وَصَلِّ عَلی ابائِهِ الطّاهِرینَ الاْئِمَّهِ الرّاشِدینَ، اَللّهُمَّ) فَاِنَّهُمْ مَعادِنُ کَلِماتِکَ (وَخُزّانُ عِلْمِکَ)(84) وَوُلاهُ اَمْرِکَ، وَخالِصَتُکَ مِنْ عِبادِکَ، وَ(خِیَرَتُکَ)(85) مِنْ خَلْقِکَ، وَاَوْلِیاؤُکَ وَسَلائِلُ اَوْلِیائِکَ، (وَصَفْوَتُکَ وَاَوْلادُ اَصْفِیائِکَ، صَلَواتُکَ وَرَحْمَتُکَ وَبَرَکاتُکَ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ)(86).

اَللّهُمَّ وَشُرَکاؤُهُ فی اَمْرِه، وَمُعاوِنُوهُ عَلی طاعَتِکَ، الَّذینَ جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَسِلاحَهُ، وَمَفْزَعَهُ وَاُنْسَهُ، الَّذینَ سَلَوْا عَنِ الاْهْلِ

و به س_بب این کار جز ذات (و رضایت) تو را نطلبیم، و ما را در جایگاه (رفیع) او جای دهی و در بهشت ما را همراهش سازی (و در مورد فرمان او ما را به دلتنگی)(1)

و تنبلی و سستی (و ضعف) دچار نکن، و ما را در زمره کسانی قرار ده که به وسیله آنان دینت را یاری می کنی و یاری ولیّت را به وسیله آنان تقویت می فرمایی، و فرد دیگری را جایگزین ما نکن زیرا قطعاً جایگزین کردن فرد دیگری به جای ما توسط تو بر تو آسان است ولی این کار بر ما سخت (و ناگوار) است.(2) (به راستی که تو بر هر چیزی بسیار توانایی)

خداوندا (و) بر والیان و فرماندارانش درود و رحمت فرست(3) و آنان را به آمال و آرزوهایشان برسان، و مدت عمرشان را افزایش ده، و آنان را یاری فرما(4)، و آن چه را که از (امور دینت)(5) به آنان واگذار نموده (و به عهده آنان گذاشته ای) تکمیل کن، و ما را مدد کنندگان آنان و یاوارن دینت بگردان (و بر پدران پاک و مطهرش که پیش_وایان هدایت یافته وهدایت گر درود و رحمت فرس_ت، بارالها) به یقین آنان معادن و سرچش_مه های آیات و کلمات تو (و نگاهبانان علمت)(6)

و عهده داران امر (ولایت) تو و خالص ش_دگان از میان بندگانت و بهترین ها(7)

از میان آفریدگانت و اولیاء و دوستان تو و فرزندان و ذریه اولیائت، (و برگزیدگان تو و فرزندان برگزیدگانت هستند که درود و صلوات و رحمت و برکاتت بر همگی آنان باد)(8)

بارخدایا و (هم چنین یاران او) که در امر (قیام) او شریکند و یاری کنندگان او بر طاعتت هس_تند، (آن) کسانی که آنان را دژ (مس_تحکم) او و سلاح (برنده)اش و پناهگاه و (مایه) انس_ش گرداندی، (همان) کسانی که (به خاطر یاری او) از اهل و فرزندان (خود) بریدند،

1- در روایت دوم به جای عبارت «و لا تبتلینا فی أمرِه بالسنّ__امه» از عبارت «و أعِذنا منَ السنّ__امهِ» استفاده شده به معنای: «و ما را از دلتنگی مصون بدار»

2- در نس__خه ای دیگر به جای «و هُوَ عَلَینا عَسِ__یر» در متن اصلی دعا، گفته شده: «و هو علینا کثیر»به معنای: «ولی این کار بر ما زیاد است»
3- در روایت دوم این دعا پس از «وُلاه عَهدِه» عبارت«و الأئمه من بعده» آمده است، به معنای: «و پیشوایان بعد از او»
4- در روایت دوم پس از «وَانصُرهُم» عبارت «و أعِزَّ نَصرَهُم» آمده است، به معنای: «و یاری آنان را تقویت فرما».
5- ب__ه ج__ای «أمرِ دینک» در روایت دوم عبارت «أمرِک لَهم و ثَّبت دَعائمهم» آمده اس__ت، به معنای: «امر تو به ایشان، و تکیه گاههای ایشان را استوار و ثابت فرما».
6- در روایت دوم پس از «و خُزّانُ عِلمِک» عبارت «و أرکانُ توحیدِک و دَعائِمُ دینک» آمده است، به معنای: «و پایه های توحیدت و ستون های دینت».
7- در نسخه ای دیگر به جای «خِیَرَتُک» واژه «صَفوَتُک» آمده است، به معنای «برگزیدگانت».
8- در روایت دوم به جای «وَ صَفوَتُکَ و أولادُ أصفِیائک... أجمعین» این گونه آمده است: «وَ صَفوَهُ أولادِ رُسُلِک،و ّ السلام عَلَیهِم و رَحمَهُ ا و برَکاتُه» و با این عبارت روایت دوم از این دعا به پایان رسیده است.

وَالاَوْلادِ وَتَجافُوا الْوَطَنَ، وَعَطَّلُوا الْوَتيرَ مِنَ الْمِهادِ، قَدْ رَفَضُوا تِجاراتِهِمْ، وَاَضَرُّوا بِمَعايِشِهِمْ، وَفُقِدوُا فى اَنْدِيَتِهِمْ، بِغَيْرِ غَيْبَهٍ عَنْ مِصْرِهِمْ، وَحالَفُوا الْبَعيدَ مِمَّنْ عاضَدَهُمْ عَلى اَمْرِهِمْ، وَخالَفُوا الْقَريبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وِجْهَتِهِمْ، وَائْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدابُرِ وَالتَّقاطُعِ فى دَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الاَسْبابَ الْمُتَّصِلَهَ بِعاجِلِ حُطامٍ مِنَ الدُّنْيا، فَاَجْعَلْهُمْ اللّهُمَّ فى حِرْزِكَ، وَفى ظِلِّ كَنَفِكَ، وَرُدَّ عَنْهُمْ بَاْسَ مَنْ قَصَدَ اِلَيْهِمْ بِالْعَداوَهِ مِنْ خَلْقِكَ، وَاَجْزِلْ لَهُمْ، مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ كِفايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ لَهُمْ، وَتَأييدِكَ وَنَصْرِكَ اِيّاهُمْ. ما تُعينُهُمْ بِه عَلى طاعَتِكَ وَاَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ باطِلَ مَنْ اَرادَ اِطْفاءَ نُورِكَ.

وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَاِلِه، وَامْلاَءْ بِهِمْ كُلَّ اُفُقٍ مِنَ الاْفاقِ، وَقُطْرٍ مِنَ الاْقْطارِ، قِسْطا وَعَدْلاً وَرَحْمَهً وَفَضْلاً، وَاَشْكُرْ لَهُمْ عَلى حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ، وَما مَنَنْتَ بِه عَلَى الْقائِمينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبادِكَ وَاذْخُرْ لَهُمْ. مِنْ ثَوابِكَ. ماتَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجاتِ، اِنَّكَ تَفْعَلُ ماتَشاءُ وَتَحْكُمُ ما تُريدُ، امينَ رَبَّ الْعالَمينَ.

و از وطن (و دیار خود) کنده شدند، و بسترهای (گرم) و نرم را ترک گفتند (و) داد و ستدهایشان را کنار گذاشتند، و به معیشت دنیویشان زیان رساندند، و بدون این که از شهرشان غایب گردند (دیگر) در محافل و انجمن هایشان دیده نشدند، و با اشخاص غریبه که آنان را در کار (قیام)شان کمک می کردند هم پیمان شده و با نزدیکانی که آنان را از قصد و همتشان باز می داشتند به مخالفت برخاس_تند، و پس از (مدت ها) پشت کردن و جدایی در روزگارشان گرد هم آمدند، و پیوندهایی که آنان را با نعمت های زوال پذیر و زودگذر دنیا مربوط میساخت را قطع کردند، خداوندا آنان را در حفظ و امان خویش و در سایه حمایتت قرار بده، و شر و گرفتاری هر فردی از خلقت که قصد دشمنی با آنان دارد را از آنان برطرف کن، و به واسطه دعا و نیایش به درگاهت، کفایت و یاریت و تقویت و تأیید و نصرتت را نسبت به آنان افزایش ده، آن چنان یاری که به وسیله اش آنان را بر طاعت و فرمان برداریت یاری نمایی.

و به حق (و به پاس حرمت) آنان (اندیشه و نقشه) باطل هرکس که اراده خاموش کردن نور (هدایت) تو را دارد نابود گردان، و بر محمد و خاندان پاکش درود و رحمت فرست، و به واسطه وجود مبارکشان تمام آفاق و اکناف و بلاد و سرزمین ها را از قسط و عدل و رحمت و فضل (خویش) لبریز کن، وبر حسب (و به اندازه) بزرگواری و جود و بخششت و به همان گونه (و همان اندازه) که بر بندگان برپا کننده قسط و عدل احسان و تفضل می کنی (خدمت) آنان را سپاس گزاری (و قدردانی) کن، و (به اندازه ای) از ثواب و پاداش خویش برایشان ذخیره فرما که به واسطه آن درجات و مراتبشان را بالا ببری، (زیرا) مسلماً تو هر چه را بخواهی انجام می دهی و به هرچه اراده کنی حکم می فرمایی، (این دعاها را) استجابت فرما ای پروردگار (و صاحب اختیار) جهان ها و جهانیان.

63_لولده المهدی علیه السلام فی قنوت صلاه الجمعه

اَللّهُمَّ اَصْلِحْ عَبْدَکَ وَخَلیفَتَکَ، بِما اَصْلَحْتَ بِه اَنْبِیاءَکَ وَرُسُلَکَ وَحُفَّهُ بِمَلائِکَتِکَ، وَاَیِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِکَ، وَاسْلُکْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِه رَصَدا، یَحْفَظُونَهُ مِنْ کُلِّ سُوءٍ وَاَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ اَمْنا، یَعْبُدُکَ لایُشْرِکُ بِکَ شَیْئا، وَلا تَجْعَلْ لِاَحَدٍ خَلْقِکَ عَلی وَلِیِّکَ سُلْطانا، وَأْذَنْ لَهُ قی جِهادِ عَدُوِّکَ وَعَدُوِّه وَاجْعَلْنی مِنْ اَنْصارِه، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.

64_لهدایه رجل إلی مذهب الحقّ

اَللّهُمَّ خُذْ بِسَمْعِه وَبَصَرِه وَمَجامِعِ قَلْبِه حَتّی تَرُدَّهُ اِلَی الْحَقِّ.

65_لجبل سناباذ، الّذی تُنْحَتُ منه القدور

اَللّهُمَّ انْفَعْ بِه، وَبارِکْ فیما یُجْعَلُ فیهِ، وَفیما یُنْحَتُ مِنْهُ.

دعای شصت وسوم: دعای حضرت علیه السلام در قنوت نماز جمعه برای فرزندش حضرت مهدی علیه السلام

بارخدایا (امر فرج) بنده و خلیفه ات (در زمین) را سر و سامان بده به وسیله همان چیزی (و اراده ای) که (کار) انبیاء و پیامبرانت را سر و سامان دادی، و او را با فرشتگان (محافظ) خودت احاطه کن، و او را با روح القدس (گسیل شده) از جانب خودت تأیید فرما، و از پیش رو و پشت سرش برای او مراقبانی روانه کن(1) تا او را از هر بدی و شری محافظت نمایند، و پس از (دوران) بیم و ترسش آرامش و امنیت را برایش جایگزین گردان، تا تنها تو را بپرستد و بندگی کند و چیزی را شریک تو نگرداند(2)، و برای هیچ یک از آفریدگانت سلطه و قدرتی بر ولیت قرار نده، و به او اجازه جهاد و مبارزه با دشمن تو و خودش را عطا فرما، و مرا از یارانش قرار ده، به راستی که تو بر هر چیزی بسیار توانایی.

دعای شصت وچهارم: دعای حضرت علیه السلام برای هدایت مردی به دین حق

خداوندا گوش و چشم و باطن دل او را (در اختیار خود) بگیر تا اینکه او را به سوی (راه) حق بازگردانی.

دعای شصت وپنجم: دعای امام علیه السلام برای کوه سناباد (طوس) که از سنگ های آن دیگ می تراشند

خداوندا با این کوه (به مردم) سود برسان، و به آن (غذایی) که در (سنگ های) آن قرار داده می شود و در چیزی که از (سنگ های) آن تراشیده می شود برکت ده.

1- عبارت «واس__لُکهُ من بین یَدَیه و من خَلفِهِ رَصَداً» با کمی تفاوت از س__وره مبارکه جن آیه 27 اقتباس ش__ده است.
2- در متن دعا عبارت «و أبدِله من بعدِ خَوفهِ أمناً یَعبُدُکَ لا یُشرِکُ بکَ شیئاً» به آیه 55 سوره مبارکه نور اشاره دارد.

پی نوشت:

1) واهیه، خ.

2) «خلقک» خ.

3) تق__دّم فی الصحیف__ه الس__جادیّه: 125 دعاء 62 بروایته عنه علیه السلام.

4) تقدّم فی الصحیفه الصادقیه وفی دعاء آخر: اللّهمّ إنّ خیرتک فیما استخیرک فیه تنیل الرغائب... رواه الکفعمی: ص 518 عن الرضا علیه السلام والصحیح هو عن ابنه الجواد علیه السلام، راجع الصحیفه الجوادیّه:

د4.

5) بطیء.

6): ضارّ.

7) مستقرّهم، خ.

8)1_ الزمر: 53

9) الحجر: 56

10) غافر: 60

11) الاسراء: 71.

12) أی: یاذا الأسماء الّتی أدعوک بها، أسألک الفرجَ.

13) الاخلاص: 4 _ 1.

14) «الضرّ» لمستدرک.

15) «عن رحمه من»، خ.

16) «ومذلّ کلّ عزیز»، خ.

17): أصابک،وفی (خ): حزنک.

18): نصف النهار وعند زوال الشمس.

19): اکسر.

20) الصافات: 177.

21) خواطف (خ ل).

22) فی الجنّه: لعَظَمَتِه وَجَلاِله.

23) خوفه.

24) «منه» المهج.

25) «فسد عنّی أبصار الظالمین» الجنّه والبلد.

26) «سلطان الفراعنه»عیون أخبار الرضا.

27) قبس من سوره مریم: 18. والآیه هکذا:« قاَلتْ انّی اعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْکَ....».

28) سوره المؤمنون: 108.

29) البقره: 255.« اللّٰه لا الهَ اَّ لا هُوَ الْحَیُّ ْالقَیُّومُ...».

30) تقدّم فی الصحیفه العلویّه الجامعه: 288 الدعاء: .179

31) إشاره إلی قوله تعالی فی سوره الرعد: 39.

32) «وهم یضرّون» ب.

33): کوکب صغیر خفیّ الضوء.

34) الانعام: 59 .

35) الشرح: 5 و6.

36) البقره: 185 و186.

37) الكهف: 16.

ص: 160

38) قبس من سوره الكهف الآیه: 10.

39) النحل: 9.

40) عبس: 20.

41) الأنبیاء: 30.

42) مریم: 34 _ 22.

43) النحل: 79 78.

44) آل عمران: 8 و9.

45) تقدّم: ص03 الدعاء: 24 (نحوه).

46) «لئْـــسَ لوَقْعَتِها کاذِبهٌ * خافِضَـــهٌ رافِعَهٌ * اذا رُجّ تِ الْاَرْضُ رَجّاً * وُبُسَّـــتِ الْجِبالُ بسّاً«_ الواقعه:

6 _ 1.

47) طه: 107 _ 105.

48) «نصرک» فی المکارم.

49) عن الرضا عن آبائه: قال: کان رسول ا صل الله علیه و آل وسلم اذا رأی اله__لال قال: ایُّها الخلَقُ المطیعُ الدّاِئِبُ السَّـــریعُ، المتَصَرِّفُ فی مَلَکُوتِ الجَبَروُتِ بالتّقدیرِ.

50) تقدم فی الصحیفه النبویّه.

51) تقدّم فی الصحیفه الصادقیّه.

52) تقدّم فی الصحیفه العلویّه: 510 الدعاء: 347.

53) تقدّم فی الصحیفه الصادقیّه.

54): ّالذی لا بدء له، وهو القائم بذاته.

55) تقدّم فی الصحیفه السجادیّه: 568 الدعاء: 251.

56) الزخرف 13 و41.

57) تقدّم فی الصحیفه الکاظمیه.

58) الزخرف: 13 و41.

59) هود: 41.

60) عن الرضا علیه السلام قال: وإنّ نوحاً لما رکب السفینه أوحی ا عزّوجلّ إلیه یا نوح إن خفت الغرق فهلّلنی ألفاً... فلم یدرک أن یهلّل ألف مرّه فقال بالس__ریانیه:

هیلولیاً الفا یا ماریا، یا ماریا ایقن.

61) «الکعبه» خ.

62) الفرقان: 54.

63) النور: 32.

64) الفرقان: 54.

65) أی أعتنی وأهتمّ بأُمورهم.

66) شاهدک.

67) العائذ بک عندک، خ .

68) لا یرام (خ ل).

69) بالملائکه. خ

70) ناصریه خ.

71) خاذلیه خ.

72) ما امتحی، خ.

73) توضِحَ، خ.

74) الدنس، خ.

75) ولا اتى، خ.

76) ٱلْمُهْتَدى، خ.

77) التَقىُّ، النقىّ. خ

78) فى الروايه الثانيه: لنا.

79) فى الروايه الثانيه: وأعذنا من السأمه.

80) فى الروايه الأُولى: كَثيرٌ.

81) هنا زياده فى الروايه الثانيه: والأئمّه من بعده.

82) فى الروايه الثانيه: وُاعزّ نصرهم.

83) بدل ما بين القوسين فى الروايه الثانيه: أمرک لهم، وثبّت دعائمهم.

84) فى الروايه الثانيه: وأركان توحيدک، ودعائم دينک.

85) صَفْوَتُکَ، خ.

86) فى الروايه الثانيه: وصفوه أولاد رسلک، والسلام عليه__م ورحم__ه ا وبركات__ه. إلى هنا تمّ__ت الروايه الثانيه.

87) تقدّم فى الصحيفه النبويه.

ملحقات

أدعيه الإمام علىّ بن موسى الرضا عليه السلام

من كتاب «فقه الرّضا عليه السلام»

1_فى تحميد اللّه على نعمه، وطلب الصبر على مصائبه

وإذا أُصبت بمال فقل: اَللّهُمَّ اِنّى عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ اَمَتِکَ، وَفى قَبْضَتِکَ ناصِيَتى بِيَدِکَ، تَحْكُمُ فيما تَشاءُ، وَتَفْعَلُ ما تُريدُ، اَللّهُمّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلى حُسْنِ قَضائِکَ وَبَلائِکَ، اَللّهُمَّ هُوَ مالُکَ وَرِزْقُکَ، وَاَ نَا عَبْدُکَ خَوَّلْتَنى حينَ رَزَقْتَنى، اَللّهُمَّ فَاَلْهِمْنى شُكْرَکَ فيهِ، والصَّبْرَ عَلَيهِ حينَ اَصَبْتَ وَاَخَذْتَ، اَللّهُمَّ اَنْتَ اَعْطَيْتَ، وَاَنْتَ اَصَبْتَ.

اَللّهُمَّ لا تَحْرِمْنى ثَوابَهُ، وَلا تُنْسِنى مَنْ خَلَفَهُ، فى دُنْيایَ وَاخِرَتى اِنَّکَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ قَديرٌ(2)

اَللّهُمَّ اَنَا لَکَ وَبِکَ وَاِلَيْکَ وَمِنْکَ لا اَملِکُ لِنَفْسِى ضَرّا وَلا نَفْعا.

پیوست ها ادعیه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام برگرفته از کتاب «فقه الرضا علیه السلام»

دعای یکم: دعای حضرت علیه السلام در ستایش و سپاس خداوند به خاطر نعمت هایش، و درخواست صبر بر مصائب

(از حضرت رضا علیه السلام نقل شده فرمودند:) هرگاه مال و ثروتی به تو رسید بگو: بارخدایا، به راستی که من بنده تو و فرزند بنده تو و کنیزت، و در مشت تو (و تحت اختیار تو) هستم، اختیار و زمام امورم به دست توست، در باره هر چه بخواهی (هرگونه که بخواهی) حکم می فرمایی، و هرچه را اراده کنی (در مورد من) انجام می دهی. خداوندا پس س_تایش و سپاس فقط برای توس_ت به خاطر حسن (تدبیر و) قضا و قدر و آزمایشت، خداوندا این (مال) مال تو و روزی توست و من بنده توأم. هنگامی که (این مال را) روزی ام نمودی آن را به عاریه به من واگذار نمودی، خداوندا شکر و سپاس گزاری در مورد آن را به من الهام نموده (و تعلیم فرما) و (هم چنین) صبر و شکیبایی بر (از دست دادن) آن را هنگامی که مرا (به بلا) دچار نمودی و (آن را از من) گرفتی، خداوندا تو (خودت آن را) بخشیدی و خودت (هم مرا در مورد آن به بلا و آزمایش) دچار ساختی.

بارخدایا مرا از ثواب (و منافع) آن محروم نفرما، و در دنیا و آخرتم مرا از یاد کسی که (پس از من) این مال به او می رسد نبر، قطعاً تو بر هرچیزی بسیار توانایی(1).

بارخدایا من مال توأم و به واسطه وجودت (وجود دارم) و به سوی تو (در حرکتم) و از تو

(نشأت می گیرم و کمک می جویم) (و) مالک هیچ سود و زیانی برای خودم نیستم.

1- در نسخه ای دیگر در متن اصلی دعا، به جای «إنکَ علی کلّ شیءٍ قَدیر» عبارت «إنکَ علی ذلکَ قادر» آمده است، به معنای: «قطعا تو بر آن (امر) توانایی.

2_فی الصلوات علی محمّد وآله علیهم السلام بعد عصر الجمعه

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی الِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفینَ، بِاَفْضَلِ صَلَواتِکَ، وَبارِک عَلَیْهِمْ بِاَفْضَلِ بَرَکاتِکَ، وَالسَّلامُ عَلی اَرْواحِهِمْ وَاَجْسادِهِمْ، وَرَحْمَةُ اللّه ِ وَبَرَکاتُهُ. سبع مرّات

3_فی الإستخاره بعد الصلاه

وإذا أردت أمرا فصلّ رکعتین، واستخر اللّه مائه مرّه (ومرّه) وما عزم لک فافعل، وقل فی دعائک:

لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ.

رَبِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ خِرْ لی فی اَمْری - کذا وکذا - لِلدُّنْیاوَالاْخِرَهِ خِیَرَةً مِنْ عِنْدِکَ، ما لَکَ فیهِ رِضیً، وَلِیَ فیهِ صَلاحٌ، فی خَیْرٍ وَعافِیَهٍ، یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ.

دعای دوم: دعای حضرت علیه السلام بعد از عصر جمعه در صلوات بر محمد و خاندان پاکش علیهم السلام

بارخدایا با برترین درود و رحمتت بر محمد و بر آل محمد که برگزیدگان توأند درود و رحمت فرست، و با برترین برکاتت بر آنان برکت نازل فرما، و سلام و درود (خداوند) بر ارواح (پاک) و اجساد (مطهر)شان باد و رحمت و برکات خداوند (بر آنان باد).

(این ذکر را) هفت مرتبه (می گویی).

دعای سوم: دعای امام علیه السلام در مورد طلب خیر بعد از نماز

(از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:) هرگاه اراده انجام کاری را نمودی پس دو رکعت نماز بگذار، و صد و یکبار از خدا طلب خیر کن، و (پس از آن) هر قصد و عزیمتی در دلت افتاد آن را انجام بده، و در دعایت بگو: هیچ معبودی جز خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست، هیچ معبودی جز خداوند بردبار (با حلم و گذشت) بزرگوار نیست.

پروردگارا به حق محمدصل الله علیه و آل وسلم و علی علیه السلام (قسمت می دهم) در _ فلان کارم _ خیر دنیا و آخرت را برای_م انتخاب فرما، انتخابی از جانب خودت که رضایت تو و صلاح من در آن انتخاب باشد، و با خیر و برکت و عافیت همراه باش_د، ای صاحب نعمت و احسان و تفضل.

4_فى الإستسقاء

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى الِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اسْقِنا غَيْثا مُغيثا مُجَلَّلاً طَبَقا مُطبَقا جَلَلاً مُونِقا(3) راجِيا غَدَقا مُغْدِقا، طَيِّبا مُبارَكا، هاطِلاً مُنْهَطِلاً مُتَهاطِلاً، رَغَدا هَنيئا مَريئا دائِما رَوِيّا سَريعا، عامّا مُسْبِلاً نافِعا غَيْرَ ضارٍّ، تُحْيي بِهِ الْعِبادَ وَالْبِلادَ، وَتُنْبِتُ بِهِ الزَّرْعَ وَالنَّباتَ، وَتَجْعَلُ فيهِ بَلاغا لِلْحاضِرِ مِنّا وَالْبادِ، اَللّهُمَّ اَنْزِلْ عَلَيْنا مِنْ بَرَكاتِ سَمائِکَ ماءً طَهُورا، وَاَنْبِتْ لَنا مِنْ بَرَكاتِ اَرْضِکَ نَباتا مَسْقِيّا، وَتُسْقيهِ مِمّا خَلَقْتَ اَنْعاما وَاَناسِيَّ كَثيرا، اَللّهُمَّ ارْحَمْنا بِمَشايِخِ رُكَّعٍ، وَصِبْيانٍ رُضَّعٍ، وَبَهائِمَ رُتَّعٍ، وَشُبّانٍ خُضَّعٍ.

5_عند القيام من النوم للتهجّد، والنوافل، والصلوات

فإذا قمت من فراشک، فانظر فى اُفق السماء وقل: اَلْحَمْدُللّهِ الَّذى اَحْيانا بَعْدَ مَماتِنا، وَاِلَيْهِ النُّشُورُ، وَاَعْبُدُهُ، وَاَحْمَدُهُ، وَاَشْكُرُهُ.

دعای چهارم: دعای حضرت علیه السلام درمورد طلب باران

خداوندا بر محمد و بر آل محمد درود و رحمت فرست.

خداوندا ما را با باران آبیاری فرما، بارانی مدد رسان، فراگیرنده زمین (و) پوشاننده آن (ب_ا ابره ای) متراکم و طبقه طبقه، عظیم و فراوان، زیبا و فریبنده، امید بخش، لبریز، قطره درشت، پاک، با برکت، فرو ریزنده، پی درپی ریزان، فروبارنده، گسترده، گوارا، خوشگوار، با دوام، س_یراب کننده، تند، فرا گیر، پیوسته ریزان، س_ودمند و بدون زیان که بندگان و س رزمین ها را به وسیله آن زنده گردانی و کشت و گیاه را به وسیله آن برویانی، و آن را مایه کفایت (و یا اتمام حجت) برای شهرنشینان و بادیه نشینان ما بگردانی.

بارخدایا از برکات آسمانت آبی بسیار پاک و پاک کننده بر ما فرو بار(1)، و از برکات زمینت گیاهی سیراب برای ما برویان، و (نیز به گونه ای که) آن (آب) را به چهارپایان و آدمیان زیادی که آفریدی بنوشانی. (2)

خداوندا به پاس حرمت پیران رکوع کننده و کودکان ش یرخوار و حیوانات چرا کننده و جوانان خاضع و فروتن به ما رحم کن.

دعای پنجم: دعای حضرت علیه السلام هنگام برخاستن از خواب برای تهجد و نمازهای مستحب و عبادات

(از امام رضا علیه السلام روایت شده است که:) هرگاه (در دل شب) از بس_ترت برخاستی به افق آسمان نگاه کن و بگو:

ستایش و سپاس برای خداوندی اس_ت که ما را پس از مرگمان (خوابمان) دوباره زنده کرد، و حشر و نش_ر (ما در قیامت) فقط به سوی اوست، و او را بندگی کرده و می ستایم و شکرگزاری می کنم.

1- عبارت «اللهم أنزِل عَلَینا من برَکاتِ سمائکَ ماءً طَهوراً» اش__اره دارد به پایان آیه 48 س__وره فرقان: ﴿ وَ أَنْزَلنا مِنَ السماءِ ماءً طَهُوراً﴾
2- عبارت «و تُسقِیهِ مما خَلَقتَ أنعاماً و أناسیَّ کثیراً» در متن دعا، از آیه 49 سوره مبارکه فرقان اقتباس شده است.

وتقرأ: «اِنَّ فی خَلْقِ السَّمواتِ وَالاْرْضِ وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ لاَیاتٍ لاِولیِ الاْلْبابِ * الَّذینَ یَذْکُرونَ اللّه َ قِیاما وَقُعُودا وَعَلی جُنُوبِهِمْ وَیَتَفَکَّرُونَ فی خَلْقِ السَّمواتِ وَالاْرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلاً سُبْحانَکَ فَقِنا عَذابَ النّارِ * رَبَّنا اِنَّکَ مَنْ تُدخِلِ النّارَ فَقَدْ اَخْزَیْتَهُ وَما لِلظّالِمینَ مِنْ اَنْصارٍ * رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیا یُنادی لِلاْیمانِ اَنْ امِنُوا بِرَبِّکُمْ فَامَنّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَکَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الاْبْرارِ * رَبَّنا وَاتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ وَلا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَهِ اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ»(4) وقل: اَللّهُمَّ اَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، لا تَأْخُذُکَ سِنَهٌ وَلا نَوْمٌ، سُبْحانَکَ سُبْحانَکَ.

فإذا فرغت من الوضوء فقل :اللّهُمَّ اجْعَلْنی مِنَ التَّوّابینَ، وَاجْعَلْنی مِنَ الْمُتَطَهِّرینَ، وَالْحَمْدُللّهِ رَبِّ الْعالَمینَ.

فاذا فرغت من غسل الجمعه فقل: اَللّهُمَّ طَهِّرْنی، وَطَهِّرْ قَلْبی، وَانْقَ غَسْلی وَاَجْرِعَلی لِسانی ذِکْرَکَ وَذِکْرَنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَاجْعَلْنی مِنَ التَّوّابینَ وَمِنَ الْمُتَطَهِّرینَ.

و (سپس) می خوانی: (در آفرینش آسمان ها و زمین و پی درپی آمدن شب و روز قطعاً نشانه هایی برای خردمندان صاحب عقل وجود دارد، آن کسانی که خداوند را در حال برخاستن و نشستن و (آرمیده) بر پهلوهایشان یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند (و می گویند:) ای پروردگار (و صاحب اختیار) ما، تو (هرگز) این(ها) را به باطل (و بیهوده) نیافریدی (تو از هر عیب و نقصی) پاک و منزهی (و ما تو را از اراده باطل مبرّا می دانیم)، پس ما را از عذاب دوزخ در امان بدار، پروردگارا بی گمان تو هر که را در آتش داخل کنی رسوایش ساخته ای و هیچ یاوری برای ستمگران (و گناهکاران) وجود ندارد. پروردگارا به تحقیق ما (صدا و دعوت) ندا کننده ای که (مردم را) به سوی ایمان فرا می خواند شنیدیم که (می فرمود:) به پروردگارتان ایمان آورید؛ و ما ایمان آوردیم. پس گناهانمان را بیامرز و بدی ها (و خطاهای) ما را بپوشان و ما را با نیکان (و در زمره نیکوکاران) بمیران. پروردگارا آن چه با فرس_تادن پیامبرانت به ما وعده کرده ای را به ما عطا فرما و در روز قیامت ما را (خوار و) رسوا مگردان، (زیرا) به یقین تو (هرگز) از وعده ات تخلف نمی کنی)(1) و (سپس) بگو: خداوندا تو زنده پاینده و برپا دارنده (جهان) هستی، (هرگز) چرت و خواب تو را فرا نمی گیرد(2)، تو (از هر عیب و نقصی) پاک و منزهی، پاک و منزهی.

دعای ششم: و هرگاه از وضو فارغ شدی بگو: بارخدایا، مرا در زمره توبه کاران قرار ده و مرا از (جنس پاکان و) پاک شوندگان قرار ده، و سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار (و صاحب اختیار) جهان ها و جهانیان است.

دعای هفتم: و هرگاه از غسل جمعه فارغ شدی بگو: خداوندا مرا پاک کن، و دلم را (از آلودگی ها) پاکیزه ساز، و شستشوی مرا پاک گردان، و یاد خودت و ی_اد پیامبرت محمد _ ک_ه درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد _ را بر زبانم جاری فرما، و مرا در زمره توبه کنندگان و پاک شوندگان قرار ده.

1- آیات 190تا 194 سورهٔ مبارکهٔ آل عمران
2- عبارت «اللّهم أنتَ الحیُّ القَیّوم لا تأخُذُکَ سِنَهٌ و لا نومٌ» با کمی تغییر در متن عربی دعا از آیه 255 س__وره بقره اقتباس شده است.

8_قبل الإفتتاح بصلاه الليل

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ، وَفی سَبیلِ اللّهِ، وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَاٰلِه، ثمّ ارفع یدیک فقل:

اَللّهُمَّ اِنِّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ، وَبِالْاَئِمَّهِ الرّاشِدینَ الْمَهْدِیّینَ، مِنْ اٰلِ طه وَ یاسین، وَ اُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی کُلِّها فَاجْعَلْنی بِهِمْ وَجیها فِی الدُّنیا وَالْاٰخِرَهِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ

[اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی بِهِمْ] وَلا تُعَذِّبْنی بِهِمْ، وَارْزُقْنی بِهِمْ [وَلا تَحْرِمْنی وَاهْدِنی بِهِمْ] وَلا تُضِلَّنی بِهِمْ، وَارْفَعْنی بِهِمْ، وَلا تَضَعْنی [بِهِمْ] وَاقْضِ حَوائِجی بِهِمْ فِی الدُّنیا وَالْاٰخِرَهِ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ، وَبِکُلِّ شَیْءٍ عَلیمٌ.

9_فی قنوت الوتر

لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ

دعای هشتم: دعای حضرت علیه السلام قبل از آغاز نماز شب

به نام خدا و با اس_تعانت از خدا و در راه خدا و بر آیین رس_ول خدا _ که درود و رحمت خداوند بر او و خاندانش باد_ (شروع می کنم).

سپس دستانت را به سوی آسمان بالا برده و بگو: خداوندا همانا من به واس_طه پیامبرت _ که پیامبر رحمت اس_ت _ و به واسطه پیشوایان هدایت گر هدایت شونده از خاندان (و نسل) طه و یاسین به سوی تو رو می کنم و آنان را پیشاپیش تمام حاجات خودم به پیشگاهت مقدم می دارم (و قرار می دهم)

پس به یمن وجود مبارکشان مرا در دنیا و آخرت آبرومند ساخته و از مقربین (و نزدیکان) درگاهت قرار ده.(1)

بارخدایا به برکت (ش_فاعت) آنان مرا بیامرز و به واس_طه آنان مرا عذاب مکن و به یمن وجودشان به من روزی عطا فرما (و مرا از فضلت محروم مساز، و به وسیله آنان هدایتم کن) و به برکت وجودشان مرا گمراه نکن و به واسطه آنان مرا بالا ببر و پست (و حقیر) مکن، و به حق (و شفاعت) آنان حاجات مرا در دنیا و آخرت برآورده فرما. (چرا که) بی گمان تو بر هر چیزی بسیار توانایی، و نسبت به هر چیزی بسیار دانایی.(2)

دعای نهم: دعای امام علیه السلام در قنوت نماز وتر

هیچ معبودی جز خداوند بردبار (و بزرگ منش) و بزرگوار نیست، هیچ معبودی جز خداوند بلند مرتبه بسیار بزرگ وجود ندارد.

1- عبارت عربی این قسمت از دعا، از آیه 45 سوره آل عمران گرفته شده است.
2- عبارت«بکل شیءٍ عَلِیم» در متن دعا، در پایان آیات 29و 231 و 282 بقره، 176 نساء، 97 مائده، 101 أنعام، 75 انفال، 115 توبه، 35 و 64 نور، 62 عنکبوت، 12 شوری، 16 حجرات، 3 حدید، 7 مجادله و 11 تغابن آمده است.

سُبْحانَ اللّه ِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الاْرَضينَ السَّبْعِ، وَ ما فيهِنَّ وَما بَيْنَهُنَّ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ

يا اَللّه ُ الَّذى لَيْسَ كَمِثْلِه شَىْءٌ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبينُ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً، وَظَلَمْتُ نَفْسى، فَاغْفِرْ لى ذُنُوبى، اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلاّ اَنْتَ. اَللّهُمَّ اِيّاكَ اَعْبُدُ، وَلَكَ اُصَلّى، وَبِكَ امَنْتُ، وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَبِكَ اسْتَعَنْتُ، وَلَكَ اَسْجُدُ وَاَرْكَعُ وَاَخْضَعُ وَاَخْشَعُ، وَمِنْكَ اَخافُ وَاَرْجُو، وَاِلَيْكَ اَرْغَبُ، وَمِنْكَ اَخافُ وَاَحْذَرُ، وَمِنْكَ اَلْتَمِسُ وَاَطْلُبُ، وَبِكَ اهْتَدَيْتُ، وَاَنْتَ الرَّجاءُ، وَاَنْتَ الْمُرَجّى(5) وَاَنْتَ الْمُرْتَجى. اَللّهُمَّ اهْدِنى فيمَنْ هَدَيْتَ، وَعافِنى فيمَنْ عافَيْتَ، وَتَوَلَّنى فيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبارِكْ لى فيما اَعْطَيْتَ، وَقِنى شَرَّ ما قَضَيْتَ، اِنَّكَ تَقْضى وَلا يُقْضى عَلَيْكَ، لا مَنْجا وَلا مَلَجَاَ وَلا مَفَرَّ وَلا مَهْرَبَ مِنْكَ اِلاّ اِلَيْكَ، سُبْحانَكَ وَحَنانَيْكَ، تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ

(از هر عیب و نقصی) پاک و منزه است خداوندی که پ_روردگار (و صاحب اختیار) زمین های هفت گانه و آن چه در آن ها و آن چه در بین آن هاست و پروردگار (و صاحب اختیار) عرش با عظمت است.

ای خداوندی که هیچ چیزی مانند او نیست(1)، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، بار خدایا تو فرمانروای حق آشکار (و روشنگر) هستی، هیچ معبودی جز تو نیست، تو را (از هر عیب و نقصی) منزه می دانم و به س_تایش و سپاست (مشغولم). گناهی (و بدی) کرده ام و (در حقیقت) بر خویشتن ستم نموده ام، پس گناهانم را بیامرز، (زیرا) قطعاً به جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد.

بارخدایا من فقط تو را بندگی می کنم (و می پرستم) و تنها برای تو نماز می گزارم، و فقط به تو ایمان آورده و در برابر تو تسلیمم، و تنها به تو پناه آورده و بر تو اعتماد و تکیه کرده ام، و فقط از تو یاری جسته (و می جویم)، و تنها برای تو سجده و رکوع می کنم و (در برابر تو) کرنش و خشوع می نمایم. و تنها از تو می ترسم و (فقط به تو) امید دارم، و تنها به سوی تو گرایش دارم (و دعا و نیایش می نمایم) و فقط از تو می ترسم و بیم دارم، و تنها از تو تقاضا کرده و درخواست می کنم، و فقط به خاطر (لطف) تو هدایت یافته ام، و تو مایه امید (من) و مورد امید(م) و قبله گاه امید (من) هستی.

خداوندا در زمره آنان که هدایت نمودی مرا (نیز) هدایت فرما، و در بین آنان که عافیت بخشیدی مرا (هم) عافیت بخش، و مرا (نیز) در میان آنان که سرپرستی نمودی سرپرستی کن، و در آن چه (به من) عطا فرمودی برکت ده، و مرا از شر هر آن چه قضا و قدر فرمودی حفظ فرما (چرا که) بی گمان تو فرمان می رانی (و قضا و قدر می کنی) و (هرگز) بر تو فرمان رانده نمی شود. (کسی را یارای حکم و فرمان دادن بر تو نیست). هیچ نجات و پناه و فرار و گریزی از تو نیست مگر به س_وی (لطف و رحمت) خودت. تو را از هر عیب و نقصی مبرّا می دانم و مهربانی پی درپی و مداومت را می طلبم. تو بیزوال و پربرکتی و از آن چه

1- عبارت «لیسَ کمثلِه شَیءٌ» در متن عربی دعا، از آیه 11 سوره مبارکه شوری گرفته شده است.

عَمّا يَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّا كَبيرا، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ مِنْ کُلِّ ما سَاَلَکَ بِه مُحَمَّدٌ وَالُهُ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ مَا اسْتَعاذَ بِه مُحَمَّدٌ وَالُهُ.

اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزی، وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَشَرِّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّوَشَرِّ کُلِّ دابَّهٍ اَنْتَ اخِذٌ بِناصِيَتِها، اِنَّکَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، وَ «اَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطينِ * وَاَعُوذُ بِکَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ»(6)

اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ السّامَّهِ وَالْهامَّهِ، وَالْعَيْنِ اللاّمَّهِ، وَمِنْ شَرِّ طَوارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ، اِلاّ طارِقا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يا اَللّهُ، اَللّهُمَّ اصْرِف عَنّی الْبَلاءَ وَالاْفاتِ وَالْعاهاتِ، وَالْاَسْقامَ وَالاْوْجاعَ وَالْآلامَ وَالاْمْراضَ، وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْفاقَهِ، وَالضَّنْکِ وَالضّيقِ وَالْحِرْمانِ، وَسُوءِ الْقَضاءِ، وَشَماتَهِ الاْعْداءِ، وَالْحاسِدِ.

وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَيْطانٍ رَجيمٍ، وَجَبّارٍ عَنيدٍ، وَسُلْطانٍ جائِرٍ، اَللّهُمَّ مَنْ کانَ اَمْسی وَاَصْبَحَ، وَلَهُ ثِقَهٌ اَوْ رَجاءٌ غَيْرُکَ، فَاَنْتَ ثِقَتی

ستمگران (مشرکان و گناهکاران) می گویند بسیار برتر و والاتری.(1)

بارخدایا از تو درخواس_ت می کنم هر آن چه را که محمد و آل او علیهم السلام از تو درخواست نمودند و به تو پناه می برم از هرآن چه که محمد و آل او علیهم السلام به تو پناه بردند.

خداوندا از این که خوار و حقیر گردیم و رس_وا شویم به تو پناه می برم، و از شر بدکاران عرب و عجم، و شر تبهکاران جن و انس، و از شر هر صاحب شری، و شر هر جنبنده ای که زمام امورش به دست توست به تو پناه می برم، (زیرا) به راستی تو بر راه مستقیمی(2)

، (و از وسوسه های شیاطین (جن و انس) به تو پناه می برم، و از این که نزد من حاضر شوند ای پروردگار (و صاحب اختیار)م به تو پناه می برم) (3).

بارخدایا همانا من از (شر) هر خزنده سمی و هر حیوان و حشره موذی و هر چشم بد و از شر پیش آمدهای شب و روز _ مگر پیش آمدی که با خیر و برکت حادث شود _ به تو پناه می برم. خدایا، خداوندا بلا و آفت ها و عیوب و آسیب ها و مرض ها و ناراحتی ها و دردها و بیماری ها را از من دور کن، و از فقر و تنگدستی و تنگی معیشت و تنگنا و محرومیت و قضا و قدر بد و نکوهش و زخم زبان دشمنان و حسود(ان) به تو پناه می برم.

و به تو پناه می برم از هر شیطان رانده شده، و (هر) ظالم زورگو و مستبدی و (هر) سلطان ستمگری.

خداوندا هرکه داخل شب شود و وارد صبح شود در حالی که تکیه گاه یا (مایه) امیدی غیر از تو داشته باشد، (برای من مهم نیست) چرا که تو تکیه گاه اطمینان بخش

1- عبارت «تعالیتَ عَمَّا یَقُولُ الظالمونَ عُلُوًّا کَبِیراً» در متن دعا، از آیه 43 سوره إسراء گرفته شده است.
2- متن عربی این عبارت بااندکی تغییر از آیه 56 سوره مبارکه هود اقتباس شده است.

3- سوره مؤمنون، آیات 97 و 98

وَسُؤْلی وَرَجائی، یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ، وَیا اَ کْرَمَ مَنِ اسْتُکْرِمَ، وَیا اَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، ارْحَمْ ضَعْفی وَذُلّی بَیْنَ یَدَیْکَ، وَتَضَرُّعی اِلَیْکَ، وَوَحْشَتی مِنَ النّاسِ، وَذُلَّ مَقامی بِبابِکَ.

اَللّهُمَّ انْظُرْ اِلَیَّ بِعَیْنِ الرَّحْمَهِ، نَظْرَهً تَکُونُ خِیَرَهً، اَسْتَأْهِلُها، وَاِلاّ تَفَضَّلْ عَلَیْنا، یا اَ کْرَمَ الاْ کْرَمینَ، وَیا اَجْوَدَ الاْجْوَدینَ، وَیا خَیْرَ الْغافِرینَ، وَیا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، وَیا اَحْکَمَ الْحاکِمینَ، وَیا اَسْرَعَ الْحاسِبینَ، یا اَهْلَ التَّقْوی وَالْمَغْفِرَهِ، یا مَعْدِنَ الْجُودِ وَالْکَرَمِ یا اَللّه ُ. صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ، وَصَفِیِّکَ وَسَفیرِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ، وَصَفْوَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَ زَکِیِّکَ، وَتَقِیِّکَ، وَنَقِیِّکَ، وَنَجِیِّکَ وَنَجیبِکَ، وَوَلِیِّ عَهْدِکَ، وَمَعْدِنِ سِرِّکَ، وَکَهْفِ غَیْبِکَ الطّاهِرِ الطَّیِّبِ الْمُبارَکِ، الزَّکِیِّ الصّادِقِ، الْوَفِیِّ الْعادِلِ الْبارِّ الْمُطَهَّرِ الْمُقَدَّسِ، النَّیِّرِ الْمُضیءِ، السِّراجِ اللاّمِعِ، وَالنُّورِ السّاطِعِ وَالْحُجَّهِ الْبالِغَهِ، نُورُکَ الاْنْوَرِ، وَحَبْلُکَ الاْطْوَلِ، وَعُرْوَتُکَ الاْوْثَقِ، وَبابُکَ الاْدْنی، وَوَجْهُکَ الاْکْرَمُ، وَسَفیرُکَ الاْوْقَفُ، وَجَنْبُکَ الاْوْجَبُ، وَطاعَتُکَ الاْلْزَمُ، وَحِجابُکَ الاْقْرَبُ.

و (قبله گاه) نیاز و درخواست من و (مایه) امید منی. ای بهترین کسی که مورد درخواست قرار گرفته، و ای بزرگوارترین کسی که از او درخواست بزرگواری ش_ده و ای رحم کننده ترین کسی که از او طلب رحمت (و شفقت) شده است، بر ناتوانی و حقارتم در پیشگاهت و زاری و تضرعم به آستانت و تنهایی و نامأنوس بودنم با مردم و ذلت جایگاه و ایستادنم به درگاهت رحم فرما.

بارخدایا با چشم رحمت و مهربانی به سویم بنگر، نگاهی که برگزیده و پرخیر باشد و من شایسته آن باشم. و اگر (شایسته) نیستم بر ما تفضل کن ای بزرگوارترین بزرگوارترین ها، و ای بخشنده ترین بخشندهترین ها، و ای بهترین آمرزندگان، و ای مهربان ترین مهربانان، و ای داورترین (و بهترین) داوران و حکم کنندگان، و ای سریع ترین حساب کنندگان، ای اهل (و شایسته) تقوا و آمرزش، ای معدن بخشندگی و بزرگواری. خدایا، بر محمد درود و رحمت فرست (که) بنده و فرستاده و پیامبر توست و برگزیده و نماینده (و واسطه فیض) و بهترین انتخاب از مخلوقاتت، و برگزیده از میان آفریدگانت، و (بنده) پاکیزه و پرهیزگار و خالصت، و همراز و نجیب و پاک نهادت، و عهده دار امر ولایت تو، و معدن راز و پناهگاه امور غیبی توست، (آن وجود) پاک و پاک سرشت پربرکت، (و) تزکیه شده راست گفتار، وفادار عدالت کردار نیکوکار، (و) پاک شده مقدس بسیار نورانی روشنگر، چراغ درخشان، و نور فروزان و حجت بالغه (و رسای) الهی، (که) تابان ترین نورت، و بلندترین (و محکم ترین) ریسمان، و اطمینان بخش ترین دست آویزت و نزدیک ترین آستان، و گرامی ترین واسطه فیضت، و داناترین سفیر (و نماینده) تو، و واجب ترین طاعت (و مایه قرب) تو و پاینده ترین (مایه) فرمان برداریت، و نزدیک ترین حجاب (نورانی) توست.

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، وَعَلى اِله مِنْ الِ طه وَيس - وَاخْصُصْ وَلِيَّکَ وَوَصِيَّ نَبِيِّکَ، وَاَخا رَسُولِکَ، وَوَزيرَهُ، وَوَلِيَّ عَهْدِه، اِمامَ الْمُتَّقينَ وَخاتَمَ الْوَصِيّينَ لِخاتَمِ النَّبِيّينَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله،وَابْنَتَهُ الْبَتُولَ -

وَعَلى سَيِّدَىْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّهِ مِنَ الاَوَّلينَ وَالاْخِرينَ، وَعَلَى الاَئِمَّهِ الرّاشِدينَ الْمَهْدِيّينَ السّالِفينَ الْماضينَ،

وَعَلَى النُّقَباءِ الاَتْقِياءِ الْبَرَرَهِ الاَئِمَّهِ الْفاضِلينَ الْباقينَ، وَعَلى بَقِيَّتِکَ فى اَرْضِکَ، الْقائِمِ بِالْحَقِّ فى الْيَوْمِ الْمَوْعُودِ، وَعَلَى الْفاضِلينَ الْمَهْدِيّينَ الاَمَناءِ الْخَزَنَهِ

وَعَلى خَواصِّ مَلائِکَتِکَ: جَبْرَئيلَ وَميكائيلَ وَاِسْرافيلَ وَعِزْرائيلَ، وَالصّافّينَ وَالْحافّينَ وَالْكَرُّوبيّينَ وَالْمُسَبِّحينَ، وَجَميعِ مَلائِکَتِکَ فى سَماواتِکَ وَاَرْضِکَ اَجْمَعينَ.

وَصَلِّ عَلى اَبينا ادَمَ، وَاُمِّنا حَوّاءَ، وَما بَيْنَهُما مِنَ النَّبِيّينَ وَالْمُرْسَلينَ، وَاخْصُصْ مُحَمَّدا بِاَفْضَلِ الصَّلاهِ وَالتَّسْليمِ.

اَللّهُمَّ اِنّى اَبْرَأُ اِلَيْکَ مِنْ اَعْدائِهِمْ وَمُعانِديهِمْ وَظالِميهِمْ.

خداوندا بر او و بر خاندان (پاک) او از آل طه و یاس_ین درود و رحمت فرست، و بویژه (از بین آنان) ولیت و وصی پیامبرت و برادر و وزیرش و عهده دار امورش، پیشوای متقیان و خاتم اوصیاء برای خاتم انبیاء محمد صل الله علیه و آل وسلم، و دختر پاک دامنش که از غیر خدا منقطع است را _ به این درود و رحمت اختصاص بده _ و هم چنین (درود و رحمت فرست) بر دو سرور جوانان اهل بهشت از پیشینیان و پسینیان و بر پیشوایان هدایت گر هدایت شده پیشین که رفته اند، و بر سروران تقوا پیشه نیکوکار (و) پیشوایان با فضیلت باقی مانده، و بر ذخیره باقیت در زمین (و) حجت قائم به حقت در روز موعود، و بر صاحبان فضیلت (و) هدایت شدگان امین و نگاهبانان (سرّ ولایت) و بر فرشتگان خاصت: جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل، و فرشتگان صف به صف ایستاده، و احاطه کننده (عرشت) و فرشتگان مقرب و تسبیح کننده ات، و تمام فرشتگانت در تمامی آسمان ها و زمینت.

و (هم چنین) درود و رحمتت را شامل پدرمان آدم علیه السلام و مادرمان حواء علیها السلام و پیامبران و فرستادگان از نسل آن دو بگردان، و (از بین آنان) محمد صل الله علیه و آل وسلم را به برترین درود و رحمت و سلامت اختصاص ده.

بارخدایا، من از دشمنان ایشان و عناد ورزان با آنان و ستم کنندگان به ایشان بیزارم و به ساحت تو تبرّی می جویم.

اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُمْ، وَعادِ مَنْ عاداهُمْ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَ عِبادَکَ الْمُصْطَفينَ الاَخْيارَ الاَتْقِياءَ الْبَرَرَةَ.

اَللّهُمَّ احْشُرْنى مَعَ مَنْ اَتَوَلّى، وَاَبْعِدْنى مِمَّنْ اَتَبَرَّأُ، وَاَنْتَ تَعْلَمُ ما فى ضَميرِ قَلْبى مِنْ حُبِّ اَوْلِيائِکَ، وَبُغْضِ اَعْدائِکَ، وَکَفى بِکَ عَليما. اَللّهُمَّ اغْفِرْ لى وَلِوالِدَىَّ، وَارْحَمْهُما کَما رَبَّيانى صَغيرا، اَللّهُمَّ اجْزِهِما عَنّى بِاَفْضَلِ الْجَزاءِ، وَکافِهِما عَنّى بِاَفْضَلِ الْمُکافاهِ، اَللّهُمَّ بَدِّلْ سَيِّئاتِهِمْا(7) حَسَناتٍ، وَارْفَعْ لَهُمْا بِالْحَسَناتِ الدَّرَجاتِ، اَللّهُمَّ اِذا صِرْنا اِلى ما صارُوا اِلَيْهِ، فَاُمُرْ مَلَکَ الْمَوْتِ اَنْ يَکُونَ بِنا رَؤُوفا رَحيما. اَللّهُمَّ اغْفِرْ لى، وَلِجَميعِ اِخْوانِنَا الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِماتِ، الاَحْياءِ مِنْهُمْ وَالاَمْواتِ، وَتابِعْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْراتِ، اِنَّکَ مُجيبُ الدَّعَواتِ وَوَلِىُّ الْحَسَناتِ، يااَرْحَمَ الرّاحِمينَ، اَللّهُمَّ لا تُخْرِجْنى مِنْ هذِهِ الدُّنْيا اِلاّ بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ، وَسَعْيٍ مَشْکُورٍ، وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَتِجارَهٍ لَنْ تَبُورَ.

اَللّهُمَّ اَعْتِقْنى مِنَ النّارِ، وَاجْعَلْنى مِن طُلَقائِکَ وَعُتَقائِکَ مِنَ

بارخدایا هر که آنان را دوست دارد دوست بدار، و هر که با آنان سر دشمنی دارد دشمن بدار، و هر که آنان را یاری کند یاری فرما، و هر که بندگان برگزیده ونیک(1)

و تقواپیشه و نیکوکارت را تنها (و خوار) گذارد تنها (و خوار) فرما.

خداوندا مرا به همراه آن کس_ی که دوست دارم (و ولایتش را پذیرفته ام) محشور گردان، و از کسانی که از آنان بیزاری می جویم دورم گردان، و تو (خود) محبت به اولیایت و کینه و دش_منی نسبت به دش_منانت را که در باطن قلبم جریان دارد (به خوبی) می دانی، و علم بسیارت به این موضوع مرا کفایت می کند. (2) بارخدای_ا مرا و پدر و م_ادرم را بیامرز و بر آن دو ترحم نم_ا همان گونه که آنان مرا در خردسالی (مهربانانه) پرورش دادند(3)، خدایا از جانب من به آنان برترین پاداش را عنایت فرما، و با بهترین شکل جبران زحماتشان را جبران کن، خداوندا خطاها و گناهانشان را به حسنات و کارهای نیک تبدیل فرما(4)، و با این حس_نات مراتب و درجات آنان را بالا ببر، خداوندا هرگاه به س_وی آن جایی که آنان رفتند روانه شدیم به ملک الموت (فرشته مرگ) دستور بده که نسبت به ما رؤوف و بسیار مهربان باشد

بارخدایا مرا و تمام برادران و خواهران مؤمن و مسلمان ما، (چه) زندگان و (چه) مردگان آنان را بیامرز، و بین ما و آنان با خیرات و نیکی ها پیوند و اتصال برقرار کن، بی گمان تو اجابت کننده دعاها و سرپرست (و صاحب اختیار) نیکی ها هستی، ای مهربان ترین مهربانان.

خداوندا مرا از این دنیا بیرون مکن مگر با گناهی آمرزیده، و کار و تلاشی سپاسگزاری ش_ده (و پاداش داده شده)، و عملی پذیرفته شده، و تجارت (و عملکردی) که هرگز تباه نگردد (و کسادی نپذیرد) عبارت «تِجارةٍ لن تَبُور» در متن دعا از آیه 29 سوره فاطر اقتباس شده است. (5)

1- عبارت «المصطفَینَ الأخیار» در متن عربی دعا، یادآور آیه 47 از س__وره مبارکه ص اس__ت: ﴿وَ إِنَّ هُمْ عِنْدَنا لمنَ الْمصْطَفَیْنَ الأَْخْیارِ﴾
2- عبارت «و کَفی بکَ عَلِیماً» درمتن دعا، با کمی تغییر از آیه 70 سوره مبارکه نساء گرفته شده است.

3- عبارت عربی دعا در این بخش، قسمتی از آیه 24 سوره مبارکه إسراء است.
4- متن عربی این عبارت با تغییر مختصری از آیه 70 س__وره مبارکه فرقان گرفته ش__ده است، ضمناً در نسخه اصلی دعا، به جای کلمه «سَّیئاتهما» واژه «سَّیئاتهِم»آمده، ولی با توجه به عبارات قبلی و بعدی به صورت مضاف به ضمیر مثنی تغییر داده شد.
5- ، خدایا مرا از آتش دوزخ رهایی بخش، و در زمره آزاد شدگان و رهایی یافتگان از آتش قرار ده، بارخدایا گناهان گذشته ام را بیامرز، و مرا در باقیمانده عمرم (از گناه) مصون بدار.

النّارِ، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی ما مَضی مِنْ ذُنُوبی، وَاعْصِمْنی فیما بَقِیَ مِنْ عُمْری.

اَللّهُمَّ کُنْ لی وَلِیّا وَحافِظا وَناصِرا وَمُعینا، وَاجْعَلْنی فی حِرْزِکَ وَحِفْظِکَ، وَحِمایَتِکَ وَکَنَفِکَ، وَدِرْعِکَ الْحَصینِ، وَفی کَلاءَتِکَ، عَزَّ جارُکَ، وَجَلَّ ثَناؤُکَ، وَلا اِلهَ غَیْرُکَ، وَلا مَعْبُودَ سِواکَ. اَللّهُمَّ مَنْ اَرادَنی بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ، اَللّهُمَّ وَارْدُدْ کَیْدَهُ فی نَحْرِه، اَللّهُمَّ بَتِّرْ عُمْرَهُ، وَبَدِّدْ شَمْلَهُ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُ، وَاسْتَأْصِلْ شَأْفَتَهُ وَاقْطَعْ دابِرَهُ، وَقَتِّرْ رِزْقَهُ، وَاَبْلِهِ بِجُهْدِ الْبَلاءِ، وَاشْغَلْهُ بِنَفْسِه، وَابْتَلِه بِعِیالِه وَوُلْدِه، وَاصْرِفْ عَنّی شَرَّهُ، وَاَطْبِقْ عَنّی فَمَهُ، وَخُذْ مِنْهُ اَمْنَهُ مِثْلَ مَنْ اُخِذَ مِنْ اَهْلِ الْقُری وَهِیَ ظالِمَهٌ، وَاجْعَلْنی مِنْهُ عَلی حَذَرٍ، بِحِفْظِکَ وَحِیاطَتِکَ، وَادْفَعْ عَنّی شَرَّهُ وَکَیْدَهُ وَمَکْرَهُ، وَاکْفِنیهِ، وَاکْفِنی مااَهَمَّنی مِنْ اَمْرِ دُنْیایَ وَاخِرَتی.

اَللّهُمَّ لا تُسَلِّطْ عَلَیَّ مَنْ لا یَرْحَمُنی، اَللّهُمَّ اَصْلِحْنی، وَاَصْلِحْ شَأْنی، وَاَصْلِحْ فَسادَ قَلْبی، اَللّهُمَّ اشْرَحْ لی صَدْری، وَنَوِّرْ قَلْبی، وَیَسِّرْ لی اَمْری، وَلا تُشْمِتْ بِیَ الْاَعْداءَ وَلاَ الْحاسِدَ.

بارخدایا سرپرست و نگاهبان و یاور و مددکارم باش، و مرا در پناه و حفظ خودت و تحت حمایت و سایه لطفت و زره محکم (حراست) خودت و در محافظت و نگهداریت قرار بده.

(زیرا) آن که در پناه توست عزیز و نیرومند است، و ثنا و ستایشت والا و پرعظمت است، و هیچ خدایی غیر از تو نیست، و هیچ معبودی جز تو وجود ندارد.

خداوندا هر که نسبت به من اراده (انجام) شر و بدی را دارد (همان شر و بدی را) نسبت به او اراده کن، خدایا مکر و کیدش را به سوی س_ینه و گلوگاه خودش برگردان، خدایا عمرش را قطع (و کوتاه) فرما، جماعتش را پراکنده، و جمعش را متفرق ساز، و اصل او و خانواده اش را ریشه کن، و پشت و نسلش را قطع فرما، و روزی او را تنگ بگیر و او را به بلایی مشقت بار و طاقت فرسا دچار کن، و به خودش مشغولش دار، و به عیال و فرزندش گرفتار و مبتلا ساز، و شرش را از من برگردان (و دور کن)، و دهانش را نسبت به من ببند، و امنیتش را از او بگیر همانند افرادی (ناسپاس) از اهل سرزمین ها که به سبب ظلمشان نعمت (و امنیت) از آنان سلب شد(1) و مرا با حفظ و حراستت از او بر حذر دار، و شر او و نیرنگ و فریبش را از من دور ساز، و مرا از (شر) او کفایت نما، و مرا نسبت به هر آن چه از امور دنیا و آخرتم اندوهگین و دغدغه مند ساخته کفایت فرما.

بارخدایا کسی که مرا رحم نمی کند بر من چیره نگردان، خدایا مرا اصلاح کن و وضعیتم را اصلاح نما (و سر و سامان بده) و خرابی (و تباهی) دلم را اصلاح فرما، خداوندا سینه ام را گشاده گردان (و به من شرح صدر عنایت فرما) و قلبم را (به نور خودت) نورانی کن.

و امر و کارم را برایم آسان گردان و دشمنان و حسود را به شماتت و سرزنشم شاد مگردان.

1- تعبیر «اخِذَ مِن أهلِ القُری و هی ظالِمهٌ» در متن دعا، با تغییراتی از آیه 102 س__وره مبارکه هود گرفته ش__ده است.

اَللّهُمَّ اَغْنِنی بِغِناکَ، وَلا تُحْوِجْنی اِلی اَحَدٍ سِواکَ، وَتَفَضَّلْ عَلَیَّ عَنْ فَضْلِ مَنْ سِواکَ، یا قَریبُ، یا مُجیبُ، یا اَللّهُ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَکَ وَبِحَمْدِکَ، عَمِلْتُ سُوءً، وَظَلَمْتُ نَفْسی، فَاغْفِرْ لی ذُنُوبی، اِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلاّ اَنْتَ.

اَللّهُمَّ اَظْهِرِ الْحَقَّ وَاَهْلَهُ، وَاجْعَلْنی مِمَّنْ اَقُولُ بِهِ، وَاَنْتَظِرُهُ، اَللّهُمَّ قَوِّمْ قائِمَ الِ مُحَمَّدٍ، وَاَظْهِرْ دَعْوَتَهُ بِرِضیً مِنْ الِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اَظْهِرْ رایَتَهُ، وَقَوِّ عَزْمَهُ، وَعَجِّلْ خُرُوجَهُ، وَانْصُرْ جُیُوشَهُ وَاعْضُدْ اَنْصارَهُ، وَاَبْلِغْ طَلِبَتَهُ، وَاَنْجِحْ اَمَلَهُ، وَاَصْلِحْ شَأنَهُ، وَقَرِّبْ اَوانَهُ، فَاِنَّکَ تُبْدِئُ وَتُعیدُ، وَاَنْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ، اَللّهُمَّ امْلاَءِ الدُّنْیا قِسْطا وَعَدْلاً، کَما مُلِئَتْ جَوْرا وَظُلْما.

اَللّهُمَّ انْصُرْ جُیُوشَ الْمُؤْمِنینَ، وَسَراياهُمْ وَمُرابِطیهِمْ، حَیْثُ کانُوا وَاَیْنَ کانُوا، مِنْ مَشارِقِ الاَْرْضِ وَمَغارِبِها، وَانْصُرْهُمْ نَصْرا عَزیزا، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحا یَسیرا، وَاجْعَلْ لَنا وَلَهُمْ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطانا نَصیرا. اَللّهُمَّ اجْعَلنا مِنْ اَتْباعِه، وَالْمُسْتَشْهَدینَ بَیْنَ یَدَیْه.

اَللّهُمَّ الْعَنِ الظَّلَمَةَ وَالظّالِمینَ الَّذینَ بَدَّلُوا دینَکَ، وَحَرَّفُوا

خداوندا مرا با بی نیازی خودت بی نیاز کن، و به هیچ فردی غیر از خودت محتاجم مکن، و بر من تفضل فرموده و از فضل غیر خودت بی نیاز گردان، ای نزدیک (به من حتی بیش از رگ گردن) ای اجابت کننده (نیازها و خواس_ته های من)، ای خدا، هیچ معبودی جز تو نیس_ت، تو را (از هر عیب و نقصی) منزّه می دانم و به ستایش و س_پاس تو (مشغولم)، بد عم_ل کرده ام و به خودم ظلم نموده ام، پس گناهانم را بیامرز (زیرا) قطعاً هیچ کس به جز تو گناهان را نمی آمرزد.

بارخدایا حق و اهلش را (بر دیگران) غالب گردان، و مرا از کسانی قرار ده که قائل به حق و منتظر (تحقق) آن هستم، خداوندا قائم آل محمد صل الله علیه و آل وسلم را (برای نهضت جهانیش) برپا دار، و فراخوانی (مردم توسط) او به سوی خشنودی آل محمد را آشکار ساز، خداوندا پرچمش را پیروز (و آشکار) گردان، و عزم و اراده اش را قوت بخش، و خروج و نهضتش را تعجیل فرما، و س_پاهیانش را یاری کن و یارانش را پشتیبانی فرما، و حضرتش علیه السلام را به خواسته و آرمانش برسان، و آرزویش را تحقق بخش، و امر قیامش را سر و سامان بده، و دوران (نهضت و حکومتش) را نزدیک گردان، (چرا که) به راستی تو آغاز می کنی و باز می گردانی، و تو بسیار آمرزنده و بسیار با محبت و مهرورزی.(1)

خداوندا دنیا را (با ظهور پربرکتش) پر از عدل و داد فرما، همان گونه که (پیش از ظهورش) پر از جور و ستم شده است.

بارالها لش_کرهای مؤمنان و گروه های جنگجو و مرزدارانش_ان را در هر وضعیت و هر مکانی از سرزمین های مشرق و مغرب که هستند یاری فرما، و آنان را پیروزی عزت مندانه(2) و فتح و گشایشی آس_ان نصیب فرما، و از جانب خودت قدرت و سلطه ای بسیار یاری کننده برای ما و آنان قرار ده.(3) بارخدایا ما را از پیروان آن حضرت علیه السلام و شهیدان در رکاب و پیش رویش بگردان. خدایا ظالمان و س_تمگران را لعنت فرما، کس_انی که دین تو را تغییر دادند، و کتابت را

1- عب__ارت «فَإِنّ__کَ تبدِئُ و تُعیدُ و أنتَ الغفورُ الوَدود» در متن دعا از آیات 13 و 14 س__وره مبارکه بروج گرفته شده است.

2- عبارت عربی متن دعا، با تغییراتی از آیۀ 3 سورۀ مبارکۀ فتح اقتباس شده است.
3- متن عربی این عبارت با تغییرات اندکی از آیۀ 80 سورۀ مبارکۀ إسراء گرفته شده است.

كِتابَکَ وَغَيَّرُوا سُنَّهَ نَبِيِّکَ، وَدَرَسُوا الْاثارَ، وَظَلَمُوا عَلى اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّکَ وَقاتَلُوا، وَتَعَدُّوا عَلَيْهِمْ، وَغَصَبُوا حَقَّهُمْ، وَنَفَوْهُمْ عَنْ بُلْدانِهِمْ وَاَزْعَجُوهُمْ عَنْ اَوْطانِهِمْ، مِنَ الطّاغِينَ وَالتّابِعينَ، وَالْقاسِطينَ وَالْمارِقينَ وَالنّاكِثينَ، وَاَهْلِ الزُّورِ وَالْكَذِبِ، الْكَفَرَهِ الْفَجَرَهِ.

اَللّهُمَّ الْعَنْ اَتْباعَهُمْ، وَجُيُوشَهُمْ، وَاَصْحابَهُمْ، وَاَعْوانَهُمْ، وَمُحِبّيهِمْ وَشيعَتَهُمْ، وَاحْشُرْهُمْ اِلى جَهَنَّمَ زُرْقا.

اَللّهُمَّ عَذِّبْ كَفَرَهَ اَهْلِ الْكِتابِ، وَجَميعَ الْمُشْرِكينَ، وَمَنْ ضارَعَهُمْ مِنَ الْمُنافِقينَ، فَاِنَّهُمْ يَتَقَلَّبُونَ فى نِعَمِکَ، وَيَجْحَدُونَ اياتِکَ، وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَکَ، وَيَتَعَدُّونَ حُدُودَکَ، وَيَدْعُونَ مَعَکَ اِلهاً لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَکَ وَتَعالَيْتَ عَمّا يَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّا كَبيرا.

اَللّهُمَّ اِنّى اَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّکِّ وَالشِّرْکِ، وَالشِّقاقِ وَالنِّفاقِ، وَالرِّياءِ، وَدَرَکِ الشَّقاءِ، وَسُوءِ الْقَضاءِ، وَشَماتَهِ الاَعْداءِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ.

تحریف نمودند، و سنت پیامبرت را دگرگون نمودند، و آثار (آن سنت) را از بین بردند، و بر اهل بیت پیامبرت صل الله علیه و آل وسلم س_تم روا داشتند(1)، و با آنان جنگیده و به (حریم) آنان تعدی نمودند، و حقش_ان را غصب کردند، و آنان را از سرزمین هایشان تبعید و از زادگاهشان بیرون راندند، از جمله سرکشان (در برابر خدا و رسول خدا) و کسانی که (از نسل بعدی) دنباله روی آنان شدند، و قاسطین (اصحاب زر و زور) و مارقین (خارج شوندگان از دین) و ناکثین (پیمان شکنان)، و اهل فریب و دروغ (که همه این گروه ها) کافران و فاجرانند.

خداوندا پیروان آنان و س_پاهیان و یاران و یاوران و دوس_تداران و دنباله روهای آنان را لعنت کن و آنان را (در قیامت به صورت) کورانی کبود چشم به سوی جهنم محشور گردان(2).

خدایا کافران اهل کتاب و تمام مشرکان و منافقان را که ش_بیه آنانند عذاب فرما، زیرا بی گم_ان آنان در نعمتهای تو غوطه ورند ولی آیات تو را انکار نموده و فرستادگانت را تکذیب می کنند، و از حدود (دستورات و احکام) تو تجاوز نموده، و به همراه تو معبودی دیگر را فرا می خوانند. (اما حقیقت این است که) معبودی جز تو نیست، تو پاک و منزهی و بسیار والاتر و بالاتری از آن چه که ستمگران و گناهکاران می گویند (و معتقدند).(3)

بارالها از ش_ک و تردید و ش_رک و جدایی (از حق) و نفاق و ری_ا و دورویی و عمق (و تبعات) بدبختی و قضا و قدر بد و شاد ش_دن دشمنانم و سرزنش آنان و فرجام و عاقبت بد به تو پناه می برم.

1- آوردن «علی» در متن عربی لازم نیست، زیرا «ظلموا» متعدی بنفسه است.(مترجم)
2- متن عربی این عبارت یادآور آیه 102 سوره مبارکه طه است
3- متن عربی این عبارت با کمی تغییر از آیه 43 سوره مبارکه إسراء اقتباس شده است.

اَللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّی کَما تَقَبَّلْتَ مِنَ الصّالِحینَ، وَاَلْحِقْنی بِهِمْ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، اَللّهُمَّ افْسَحْ فی اَجَلی، وَاَوْسِعْ فی رِزْقی، وَمَتِّعْنی بِطُولِ الْبَقاءِ، وَدَوامِ الْعِزِّ، وَتَمامِ النِّعْمَهِ، وَرِزْقٍ واسِعٍ، وَاَغْنِنی بِحَلالِکَ عَنْ حَرامِکَ، وَاصْرِفْ عَنِّی السُّوءَ وَالْفَحْشاءَ وَالْمُنْکَرَ.

اَللّهُمَّ افْعَلْ بی ما اَنْتَ اَهْلُهُ، وَلا تَفْعَلْ بی ما اَنَا اَهْلُهُ، و لا تُؤاخِذْنی بِعَدْلِکَ، وَجُدْ لَیَّ عَفْوِکَ وَرَحْمَتِکَ،وَرَأفَتِکَ وَرِضْوانِکَ. اَللّهُمَّ عَفْوَکَ، لا تَرُدَّنا خائِبینَ، وَلا تَقْطَعْ رَجائی، وَلا تَجْعَلْنی مِنَ الْقانِطینَ، وَ لا مَحْرُومینَ، وَلا مُجْرِمینَ، وَلا ایِسینَ، وَلا ضالّینَ وَلا مُضِلّینَ، وَ لا مَطْرُودینَ، وَلا مَغْضُوبینَ، امِنَّا الْعِقابَ، وَطَمْئِنْ بِنا دارَکَ دارَ السَّلامِ.

اَللّهُمَّ اِنّی اَتَوَسَّلُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَالِهِ الطَّیِّبینَ وَاَتَشَفَّعُ اِلَیْکَ بِهِمْ، وَاَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِهِمْ، وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِهِمْ، اَللّهُمَّ اجْعَلْنی بِهِمْ وَجیها، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی بِهِمْ، وَتَجاوَزْ عَنْ سَیِّئاتی بِهِمْ، وَارْحَمْنی بِهِمْ، وَاشْفَعْنی بِهِمْ. اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ حُسْنَ الْعاقِبَهِ، وَتَمامَ النِّعْمَهِ فِی الدُّنْیا وَالاْخِرَهِ،

بارخدایا (این دعاها و اعمال خوبم را) از من بپذیر همان گونه که از بندگان صالحت پذیرفتی و مرا به ایشان ملحق ساز ای مهربان ترین مهربانان. بارخدایا مدت عمرم را فراخ و رزقم را زیاد و گسترده فرما، و مرا به طولانی بودن زندگی و دوام و پایداری عزت و کامل بودن نعمت، و روزی گسترده بهره مند ساز، و با (رزق) حلالت مرا از حرامت بی نیاز گردان و شر و بدی و زشتی و عمل ناشایست را از من دور کن.

خداوندا آن چه را که خود اهل آنی در موردم انجام بده، و آنچه را که من اهل آنم در موردم انجام نده، و مرا با عدلت مؤاخذه مفرما، و عفو و بخشش و رحمت و رأفت و خشنودیت را با جود و کرمت به من عنایت فرما.

خدایا عفو و بخششت را می طلبم، (بنابر این) ما را (از لطفت) مأیوس مگردان، و امیدم را (از درگاهت) قطع نکن، ومرا در زمره نومیدان و محرومان و مجرمان و مأیوسان و گمراهان و گمراه کنندگان و رانده شدگان و غضب شدگان قرار مده، ما را از مجازات در امان بدار، و ما را در خانه ات _ خانه امن و آرامش _ ساکن گردان.

خداوندا به یقین من به واسطه محمد و خاندان پاکش (صلوات ا علیهم اجمعین) به (درگاه) تو متوسل می شوم و آنان را به درگاهت شفیع خود می گردانم، و به واسطه وجود مبارکشان به سوی تو تقرّب می جویم، و به وسیله آنان به درگاهت روی می آورم. خداوندا مرا به واسطه آنان در درگاهت آبرومند ساز، و به برکت وجودشان مرا بیامرز، و از بدی ها و گناهانم درگذر، و به خاطر آنان به من رحم کن، و مرا قرین و همراه آنان گردان.

خداوندا از تو فرجام و عاقبت نیکو و نعمت کامل

اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لَنا، وَارْحَمْنا، وَتُبْ عَلَیْنا، وَعافِنا، وَغَنِّمْنا، وَرَفِّعْنا وَسَدِّدْنا، وَاهْدِنا، وَارْشِدْنا، وَکُنْ لَنا وَلا تَکُنْ عَلَیْنا، وَاکْفِنا ما اَهَمَّنا مِنْ اَمْرِ دُنْیانا وَاخِرَتِنا، وَلا تُضِلَّنا، وَلا تُهْلِکْنا، وَلا تَضَعْنا،وَاهْدِنا اِلی سَواءِ الصِّراطِ، وَاَتِنا ما سَاَلْنا وَما لَمْ نَسْاَلْکَ، وَزِدْنا مِنْ فَضْلِکَ، اِنَّکَ اَ نْتَ الْمَنّانُ یا اَللّهُ، رَبَّنا اتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً، وَفِی الْاخِرَهِ حَسَنَةً، وَقِنا عَذابَ النّارِ، اَسْتَغْفِرُ اللّهَ رَبّی، وَاَتُوبُ اِلَیْهِ

اغْفِرْ، وَارْحَمْ، وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، اِنَّکَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَ کْرَمُ.

10_بعد نافله الفجر

اَسْتَمْسِکُ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَی الَّتی لاَ انْفِصامَ لَها، وَبِحَبْلِ اللّهِ الْمَتینِ، وَاَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَاَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ.

11_بین الأذان والإقامه

المنفرد یخطو تجاه القبله خطوه برجله الیمنی ثمّ یقول :

به راستی تو بر هر چیزی بسیار توانایی.

بارخدایا ما را بیامرز و رحم کن، و توبه مان را بپذیر (و به سوی ما بازگرد)، و ما را عافیت بخش و غنیمت ده، و ما را بالا برده و (در راه حق) استوار کن، و ما را هدایت و راهنمایی فرما، و به سود ما باش و به ضرر ما نباش، و ما را نسبت به امور دنیا و آخرتمان که ما را دغدغه مند و اندوهگین ساخته کفایت فرما، و (هرگز) ما را گمراه مکن، و نابود نفرما، و حقیر و فرومایه مساز.

و ما را به سوی راه صحیح هدایت فرم_ا،(1) و آن چه را که از تو خواس_تیم و آن چه را نخواس_تیم به ما عنایت فرما، و از فضلت بر نعمتمان بیفزا، (زیرا) به راس_تی تو خودت بسیار نعمت بخشی ای خدا، پروردگارا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی به ما عطا فرما و ما را از عذاب آتش دوزخ مصون بدار.(2) از خداوند _ پروردگارم _ آمرزش می خواهم و به درگاهش توبه می کنم. (خداوندا) بیامرز، و رحم کن، و از هر آنچه (از اعمال زش_ت و گناهانمان) می دانی درگذر، (چرا که) قطعاً تو خودت عزیزترین و گرامی ترینی.

دعای دهم: دعای حضرت علیه السلام پس از نافله صبح

به محکم ترین دست آویز الهی که هیچ گسس_تگی ندارد(3) و به ریسمان مستحکم خداوند چنگ می زنم، و از شز فاسقان و بدکاران عرب و عجم به خدا پناه می برم، و (هم چنین) از شر فاسقان و بدکاران جن و انس به خداوند پناه می برم.

دعای یازدهم: دعای امام علیه السلام بین اذان و اقامه

(از امام رضا علیه السلام روایت ش_ده که فرمودند:) ش_خصی که به صورت فرادی نماز می خواند (بین اذان و اقامه) با پای راس_تش یک گام به جلو گذاشته و بگوید:

1- متن عربی این عبارت، یک عبارت قرآنی است که در پایان آیه 22 سوره مبارکه ص آمده است.

2- متن عربی این عبارت، یک دعای قرآنی است که در آیه 201 سوره بقره آمده است.
3- عب__ارت «اسْتَمْسِ__کُ بالعُ__رْوَهِ اْلوُثْقَی اّلتی لا انْفِصامَ لَها» با اندکی تغییر از آیه 256 س__وره مبارکه بقره اقتباس شده است.

بِاللّهِ اَسْتَفْتِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ - صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ واِله - اَسْتَنْجِحُ وَاَتَوَجَّهُ. اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى الِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنى بِهِمْ وَجيها فِى الدُّنْياوَالاْخِرَهِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ.

12_بعد التكبيرات

ثمّ افتتح الصلاه، ثمّ كبّر مع التوجّه ثلاث تكبيرات ثمّ تقول: اَللّهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبينُ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً، وَظَلَمْتُ نَفْسى، فَاغْفِرْ لى، اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلاّ اَنْتَ.

ثُمَّ تكبّر تكبيرتين وتقول : لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، وَالْخَيْرُ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَيْسَ اِلَيْكَ، وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ، بَيْنَ يَدَيْكَ، مِنْكَ وَبِكَ وَلَكَ وَاِلَيْكَ، لا مَلْجَأَ وَلا مَنْجى وَلا مَفَرَّ مِنْكَ اِلاّ اِلَيْكَ.

سُبْحانَكَ وَحَنانَيْكَ، تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ، سُبْحانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرامِ، وَالرُّكْنِ وَالْمَقامِ، وَالْحِلِّ وَالْحَرامِ.

با استعانت از خداوند متعال آغاز می کنم، و به برکت محمد _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد _ پیروزی و موفقیت را می طلبم و (به درگاه خدا) روی می آورم. خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و به برکت وجودشان مرا در دنیا و آخرت (نزد خودت) آبرومند و از نزدیکان درگاهت گردان.

دعای دوازدهم: دعای حضرت علیه السلام بعد از تکبیرات افتتاحیه نماز

(از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:) سپس نماز را آغاز کن، و با توجه و حضور قلب سه تکبیر بگو، سپس بگو: بارخدایا تو فرمانروای حق آشکار و روشنگری، هیچ معبودی جز تو نیست، تو را (از هر عیب و نقصی) منزّه و مبرّا می دانم و به ستایش و سپاست (مشغولم) . بد عمل کرده ام و به خویشتن ظلم نموده ام، پس مرا بیامرز، (زیرا) بی گمان جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد.

سپس دوبار تکبیر گفته و می گویی: (فرمانت را) مکرراً اجابت می کنم و مکرراً (انجام آن را) یاری می رسانم، و خیر و برکت در پیشگاه توست، و شر و بدی به سوی تو راه ندارد، و هدایت شده آن کسی است که تو هدایت کردی. بنده ات و فرزند دو بنده ات در پیشگاهت (ایستاده) است، (وجودش) از تو و (استعانتش) به (ذیل عنایت) تو و (سراسر وجود و عبادتش) برای تو و (سیر و حرکتش) به سوی توست، هیچ پناه و هیچ نجات و هیچ گریزی از (خشم و قدرت) تو نیست مگر به سوی خودت، تو را (از هر عیب و نقصی) پاک و منزّه می دانم و مهربانی مکررت را (خواستارم)، ذاتت پربرکت و بی زوال اس_ت و (از آن چه به گمان آید) برتر و والاتری، پاک و منزّهی ای پروردگار (و صاحب اختیار) بیت ا الحرام (خانه پرحرمت کعبه)، و رکن و مقام، و حلّ (منطقه خارج از منطقه احرام) و حرام (منطقه احرام).

ثم تكبّر تكبيرتين وتقول : وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمواتِ وَ الْاَرَضینَ، حَنیفا - عَلی مِلَّهِ اِبراهیمَ ، وَ دینِ مُحَمَّدٍ، وَ وِلایَهِ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمْ - مُسْلِما وَما اَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ، اِنَّ صَلاتی وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَماتی لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ، لا شَریکَ لَهُ، وَبِذلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمینَ، لا اِلهَ غَیْرُکَ وَلا مَعْبُودَ سِواکَ، اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمیعِ الْعَلیمِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ .

13_فی القنوت

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْحَلیمُ الکَریمُ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ، سُبْحانَکَ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضینَ السَّبْعِ وَما فیهِنَّ، وَما بَیْنَهُنَّ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ، یا اَللّٰهُ ، لَیْسَ کَمِثْلِه شَیْءٌ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاغْفِرْ لی وَلِوالِدَیَّ وَلِجَمیعِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ(8). رَبِّ اغْفِرْ، وَارْحَمْ وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، اِنَّکَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَجَلُّ الْاَکْرَمُ.

سپس دو تکبیر گفته و می گویی: چهره (و وجود) خویش را به س_وی خدا می گردانم که آسمان ها و زمین ها را آفرید در حالی که حق گرا_ بر آیین ابراهیم علیه السلام و دین محمد صل الله علیه و آل وسلم و ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب _ که درود و رحمت خداوند بر آنان باد_ (و) تسلیم (امر خدا) هستم و (هرگز) از مشرکان نیستم(1). بی گمان نماز و عبادات من و زندگی و مرگم برای خداوند پروردگار جهان ها و جهانیان اس_ت، هیچ شریکی برایش وجود ندارد، و به همین (اعتقاد و کردار) مأمور شده ام و من از مس_لمانان (و تسلیم شدگان) هستم(2). هیچ خدایی غیر تو نیست و هیچ معبودی جز تو وجود ندارد، به خداوند بسیار شنوای بسیار دانا از (شر) شیطان رانده شده پناه می برم. (3)

دعای سیزدهم: دعای امام علیه السلام در قنوت

بارخدایا تو خداوندی که هیچ معبودی جز تو نیست، بردبار (و بزرگمنش) و بزرگواری، هیچ معبودی جز تو نیس_ت (که) بلند مرتبه و بسیار بزرگی، تو پاک و منزّهی پروردگار (و صاحب اختیار) آس_مان های هفت گانه و پروردگار زمین ه_ای هفت گانه، و هرآن چه در آن هاست و هرآن چه بین آن هاست و پروردگار (و صاحب اختیار) عرش عظیم.

ای خداوند (که) هیچ چیزی همانند او نیست، بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، و مرا و والدینم و تمام مردان و زنان باایمان را بیامرز(4)، (که) بی گمان تو بر هر چیزی بسیار توانای_ی(5)، پروردگارا (مرا) بیامرز و رحم کن و از آن چه که (از گناهانم) می دانی درگذر، (زیرا) به راستی تو خودت عزیزترین، عظیم ترین و گرامی ترینی.

1- متن عربی این عبارت بدون عبارت معترضه وس__ط آن، با اندک تغییری از آیه 79 س__وره انعام گرفته ش__ده است
2- متن عربی عبارات اخیر با تغییر مختصری از آیات 162و 163 سوره مبارکه انعام اقتباس شده است
3- ذکر عبارت«أعوذُ باﷲ السّ__میعِ العلیمِ منّ الش__یطانّ الرجیم» در ضمن دعا، در حقیقت عمل کردن به دستوری است که در آیات 200 سوره مبارکه اعراف و 36 سوره مبارکه فصلت داده شده است.

4- متن عربی این عبارت، با تغییراتی از آیه پایانی سوره مبارکه نوح برداشته شده است.
5- در نسخه ای دیگر به جای عبارت اخیر متن، عبارت «إنّک علی ذلک قادر» آمده است.

14_فی قنوت صلاه العیدین

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّٰهُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَاَنَّ مُحَمَّدا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اَللّٰهُم اَنْتَ اَهْلَ الْکِبْرِیاءِ وَالْعَظَمَهِ، وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ، وَاَهْلَ الْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَهِ، وَاَهْلَ التَّقْوی وَالرَّحْمَهِ، اَسْاَلُکَ فی هذَا الْیَوْمِ الَّذی جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمینَ عیدا، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاِلِه ذُخْرا وَمَزیدا، اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْهِ وَعَلی اِله، وَاَسْاَلُکَ بِهذَا الْیَوْمِ الَّذی شَرَّفْتَهُ وَکَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاِلِه، اَنْ تَغْفِرَ لی وَلِجَمیعِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ، وَالْمُسْلِمینَ وَالْمُسْلِماتِ، الاَحْیاءِ مِنْهُمْ وَالاَمْواتِ، اِنَّکَ مُجیبُ الدَّعَواتِ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

15_فی قنوت صلاه الکسوف

«...اِنَّ اللّٰهَ یَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِی السَّمواتِ وَمَنْ فِی الاَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوابُّ وَکَثیرٌ مِنَ النّاسِ، وَکَثیرٌ حَقَّ عَلَیْهِ الْعَذابُ....»(9)

ص: 196

دعای چهاردهم: دعای حضرت علیه السلام در قنوت نماز عید فطر و قربان

شهادت می دهم که معبودی جز خداوند نیست (که) یکتاست و هیچ شریکی ندارد، و این که محمد صل الله علیه و آل وسلم بنده و فرستاده اوست. بارالها تو اهل و شایسته کبریاء (و بزرگی) و عظمتی، و اهل جود و جبروت و قدرتی، و اهل بخشش و آمرزش، و اهل تقوا و رحمت هستی.(1) در این روز (مبارک) که آن را عیدی برای مسلمانان گرداندی و (آن را) برای محمد _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد_ ذخیره و مایه برکت و فزونی قرار دادی، از تو درخواست می کنم که بر او و بر خاندان (پاکش) درود و رحمت فرستی.

و به حق امروز که آن را شرافت بخش_یده و گرامی داشته و عظمت داده و (بر سایر ایام) برتری دادی به برکت محمد _ که درود خدا بر او و خاندانش باد_ که مرا و همگی مردان و زنان مؤمن و مسلمان، زندگان و مردگان آنان را بیامرزی، به یقین تو اجابت کننده دعاها و نیایش هایی، ای مهربان ترین مهربانان.

دعای پانزدهم: دعای امام علیه السلام در قنوت نماز کسوف

(... بی گمان خداوند هر آن که در آسمان ها و هرآن که در زمین است و خورشید و ماه و س_تارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برایش سجده می کنند، و بسیاری (از مردم) عذاب بر آن ها تحقق یافته و ثابت شده است...)(2)

1- متن عربی عبارات اخیر، با تغییراتی از آیه پایانی سوره مبارکه مدّثر گرفته شده است.
2- سوره مبارکه حج/ آیه 18

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ لا تُعَذِّبْنا بِعَذابِکَ وَلا تُسْخِطْ عَلَيْنا بِسَخَطِکَ، وَلا تُهْلِکْنا بِغَضَبِکَ، وَلا تُؤاخِذْنا بِما فَعَلَ السُّفَهاءُ مِنّا، وَاعْفُ عنّا، وَاغْفِرْ لَنا، وَاصْرِفْ عَنَّا الْبَلاءَ، يا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ.

16_فی الرکوع

اَللّهُمَّ لَکَ رَکَعْتُ، وَلَکَ خَشَعْتُ، وَبِکَ اعْتَصَمْتُ، وَلَکَ اَسْلَمْتُ وَعَلَيْکَ تَوَکَّلْتُ، اَنْتَ رَبّی، خَشَعَ لَکَ قَلْبی وَسَمْعی وَبَصَری، وَشَعْری وَبَشَری، وَمُخّی وَلَحْمی، وَدَمی وَعَصَبی وَعِظامی، وَجَميعُ جَوارِحی، وَما اَقَلَّتِ الْاَرْضُ مِنّی، غَيْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَلا مُسْتَکْبِرٍ، لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، لا شَريکَ لَهُ، وَبِذلِکَ اُمِرْتُ.

سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظيمِ وَبِحَمْدِه. (ثلاث مرّات، او خمسا أو سبعا أو تسعا فهو أفضل)

17_فی آخر السجده من نوافل المغرب ليله الجمعه

فإذا حضر يوم الجمعه، ففی ليلته قل فی آخر السجده من نوافل المغرب، وأنت ساجد:

خداوندا بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست، خداوندا ما را به عذابت عذاب مفرما و با خشمت بر ما خشم مگیر، و با غضبت ما را هلاک نکن، و به خاطر آنچه نادانان و سفیهان ما انجام دادند ما را مؤاخذه و مجازات مفرما(1)، و ما را عفو کن و بیامرز، و بلا را از ما بگردان، ای صاحب (لطف و) نعمت و احسان (و تفضل).

دعای شانزدهم: دعای حضرت علیه السلام در رکوع

بارالها فقط برای تو رکوع کردم، و تنها برای تو خشوع و فروتنی ورزیده ام، و فقط به تو پناه می جویم، و تنها برای تو خود را تسلیم کرده ام، و فقط بر تو تکیه و اعتماد کرده ام، (زیرا) تو پروردگار (و صاحب اختیار) منی، دل و گوش و چش_م من، و مو و پوست و مغزم، و گوشت و خون و عصب و استخوان هایم، و تمام اعضا و جوارحم و آن چه که زمین از من در برگرفته است برای تو (و در برابرت) خاشع و فروتن است، در حالی که (از این خشوع) در برابر خدا که پروردگار جهانیان است امتناع ننموده و تکبر نمی ورزد. هیچ همتا و شریکی برای او نیست و من به همین (کار) مأمور شده ام.

سپس سه بار یا پنج یا هفت یا نه بار این ذکر را بگو که این تکرار بهتر است:

پروردگار (و صاحب اختیار) بس_یار بزرگم را (از هر عی_ب و نقصی) منزّه می دانم و به ستایش و سپاس او (مشغولم).

دعای هفدهم: دعای حضرت علیه السلام در آخر سجده نافله های نماز مغرب در شب جمعه

(از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:) پس هرگاه روز جمعه آمد، در شب آن در آخر سجده هر یک از نافله های نماز مغرب و در حالی که در سجده ای بگو:

1- عبارت «لا تُؤاخِذنا بما فَعَلَ السفَهاءُ مِنّا» در متن دعا، یادآور بخشی از آیه 155 سوره مبارکه اعراف است.

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ، وَسُلْطانِکَ الْقَدیمِ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَاٰلِه، وَتَغْفِرَ لی ذَنْبِیَ الْعَظیمَ.

18_فی تعقیب الصلاه

فإذا فرغت من صلاه الزوال، فارفع یدیک ثمّ قل:

اَللّهُمَّ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ، وَاَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ (بِمُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ) وَاَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِمَلائِکَتِکَ وَاَنْبِیائِکَ وَرُسُلِکَ، وَاَسْاَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاَسْاَلُکَ اَنْ تُقیلَ عَثْرَتی، وَتَسْتُرَ عَوْرَتی، وَتَغْفِرَ ذُنُوبی، وَتَقْضِیَ حَوائِجی، وَلا تُعَذِّبَنی بِقَبیحِ فِعالی، فَاِنَّ جُودَکَ وَعَفْوَکَ یَسَعُنی.

ثمّ تخرّ ساجدا، وتقول فی سجودک:

یااَهْلَ التَّقْوی وَالْمَغْفِرَهِ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ، اَنْتَ مَوْلایَ وَسَیِّدی فَارْزُقْنی. اَنْتَ خَیْرٌ لی مِنْ اَبی وَاُمّی وَمِنَ النّاسِ اَجْمَعینَ. بی اِلَیْکَ فَقْرٌ وَفاقَهٌ، وَاَنْتَ غَنِیٌّ عَنّی، اَسْاَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَریمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَعَلی اِخْوانِهِ النَّبِیّینَ وَالاَئِمَّهِ الطّاهِرینَ، وَتَسْتَجیبَ دُعائی، وَتَرْحَمَ تَضَرُّعی، وَاصْرِفْ عَنّی اَنْواعَ الْبَلاءِ، یا اَرْحَمَ الرّاحمینَ.

بارخدایا من به برکت اسم عظیم تو و سلطه و قدرت ازلی و قدیمت از تو می خواهم که بر محمد و آل او درود و رحمت فرستی و گناه عظیم و بسیار مرا بیامرزی.

دعای هجدهم: دعای امام علیه السلام در تعقیبات نماز

(از حضرت رضا علیه السلام نقل ش_ده که فرمودند:) پس هرگاه از نماز ظهر فارغ شدی دستانت را بلند کرده و بگو:

بارالها من به واسطه جود و بزرگواریت به س_وی تو تقرّب می جویم، و (به یمن وجود محمد صل الله علیه و آل وسلم بنده و فرستاده ات) به درگاهت نزدیکی می جویم، و به وسیله فرشتگان و انبیاء و پیامبرانت به تو تقرّب می جویم، و از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت بفرستی، و از تو می خواهم که لغزشم را ببخشی و درگذری، و عیب و زشتی ام را بپوشانی، و گناهانم را بیامرزی، و حاجت هایم را برآورده سازی، و به سبب کارها و اعمال زشتم مرا عذاب نفرمایی، چرا که بی گمان جود و بخشش تو مرا فرا می گیرد.

سپس به سجده درمی افتی و در حال سجده می گویی:

ای (خدای) اهل تقوا و آمرزش،(1) ای مهربان ترین مهربانان، تو مولا و سرور منی، پس م_را روزی ده. تو برایم از مادر و پدرم و از همه مردم بهتری، قطعاً در (وجود) من نیاز و احتیاج زیادی به تو وجود دارد، ولی تو از من بی نیازی، به حق ذات کریم و بزرگوارت از تو درخواست می کنم

که بر محمد و آل محمد، و بر برادران حضرتش که پیامبرانند، و ائمه و پیشوایان پاک درود و رحمت فرستی و دعای مرا اجابت فرمایی، و بر ناله و زاری من ترحم کنی، و انواع بلا و مصیبت را از من برگردانی، ای مهربان ترین مهربانان.

1- متن عربی این عبارت با اندکی تغییر از آیه پایانی سوره مبارکه مدّثر اقتباس شده است

فإذا فرغت من صلاتک، فارفع یدیک وأنت جالس وکبّر ثلاثا، وقل:

لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَاَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْاَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ، وَیُمیتُ ویُحْیی، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.

19_عند الخروج من المنزل وعند السفر إلی الحجّ

إذا أردت سفرا فاجمع أهلک، وصلّ رکعتین، وقل: اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُکَ دینی، وَنَفْسی، وَاَهْلی، وَوُلْدی، وَعِیالی.

20_عند الخروج إلی الحجّ

فإذا أردت الخروج إلی الحج... وقل:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُکَ الْیَوْمَ دینی وَمالی وَنَفْسی، وَاَهْلی وَوُلْدی، وَجَمیعَ جیرانی وَاِخْوانِیَ الْمُؤْمِنینَ، الشّاهِدَ مِنّا وَالْغائِبَ عَنّا.

و هنگامی که از نمازت فارغ شدی درحالی که نشسته ای دستانت را بلند کن و سه بار تکبیر گفته و بگو:

هیچ معبودی جز خداوند نیس_ت (که) یکتا (و) یگانه است، وعده اش را به انجام رساند و تحقق بخشید، و بنده اش را یاری نمود و سپاهش را قدرتمند و غالب فرمود، و به تنهایی تمام گروه های (کفار و مشرکان) را شکست داده و فراری داد، پس فرمانروایی فقط برای اوست، و ستایش و سپاس مخصوص اوست، زنده می گرداند و می میراند، و می میراند و زنده می کند، خیر و برکت فقط در دست اوست، و او بر هر چیزی بسیار تواناست.

دعای نوزدهم: دعای حضرت علیه السلام هنگام بیرون رفتن از منزل و هنگام سفر حج

(از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:) هرگاه اراده سفر داشتی افراد خانواده ات را جمع کن و دو رکعت نماز گزارده و بگو:

بارخدایا بی گمان من دینم و خودم و خانواده و فرزندان و عیال (و نان خورهایم) را به تو می سپارم.

دعای بیستم: دعای امام علیه السلام هنگام رفتن به حج

(از حضرت رضا علیه السلام روایت است که فرمودند:) پس هرگاه اراده رفتن به حج را داشتی... و بگو: خداوندا من امروز دین و مالم و خودم و خانواده و فرزندانم و تمام همسایگان و دوستان مؤمنم _ چه آنان که پیشم حاضرند و چه آنان که غایبند _ را به تو می سپارم.

21_دعاء آخر:

إذا أردت الخروج إلى الحجّ ودّعت أهلک .... ثمّ صلّ رکعتین وتقول:

اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ وَعْثاءِ السَّفَرِ، وَکَابَهِ الْحُزْنِ.

اَللّهُمَّ احْفَظْنی فی سَفَری، واسْتَخْلِفْ لی فی اَهْلی وَوُلْدی، ورُدَّنی فی عافِیَهٍ اِلی اَهْلی وَرَهْطی.

22_إذا أردت الخروج من منزلک فقل: بِسْمِ اللّهِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّهَ اِلاّ بِاللّهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّهِ ....

واقرأ «قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدْ» مرّه عن یمینک،ومرّه عن یسارک، ومرّه عن خلفک، ومرّه [من] بین یدیک، ومرّه من فوقک، ومرّه من تحتک، فإنّکَ تکون فی یومک کلّه فی أمان اللّه.

فإذا خرجت فقل: «بِحَوْلِ اللّهِ وَقُوَّتِه اَخْرُجُ»

23_فإذا وضعت رجلک فی الرکاب، فقل

: بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ، وَفی سَبیلِ اللّهِ وَعَلی مِلَّهِ رَسُولِ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَاَلِه وَسَلَّمْ.

فإذا استویت علی راحلتک، واستوی بک محملک، فقل: اَلْحَمْدُللّهِ الَّذی هَدانا اِلَی الاْسْلامِ، وَمَنَّ عَلَیْنا بِالاْیمانِ،

دعای بیست و یکم: دعای دیگر

هرگاه اراده رفتن به حج را داشتی با خانواده ات وداع کرده ... سپس دو رکعت نماز بگزار و بگو:

خداوندا من از سختی و مشقت سفر و افسردگی اندوه و حزن به تو پناه می برم.

بارخدایا مرا در سفرم حفظ فرما، و برای من جانشینی در خانواده و فرزندانم قرار ده، و مرا با سلامتی و عافیت به خانواده و جماعتم برگردان

دعای بیست و دوم: هرگاه خواستی از منزل بیرون روی بگو: به نام خدا (بیرون می روم)، و هیچ توان و هیچ قدرتی نیست جز با استعانت از خداوند (متعال) بر خداوند توکل و اعتماد کردم ...

و (سپس) سوره توحید را یک بار به سمت راست خود، و بار دیگر به سمت چپ خودت، و یک بار پشت سر و یک بار پیش رو و بار دیگر بالای سر و بار دیگر زیر خود بخوان، که (در این صورت) بی گمان تو در تمام امروزت در امان خدا خواهی بود. و هرگاه از خانه خارج شدی بگو: فقط با (استعانت از) توان خدا و قدرتش خارج می شوم.

دعای بیست و سوم: پس هرگاه پایت را در رکاب نهادی بگو: به نام خدا و با استعانت از خدا، و در راه خدا و بر آیین رسول خدا که درود و رحمت خدا و سلامش بر او و خاندانش باد.

و هنگامی که روی مرکب خود مستقر شدی و کجاوه ات تو را در برگرفت بگو:

ستایش و سپاس برای خداوندی است که ما را به راه اسلام هدایت فرمود، و نعمت ایمان را به ما ارزانی داشت،

وَعَلَّمَنَا الْقُرْانَ، وَمَنَّ عَلَيْنا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَاٰلِه، «سُبْحانَ الَّذى سَخَّرَ لَنا هذا وَماكُنّا لَهُ مُقْرِنينَ وَاِنّا اِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ، وَالْحَمْدُللّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

24_عند الإحرام للتمتّع بالعمره إلى الحجّ بعد الفريضه

فإذا أردت التمتّع فقل: اَللّهُمَّ اِنّى اُريدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَهِ اِلىَ الْحَجِّ عَلى كِتابِکَ وَسُنَّهِ نَبِيِّکَ، فَيَسِّرْهُ لى، وَتَقَبَّلْها مِنّى(10)

25_دعاء آخر:

اَللّهُمَّ اِنّى اُريدُ ما اَمرَتَ بِه مِنَ التَّمَتُّعِ بِالْعُمْرَهِ اِلَى الْحَجِّ، عَلى كِتابِکَ وَسُنَّهِ نَبِيِّکَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَاٰلِه، فَاِنْ عَرَضَ لى عارِضٌ يَحْبِسُنى، فَحَلِّنى حَيثُ حَبَسْتَنى، لِقَدَرِکَ الّذى قَدَّرْتَ عَلَىَّ.

اَللّهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّهٌ، فَعُمْرَهٌ.

وإن دخلت بحجّ مفرد ... تقول : اَللّهُمَّ اِنّى اُريدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لى، وَتَقَبَّلْهُ مِنّى

و قرآن را به ما یاد داد، و با وجود مبارک محمد _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد _ بر ما تفضل کرد (و منت نهاد) پاک و منزه است خدایی که این (مرکوب) را در اختیار ما قرار داد (و مسخر ما گردانید) و (گرنه) ما خود بر این کار قادر نبودیم، و بی گمان ما به س_وی پروردگارمان باز می گردیم»(1) و س_تایش و سپاس مخصوص خداوند است (که) پروردگار جهان ها و جهانیان (است)(2).

دعای بیست و چهارم: دعای حضرت علیه السلام هنگام بستن احرام برای تمتع در حج عمره پس از نماز واجب

(از حضرت علیه السلام روایت ش_ده که فرمودند:) هرگاه قصد به جا آوردن متعه حج (در حج عمره) را کردی بگو: خداوندا من می خواهم متعه حج عمره را بر اس_اس کتابت و س_نت پیامبرت صل الله علیه و آل وسلم به جا آورم، پس آن را برایم آسان گردان و این عمره را از من بپذیر(3)

دعای بیست و پنجم: دعای دیگر

بارخدای_ا م_ن می خواهم که آن چه در مورد به جا آوردن حج عمره به من امر فرمودی را بر اساس کتابت و سنت پیامبرت _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد_ به اجرا گذارم، پس اگر در این کار حادثه ای عارض ش_د که مرا (از این کار) باز می داشت (آن مانع را) از س_ر راهم بردار همان گونه که با قضا و قدری که بر من مقدر فرمودی مرا باز داشتی. خداوندا اگر این سفر حج تمتع نیست آن را عمره قرار ده. و اگر به قصد حج افراد وارد شدی ... می گویی: خداوندا من می خواهم حج به جا آورم، پس آن را برایم آس_ان گردان، و این عمل را از من بپذیر.

1- متن عربی عبارات اخیر در حقیقت آیات 13 و41 سوره مبارکه زخرف است.
2- متن عربی این عبارت، عبارات معروف قرآنی «الحَمدُ ﷲ رَبِّ العالمین» اس__ت که در آیات 2 س__وره حمد، 45 انعام، 10 یونس، 182 صافات، 75 زُمر و 65 غافر به کار رفته است.
3- و هرگاه قصد به جا آوردن حج به نیابت ش__خص دیگری داش__تی بگو: خداوندا من می خواهم از طرف فلان بن فلان (و به جای فلان بن

فلان نام آن ش__خص را ببر)، س__پس آن را برایم آسان گردان، و از طرف فلانی این (حج) را بپذیر.

ثمّ قل عند ذلک: اَللّهُمَّ فاِنْ عَرَضَ لی شَیْءٌ یَحْبِسُنی، فَحَلِّنی حَیْثُ حَبَسْتَنی لِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرْتَ عَلَیّ، اَللّهُمَّ اِنْ لَمْ تَکُنْ حَجَّةٌ، فَعُمْرَةٌ.

اُحْرِمُ لَکَ شَعْری وَبَشَری، وَلَحْمی وَعِظامی، وَمُخّی وَعَصَبی، وَشَهَواتی مِنَ النِّساءِ وَالطّیبِ، وَغَیْرِها مِنَ اللِّباسِ وَالزّینَهِ، اَبْتَغی بِذلِکَ وَجْهَکَ وَمَرْضاتِکَ، وَالدّارَ الْاخِرَهَ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ اَنْ تَجْعَلَنی مِمَّنِ اسْتَجابَ لَکَ، وَامَنَ بِوَعْدِکَ وَاتَّبَعَ اَمْرَکَ، فاِنّی اَنَا عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ، وَفی قَبْضَتِکَ، لا واقٍ اِلاّ ما وَقَیْتَ، وَلا اخِذٌ اِلاّ ما اَعْطَیْتَ.

فَاَسْاَلُکَ اَنْ تَعْزِمَ لی عَلی کِتابِکَ وَسُنَّهِ نَبیِّکَ، وَتُقَوِّیَنی عَلی ما صَنَعْتَ عَلَیْهِ، وَتُسَلِّمَ مِنّی مَناسِکی فی یُسْرٍ مِنْکَ وَعافِیَهٍ، وَاجْعَلْنی مِنْ وَفْدِکَ الَّذی رَضیتَ وَارْتَضَیْتَ، وَسَمَّیْتَ وَکَتَبْتَ.

اَللّهُمَّ اِنّی خَرَجْتُ مِنْ شُقَّهٍ بَعیدَهٍ، وَمَسافَهٍ طَویلَهٍ، وَاِلَیْکَ وَفَدْتُ وَلَکَ زُرْتُ، وَاَنْتَ اَخْرَجْتَنی، وَعَلَیْکَ قَدِمْتُ، وَاَنْتَ اَقْدَمْتَنی،

پس در آن هنگام بگو: بارالها پس اگر حادثه ای برایم عارض شد که مرا (از آن) باز می داشت مرا (از آن) آزاد فرما همان گونه که با قضا و قدری که بر من مقدر فرمودی مرا بازداشتی، خدایا اگر این سفر نمی تواند حج باشد آن را عمره قرار ده.

به خاطر تو مو و پوستم و گوشت و استخوان و مغز و عصبم و تمایلاتم نسبت به زنان و عطر و چیزهای دیگر مانند لباس و زینت را بر خود حرام کرده (و احرام می بندم) و (با این کار) به دنبال (تقرب به) ذات پاکت و (به دست آوردن) خشنودیت و (آباد کردن) خانه آخرت (خود) هستم، (زیرا) هیچ معبودی جز تو نیست.

خداوندا از تو می خواهم که مرا در زمره کسانی قرار دهی که دعوت تو را اجابت نموده، و به وعده (صادقت) ایمان آورده، و دستور و فرمانت را پیروی نمودند، زیرا که بی گمان من خودم بنده تو و فرزند بنده ات هستم، و (وجودم) در دست (قدرت) توست، (به گونه ای که) نه (چیزی را) حفاظت کننده ام جز آن چه تو محافظت کردی و نه (چیزی را) گیرنده ام جز آن چه که تو عطا فرمودی.

لذا از تو درخواست می کنم که قصد و تصمیم مرا بر اساس کتابت و سنت پیامبرت صل الله علیه و آل وسلم به عزم جدی تبدیل فرمایی و مرا بر آن چه (قضا و قدر فرموده و) انجام داده ای تقویت فرمایی، و اعمال و مناسکم را در آسانی از جانب خودت و عافیت و سلامتی از من بپذیری، و مرا از گروه زوّارت که از آن خشنودی و آن را برگزیده ای و افراد آن را به نام مشخص فرموده و نوشته ای قرار ده.

خدایا من از جایی دور و مسافتی طولانی بیرون آمدم و فقط به سوی تو حرکت نموده و قصد زیارتم تنها برای توست، در حالی که خودت مرا بیرون آوردی، و به سوی تو آمدم در حالی که خودت مرا آوردی،

اَطَعْتُکَ بِاِذْنِکَ وَالْمِنَّهُ لَکَ عَلَیَّ، وَعَصَیْتُکَ بِعِلْمِکَ وَلَکَ الْحُجَّهُ عَلَیَّ. وَاَسْاَلُکَ بِانْقِطاعِ حُجَّتی، وَوُجُوبِ حُجَّتِکَ عَلَیَّ، اِلاّ ما صَلَّیْتَ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی اِلِه، وَغَفَرْتَ لی، وَتَقَبَّلْتَ مِنّی.

اَللّهُمَّ فَتَمِّمْ لی حَجَّتی وَعُمْرَتی، وَتُخْلِفْ عَلَیَّ فیما اَنْفَقْتُ، وَاجْعَلِ الْبَرَکَهَ فیما بَقِیَ، وَرُدَّنی اِلی اَهْلی وَوُلْدی.

26_عند دخول المسجد الحرام، والنظر إلى البيت، وعند الحجر

قل عند دخول المسچد: بسم اللّه وباللّه، وابدا برجلک اليمنى قبل اليسرى، وقل:

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی ذُنُوبی، وَافْتَحْ لی اَبْوابَ رَحْمَتِکَ، وَاَبْوابَ فَضْلِکَ، وَجَوائِزَ مَغْفِرَتِکَ، وَاَعِذْنا مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ، وَاسْتَعْمِلْنی بِطاعَتِکَ وَرِضاکَ.

فإذا دخلت مكّه ونظرت إلى البيت فقل: اَلْحَمْدُ للّهِ الَّذی عَظَّمَکَ وَشَرَّفَکَ وَکَرَّمَکَ،

با اجازه (و توفیق) خودت تو را اطاعت نمودم. در حالی که در این طاعت و فرمانبرداری، تو بر من منت داری، و با وجود علم و دانایی ات تو را معصیت نمودم در حالی که در این معصیت حجت و دلیل تو بر من غلبه دارد (و حق به جانب توس_ت). و به خاطر عذر نداشتنم و ثابت شدن حجت و برهانت بر من، (حاجتم را) از تو می خواهم (و درخواستی ندارم) جز اینکه بر محمد و بر خاندان پاکش درود و رحمت فرس_تی، و مرا بیامرزی، و (عملم را) از من بپذیری.

بارخدایا حج و عمره مرا تکمیل فرما و مالی را که (در این راه) هزینه نمودم (با مال بهتر و بیشتری) جایگزین فرما. و در آن چه از مالم باقی مانده برکت قرار بده، و مرا (سالم و با دست پر) به خانواده و فرزندانم بازگردان.

دعای بیست و ششم: دعای حضرت علیه السلام هنگام ورود به مسجدالحرام و نگاه به خانه کعبه و هنگام استلام حجرالأسود

(از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:) هنگام ورود به مسجدالحرام بگو: بسم ا و با (به نام خدا و با استعانت از خدا وارد می شوم)، و هنگام ورود پای راستت را قبل از پای چپ بگذار، و بگو: بارالها گناهانم را بیامرز، و درهای رحمت و فضلت را بر روی من بگشا، و جوایز آمرزش و بخششت را (نصیبم فرما)، و ما را از شر شیطان رانده شده پناه بده (و محافظت فرما)، و مرا در (مسیر) طاعت و خشنودیت به کار بگیر.

و هرگاه داخل مکه شدی و به خانه خدا نظر افکندی بگو: ستایش و سپاس از برای خدایی است که تو را عظمت بخشید و شرافت داده و گرامی داشت،

وَجَعَلَکَ مَثابَةً لِلنّاسِ وَاَمْنا، وَهُدیً لِلْعالَمینَ.

وإذا نظرت إلی البیت فقل: اَللّهُمَّ اَنْتَ السَّلامُ، وَمِنکَ السَّلامُ، فَحَیِّنا رَبَّنا بِالسَّلامِ، اَللّهُمَّ اِنَّ هذا بَیْتُکَ الَّذی شَرَّفْتَ، وَعَظَّمْتَ، وَکَرَّمْتَ اَللّهُمَّ زِدْ لَهُ تَشْریفا وَتَعْظیما وَتَکْریما، وَبَرّا، وَمَهابَةً.

فإذا انتهیت إلی باب البیت فقل: اَللّهُمَّ اِنَّ الْبَیْتَ بَیْتُکَ، وَالْحَرَمَ حَرَمُکَ، وَالْعَبْدَ عَبْدُکَ، هذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ.

وقل عند باب البیت: سائِلُکَ بِبابِکَ، مِسْکینُکَ بِبابِکَ، عُبَیْدُکَ بِفِنائِکَ، فَقیرُکَ نَزَلَ بِساحَتِکَ، تَفَضَّلْ عَلَیْهِ بِجَنَّتِکَ.

وإذا انتهیت إلی الحجر الأسود، فارفع یدیک، وقل:

بِسْمِ اللّهِ [وَبِاللّهِ] وَاللّهُ اَکْبَرُ، اَللّهُمَّ ایمانا بِکَ، وَتَصْدیقا بِکِتابِکَ، وَاتِّباعا لِسُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَاله، وَوَفاءً بِعَهْدِکَ، اٰمَنْتُ بِاللّهِ، وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ، اَللّهُ اَکْبَرُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ، وَاللّهُ اَکْبَرُ.

و تو را محل گردهمایی مردم و مرجع امور دینی آنان و مقام امن و مایه هدایت و راهنمایی جهانیان گرداند.(1)

و هرگاه به خانه نظر افکندی بگو:

خداوندا تو بی عیب و نقص و سلامت بخشی، و آرامش و سلامتی از توست، پس ما را با آرامش و سلامتی سالم و زنده بدار، خداوندا بی گمان این خانه خانه توست که آن را شرافت بخشیدی و عظمت داده و گرامی داشتی.

بارخدایا شرافت و عظمت و ارجمندی و بزرگداشت این خانه و خیر و منافع و هیبت آن را بیشتر فرما.

و هنگامی که به درِ خانه کعبه رسیدی بگو: بارالها، قطعاً این خانه خانه توست، و این حرم حرم تو و این بنده بنده توست، این جایگاه برپا ایستادن کسی است که از آتش دوزخ به تو پناه آورده است.

و نزد درِ خانه کعبه بگو: گدایت به درگاهت آمده، مخلوق بیچاره ات به درگاهت ایستاده، بنده حقیرت بر آستان خانه توست، بنده محتاجت به ساحت عظمتت وارد شده است، پس بهشت رابر او تفضل نموده و به او ببخش.

و هنگامی که به حجر الأسود رسیدی دستانت را بالا برده و بگو: به نام خدا و با استعانت از خدا (آغاز می کنم) و خدا بزرگتر اس_ت (از آن چه که به وصف درآید)، خداوندا به تو ایمان دارم و کتابت را تصدیق می نمایم و سنت و راه روشن پیامبرت _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندان پاکش باد_ را پیروی می کنم، و به عهد و پیمانم (با تو) وفا دارم. به خدا ایمان دارم و به جبت و طاغوت (بت و بسیار طغیان گر یا نام دو بت) کفر می ورزم، خدا بزرگتر است (از آن چه که توصیف شود)، هیچ معبودی جز خداوند یگانه نیست، و خدا بزرگتر است (از آن چه که به وصف درآید).

1- متن عربی عبارت اخیر از تلفیق دو آیه 125 سوره بقره و 96 آل عمران اخذ شده است.

اَللّهُمَّ لَکَ حَجَجْتُ، وِاِیّاکَ اَجَبْتُ، وَاِلَیْکَ وَفَدْتُ، وَلَکَ قَصَدْتُ وَبِکَ صَمَدْتُ، وَزِیارَتَکَ اَرَدْتُ، وَاَنَا فی فِنائِکَ، وَفی حَرَمِکَ، وَضَیْفُکَ، وَعلی بابِ بَیْتِکَ، نَزَلْتُ ساحَتَکَ، وَحَلَلْتُ بِفِنائِکَ.

اَللّهُمَّ اَنْتَ رَبّی وَرَبُّ هذَا الْبَیْتِ، اَللّهُمَّ اِنَّ هذَا الْیَوْمَ یَوْمٌ تَکْرَهُ فیهِ الرَّفَثَ، وَتَقْضی فیهِ التَّفَثَ وَتُبِرُّ فیهِ الْقَسَمَ، وَتُعْتِقُ فیهِ النَّسَمَ، قَدْ جَعَلْتَ هذَا الْبَیْتَ عیدا لِخَلْقِکَ، وَقُرْبانا لَهُمْ اِلَیْکَ، وَمَثابَةً لِلنّاسِ وَاَمْنا، وَجَعَلْتَهُ لَهُم قِیاما بِحَجَّهٍ، وَیُطافُ حَوْلُهُ، وَیُجاوِرُهُ الْعاکِفُ، وَیَأمَنُ فیهِ الْخائِفُ.

اَللّهُمَّ وَاِنّی مِمَّنْ حَجَّهُ لَکَ رَغْبَةً فیکَ، [وَ] الْتِماسا لِرِضاکَ وَرِضْوانِکَ، وَشُحّا عَلی خَطیئَتی مِنْکَ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ الْمُعافاهَ فِی الشُّکْرِ، وَالْعِتْقَ مِنَ النّارِ، اِنَّکَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ.

ثمّ تدنو مِنْ الحجر قتستلمه وتقول: اَلْحَمْدُللّه ِ الَّذی هَدانا لِهذا وَما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللّه ُ، لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ، سُبْحانَ اللّه ِ، وَالْحَمْدُللّه ِ،

بارالهـا فقط برای تو حج گزاردم و تنها دعوت تو را اجابت نمودم، و فقط به سوی تو حرکت کردم، و تنها تو را قصد نمودم، و حاجت و نیازم را فقط به سوی تو آوردم، و اراده و خواس_ته ام تنها زیارت تو بود، و (اکنون این) منم که در آستانت ایستاده ام، و در حرم (امن) تو و مهمانت و بر درگاه خانه ات هستم، به ساحت عظمت تو وارد شده ام و در آستان (رحمت) تو داخل شده ام.

بارخدایا تو پروردگار (و صاحب اختیار) من و صاحب اختیار این خانه ای.

خدایا بی گمان این روز روزی است که همبستری (بندگان) در آن را نمی پسندی و چرک و آلودگی آنان را برطرف می سازی، و سوگندها را در آن راست گردانده و تحقق می بخشی، و نفوس (بردگان) را در آن آزاد می سازی، به تحقیق این خانه را مایه بازگشت آفریدگانت و وسیله تقرب آنان به سوی خودت و محل اجتماع و گردهمایی مردم و مقام امن گرداندی(1) و آن را مایه نهضت و خیزش آنان با یک حج س_اختی(2)، و پیرامون آن طواف می شود، و بنده عابد، مجاور آن می شود و انسان هراسان در آن امنیت می یابد.

بارالها، بی گمان من از کسانی هستم که این خانه را به خاطر تو و به سبب اشتیاق به تو و کسب خشنودی و رضایتت، و کم کردن گناه و خطایم نسبت به تو زیارت نمودم، خدایا از تو عافیت و سلامتی (و توفیق) در شکرگزاری و رهایی از آتش دوزخ را می طلبم (زیرا) به راستی تو خودت مهربان ترین مهربانانی.

سپس به حجرالأسود نزدیک شده و آن را استلام نموده (و دست می کشی) و می گویی: ستایش و سپاس برای خداوندی است که ما را به این (راه و عمل) هدایت فرمود در حالی که اگر خدا ما را هدایت نمی کرد هرگز امکان نداشت خودمان به آن راه یابیم.

(سوگند که) به یقین رس_ولان پروردگارمان با (سخن و برهان) حق (به سوی ما) آمدند،(3) خداوند متعال (از هر عیب و نقصی) پاک و منزّه اس_ت، و س_پاس و ستایش مخصوص

1- عبارت «و مَثابةً للنّاسِ و أمناًَ»در متن دعا از آیه 125 سوره مبارکه بقره اقتباس شده است.
2- عبارت «و جَعَلتَهُ لَهم قیاماً» در متن دعا از آیه 97 سوره مبارکه مائده گرفته شده است.
3- متن عربی عبارات اخیر بخشی از آیه 43 سوره مبارکه اعراف است.

وَلا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَاللّهُ اَ کْبَرُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّه، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ، وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ[کُلُّهُ] وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ، وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی اِله وَسلَّمَ.

27_عند بدءِ الطواف من الحجر الأسود

ثمّ تطوف بِالبیت(11) تبدأ برکن الحجر الأسود، وقل:

اَمانَتی اَدَّیْتُها، وَمیثاقی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لی بِالْمُوافاهِ.

امَنْتُ بِاللّه ِ عَزَّ وَجَلَّ، وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالْطّاغُوتِ، وَاللاّتِ وَالْعُزّی وَهُبَل وَالاْصْنامِ، وَعِبادَهِ الاْوْثانِ وَالْشَّیْطانِ، وَکُلِّ نِدٍّ یُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللّه ِ عَزَّوَجَلَّ، سُبْحانَهُ عَمّا یَقُولُونَ عُلُوّا کَبیرا.

وتقول فی طوافک: اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی یُمْشی بِه عَلَی الْماءِ کَما یُمْشی عَلی جُدَدِ الاْرْضِ، وَبِاسْمِکَ الْمَخْزُونِ الْمَکْنُونِ عِنْدَکَ وَبِاسْمِکَ الْعَظیم الاْعْظَمِ، الَّذی اِذا دُعیَتَ بِه اَجَبْتَ، وَاِذا سُئِلْتَ به

خداست، و هیچ معبودی جز خدای یگانه وجود ندارد و خداوند بزرگتر است (از آنچه به وصف درآید). هیچ معبودی جز خداوند نیس_ت (که) یکتاس_ت و هیچ ش_ریکی ندارد، فرمانروایی فقط در اختیار اوست، و ستایش و سپاس فقط به او اختصاص دارد، زنده می گرداند و می میراند، در حالی که او (خود) زنده ای است که (هرگز) نمی میرد، تمام خیر و برکت فقط به دست (با کفایت) اوست، و او بر هر چیزی بسیار تواناست، و درود و رحمت خداوند بر محمد و بر خاندان پاکش و سلام خداوند بر آنان باد.

دعای بیست و هفتم: دعای امام علیه السلام هنگام شروع طواف از حجرالأسود

(از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:) سپس خانه خدا را طواف نموده(1) و این کار را از حجرالأسود شروع می کنی، و (در این حال) بگو:

امانتم را ادا کردم و تعهد و پیمانم را انجام دادم، تا این که تو وفای به عهدم را به نفع من شهادت دهی.

به خداوند عزّ و جلّ ایمان دارم، و به جبت و طاغوت (بت و بسیار طغیانگر یا نام دو بت) و لات و عزّی و هبل و س_ایر بت ها، و عبادت بت ها و ش_یطان و هر همتایی (ادعایی) که غیر از خدا عزّ و جلّ پرستیده می شود کفر می ورزم، خداوند از آن چه آنان می گویند بسیار پاک و منزه و والاتر است. (2) و در طوافت می گویی: بارخدایا من با استعانت از اس_م مبارکت که به وسیله آن می توان روی آب راه رفت همان گونه که بر راه های زمین راه پیموده می ش_ود، و با یاری خواس_تن از اسم محفوظ (و) پنهان نزد خودت و به نام عظیم (و) اعظمت که اگر به وسیله آن خوانده شوی (حتماً) اجابت فرموده و چنان چه به وسیله آن از تو درخواست شود

1- و هرگاه خواس__تی از طرف یکی از برادران ایمانی ات طواف کنی و به حجرالأس__ود رس__یدی می گویی: به نام خدا، خداوندا بپذیر.
2- عبارت «سُبْحاَنهُ عَمَّا یَقُوُلونَ عُلُوًّا کَبِیراً» با اندک تغییری از آیه 43 سوره مبارکه إسراء اقتباس شده است.

اَعْطَيْتَ، اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَغْفِرَ لى، وَتَرْحَمَنى وَتَقْبَلَ مِنّى كَما تَقَبَّلْتَ مِنْ اِبْراهيمَ خَليلِکَ، وَمُوسى كَليمِکَ وَعيسى رُوحِکَ، وَمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَاٰلِه حَبيبِکَ.

28_مقابل الميزاب

اَللّهُمَّ اَعْتِقْ رَقَبَتى مِنَ النّارِ، وَادْرَأْ عَنّى شَرَّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَالْعَجَم، وَاَظِلَّنى تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِکَ، وَاصْرِفْ عَنّى شَرَّ كُلِّ ذى شَرٍّ، وَفَسَقَهِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ.

29_عند الملتزم

فإذا كنت فى السابع من طوافک، فأت المستجار عند الركن اليمانى إلى مؤخّر الكعبهه بقدر ذراعين أو ثلاثه،إن شئت إلى الملتزم....:

اَلْحَمْدُللّه ِ الَّذى كَرَّمَکَ وَعَظَّمَکَ وَشَرَّفَکَ، وَجَعَلَکَ مَثابَةً لِلنّاسِ وَاَمْنا، اَللّهُمَّ اِنَّ الْبَيْتَ بَيْتُکَ، وَالْعَبْدَ عَبْدُکَ، وَالاْمْنَ اَمْنُکَ، وَالْحَرَمَ حَرَمُکَ، هذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ، اَسْتجيرُ بِاللّه ِ مِنَ النّارِ.

عطا می فرمایی، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی، و مرا بیامرزی و رحم کنی، و (اعمالم را) از من بپذیری همان گونه که از ابراهیم دوست صمیمیت و موسی هم صحبتت، و عیسی روحت، و محمد _ که درود خدا بر او و خاندان پاکش باد_ محبوبت، پذیرفتی.

دعای بیست و هشتم: دعای حضرت علیه السلام در برابر ناودان کعبه

بارالها گردن مرا از آتش دوزخ رهایی بخش، و شر فاسقان و بدکاران عرب و عجم را از من دفع کن، و در زیر سایه عرش_ت بر من سایه افکن، و شرّ (و بدی) هر صاحب شرّی و شرّ بدکاران جنّ و انس را از من برگردان (و دور فرما).

دعای بیست و نهم: دعای امام علیه السلام نزد مُلتزَم

(از امام رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:) پس هرگاه در طواف هفتمت بودی به سوی مستجار (محل پناه بردن) نزد رکن یمانی به سوی عقب کعبه به مقدار دو ذرع یا سه ذرع حرکت کن، و یا اگر خواستی به سوی ملتزَم رفته و بگو: سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که تو را گرامی داشت و عظمت بخشید و به تو شرافت داد و تو را محل گردهمایی مردم و مایه امنیت آنان گرداند.(1) خداوندا به راستی که این خانه خانه تو، و این بنده بنده تو، و این مقام امن مقام امن تو، و این حرم حرم توست، این جایگاه ایستادن کسی است که از آتش به تو پناه آورده است، از آتش دوزخ به خداوند پناه می جویم.

1- عبارت «جَعَلَکَ مثابةً للنّاس و أمناً» در متن دعا، به آیه 125 سوره مبارکه بقره اشاره دارد.

30_عند دخول الكعبه

اَللّهُمَّ هذا حَرَمُکَ وَاَمْنُکَ، فَحَرِّمْ لَحْمی وَدَمی عَلَی النّارِ، وَامِنّی یَوْمَ الْقِیامَهِ، اَللّهُمَّ اَجِرْنی مِنْ عَذابِکَ وَمِنْ سَخَطِکَ.

31_عند السعی من الصفا

فابتدئ بالصفا، وقف علیه (وقل): لا اِلهَ اِلاّ اللّهُ، وَاللّهُ اَکْبَرُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ُ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ کُلُّهُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ، وَلا نَعْبُدُ اِلاّ اِیّاهُ، مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، اَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْاَحْزابَ وَحْدَهُ، لا شَریکَ لَهُ.

وطوّل الوقوف علیه، ثمّ تکبّر ثلاثا، وَاعد القول الأوّل، وصلّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالهِ، وَقل: (12)

اَللّهُمَّ اعْصِمْنی بِدینِکَ، وَبِطَواعِیَتِکَ وَطَواعِیَهِ رَسُولِکَ، اَللّهُمَّ جَنِّبْنی حُدُودَکَ،.

دعای سی ام: دعای حضرت علیه السلام هنگام ورود به کعبه

خداوندا این حرم تو و مقام امن توست، پس گوشت و خون مرا بر آتش حرام فرما و مرا در روز قیامت (از هول و هراس آن و خشمت) ایمنی بخش، خداوندا مرا از عذابت و از خشم و غضبت پناه بده.

دعای سی و یکم: دعای حضرت علیه السلام هنگام سعی از صفا

(از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:) پس سعی را از صفا شروع کن و بر آن کوه بایست (و بگو):

هیچ معبودی جز خدای یگانه نیست، و خدا بزرگتر است (از آنچه به وصف درآید)، هیچ معبودی جز خداوند وجود ندارد. که یکتاس_ت و هیچ شریکی ندارد، فرمانروایی فقط برای اوست و سپاس و ستایش فقط به او اختصاص دارد، زنده می گرداند و می میراند درحالی که او (خودش) زنده ای است که (هرگز) نمی میرد، تمام خیر و برکت فقط در دست (با کفایت) اوست، و او بر هر چیزی بسیار تواناست، هیچ معبودی جز خداوند نیست، و هیچ کس جز او را نمی پرستیم در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانده ایم،(1) یکتاست و هیچ ش_ریکی ندارد، وعده اش را تحقق بخش یده، و بنده اش را یاری فرموده، و به تنهایی گروه های (کفار و مشرکان) را شکست داده و فراری ساخت، هیچ شریکی برای او نیست.

و ایستادن خود را بر کوه صفا طولانی کن، سپس سه بار تکبیر گفته و آنچه قبلا گفتی را دوباره تکرار کن، و بر محمد و خاندان پاکش صلوات بفرست، و بگو(2): بارخدایا با دین خودت و اطاعت و فرمانبرداری از تو و فرمانبرداری از فرستاده ات مرا حفظ فرما، خداوندا مرا از (تعرض به) حدود (دستورات و احکام) خودت دور بدار.

1- تعبیر «مُخلِصینَ لهُ ِّ الدین» یک عبارت قرآنی است که در آیات 29 سوره اعراف، 22 یونس، 65 عنکبوت، 32 لقمان، 14و 65 غافر و 5 بیّنه به کار رفته است.
2- و در بعضی از نسخه ها آمده: «و در راستا و مقابل کعبه از آن (کوه) بالا برو، و هفت بار یا سه بار تکبیر گفته، و بگو:».

وأكثر الدعاء ما استطعت لنفسک، ولجميع المؤمنين، ولوالديک ثمّ تکبّر ثلاثا وتعيد: «لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَريکَ لَهُ...» مثل ما قُلت.

واِذا نَزلت مِن الصَفا وَاَنْتَ تُريدُ المروه فَامش عَلى هَنيأتک وقل:

اَللّهُمَّ اسْتَعْمِلْنا بِطاعَتِکَ، وَاَحْيِنا عَلى سُنَّهِ نَبِيِّکَ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَاِلِه، وَتَوَفَّنا عَلى مِلَّهِ رَسُولِکَ، وَاَعِذْنا مِنْ مُضِلاّتِ الْفِتَنِ

وقل فى سعيک: بِسْمِ اللّهِ، وَاللّهُ اَ كْبَرُ، وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى اله، رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَتَجاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ، وَاهْدِنى الطَّريقَ الاَقْوَمَ اِنَّکَ اَنْتَ الاَعَزُّ الاَ كْرَمُ. فتأتى المروه وقل فى مشيک: اَللّهُمَّ اِنّى اَسْاَلُکَ مِنْ خَيْرِ الاَخِرَهِ وَالاُولى وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ الاَخِرَهِ وَالاُولى. فاصْعَد عَلَيْها حَتى يَبدوا لَکَ البيت، واستقبل وارفع يديک، وَقل ما قلت على الصفا، وتکبّر مثل ما کَبّرت عَلَيْه.

32_عند غروب الشمس يوم عرفه

اَللّهُمَّ اَعْتِفْ رَقَبَتى مِنَ النّارِ...

ص: 222

و تا آنجا که می توانی برای خودت و تمام مؤمنان و پدر و مادرت زیاد دعا کن، سپس سه بار تکبیر می گویی و دوباره تکرار می کنی: «لا إلهَ إلا اﷲ وَحدَهُ لا شَریکَ لهُ ...» به همان گونه که قبلا گفتی.

و هرگاه از کوه صفا پایین آمدی و اراده حرکت به سوی مروه را داشتی آهسته و با وقار راه برو و بگو:

خداوندا ما را در راه اطاعتت به کار بگیر، و بر سنت و راه و روش پیامبرت _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد_ زنده بدار، و بر آیین فرستاده ات صل الله علیه و آل وسلم ما را بمیران، و از فتنه های گمراه کننده ما را پناه بده.

و در هنگام سعیت بگو: به نام خدا، و خدا بزرگتر است (از آن چه به وصف درآید)، و درود و رحمت خدا بر محمد و بر خاندان پاکش باد، ای پروردگار (و صاحب اختیار) من، (مرا) بیامرز و رحم کن، و از آن چه می دانی (به لطف و رحمتت) درگذر، و مرا به راه استوارتر (و بهتر) هدایت فرما، (چرا که) به راستی تو خودت عزیزترین (و قوی ترین) و بزرگوارترینی.

پس به مروه می رسی، و (هنگام) راه رفتنت بگو: بارخدایا من از خیر و برکت آخرت و دنیا از تو درخواس_ت می کنم، و از شر (و بدی) آخرت و دنیا به خودت پناه می برم.

سپس از کوه مروه بالا برو تا این که (از آن جا) خانه خدا بر تو آشکار شود، و به سمت خانه رو کن و دستانت را بالا ببر و آن چه را بر کوه صفا گفتی در آن جا هم بگو، و همان گونه که بر کوه صفا تکبیر گفتی در این جا هم تکبیر می گویی.

دعای سی و دوم: دعای حضرت علیه السلام هنگام غروب خورشید در روز عرفه بارخدایا گردنم را از (غل و زنجیر) آتش جهنم آزاد کن ...

33_عند الإفاضه من عرفات

ثمّ أفض منها بعد المغيب، وتقول: لا اِلهَ اِلاَّاللّهُ.

34_عند التوجّه إلى منى

اَللّهُمَّ اِيّاکَ اَرْجُو، وَلَکَ اَدْعُو، فَبَلِّغْنی اَمَلی، وَاَصْلِحْ عَمَلی. اَللّهُمَّ اِنَّ هذِه مِنی، وَما دَلَلْتَنا عَلَيْهِ، وَما مَنَنْتَ بِه عَلَيْنا مِنَ الْمَقاماتِ، وَاَسْاَلُکَ اَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ فيها بِما مَنَنْتَ بِه عَلی اَوْلِيائِکَ، وَاَهْلِ طاعَتِکَ وَخِيَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَاَنْ تُوَفِّقَ لَنا ما وَفَّقْتَ لَهُم مِنْ عِبادِکَ الصّالِحينَ، فَاِنَّما اَنَا عَبْدُکَ، وَفی قَبْضَتِکَ.

35_عند جمره العقبه

وتقول وأنت مستقبل القبله، والحصی فی کفّک الیسری:

اَللّهُمَّ هذِه حَصَياتی فَاَحْصِهِنَّ لی عِنْدَکَ، وَارْفَعْهُنَّ فی عَمَلی.

دعای سی و چهارم: دعای امام علیه السلام هنگام حرکت به سوی منی

خداوندا من فقط به تو امید دارم، و فقط تو را می خوانم، پس مرا به آرزویم برسان، و کار و عملم را اصلاح بفرما (و سر و سامان بده).

خداوندا این صحرای مِناست، و آن مکانی که ما را به س_وی آن رهنمون شدی و آن جایگاه و مقاماتی که آن ها را بر ما انعام فرموده و تفضل کردی، و از تو می خواهم که آن چه از نعمت ها را که (در این جایگاه) به اولیاء و اهل طاعت و برگزیدگان از خلقت بخشیدی به من عطا فرمایی، و آنچ_ه (از اعمال) که بندگان صالحت را به آن موفق ساختی به ما نیز توفیق دهی، زبرا جز این نیست که قطعاً من بنده تو، و در مشت (قدرت و در اختیار) تو هستم.

دعای سی و پنجم: دعای حضرت علیه السلام هنگام سنگ زدن در جمره عقبه

(از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:) و در حالی که رو به سوی قبله داری و سنگ ها در کف دست چپ توست می گویی: بارالها این ریگ های من اس_ت، پس آن ها را پیش خودت برای من به شمار آور، و مایه رفعت در کار و عملم قرار ده.

36_عند النحر والذبح

إذا أتيت منى فاشتر هديک، واذبحه، فإذا أردت ذبحه أو نحره فقل:

وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّماواتِ وَالْاَرْضَ حَنیفا مُسْلِما وَما اَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ، اِنَّ صَلاتی وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَماتی للّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، لا شَریکَ لَهُ، بِذلِکَ اُمِرْتُ، وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمینَ.

اَللّهُمَّ [اِنَّ هذا] مِنْکَ، وَبِکَ، وَلَکَ، وَاِلَیْکَ، بِسْمِ اللّه الرَّحْمنِ الرَّحیم، اَللّهُ اَکْبَرُ، اَللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّی کَما تَقَبَّلْتَ مِنْ اِبراهیمَ خَلیلِکَ، وَمُوسی کَلیمِکَ، وَمُحَمَّدٍ حَبیبِکَ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِمْ...

37_عند الحلق

وقل: اَللّهُمَّ اَعْطِنی بِکُلِّ شَعْرَهٍ نُورافی یَوْمِ الْقِیامَهِ.

38_فی وداع بیت اللّه الحرام

ائِبُونَ تائِبُونَ، لِرَبِّنا حامِدُونَ، اِلَی اللّهِ راغِبُونَ، وَاِلَیْهِ راجِعُونَ.

دعای سی و ششم: دعای امام علیه السلام هنگام نحر شتر و ذبح گوسفند

(از امام علیه السلام نقل اس_ت که فرمودند:) هرگاه به صحرای منی رسیدی قربانی خودت را بخر و ذبح کن، و هنگامی که خواستی آن را ذبح یا نحر کنی بگو: روی خود را به س_وی خدایی که آس_مان ها و زمین را آفرید حق گرایانه و با کمال تسلیم می گردانم و من (هرگز) از مش_رکان نیس_تم، به یقین نماز من و (همه) عباداتم و زندگی و مرگم برای خداوند است (که) پروردگار (و صاحب اختیار) جهان ها و جهانیان است، هیچ شریکی برایش وجود ندارد، (و) من به این (کار و عقیده) مأمور شده ام، و من از مسلمانان (و تسلیم شدگان) هستم.(1) خداوندا، بی گمان این (کار) از تو و به (یاری) تو و برای تو و به سوی (قرب و نزدیکی) توس_ت، به نام خداوند بخشاینده بس_یار مهربان، خداوند بزرگتر است (از آن چه که به وصف درآی_د)، خداوندا (این قربانی را) از من بپذیر همان گونه که از ابراهیم _ دوست صمیمیت_ و موسی _ هم صحبتت _ و محمد صل الله علیه و آل وسلم _ محبوبت _ که درود و رحمت خداوند بر آنان باد پذیرفتی ...

دعای سی و هفتم: دعای حضرت علیه السلام هنگام سر تراشیدن

(از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند:) و بگو: بارخدایا به جای هر مویی، نوری در روز قیامت به من عطا فرما.

دعای سی و هشتم: دعای امام علیه السلام هنگام وداع با بیت ا الحرام (خانه پرحرمت خدا)

(ما) بازگشت کنندگان (و) توبه کنندگان (و) ستای شگران و سپاس گزاران پروردگارمان هستیم، تنها به سوی خداوند گرایش داریم (و فقط او را نیایش می کنیم)(2) و فقط به سوی او باز خواهیم گشت.(3)

1- متن عربی عبارات این پاراگراف، با اندک تغییری از تلفیق آیات 79 و 162 و 163 سوره مبارکه انعام گرفته شده است.
2- عبارت «إلی ا راغِبون» در متن دعا، برگرفته از پایان آیات 59 سوره مبارکه توبه و 32 سوره مبارکه قلم میباشد.
3- عبارت «إلیهِ راجِعُون» در متن دعا، از پایان آیات 46 و 156 سوره مبارکه بقره گرفته شده است.

39_عند زیاره النبیّ صلی الله علیه و آله عند المیزاب

إذا خرجت من الباب الّذی بحیال زقاق البقیع (الّذی یقال له: باب فاطمه علیهاالسلام وهو عند المیزاب) فصلّ هناک رکعتین، وقل:

یا جَوادُ یا کَریمُ، یا قَریبُ غَیْرُ بَعیدٍ، اَسْاَلُکَ بِاَنَّکَ اَنْتَ اللّهُ، لَیْسَ کَمِثْلِکَ شَیْءٌ، اَنْ تَعْصِمَنی مِنَ الْمَهالِکِ، وَاَنْ تُسَلِّمَنی مِنْ افاتِ الدُّنْیا والْاْخِرَهِ، وَوَعْثاءِ السَّفَرِ، وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَاَنْ تَرُدَّنی سالِما اِلی وَطَنی بَعْدَ حَجٍّ مَقْبُولٍ، وَسَعْیٍ مَشْکُورٍ، وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَلا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهْدِ مِنّی مِنْ حَرَمِکَ وَحَرَمِ نَبِیِّکَ، صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَاِلِه.

40_عند وداع قبرالنبیّ صلی الله علیه و آله

اَللّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ اخِرَ الْعَهدِ مِنّی مِنْ زِیارَهِ قَبْرِ نَبِیِّکَ صلی الله علیه و آله وَحَرَمِه، فَاِنّی اَشْهَدُ اَنْ لااِلهَ اِلاّ اَنْتَ فی حَیاتی اِنْ تَوَفَّیْتَنی قَبْلَ ذلِکَ، وَاَنَّ مُحَمَّدا عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَاِلِه.

دعای سی و نهم: دعای حضرت علیه السلام هنگام زیارت پیامبراکرم صل الله علیه و آل وسلم نزد ناودان کعبه

(از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:) هرگاه از آن دری خارج شدی که روبروی کوچه بقیع است (که به آن، در فاطمه علیهما السلام گفته می شود، و نزدیک ناودان است) در آن جا دو رکعت نماز بگزار و بگو: ای بخشنده و سخاوتمند ای بزرگوار، ای نزدیک غیر دور، از تو می خواهم _ به سبب اینکه قطعاً تو خودت خدایی هستی که هیچ چیزی همانند تو نیست _ که مرا از حوادث هلاکت بار (و پرتگاه های هلاکت) حفظ کنی، و از آفات دنیا و آخرت و سختی سفر و بدفرجامی و سوء عاقبت مرا سالم بداری، و مرا صحیح و سالم و با حجّی قبول شده و سعیی شکرگزاری شده (و مورد تقدیر) و عملی پذیرفته شده به وطنم (و خانواده ام) بازگردانی، و این (حج) را آخرین بار و دوره حج و زیارت من نسبت به حرم خودت و حرم پیامبرت _ که درود و رحمت خدا بر او و خاندانش باد_ قرار مده.

دعای چهلم: دعای امام علیه السلام هنگام خداحافظی با قبر پیامبراکرم صل الله علیه و آل وسلم

بارخدایا این (زیارت) را آخرین بار (و مورد) از زیارت من نس_بت به قبر پیامبرت صل الله علیه و آل وسلم و حرم (مبارک) او قرار مده، و چنا نچه مرا قبل از آن (زیارت بعدی) بمیرانی به یقین در زمان حیاتم شهادت می دهم که هیچ معبودی جز تو نیست، و قطعا محمد صل الله علیه و آل وسلم بنده تو و فرستاده توست که درود خدا بر او و بر خاندان پاکش باد.

41_فيما يتعلّق بالزواج

فإذا اُدخلت، عليک فخذ بناصيتها واستقبل القبله بها وقل:

اَللّهُمَّ بِاَمانَتِکَ اَخَذْتُها، وَبِميثاقِکَ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَها، اَللّهُمَّ فَارْزُقْنی مِنْها وَلَدا مُبارَکا سَوِيّا، وَلاتَجْعَلْ لِلشَّيْطانِ فيهِ شَرِکا وَلا نَصيبا.

42_عند ذبح العقيقه

بِسْمِ اللّه ِ وَباللّه ِ، مِنْکَ وَبِکَ وَلَکَ وَاِلَيْکَ عَقيقَهَ «فُلانِ بن فُلانٍ»، عَلی مِلَّتِکَ وَدينِکَ وَسُنَّهِ نَبِيِّکَ مُحَمَّدٍ صلی الله عليه و آله ، بِسْمِ اللّه ِ وَباللّه ِ وَالْحَمْدُللّه ِ وَاللّه ُ اَکْبَرُ، ايمانا باللّه ِ، وَثَناءً عَلی رَسُولِ اللّه ِ صلی الله عليه و آله، وَالْعِصْمَهُ بِاَمْرِه، وَالشُّکْرُ لِرِزْقِه، وَالْمَعْرِفَهُ لِفَضْلِه عَلَيْنا اَهلَ الْبَيْتِ. فإن کان ذکرا فقل: اَللّهُمَّ اَنْتَ وَهَبْتَ لَنا ذَ کَرا، وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِما وَهَبْتَ، وَمِنْکَ ما اَعْطَيْتَ، وَلَکَ ما صَنَعْنا، فَتَقَبَّلْهُ مِنّا عَلی سُنَّتِکَ، وَسُنَّهِ نَبِيِّکَ صلی الله عليه و آله ، فَاَحْنِسْ عَنَّا الشَّيْطانَ الرَّجيمَ، وَلکَ سَکْبُ الدِّماءِ، وَلِوَجْهِکَ الْقُرْبانُ، لا شَريکَ لَکَ.

دعای چهل و یکم: دعای حضرت علیه السلام در آن چه به ازدواج مربوط است

(از امام رضا علیه السلام روایت است که فرمودند:) پس هنگامی که عروس بر تو وارد شد موی پیشانیش را بگیر و به همراه او به سوی قبله رو کن و بگو:

خداوندا این همسر را با امانت تو در اختیار گرفتم، و با عهد و پیمانت فرج او را بر خود حلال شمردم.

خداوندا از او فرزندی مبارک و سالم به من روزی فرما، و برای شیطان در (نطفه) او شراکت و سهمی قرار مده.

دعای چهل و دوم: دعای امام علیه السلام هنگام سر بریدن عقیقه

به نام خدا و با استعانت از خدا، (این نعمت) از تو، و با (یاری جستن از) تو و (این قربانی) برای تو و (برای تقرب جستن) به سوی توست که عقیقه «فلانی فرزند فلانی» باشد بر آیین و دین تو و سنت (و راه و روش) پیامبرت محمد صل الله علیه و آل وسلم . به نام خدا و با یاری جستن از خدا (این قربانی را ذبح می کنم) و ستایش و س_پاس برای خداست، و خداوند بزرگ تر است (از آن چه که به وصف درآید)، و به خداوند ایمان دارم و رسول خدا صل الله علیه و آل وسلم را مدح و ثنا می گویم، و حفظ و نگهداری (من از گناه و بلا) به امر (و قضا و قدر) اوست و شکر (و سپاس گزاری) به خاطر رزق و روزی اوست، و شناخت نسبت به او به خاطر فضل او بر ما اهل بیت است.

و اگر آن بچه مذکر بود بگو: بارخدایا تو به ما فرزندی مذکر بخش_یدی و تو خود به آن چه به ما بخشیدی داناتری، و آنچه به ما عطا فرمودی از توست، و آنچه ما انجام دادیم تنها برای توست، پس آن را بر طبق سنت خودت و سنّت پیامبرت صل الله علیه و آل وسلم از ما بپذیر، و شیطان رانده شده را از ما دور گردان، و ریختن خونها فقط برای تو، و این قربانی فقط برای ذات (مبارک) توست، (که) هیچ شریکی برایت وجود ندارد.

43_فی تلقین المحتضر، والصلاه علی المیّت، ودفنه

یستحب ان یلقّن بکلمات الفرج عند المحتضر وهو:

لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ الْحَلیمُ الْکَریمُ، لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ سُبْحانَ اللّهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْاَرَضینَ السَّبْعِ، وَما فیهِنَّ وَما بَیْنَهُنَّ، وَربِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ، وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلینَ وَالْحَمْدُلِلّهِ رَبِ الْعالَمینَ.

44_إذا حضرت مع قوم یصلّون علیه. أی علی الطفل فقل: اَللّهُمَّ اجْعَلْهُ لِاَبَوَیْهِ ذُخْرا وَمزیدا، وَفَرَطا وَاَجْرا.(13)

45_وعند دفن المیت، قل : اَللّهُمَّ اجْعَلْها رَوْضَةً مِنْ رِیاضِ الْجَنَّهِ، وَلا تَجْعَلْها حُفْرَةً مِنْ حُفَرِ النّیران. فاذا دخلت القبر فاقرأ (اُمّ الکتاب) والمعوّذتین، وآیه الکرسی.

فإذا توسّطت المقبره فاقرأ «ألهکم التکاثر» واقرأ

دعای چهل و سوم: دعای حضرت علیه السلام

در تلقین شخص محتضر، و نماز بر میت و دفن او

(از امام رضا علیه السلام نقل ش_ده که فرمودند:) مستحب است که شخص در حال احتضار با کلمات و عبارات فرج و گشایش تلقین گردد، و آن عبارات این است:

هیچ معبودی جز خدای یگانه بردبار (و با گذش_ت) و بزرگوار نیس_ت، هیچ معبودی جز خداوند بلند مرتبه بسیار بزرگ وجود ندارد، خداوند (ازهر عیب و نقصی) پاک و منزّه اس_ت (که) پروردگار (و صاحب اختیار) آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه و آن چه در آن ها و آن چه بین آن هاس_ت و پروردگار (و صاحب اختیار) عرش عظیم است، و سلام و درود بر پیامبران الهی و ستایش و سپاس از آن خداوند است (که) پروردگار (و صاحب اختیار) جهان ها و جهانیان است.(1)

دعای چهل و چهارم: هرگاه با گروهی در نماز میت بر طفلی حاضر شدی

بگو: خداوندا این طفل را ذخیره و پشتوان های برای والدینش و مایه افزایش اجر و ثوابشان گردان.(2)

دعای چهل و پنجم: و هنگام دفن میت بگو: خداوندا این قبر را روضه و بوستانی از بوس_تان های بهشت گردان، و آن را حفره ای از حفره های آتش دوزخ قرار مده.

پس هرگاه داخل قبر شدی سوره امّ الکتاب (سوره حمد) و معوذتین (سوره فلق و ناس) و آیه الکرسی را بخوان، پس هرگاه در وسط قبر قرار گرفتی سوره تکاثر را بخوان و سپس این آیه را بخوان:

1- عبارات «وَ سَ__لامٌ عَلَی الْمرْسَ__لِینَ وَ الْحَمْدُ ّ ِ رَبِّ الْعاَلمینَ» در متن دعا، دو آیه پایانی س__وره مبارکه صافات را تشکیل می دهند.
2- با سند از رسول خدا صل الله علیه و آل وسلم نقل شده که فرمودند: ای علی هرگاه بر کودکی نماز خواندی بگو: اللّهم اجعَلهُ لِأبوَیهِ سَلَفاً و اجعَلهُ لَهما فرَطاً... (این دعا قبلاً در صحیفه نبویه جامعه گذشت، به آن جا رجوع شود.)

«مِنها خَلَقْناكُمْ وَفيها نُعيدُكُمْ وَمِنْها نُخْرِجُكُمْ تارَةً اُخرى»(14)

فإذا تناولت الميّت فقل: بِسْمِ اللّه ِ وَباللّه ِ، وَفى سَبيلِ اللّه ِ وَعَلى مِلَّهِ رَسُولِ اللّه ِ صَلَّى اللّه ُ عَلَيْهِ وَاٰلِه.

ثمّ ضعه فى لحده على يمينه مستقبل القبله، وحلّ عقد كفنه، وضع خدّه على التراب وقل :

اَللّهُمَّ جافِ الاْرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ، وَاَصْعِدْ اِلَيْکَ رُوحَهُ، وَلَقِّه مِنْکَ رِضْوانا...(15)

فإذا وضعت عليه اللِبْن فقل: اَللّهُمَّ انِسْ وَحْشَتَهُ، وَصِلْ وَحْدَتَهُ بِرَحْمَتِکَ.

اَللّهُمَّ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ، وَابْنُ اَمَتِکَ، نَزَلَ بِساحَتِکَ، وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِه، اَللّهُمَّ اِنْ کانَ مُحْسِنا فَزِدْ فى اِحْسانِه، وَاِنْ کانَ مُسيئا فَتَجاوَزْ عَنْهُ، وَاغْفِرْ لَهُ، اِنَّکَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ.

فإذا خرجت مِنْ القبر فقل : اِنّا للّه ِ، وَاِنّا اِلَيْهِ راجِعُونَ....

ثمّ ضع يدک على القبر وأنت مستقبل القبله، وقل:

(از این (خاک) ش_ما را آفریدیم و ش_ما را به آن باز می گردانیم و باری دیگر شما را (در قیامت) از آن خارج می کنیم).(1)

و هرگاه میت را گرفتی بگو: به نام خدا و با یاری جستن از خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا که درود و رحمت خدا بر او و خاندان پاکش باد (این کار را انجام می دهم).

س_پس آن میت را در لحد روی پهلوی راستش و به طرف قبله بگذار، و گره کفنش را باز کرده و گونه اش را روی خاک بگذار و بگو: خداوندا زمین را از پهلوهایش فاصله بده (و دور کن)، و روحش را به سوی خودت بالا ببر، و او را با خشنودی از جانب خودت مواجه کن. (2)

پس هرگاه آجرها را روی لحد گذاشتی بگو: بارخدایا وحش_ت و بی کس_ی او را به انس و الفت تبدیل کن، و تنهایی او را به رحمتت متصل گردان.

خداون_دا بنده ات و فرزند بنده ات و فرزند کنیزت به پیش_گاه (عظمتت) وارد ش_ده، و تو بهترین میزبانی هستی که فردی بر تو وارد شود، خداوندا اگر این میت نیکوکار بوده است در نیکوکاری او بیفزا، و اگر بدکار بوده است از او درگذر، و او را بیامرز، به راستی که تو خودت بسیار آمرزنده بسیار مهربانی. (3)

و هرگاه از قبر بیرون آمدی بگو: بی گمان ما از آن خداوندیم و بی گمان فقط به سوی او بازگشت کنندگانیم...(4) سپس دستت را روی قبر بگذار در حالی که روی به سوی قبله داری و بگو:

1- سوره مبارکه طه/ آیه 55.
2- امام علی بن الحسین علیهما السلام هرگاه میّت را داخل قبر می گذاشتند بر قبر میّت می ایستادند و سپس می فرمودند: اللّه__م جَ__افِ الأرض عَن جَنبَیهِ، و صَّعد عَمَلَهُ، و لَقِّه مِنکَ رِضواناً (این دعا قبلا در صحیفه س__جادیه دعای 106 گذشت، به آن جا رجوع شود).
3- عبارت «إنّک أنتَ الغَفُور الرّحیم» در متن دعا، با اندکی تغییر از آیات 98 س__وره مبارکه یوس__ف، 16 س__وره مبارکه قصص، 53 سوره

مبارکه زمر، 49 سوره مبارکه حجر و 5 سوره مبارکه شوری گرفته شده است.
4- عبارت «إنّا ﷲ و إنّا إلیه راجعون» در متن دعا که به کلمه اس__ترجاع ش__هرت دارد، از انتهای آیه 156 س__وره مبارکه بقره اخذ شده است.

اَللّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَصِلْ وَحْدَتَهُ، وَانِسْ وَحْشَتَهُ، وَامِنْ رَوْعَتَهُ، وَاَفِضْ عَلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِکَ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِکَ وَسَعَهِ غُفْرانِکَ وَرَحْمَتِکَ، رَحْمَةً يَسْتَغْنى بِها عَنْ رَحْمَهِ مَنْ سِواکَ، وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كانَ يَتَوَلاّهُ.

46_فى التوسل به عليه السلام فى الساعه الثامنه

يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ، يا خَيْرَ مَنْ اَعْطى، يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يا مَنْ اَضآءَ بِاسْمِهِ ضَوْءُ النَّهارِ، وَ اَظْلَمَ بِهِ ظُلْمَهُ اللَّيْلِ، وَ سالَ بِاسْمِهِ وابِلُ السَّيْلِ وَ رَزَقَ اَوْلِيآئَهُ كُلَّ خَيْرٍ يا مَنْ عَلاَ السَّمواتِ نُورُهُ، وَ الاْرْضَ ضَوْءُهُ، وَالشَّرْقَ وَالْغَرْبَ رَحْمَتُهُ، يا واسِعَ الْجُودِ، اَسْئَلُکَ بِحَقِّ وَلِيِّکَ «عَلِيِّ بْنِ مُوسىَ عَليهِمَا السَّلامُ »وَ اُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَىْ حَوآئِجى،وَرَغبَتى اِلَيکَ، اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَكفِيَنى بِه، وَ تُنَجِّيَنى مِمَّا اَخافُهُ وَاَحذَرُهُ فى جَميع اَسفارى، وَ فِى البَرارِى وَالقِفارِ، وَالاَودِيَهِ وَالاكامِ وَالغِياضِ وَالجِبالِ

بارالها بر غربت او رحم کن، و تنهایی او را به لطف و رحمتت متصل گردان، و وحشت و بی کسی او را به انس و الفت تبدیل کن، و ترس و هراس او را از بین برده و ایمنی بخش، و از رحمتت بر او افاضه فرما، و خنکی و گوارایی عفو و بخشش و گستره آمرزشت را پیرامون او جای ده (و نصیبش گردان)، رحمت و مهربانی که به وسیله آن از رحمت و مهربانی هرکه غیر توست بی نیاز گردد، و او را با هر که دوست دارد و ولیّ اوست محشور گردان.

دعای چهل و ششم: دعای حضرت علیه السلام در توسل جستن به واسطه ایشان علیه السلام در ساعت هشتم روز

ای بهترین فرا خوانده شده، ای بهترین کسی که مورد درخواست است، ای کسی که نور روز به برکت نام مبارکش تابیدن گرفت، و به واسطه نامش تاریکی شب به تاریکی گرایید، و به برکت نام مبارکش باران سیل آسا روان شد، و به اولیاء و دوستانش هر خیر و برکتی را روزی فرمود، ای خدایی که نورش بر آسمانها علوّ و برتری پیدا کرده، و پرتو و روشنایی اش زمین را فرا گرفته، و رحمت و مهربانی اش شرق و غرب عالم را در بر گرفته است، ای گسترنده جود و بخشش، به حق ولیت علی بن موسی الرضا _ که درود و سلام خدا بر او باد _ از تو می خواهم و حضرتش را پیشاپیش حاجات و نیازهایم به پیشگاهت واسطه می کنم، در حالی که (در واقع) گرایش و دعا و نیایش من به سوی توست، که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی، و به وسیله حضرتش علیه السلام (امور) مرا کفایت کنی، و مرا از هر آن چه در تمام سفرهایم، و در صحراها و سرزمین های خشک، و دشت ها و دره ها و تپه ها و جنگل ها، و کوه ها

وَالشَّعابِ وَ البِحارِ، یاواحِدُ یا قَهَّارُ، یاعَزیزُ یا جَبَّارُیاسَتَّارُ، وَاَن تَفعَلَ بِناماَنتَ اَهلُهُ.

ص: 238

و گردنه ها و دریاها از آن می ترسم و بیم دارم نجات بخشی. ای یکتا، ای بسیار غلبه کننده و چیره شونده، ای عزیز نیرومند، ای مسلط و قدرتمند (و) ای بسیار پوشاننده (عیوب و گناهان)، و (از تو می خواهم) که نسبت به ما آن چیزی را انجام دهی که خود اهل آنی (و به صلاح ما می دانی).

ص: 239

پی نوشت:

1) وبإسناده علیه السلام عن آبئه: عن رسول الله صل الله علیه و آل وسلم قال: من قال حین یدخل السوق: «سُبحانَ اللهِ، وَالحَمدُللهِ،وَلا اِلهَ اِلّا الله وَحَدَهُ، لا شَریکَ لَهُ... اُعطی من الأجر عدد ما خلق الله إلی یوم القیامه» (تقدّم فی الصحیفه النبویّه)

2) « علی ذلک قادر» خ.

3) حسناً مُعجباً.

4) آل عمران: 194 – 190.

5) المؤمَّل.

6) المؤمنون: 97 و98.

7) فی المصدر: سیئاتهم و کذا، بعده، والظاهربقرینه الکلام کما فی المتن.

8) «إنَّکَ علی ذلک قادر» م.

9) قبس من سوره الحج: 18.

10) وإذا أردت الحجّ عن غیرک فقل: اللَّهُمَّ اِنّی اُریدُ الحَجَّ عَن فُلانِ بِن فُلانِ – فسمّه – فَیَسِّرهُ لی، و تَقَبَّلهُ مِن فُلان.

11) وإذا أردت أن تطوف عن أحد من إخوانک أتیت الحجر الأسود: فقلت: بِسمِ اللهِ، اللَّهُمَ تَقَبَّل.

12) وفی بعض النسخ«واصعد علیه حذاء البیت، وکبّر سبعاً او ثلاثاً، وقل:»

13) وبإسناده قال: قال رسول الله صل الله علیه و آل وسلم: یا علیّ وإذا صلّیت علی طفل فقل: اللَّهُمَّ اجعَله لابویه سَلفاً وَاجعَلهُ لَهُما فَرَطاً... – (تقدّم فی الصحیفه النبویّه الجامعه).

14) طه: 55.

15) كان علىّ بن الحسين عليهما السلام إذا اَدخل الميّت القبر قام على قبره ثم قال: اللّٰهُمَّ جافِ الاَرضَ عَن جَنبَيهِ، وَصَعِّد عَمَلهُ، مِنکَ رِضواناً.تقدّم فى الصحيفه السجاديه دعاء (106).

ص: 240

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109